

## گره‌های صنعت از جمالزاده تا امروز

با یادداشت‌ها و گفت‌وگوهایی از:

- حسین سلاح‌ورزی
- علیرضا کلاهی صمدی
- حسین ساسانی
- محمد شاکینی
- حسام مقدمعلی
- سید عبدالوهاب سهل آبادی
- آرمان خالقی
- کیوان جعفری تهرانی
- علیرضا شهیدی
- سیامک حاج سید جوادی
- محمد رضا جورابچی
- محسن نقاشی
- آرش مجبی نژاد



# فولاد هرمزگان در مسیر توسعه

دهم تیر ماه؛ روز صنعت و معدن گرامی باد

۰۵

احداث مگا مدول  
چهارم احیا  
مستقیم به میزان  
یک میلیون و ۶۰۰  
هزار تن در سال



۰۴

احداث مگا مدول  
احیا مستقیم  
ستاره سیمین  
هرمز به ظرفیت  
یک میلیون و ۷۲۰  
هزار تن



۰۳

احداث واحد دوم  
گازهای صنعتی به  
ظرفیت ۱۰ هزار  
نرمال مترمکعب بر  
ساعت



۰۲

احداث سیلوهای  
ذخیره سازی آهن  
اسفنجی به  
ظرفیت ۳۰ هزار تن



۰۱

احداث مگامدول  
احیا مستقیم فولاد  
هرمزگان به ظرفیت  
یک میلیون و ۷۲۰  
هزار تن



۰۹

آغاز فرایند پروژه های  
زیر ساخت های  
مرتبط مانند احداث  
واحد انباشت  
واحداث نیروگاه برق



۰۸

احداث واحد نورد  
گرم به ظرفیت  
یک میلیون و ۷۰۰  
هزارتن در سال برای  
تولید ورق گرم  
فولادی



۰۷

افزایش ظرفیت  
واحد فولادسازی و  
ریخته گری پیوسته  
به ظرفیت سه  
میلیون و ۲۰۰ هزار  
تن مذاب در سال



۰۶

احداث واحد سوم  
تولید گازهای  
صنعتی به میزان  
هزار نرمال  
مترمکعب در ساعت





BAHMAN  
شرکت سیبا موتور

**FAW**

**J7**



گرامی باد  
روز صنعت و معدن

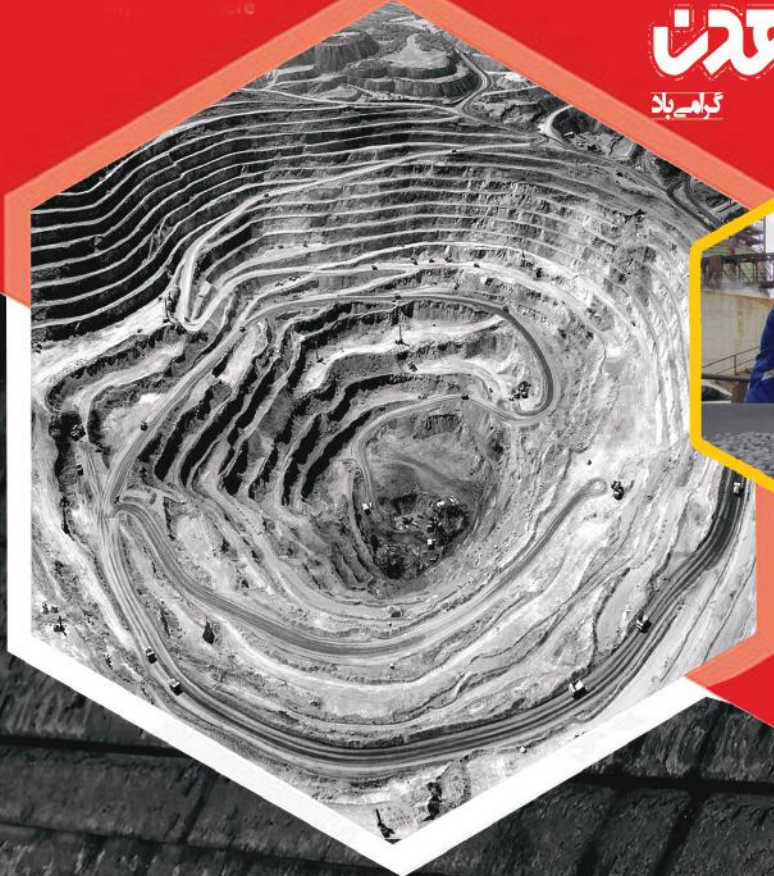
[www.bahman.ir](http://www.bahman.ir)



روزنامه

# صنعت معدن

گرامر باد



## تولید پیش از



میلیون تن

محصولات زنجیره فولاد



- کسب رتبه اول از نظر بهره وری کل عوامل تولید،  
 و رتبه اول از نظر شاخص بازده فروش در گروه  
 فلزات آهنی کشور در بین ۵۰۰ شرکت برتر ایران  
 - ثبت بالاترین میزان تولید گندله آهن و شمش فولادی  
 - درآمد فروش ۶۰۳،۷۴۱ میلیارد ریالی  
 - افزایش ۳۸ درصدی درآمد فروش نسبت به سال ۱۴۰۱  
 - صادرات ۱۷۷،۷۶۵ هزار تن انواع شمش فولادی

موفقیت های  
سال ۱۴۰۲



از فردا  
برای امروز

فدکس  
FADAX



021-9200-2044 | Fadax.ir

**باشگاه سبک زندگی فدکس**  
اعتباری برای "همیشه"



# دستگاه بریکت

دستگاه ساخت بریکت شرکت دانش بنیان بین المللی معدنی و صنعتی سی پی جی پارس بر اساس نیاز کارخانه های فولادسازی و جهت تبدیل غبار حاصل از عملکرد دستگاه های غبارگیر کیسه ای در طول خطوط انتقال مواد اولیه و سالن اصلی فولادسازی به بریکت و استفاده از آن در کوره های فولادسازی علاوه بر تبدیل ریزدانه آهن اسفنجی به بریکت ساخته شده است. این شرکت موفق به تولید بریکت با خلوص بالاتر همچنین عدم اضافه کردن مواد دیگر (چسب و...) شده است و سایز بریکت  $12 \times 13$  CM و حدوداً چهار تا پنج کیلو وزن دارد. علاوه بر آنکه در بریکت های ساخته شده با دستگاه ابداعی شرکت سی پی جی پارس از چسب های مرسوم استفاده نمی شود، دانسیته و تراکم این بریکت ها حدود دو برابر بریکت های ساخته شده با دستگاه های مرسوم (رولر پرس) است که این مسائل باعث می شود بر خلاف بریکت های مرسوم که به علت دانسیته پایین قابلیت عبور از پتوی سرباره ایجاد شده در کوره قوس الکتریکی را ندارند، کاملاً در ذوب نفوذ کنند و بازدهی بسیار بیشتری داشته باشند.

مزیت دیگر این دستگاه قابلیت تولید با سایز و اندازه و مشخصات مورد نظر کارفرما بوده که این تبدیل با کمترین هزینه ممکن و کمترین زمان ممکن است.

با توجه به جمیع تعاریف، دستگاه های مرسوم بریکت سازی که در کارخانه های مختلف فولادسازی و احیا سال هاست مورد استفاده قرار می گیرند، برای تولید بریکت از نرمه و ریزدانه آهن اسفنجی توسعه یافته و هیچ کدام از برندهای مشهور، دستگاهی برای تولید بریکت حاصل از دستگاه های غبارگیر نساخته است که یکی از دلایل منحصر به فرد بودن دستگاه ساخت شرکت سی پی جی پارس این مشخصه و این قابلیت است که مقایسه فنی و مالی این دو دستگاه را غیرممکن می کند.





## دستگاه سولارواش

شرکت دانش بنیان بین المللی معدنی و صنعتی سی پی جی پارس با توجه به نیاز مبرم کشور به تامین برق در حال حاضر و در طول سال های آتی و با هدف بومی سازی تولید، دستگاه شست و شوی مکانیزه سایت خورشیدی را طراحی و تولید کرده که تجهیز مذکور در بازه یک ساله گذشته در سایت خورشیدی ۱۰ مگاواتی امید ۱ شهر اردکان استان یزد (شهید فخری زاده) به جهت شست و شوی پنل های خورشیدی مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به اتصال برنامهریزی شده نیروگاه های جدیدالتاسیس این شرکت شامل نیروگاه های امید ۲ اردکان و امید ۳ بهاباد در تابستان سال ۱۴۰۳ و وجود دانش فنی ذخیره شده در این شرکت ناشی از طراحی و اجرای صفر تا صد تجهیز توسط کارشناسان داخلی، علی رغم ساختار بسیار متفاوت نیروگاه جدید با نیروگاه قبلی موجود (تفاوت گسترده در نوع و ابعاد پنل های خورشیدی و سازه های خورشیدی متحرک سایت ۱۰ مگاواتی امید ۱ در مقایسه با سازه های خورشیدی ثابت امید ۲ و امید ۳) عملیات طراحی ساخت ماشین شست و شوی مکانیزه جدید مختص سایت های خورشیدی ۱۰ مگاواتی این شرکت در مرحله اجرایی است.

با توجه به ماهیت نیروگاه خورشیدی، کثیف شدن سطح پنل ها ناشی از گرد و خاک، طوفان شن یا فصولات پرندگان به کاهش جذب انرژی خورشیدی توسط پنل ها و در نتیجه کاهش تولید انرژی خورشیدی می انجامد که این مهم در برخی موارد می تواند تا سقف ۱۰ درصد از تولید تعیین شده اولیه نیروگاه های خورشیدی را کاهش دهد. به همین دلیل شست و شوی سریع، در دسترس و بهینه نیروگاه های خورشیدی که با مصرف پایین آب و انرژی همراه باشد، از جمله مهم ترین برتری های روش شست و شوی مکانیزه با استفاده از ماشین های شست و شوی می توان به امکان شست و شوی تر و خشک (به فراخر نوع کثیفی پنل های خورشیدی) سرعت بالای شست و شوی (با هدف شست و شوی ۱۰ روز یک سایت خورشیدی ۱۰ مگاواتی) و مصرف پایین آب مورد نیاز پروسه شست و شوی (حدود ۲۰ متر مکعب به ازای هر سایت خورشیدی ۱۰ مگاواتی) اشاره کرد.

با عنایت به تجربه و سبقه این شرکت در تولید دستگاه های شست و شوی سایت های خورشیدی و قابلیت انجام اصلاحات سریع و تولید ماشین آلات جدید در بازه کوتاه مدت شرکت سی پی جی پارس با هدف رفع نیاز شرکت های بهره برداری و سرمایه گذاری داخلی در جهت برگزاری جلسات معرفی تجهیز، مشاوره خرید و همکاری در فرآیندهای مهندسی و طراحی تجهیز و نیروگاه (با تمرکز بر روش شست و شوی مکانیزه) اعلام آمادگی می کند.



## مقایسه میزان تولید در ۵ ماه ابتدای سال مالی ۱۴۰۳ با مدت مشابه سال قبل



↑ **۱۳,۳%**

افزایش **۱۳/۳ درصدی** میزان تولید نسبت به سال قبل



کلوخته سنگ آهن

↑ **۲۰,۱%**

افزایش **۲۰/۱ درصدی** میزان تولید نسبت به سال قبل



دانه بندی

↑ **۱۷,۴%**

افزایش **۱۷/۴ درصدی** میزان تولید نسبت به سال قبل



کنسانتره

↑ **۴۰,۴%**

افزایش **۴۰/۴ درصدی** میزان تولید نسبت به سال قبل



گندله

(سال نام)

شرکت معدنی و صنعتی گوارزمین  
Goharzamin Mining and Industrial Company  
روابط عمومی و امور بین الملل



G O H A R Z A M I N



# تولید ایمن و پاک از معدن تا شمش فولادی



شرکت فولاد میجران ایرانشین  
SISCO  
روابط عمومی و امور بین الملل



[www.Sisco.Midhco.com](http://www.Sisco.Midhco.com)



[sisco.ir](https://www.instagram.com/sisco.ir)

MIDHCO



مروری بر عملکرد سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران  
در دولت سیزدهم

## افتتاح و راه اندازی فاز ۱۴؛ ایرانی ترین فاز پارس جنوبی

به منظور تولید روزانه ۵۰ میلیون مترمکعب گاز شیرین، ۷۷ هزار بشکه میعانات گازی، ۲۹۰۰ تن گاز مایع (پروبان و بوتان)، ۲۷۵۰ تن اتان و ۴۰۰ تن گوگرد؛ انجام داخلی سازی ۷۰ درصدی کالاهای خاص برای توسعه فاز ۱۴ پارس جنوبی به ارزش ۱۷۴ میلیون یورو (برای اولین بار در کشور) و اشتغال زایی **۳۶۴۳ نفر** در زمان بهره برداری

پیشرفت **۷۰/۵** درصدی عملیات اجرایی طرح های سرمایه گذاری در دست اجرا  
با هدف توسعه مناطق کم برخوردار و ایجاد اشتغال

تحقق **مشارکت مردمی** در اجرای طرح های سرمایه گذاری  
در مناطق محروم از طریق پذیره نویسی در بورس و جلب مشارکت **۵۶** درصدی  
شرکت چادرملو و **۱۹** درصدی شرکت توسعه معادن و فلزات در اجرای  
طرح تولید تابر در استان سیستان و بلوچستان

افزایش **۳۲** درصدی آموزش نیروی انسانی در بخش صنعت

افزایش میانگین **۶۲** درصد تولید انواع محصولات در شرکت های  
مجموعه ایدرو

عارضه یابی **۱۰۵** واحد صنعتی با هدف بازسازی و نوسازی آن ها، پیگیری  
تامین منابع مالی به منظور کاهش مصرف انرژی، افزایش کیفیت تولیدات و رقابت داخلی

طرح نوسازی ناوگان حمل و نقل با اسقاط **۱۸۰** هزار دستگاه خودرو از ابتدای دولت سیزدهم

جذب سرمایه گذاران بخش خصوصی از طریق واگذاری **۳۰/۲** هکتار زمین منطقه ویژه اقتصادی  
گرمسار در قالب **۱۳** قرارداد با هدف ایجاد ظرفیت های تولیدی در مناطق ویژه اقتصادی

انجام **۱۴۰** مورد تسهیل گری و بهم رسانی با هدف رفع نیازهای فناورانه واحدهای صنعتی از طریق شرکت های دانش بنیان

بزرگداشت «دهه تولید و تجارت» و «روز صنعت و معدن»

# هفت پروژه پیشران اقتصادی هلدینگ سرمایه گذاری و فلزات



شرکت سرمایه گذاری  
توسعه معادن و فلزات

افتتاح  
شد

## پروژه افزایش ظرفیت ۳۶۶ مگاواتی نیروگاه سمنان



نام شرکت: شرکت پویا انرژی نگین سبز خاورمیانه  
هزینه اجرا: ۳۱۰ میلیون یورو

نیروگاه شهید باکری سمنان از نوع سیکل ترکیبی است که فاز دوم آن با ظرفیت ۳۶۶ مگاوات با حضور رئیس جمهور، شهید آیت الله رئیسی در فروردین ۱۴۰۳ به بهره برداری رسید و ظرفیت نیروگاه را به ۷۳۰ مگاوات رساند.

۴

### کارخانه تولید آهن اسفنجی ۱/۶ میلیون تنی بیجار



نام شرکت: شرکت صنایع فولاد کردستان  
هزینه اجرا: ۱۱۳/۸ میلیون یورو + ۴۰۳ میلیارد ریال  
محل اجرا: استان کردستان، شهرستان بیجار

۱

### کارخانه تولید آهن اسفنجی ۱/۱ میلیون تنی آرتاویل



نام شرکت: مجتمع آهن و فولاد الماس آرتاویل  
هزینه اجرا: ۱۱۰ میلیون یورو + ۲۰۰۰ میلیارد ریال  
محل اجرا: استان اردبیل، شهر اردبیل

۵

### کارخانه گندله سازی ۹۲۰ هزار تنی صبا امید



نام شرکت: شرکت صبا امید غرب خاورمیانه  
هزینه اجرا: ۱۸ میلیون یورو + ۱۵۰۰۰ میلیارد ریال  
محل اجرا: استان کردستان، شهرستان بیجار

۲

### کارخانه تولید کنسانتره ۲ میلیون تنی صبانور



نام شرکت: شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور  
هزینه اجرا: ۹۴/۸۱ میلیون یورو + ۳۱۲۱۳ میلیارد ریال  
محل اجرا: استان کردستان، شهر قروه

۶

### کارخانه تولید آهن اسفنجی ۱/۱ میلیون تنی فولاد اقلید



نام شرکت: شرکت فولاد اقلید پارس  
هزینه اجرا: ۱۰۴/۶ میلیون یورو + ۶۳۵۰۰ میلیارد ریال  
محل اجرا: استان فارس، شهرستان اقلید

۳

### کارخانه تولید فولاد و نورد ۱ میلیون تنی قروه



نام شرکت: شرکت صنایع فولاد کردستان  
هزینه اجرا: ۳۳۳/۶ میلیون یورو + ۲۹۰۴۱ میلیارد ریال  
محل اجرا: استان کردستان، شهر قروه



شرکت معدنی و  
صنعتی چادرملو



شرکت ملی  
صنایع مس ایران



مجتمع فولاد مبارکه  
اصفهان



شرکت معدنی  
صنعتی کل گهر



هلدینگ نفت  
و گاز پارسین



شرکت صنایع پتروشیمی  
خلیج فارس



شرکت سرمایه گذاری  
توسعه معادن و فلزات

روابط عمومی شرکت سرمایه گذاری توسعه معادن و فلزات



## پاستا

تولیدکننده ۷۰ نوع از محصولات پاستا، لازانیا، پودرکیک و سس پاستا



## فروکتوز، گلوکز، مالتودکسترین، نشاسته ذرت

تولید کننده انواع محصولات برپایه نشاسته ذرت



## کانفکشنری

تولیدکننده انواع شکلات، کیک، ویفر و بیسکویت



## آرد

تولیدکننده انواع آرد گندم



## روغن

تولیدکننده انواع روغن سالاد و پخت و پز

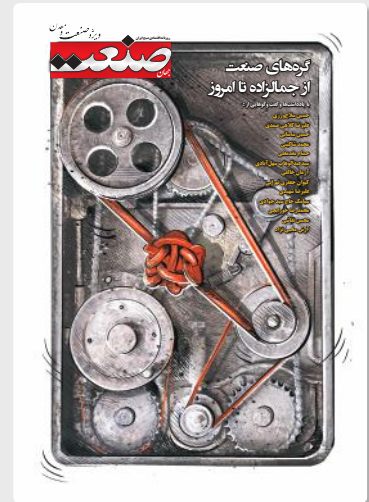


## کود

تولیدکننده انواع کود طبیعی مایع



۱۰	صنعتی شدن چینی
۱۱	دولت آینده و عقل معاش
۱۲	راز افول صنعت
۱۴	صنعت در ادامه سال ۱۴۰۳
۱۵	صنعت در ورطه فروپاشی
۱۶	سند به بایگانی سپرده شده
۱۸	نبود اراده سیاسی از جمالزاده تا امروز
۱۹	آرد کامل با گندم استاندارد
۲۰	دگرگونی های دولت در پویش زمان
۲۴	صنعت در تله ارز
۲۶	در جست و جوی توسعه صنعتی
۲۸	تولید؛ پاشنه آشیل اقتصاد کشور
۳۰	اکتشاف با مشارکت بخش خصوصی
۳۲	دست معدنکار بسته است
۳۴	لزوم اصلاح بخشنامه ارز نیمایی
۳۶	حمل و نقل از معضلات صادرات سنگ ایران
۳۸	تصمیم های یک شبه و رکود تولید
۴۰	ضربه بی ثباتی به بخش معدن
۴۲	دولت تکلیف زغالی ها را روشن کند
۴۴	کلاف سردرگم کشف ذخایر معدنی
۴۶	سوءمدیریت؛ بحران فولادی ها
۴۸	آزادسازی پهنه ها در ابهام
۵۰	سرمایه گذاری معدنی در محاق
۵۲	تولیدکننده خوب قربانی می شود
۵۵	صنعت غذا در محاصره ترکیه و عربستان
۵۶	بهره وری و توسعه یافتگی
۵۸	کسب و کارها باید پلی به معنای زندگی کاربران باشند
۵۹	سرمایه گذاری در معدن و صنایع معدنی سر آغاز جهش اقتصادی است
۶۰	بالا و پایین خودروسازی
۶۲	قطعه سازی و استراتژی بقا
۶۴	قیمت گذاری دستوری، سراب سیاستگذار
۶۷	بایدهای فراموش شده صنعت تاپر
۶۸	کلنگ زنی بی هدف
۷۰	سقوط سرمایه گذاری صنعتی
۷۲	رمز ماندگاری در بازار



طرح جلد: ثنا حسین پور

## روزنامه معدن و صنعت



**مدیر مسوول:** محمد رضا سعدی  
**قائم مقام مدیر مسوول:** سمانه سادات خرمگاه  
**رئیس شورای سیاست گذاری:** محمدصادق جنان صفت  
**شورای سردبیری:** الهه بیگی - خاطره وطن خواه - نادر کریمی جونی  
**علی کریمی - علیرضا سعدی**  
**دبیر ویژه نامه:** منیر حضوری - فاطمه رحیمی  
**دبیر اجرایی:** محمود مختاریان  
**همکاران ویژه نامه:**  
 سپیده سادات خرمگاه - فاطمه امیراحمدی - بنیامین نجفی  
 نادر نینوایی - احسان نیازمند - علی حسینی - محمد رضا ستاری  
 نسترن یوسف بکیان - مهدیه بهارمست - هما میرزایی - مریم خرمگاه  
 احسان جنان صفت - مهدیه پهلوانی - مریم جلالی - آرشا کاظمی  
 سهیلا سعدی - منصوره نصرتی کرکندی  
**مدیر روابط عمومی:** غلامرضا غفارزاده  
**بازرگانی:** مهسا باقری - زینب علمی  
**مدیر فنی و هنری:** بهروز حاتمی امین  
**صفحه آرایی:** مهدی میرعبدل برزی - سمیه حاتمی امین  
**عکس:** احسان کاظمی  
**ویراستاری:** نازیلا افسری - نازنین حاتمی - کیومرث عبدی  
**طیبه اخلاقی**  
**حروفچینی:** اعظم متولی  
**امور انفورماتیک:** سجاد رسولی - بابک حیدری  
**تدارکات و توزیع:** جعفر رضایی - نورالدین کرامتی  
**مهدی میرزا پور - حامد شعبانی**  
**علیرضا سپهرزاد - منصور خدادوست**  
**خدمات:** کریم درنواز - خلیل چراغ پیر

**نشانی:** خیابان شیخ بهایی جنوبی  
 روبه روی مسجد بقیه الله - بن بست سامان - پلاک ۴  
**تلفن:** ۸۸۰۶۰۳۱۷ - ۸۸۰۴۹۶۵۰  
**نمبر:** ۸۸۲۱۰۷۶۳  
**سازمان آگهی ها:** ۸۸۰۵۰۲۸۶۸۸۰۵۰۶۸۴ : ۰۹۱۲۳۹۷۶۶۰۴

[www.jahanesanat.ir](http://www.jahanesanat.ir)

پیامک: ۳۰۰۸۳۸۸

لیتوگرافی و چاپ: پیمان نواندیش

## صنعتی شدن چینی

یادداشت

شد. تحریم البته برای کاسیان آن سودآور بوده است؛ این مساله قابل کتمان نیست ولی وقتی پای منافع ملی به میان می‌آید، دل هر ایرانی وطن‌پرستی به درد می‌آید که می‌بیند منابع کشور به جای آنکه صرف توسعه زیرساخت‌ها شود، هزینه واردات خط تولید محصولات چینی از خودرو گرفته تا صنایع دیگر می‌شود. نفت که در شرایط تحریم مهم‌ترین درآمد کشور به شمار می‌آید، با ارزان‌ترین حالت ممکن نسبت به سایر رقبا در اختیار چینی‌هایی قرار می‌گیرد که برای ما تعیین می‌کنند، پول نفت را چطور و چگونه در اختیارمان قرار دهند. اگر اراده کنند، خط تولید خودروهای دست‌چندم‌شان را به ما داده یا اجازه می‌دهند قطعات خودروهای مونتاژی وارد شود.

این شرایط تازه که چینی‌ها برای صنعت ایران ترسیم کرده‌اند در مقایسه با اهداف و سیاست‌هایی که برای صنعتی شدن ایران ترسیم شده بود، بیانگر ورود به دنیای دیگری است؛ گویی صنعتی شدن و توسعه صنعتی ایران در گرو اراده چینی‌هاست که آیا به ایران اجازه تولید یا مونتاژ محصولاتشان را می‌دهند یا نه.

به زودی دولت چهاردهم بر مسند کار می‌نشیند؛ دولتی که با این تصویر از صنعت روبه‌رو است که هم باید رشد ۸/۵ درصدی را محقق کند و هم آنچه چینی‌ها می‌گویند و می‌خواهند، اجرا کند، نه زنجیره توسعه‌ای شکل گرفته و نه ساختار دولت اجازه تغییرات می‌دهد. از یاد نبریم که توسعه صنعتی در شرایط تحریم راه به جایی نخواهد برد، اما ادامه شرایط کنونی هم توسعه صنعتی را شکل نخواهد داد.

توسعه در این کشورها از مسیر تحریم‌ها نگذشته، بلکه وابسته به صنایع دست‌چندم کشورهای دیگر نیز نشده‌اند و صنعت انگلی برای اقتصادشان دست و پا نکرده‌اند. بی‌شک رسیدن به رشدها و جهش‌هایی که کره جنوبی یا مالزی پشت‌سر گذاشته‌اند، برای اقتصاد ایران آن هم در شرایط ناگوار تحریم، به سادگی عملی نیست. علاوه بر تحریم، در سیاستگذاری صنعتی هم با به‌هم‌ریختگی و سردرگمی مواجه هستیم که گاه یک مسیر اشتباه چندین بار تکرار می‌شود؛ یک بار پیمان‌سپاری ارزی قانون می‌شود، یک بار حذف می‌شود، دوباره برمی‌گردد و همچنان دور تسلسل‌هایی از این دست در اقتصاد ایران تکرار می‌شود. هیچ دولتی هم حاضر نیست از تجربه پیشینیان درس بگیرد و به عبارتی دوباره چرخ را اختراع نکند.

ماحصل این تکرارها، چنین شده که برنامه هفتم که باید برنامه‌ای پایانی و به عبارتی فینال صنعتی شدن ایران بعد از ۲۰ سال باشد، صنعت در آن فراموش شده و تنها رشد ۸/۵ درصدی بدون پیش‌شرط و پیش‌نیاز هدف‌گذاری شده است. در چنین فضای ابهام‌آلودی که صنایع نمی‌دانند به کجا می‌روند، قاعدتا نمی‌توان انتظار معجزه رشد ۸/۵ درصدی را داشت.

تاثیر تحریم‌ها بر کند شدن مسیر توسعه صنعتی، خود مثنوی هفتاد من کاغذ است. هنوز هم گروهی بر این ایده اصرار می‌کنند که می‌توان کشور را در شرایط تحریمی به توسعه‌یافتگی رساند و دریغ و درد از یک نمونه و الگوی روشن در دنیا که نشان بدهد، با ایزوله شدن و قطع ارتباط با دنیا می‌توان توسعه‌یافته

توسعه صنعتی در نگاه کلی از مسیر اجرای درست و دقیق برنامه‌ها و اراده‌ای که کار را جدی بگیرد، قابل تحقق است، قطع به یقین طی کردن همین مسیر هم نیازمند فراهم کردن بسترهای لازم برای اجرای برنامه‌هاست. مادامی که مسیر سنگلاخ و پر از دست‌اندازهای قانونی، حقوقی و بین‌المللی باشد، توسعه صنعتی شکل نخواهد گرفت.

از سه دهه گذشته و همزمان با مسیری که دولت‌سازندگی برای توسعه صنعتی ایران در پیش گرفت، بارها برای صنعتی شدن ایران برنامه‌ها و کتاب‌های متعدد به نگارش درآمد. تیم‌های کارشناسی هزاران ساعت کار کارشناسی انجام دادند، تجربه کشورهایی که در این مدت به توسعه صنعتی دست یافتند، مورد بررسی قرار گرفته است، اما در نهایت امروز در سال‌های پایانی چشم‌انداز ۲۰ ساله و آغاز هفتمین برنامه توسعه، توسعه صنعتی نه‌تنها هنوز در ابتدای راه است، بلکه آنچه تحت عنوان صنعت در کشور ما از آن یاد می‌شود، مونتاژکاری است؛ مونتاژکاری که به طرز عجیبی به صنایع بی‌کیفیت چینی وابسته است.

هر زمان که صحبت از توسعه صنعتی به میان می‌آید، اغلب کارشناسان این مثال را مطرح می‌کنند که ایران و کره جنوبی توسعه صنعتی را با هم آغاز کردند، اما امروز کره جنوبی فرسنگ‌ها از ایران فاصله دارد. فقط کره جنوبی نیست که ایران از آن دور مانده، تجربه نزدیک‌تر مالزی است که با فاصله کوتاهی از ایران به رشدهای اقتصادی بالا دست یافت و مسیر توسعه‌یافتگی را به سرعت پشت‌سر گذاشت.

بازخوانی تجربه‌های این کشورها به روشنی نشان می‌دهد که نه‌تنها



محمدصادق جنان صفت

در روزهای تازه‌سپری شده کاندیداهای ریاست‌جمهوری که خود را آماده نبرد در هشتم تیرماه می‌کردند، درباره اینکه می‌خواهند به مردم کمک کنند و می‌خواهند یارانه بدهند بسیار صحبت کردند. آنها جوری حرف می‌زدند که گویا شهروندان ایرانی عقل معاش ندارند و دولت باید به آنها اعانه دهد.

پرسش بنیادین این نوشته کوتاه این است که عقل معاش مردم برای خودشان بیشتر فایده دارد و کارسازتر است یا عقل دولت؟ برخی باور دارند عقل دولت بیشتر از عقل مردم است و بسیاری از آزاداندیشان خلاف رای قبلی را دارند. این مقوله بیشتر از هر جا در ایران به مساله تبدیل شده است. دولتمردان ایرانی با تبلیغات پر شمار به ایرانیان می‌گویند به دولت ایمان داشته باشند. این یک خصلت در میان آنها شده است که وقتی به هر دلیل به یک مقام مهم در دولت منصوب می‌شوند انگار یادشان می‌رود که تا همین چند وقت پیش از انتصاب یک فرد عادی بودند و رفتار و گفتارشان همانند سایر شهروندان بود و این شجاعت را نداشتند که به ده‌ها میلیون نفر دیگر راه یاد بدهند و به آنها توصیه کنند چه کنند یا چه نکنند؟ ایرانیان اما وقتی به مقامی دست می‌یابند به جای اینکه وظیفه و ماموریت سازمانی که مسوولیت آن را بر دوش گرفته‌اند را با کارآمدی انجام دهند در نخستین فرصت‌هایی که به دست می‌آورند شهروندان را اندرز می‌دهند که این کار را نکنند و آن کار را نکنند که روزگارشان خوش باشد یا روزگارشان ناخوش نشود. این گروه از ایرانیان که در دولت سیزدهم

نیز حاضر هستند در این روزهایی که شهروندان ایرانی به دلیل نرخ تورم شتابان کالاها به دلیل نوسان‌های دلار ناراحت و ناشاد هستند با سخنان خود نمک بر زخم آنها می‌پاشند و دردشان را افزون می‌کنند. به طور مثال همه روسای بانک مرکزی در ایران هنگامی که پای در دوره ریاست بر بانک مرکزی می‌گذارند بارها به مردم می‌گویند و پافشاری دارند که قیمت هر دلار آمریکا به صورت واقعی کمتر از قیمتی است که در بازار وجود دارد و از شهروندان می‌خواهند دلار خریداری نکنند یا به بازرگانان می‌گویند دلار خود را زیر قیمت بازار به ما بفروشید. حالا چرا به این نتیجه می‌رسند و چرا شهروندان باید دلار خود را به قیمت دلخواه آنها بفروشند را توضیح نمی‌دهند. بسیار دیده شده است که مقام‌های سیاسی بدون اینکه امور تحت مدیریتشان اقتصادی باشد نیز می‌گویند قیمت هر دلار به کمتر از عدد دولت اعلام کرده می‌رسد و به مردم اندرز معیشتی می‌دهند یا می‌گویند بازار سهام بازار خوبی است یا به بازار خودرو وارد نشوید و... شهروندان ایرانی که در این فضای پر از شبکه‌های اجتماعی که خبرهای هر رویدادی را به سرعت برق و باد دریافت می‌کنند با شنیدن این دست خبرها به نهاد دولت و به دولتمردان بی‌اعتمادتر می‌شوند. در این روزها که هر مدیر ارشد دولتی راه را برای فرار سازمان خود باز می‌کند و رفتار و گفتارش بر پایه نجات حوزه مسوولیت خویش است این مقوله بیشتر به چشم می‌آید. شهروندان ایرانی اما اندرزهای روسای کل بانک مرکزی را البته جدی نخواهند گرفت زیرا به تجربه دیده‌اند وقتی رییس کل سابق بانک مرکزی بارها خبر از ارزان شدن قیمت دلار به پول ایران داد، این اتفاق نیفتاد. شهروندان ایرانی این روزها با خود می‌گویند اگر حتی از بانک دولتی وامی می‌گرفتند و نرخ بهره آن وام ۳۰ درصد هم بود و آن وام دریافت‌شده را دلار می‌خریدند در یک دوره ۶ ماهه نرخ سود چندبرابری به دست می‌آوردند و ضمن پرداخت اصل و سود وام دریافت‌شده سود هنگفتی نیز نصیبشان می‌شد.

حتی اگر یک شهروند ایرانی در شروع به کار دولت سیزدهم و در آخر تابستان ۱۴۰۰ هر دلار را ۲۳۰۰۰ تومان خریداری می‌کرد و در بازار فعلی به ۵۰۰۰۰ تومان می‌فروخت بیشتر از ۱۰۰ درصد سود می‌کرد که از نرخ سود همه بازارها بیشتر است. واقعیت این است که در ایران نخبگان مدیران ارشد دولت و روشنفکران باور ندارند منفعت فردی به آدمی چنان انگیزه و نیرویی می‌دهد که در مقام یک نفر آدم روزگار خوش یا ناخوش خود را بهتر از فرد دیگری تشخیص می‌دهد. نخبگان ایرانی به نادرستی درباره عقل معاش شهروندان داوری دارند و همواره بر این باورند که مردم نیاز به پند و اندرز آنها به عنوان مدیر ارشد دولتی دارند. این یک باور نادرست است که در نهایت وقتی با استفاده از نیروهای مرموز در هر جامعه‌ای به فرمان حکومتی و خواسته حکومت و دولت و به نبرد نابرابر تبلیغاتی میان شهروندان و نهاد دولت تبدیل می‌شود شاید در کوتاه‌مدت به زیان شهروندان باشد اما تجربه نشان داده است آنچه عقل معاش شهروندان به آن رای می‌دهند برترین شناخت بوده است. کاش در این فضای به شدت غبار آلود داستان نرخ ارز و نرخ دلار می‌شد مجادله کارشناسی بدون هیچ محدودیتی توسط منتقدان و دولت برگزار شود و این ادعا که عقل معاش یک جامعه بالاتر از عقل معاش چند مدیر دولتی بود و هست، اثبات شود.

حالا که دولت در چنبره دشواری‌ها گرفتار شده و به چشم می‌بیند داستان‌هایش عاقبت خوشی نداشته است شهروندان کمی و فقط کمی جسورتر و اقتصادی‌تر از بازار دوری می‌کنند. تجربه همه دهه‌های اخیر از شروع کار دولت احمدی‌نژاد تا امروز شهروندان به چشم دیده‌اند نرخ هر دلار از ۱۰۰۰ تومان سال ۱۳۸۴ به ۶۰ هزار تومان افزایش یافته است.

یک محاسبه ساده نشان می‌دهد نرخ سود سرمایه‌گذاری در دلار از ۱۳۸۴ تا امروز به طور متوسط بسیار شگفت‌انگیز بوده و هر کس به اندرزهای روسای بانک مرکزی عمل نکرده، برده است. عقل معاش شهروندان را نباید برای بلندمدت کم‌انگاشت و تصور کرد شهروندان کم می‌دانند.



آمارهای رسمی حکایت از چشم‌انداز منفی بخش تولید تا پایان ۱۴۰۳ دارد

## راز افول صنعت

بنیامین نجفی- مشکلات و چالش‌های بخش صنعت و تولید طی سالیان گذشته به‌مدی مزمن برای اقتصاد ایران تبدیل شده است. این چالش‌ها البته در دو بعد داخلی و خارجی از متغیرهای مختلف اثرپذیرفته و سبب شده است که امروز در وضعیت نامساعد و نامطلوبی قرار بگیرد. در سه سال گذشته که دولت سیزدهم با شعار رونق تولید و راه‌اندازی چرخ صنعت کشور روی کار آمد البته وضعیت با شیب تندتری به سمت نزول حرکت کرد. تقریباً تمامی آمارها و گزارش‌های مراکز رسمی از جمله مدیران خرید (شامخ) و گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس و موسسه مطالعات بازرگانی وزارت صمت این گزاره را تایید می‌کنند که وضعیت صنعت روبه افول است و چشم‌انداز فعالان و مدیران نیز برای آینده چندان روشن نیست.

لحاظ توسعه صنعتی و توسعه صادرات روزبه‌روز بیشتر شده است. کشورهای منطقه از جمله عربستان، عمان، ترکیه، قطر و امارات موفق شدند با سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی استراتژی بلندمدت توسعه صنعتی و معدنی تعریف کنند و سطح رشد اقتصادی‌شان را به سطوح بالا برسانند. در ایران اما به دلیل وجود دو بال تحریم‌های خارجی و تحریم‌های داخلی کسب‌وکارها به‌ویژه کسب‌وکارهای جدید و نوپا و مستقل با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند که زمینه رشد و بالندگی آنها را از بین برده است. بررسی‌های میدانی و همین‌طور مطالعه گزارش‌های کارشناسی از جمله گزارش مدیران خرید (شامخ) در ماه‌های گذشته حاکی از چشم‌انداز منفی مدیران بنگاه‌ها در آینده است. از سوی دیگر و در بخش بازرگانی خارجی تراز تجاری کشور در سال ۱۴۰۲ به بیشترین کسری خود رسید. گمرک ایران با اعلام جزئیات صادرات و واردات در سال گذشته، کسری تجاری را نزدیک به ۱۷ میلیارد دلار اعلام کرد.

در دولت سیزدهم اما سیاست‌های کشور، نه در بخش تولید و نه در حوزه کسب‌وکار، تغییری در جهت مثبت نداشته است. با وجود برخی اصلاحات مشخص در حوزه تجارت و صادرات، تغییر مسیر بخش تولید کماکان در سیاست‌های دولت مغفول مانده، ضمن اینکه تحول محسوسی در فضای کسب‌وکار حاصل نشده است. اتاق بازرگانی ایران که از زمان پیروزی مرحوم ابراهیم ریسی،

بخش مولد اقتصاد را به دنبال داشته است. البته باید اشاره داشت که محیط کسب‌وکار در ایران طی سال‌های گذشته با چالش تکراری مواجه بوده که دست‌وپای فعالان اقتصادی، تولیدکنندگان و صادرکنندگان را بسته است. طی بیش از یک‌دهه گذشته یعنی از سال ۱۳۹۰ تا به الان چندین شوک ارزی، تورم‌های بالا، تحریم‌های خارجی، مشکل تامین مواد اولیه و ملزومات خطوط تولید، چالش انرژی از جمله قطعی برق و گاز در تابستان و زمستان، تخصیص ارز و ثبت‌سفارش و... از جمله چالش‌های فعالان کسب‌وکار در ایران بوده است. اگرچه برخی از این چالش‌ها سابقه طولانی تری دارند اما از سال ۱۳۹۷ و به‌طور خاص‌تر از سال ۱۴۰۰ به بعد فعالان اقتصادی با نوع جدیدی از چالش‌ها روبه‌رو شدند که سبب شده امکان برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و بلندمدت از آنها گرفته شود. این عدم برنامه‌ریزی در وهله اول آسیب خود را به کمیت و کیفیت تولیدات و در وهله دوم به بازارهای صادراتی وارد آورده است. بازارهایی که در دهه‌های گذشته به‌طور سنتی در اختیار ایران بود طی چندسال گذشته شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که این بازارها تا حدود زیادی از دست رفتند و رقابتی ایران توانستند در آنها پیشی بگیرند. باوجود مزیت‌های مختلفی که از منظر منابع و نیروی انسانی در ایران برای توسعه کسب‌وکارها وجود دارد اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که فاصله ایران با رقبای منطقه‌ای به

آنچه واضح به‌نظر می‌رسد این است که زمانی که حال تولید و صنعت خوب نباشد، طبیعی است که حال اقتصاد در ابعاد کلان هم خوب نخواهد بود. انواع و اقسام موانع داخلی و خارجی زمینه را به‌گونه‌ای فراهم کرده‌اند که صنعت و تولید از یک‌سو و تجارت خارجی از سوی دیگر به عنوان دو بال مکمل هم نتوانستند آنطور که باید در چند سال گذشته زمینه را برای رونق کسب‌وکارها و رشد اقتصادی مهیا کنند. در عین حال افت کیفیت تبدیل به پاشنه آشیل توسعه صنعتی ایران شده است. در ارزیابی و بررسی دلایل افت کیفیت تولیدات صنعتی کشور، به عواملی برمی‌خوریم که تابعی از فضای بین‌المللی، ملی و بخش تولید در داخل است. تحریم و موانع واردات تکنولوژی، کمبود نقدینگی، انحصار، سرکوب قیمتی، تورم و افت قدرت خرید مصرف‌کننده، خود تحریمی و سیاست‌های بی‌ثباتی که افق سرمایه‌گذاری در بخش مولد را تیره و تار کرده، در کنار فقدان استراتژی صنعتی، از اصلی‌ترین موانعی است که توان ارتقای کیفیت را از بنگاه‌ها سلب کرده و افول رتبه ایران در شاخص رقابت‌پذیری صنعتی را به دنبال داشته است. همچنین بررسی روند تورم بخش صنعت طی دو سه سال اخیر نیز روندی نوسانی را نشان می‌دهد که حاکی از غلبه بی‌ثباتی‌ها بر فضای اقتصاد کشور است؛ بی‌ثباتی‌هایی که با ارسال پالس منفی به سرمایه‌گذاران، روند نزولی سرمایه‌گذاری در

از سال ۱۳۹۷ و به‌طور خاص‌تر از سال ۱۴۰۰ به بعد فعالان اقتصادی با نوع جدیدی از چالش‌ها روبه‌رو شدند که سبب شده امکان برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و بلندمدت از آنها گرفته شود



مسائل تخصیص  
ارز، ثبت سفارش و  
دسترسی به موارد  
اولیه همچنان جزو  
دغدغه‌های بزرگ  
بنگاه‌ها محسوب  
می‌شود. روند شامخ  
کل اقتصاد در  
اردیبهشت ۱۴۰۳  
نشان می‌دهد که  
سطح فعالیت‌های  
اقتصادی در این  
ماه نسبت به ماه  
فروردین، پس از  
حذف اثر فصلی،  
اندکی بهبود  
داشته و در بخش  
صنعت نیز اغلب  
فعالیت‌های صنعتی  
نسبت به ماه قبل  
شرایط بهتری را  
تجربه کرده‌اند

منفی بر تولید است. در شرایطی که سطح تورم بالاست، پایین نگه داشتن نرخ سود بانکی می‌تواند تقاضای کاذب برای تسهیلات بانکی را تشدید و دسترسی شرکت‌های تولیدی به تسهیلات را مختل کند. براساس آمار شرکت‌های بورسی، در دوره‌هایی که نرخ واقعی سود مثبت بوده، رشد تولید شرکت‌های با محدودیت مالی - که وابستگی بیشتری به تسهیلات بانکی داشتند - در مقایسه با سایر شرکت‌ها بهتر از دوره‌هایی بوده که نرخ واقعی سود تسهیلات بانکی منفی بوده است. در حالی که اتخاذ سیاست انقباضی و افزایش نرخ بهره اصلی‌ترین ابزار کنترل تورم به شمار می‌رود، افزایش هزینه استقراض بنگاه‌های تولیدی همواره یکی از انتقادات اصلی به افزایش نرخ بهره سیاستی از سوی بانک‌های مرکزی بوده است. از این منظر، سیاستگذار پولی همواره تحت فشار قرار دارد که افزایش نرخ بهره بر بخش واقعی اقتصاد و اشتغال اثر منفی بر جای می‌گذارد. با این حال بررسی شواهد ۴۰۷ شرکت بورسی در بازه ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد از سال ۹۵ تا امروز، که نرخ بهره اسمی ثابت نگه داشته شده، نسبت هزینه مالی به هزینه عملیاتی همواره کاهش یافته و از ۷ درصد به ۱/۵ درصد تنزل یافته است. با اطمینان می‌توان ادعا کرد که جایگاه ابزار نرخ بهره به عنوان ابزار کنترل تورم تثبیت شده است. این اتفاق می‌تواند به دلیل کاهش تقاضای سفته‌بازی تسهیلات بانکی و افزایش دسترسی به تسهیلات بنگاه‌ها در دوران نرخ واقعی سود مثبت باشد بنابراین برای تعیین یا هدایت نرخ سود بانکی از مجاری مختلف، باید ملاحظات مربوط به اختلال در تخصیص تسهیلات بانکی در شرایط نرخ واقعی منفی سود بانکی و کم‌اهمیت بودن باز هزینه مالی نرخ سود تسهیلات در شرایط فعلی لحاظ شود. به نظر می‌رسد توجه به این دو نکته مهم می‌تواند تا حد زیادی مسیر پیش‌روی سیاستگذار جهت بهبود وضعیت نظام بانکی، کنترل تورم و رشد بنگاه‌های کشور را تعیین کند.

ایران، پژوهشکده بانک مرکزی و موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی مشخص شده است. اینچنین که تحریم‌های بین‌المللی شرایط سخت و شکننده‌ای به بنگاه‌های صنعتی کوچک و بزرگ تحمیل کرده وضعیت این بخش را نامطلوب کرده است اما به عنوان نمونه گزارش شامخ اردیبهشت ماه (آخرین گزارش منتشره شده شامخ) از باقی ماندن وضعیت بنگاه‌های اقتصادی در شرایط مشابه فروردین ماه حکایت دارد. مسائل تخصیص ارز، ثبت سفارش و دسترسی به موارد اولیه همچنان جزو دغدغه‌های بزرگ بنگاه‌ها محسوب می‌شود. روند شامخ کل اقتصاد در اردیبهشت ۱۴۰۳، نشان می‌دهد که سطح فعالیت‌های اقتصادی در این ماه نسبت به ماه فروردین، پس از حذف اثر فصلی، اندکی بهبود داشته و در بخش صنعت نیز اغلب فعالیت‌های صنعتی نسبت به ماه قبل شرایط بهتری را تجربه کرده‌اند. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، باوجود بهبود نسبی وضعیت بنگاه‌های اقتصادی در اردیبهشت‌ماه، عدم تخصیص ارز به مواد اولیه و قوانین جدید در خصوص ثبت سفارش واردات می‌تواند در ماه‌های پیش‌رو، دسترسی به مواد اولیه را محدود کند و به‌طور جدی روند بهبود وضعیت اقتصادی و خصوصاً وضعیت بخش صنعت را تحت تأثیر قرار دهد اما در این میان اگر چالش تامین ارز و تامین سرمایه در گردش برای صنایع ادامه بیابد یا تشدید شود، وضعیت از این هم نامناسب‌تر خواهد بود. این در حالی است که عقب‌ماندگی فناورانه نسبت به دنیا و وجود استهلاک نیز در حال آسیب رساندن به صنایع کشور است. بر این اساس می‌توان گفت بعید است در سال ۱۴۰۳ صنعت بتواند موتور برای رشد اقتصادی کشور باشد. باتوجه به وضعیت موجود پیش‌بینی می‌شود نرخ رشد اقتصادی کشور از میانگین ۲/۹ درصد طی سال‌های آینده به ۳ و حتی ۲/۵ درصد کاهش یابد که برای آینده صنعت اصلاً خوبی نیست.

برخی کارشناسان اما معتقدند یکی از نکاتی که کمتر در مورد افول بخش صنعت و تولید مورد توجه قرار گرفته، اثر منفی نرخ بهره

پیوسته به مقامات عالی دولت سیزدهم در حوزه سیاستگذاری توصیه‌هایی ارائه کرده، رونق تولید را در گرو اجرای برخی اقدامات دانسته است. دلیل تأکید بر این اقدامات که مورد اجماع بسیاری از اقتصاددانان نیز بوده، ایجاد بستری فراگیر در اقتصاد بود که تولید، صنعت، شروع کسب‌وکار و هر نوع فعالیت اقتصادی را تنظیم و با تضمین رقابت و شفافیت، سرمایه‌گذاری را تحریک کند. در این راستا «کاهش مداخلات دولت در اقتصاد»، «رفع تحریم و باز کردن محدودیت بانکی از دست و پای اقتصاد ایران»، «کاهش بوروکراسی اداری و تسهیل واقعی کسب‌وکار» در کنار «جذب سرمایه خارجی و تقویت تولید صادرات‌محور با ارزش افزوده بالا» از مهم‌ترین پیشنهادهایی بود که اجرای آنها از سوی فعالان بخش خصوصی و برخی اقتصاددانان به دولت سیزدهم ارائه شد اما چندان جدی گرفته نشد ولی به طور خاص در مورد بخش صنعت باید اشاره داشت که سهم ۹۲ درصدی صنایع کوچک و متوسط در اشتغال، تولید و صادرات، موضوعی است که جایگاه این مراکز در اقتصاد کشور را نشان می‌دهد. صنایعی که تا پیش از این بسیار تأثیرگذار بودند اما به علت مشکلات این سال‌ها، بخشی از آنها، راکد و به حالت کما در آمده‌اند. حال آنکه اشتغال‌زایی و زودبازده بودن از مهم‌ترین ویژگی‌ها و مزایای صنایع کوچک به شمار می‌آید. از سوی دیگر بخش صنعت در یک دهه گذشته به یک بیماری حاد مبتلا شده که بارزترین نشانه این بیماری، کاهش توان اشتغال‌زایی بوده است. طبق داده‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، رابطه بین رشد تولید بخش صنعت و رشد اشتغال واحدهای صنعتی معکوس و نرخ اشتغال صنعتی در سال‌های اخیر، بسیار ناچیز بوده است. پدیده‌ای که در ایران طی دو سه سال اخیر بسیار پررنگ شده است. ایران باوجود صنایعش به‌ویژه فراوانی صنایع کوچک، با چنین بیماری حادی دست‌به‌گریبان است. طبق گزارش‌های مراجع رسمی تحقیقاتی و آماری، تحت تأثیر عوامل متعدد داخلی و خارجی به‌ویژه تحریم‌ها بوده است. این واقعیت به‌طور شفاف از طریق گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، مرکز آمار





## صنعت در ادامه سال ۱۴۰۳

علیرضا سعدی - بهار ۱۴۰۳ آمد و رفت. در این سه ماه تازه سپری شده هیچ رخداد بزرگ و بنیادینی در بخش صنعت ایران دیده نشده است. به نظر می‌رسد در تابستان و حتی شاید در پاییز امسال نیز به دلیل رخداد ناراحت‌کننده سانحه هلی‌کوپتر و شهادت سید ابراهیم ربیعی وضعیت اقتصاد ایران و به دنبال آن وضعیت صنعت نیز تکان بالنده‌ای را تجربه کرد. حقیقت این است پیش از رخداد یادشده نیز وضعیت به گونه‌ای نبود که بتوان امیدوار بود. فعالان اقتصادی در بخش خصوصی به ویژه بخش صنعت که فعالیت‌هایی آشکار و روی زمین است، روزهای پرابهامی را پشت‌سر می‌گذارند و این روزها می‌خواهند بدانند چه باید بکنند؟ آیا راهی برای فهمیدن تحولات آتی در ادامه سال وجود دارد؟ به این معنی که آیا فعالان صنعتی می‌توانند از میان ابر و مه و غبار پراکنده در سپهر سیاست و اقتصاد سیاسی چیزی را ببینند و برپایه آن برنامه‌ریزی کنند. برخی شاید باور نداشتند برای سال ۱۴۰۳ می‌توان برنامه‌ریزی کرد و از این کار اجتناب کرده و راهبرد مدیریت روزمره در دستور کار قرار داشته و باور دارند باید هر روز برپایه رخدادها و احتمالاتی درباره آن روز تصمیم گرفت. این گروه باور دارند اقتصاد کلان در ایران به اندازه‌های آشفته است که واقعا نمی‌توان برای ادامه سال برنامه‌ریزی کرد. این گروه می‌گویند برنامه‌ریزی در شرایط بی‌ثباتی تصمیم‌گیری‌های نهادی مسوول کاری بیهوده است. گروه دیگری اما باورشان این است که بهترین راه برای برنامه‌ریزی روند دگرگونی‌های سیاستگذاری از سوی نهادهای اصلی فرماندهی و نیز برخی شاخص‌های دیگر است. به طور کلی این گروه باورشان این است که از پس هر رویدادی می‌توان راه‌های کارآمدتر را یافت.

معنی که اگر نوری از این فانوس راه‌های برون‌رفت از بحران را نشان داد آنها نیز تندتر پارو بزنند. واقعیت این است که سیاست خارجی ایران به گونه‌ای آرایش یافته است که بر رفتار کلی نهادهای مسوول از جمله دولت اثرات غیرقابل انکار دارد. اقتصاد ایران در کانون سیاست خارجی قرار دارد و تا روزی که تحریم گسترده اعمال می‌شود نباید انتظار داشت صنعت ایران به ویژه از نظر تعامل با جهان در حوزه بازارها و تکنولوژی راهی پیدا کند. به این ترتیب است که قدرت رقابت‌پذیری ایران در تولید صنعتی در برابر رقبا پایین می‌ماند. تحریم همچنین کار را برای توسعه صادرات به شکل عادی سخت می‌کند. ادامه تحریم صادرات نفت ایران این وضعیت که دولت به سوی بخش خصوصی رو کند تا از آنها مالیات بگیرد یا آنها را وادار کند قیمت‌گذاری دستوری را قبول کنند، افزایش می‌دهد. ادامه تحریم‌های ایران از سوی غرب راه را برای ورود سرمایه خارجی همچنان مسدود می‌کند و از این نظر نیز بنگاه‌های صنعتی نمی‌توانند به سرمایه ارزی مناسب دست پیدا کنند. نتیجه گیری: شاید در دنیای بیرون از ایران رخدادهایی را شاهد باشیم که صنعتگران ایرانی را از روزهای سخت رها کند اما در داخل چنین روزنه‌ای را نمی‌بینیم. صنعتگران ایرانی همانطور که در بالا توضیح داده شد در ادامه سال ۱۴۰۳ با دولتی سختگیر و تحریم‌هایی ویرانگر باید دست‌وپنجه نرم کنند. برنامه خوش‌بینانه را باید کنار گذاشت و واقعیت‌ها را دید.

تغییرات احتمالی دسترسی کامل داشت. دولت‌های ایران دیگر فاقد استقلال مفید از دیگر نهادهای هستند و در داستان بودجه علاوه بر شورای نگهبان شاهد دخالت‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام هستیم. با این همه می‌توان حدس زد دولت در ادامه می‌خواهد هر جور که شده این کمبودهای احتمالی را با افزایش مالیات‌های گوناگون پر کند. دولت ایران در حال حاضر برای پر کردن سوراخ‌های بودجه چشم به جیب و صندوق بنگاه‌ها و شهروندان دوخته است. حالا ایرانیان فهمیده‌اند که نقش سیاست خارجی در زندگی و کسب‌وکارشان بسی فراتر از چیزی بوده و هست که رویش حساب باز کرده‌اند و به همین دلیل صنعتگران ایرانی نیز باید در این باره خوب بیندیشند و برنامه‌ریزی کنند. در صورتی که بخواهیم توصیه کارشناسان به صنعتگران داشته باشیم باید با صراحت بنویسیم که امیدی به رفتار کارآمد از سوی دولت برای صنعتگران وجود ندارد. صنعتگران باید روی پای خود بایستند و همه زور خود را جمع کنند تا سال ۱۴۰۳ را نیز از سر بگذرانند. دولت براساس اندیشه‌ای که بر آن حاکم است قصد ندارد راهی به سوی خارج باز کند و فشار مالیاتی شدیدی بر بخش صنعت خواهد آورد. دولت در ۱۴۰۳ با هدف مهار تورم درباره ارز سختی‌های بیشتری بر تولید صنعتی تحمیل خواهد کرد. **تحریم تحریم‌گر** صنعتگران ایرانی برای اینکه بتوانند مسیرها و روندها را در ایران پیگیری کنند باید به سیاست خارجی همچون فانوس دریایی نگاه کنند. به این

شهروندان ایرانی نیز همانند دیگر آدمیان در دنیای امروز دوست دارند بدانند فردا و فرداهایی که می‌آیند باید چشم‌انتظار کدام رویدادها باشند تا بتوانند برنامه‌های برای کسب‌وکار و زندگی خود دست کم در چارچوب دگرگونی‌های آینده سرزمین‌شان آماده کنند و کمتر آسیب‌پذیر باشند. باید گفت شوربختانه به دلایل گوناگون در ایران که نهادهای پژوهشی مستقل از نهادهای اصلی قدرت وجود عینی ندارند، این پیش‌بینی‌ها بسیار اندک است. علاوه بر این، نهادهای پژوهشی دولتی نیز نتایج دستاوردهای خود را به روی افکار عمومی باز نمی‌کنند و اجازه ندارند پژوهش مستقل از اراده دولت داشته باشند. این وضعیت راه را برای گمانه‌زنی‌ها از سوی نهادهای خصوصی و نیز از سوی کسانی که آشنایی و تخصص در یک رشته دارند، به شکل روزافزونی خودنمایی می‌کنند. یکی از راه‌های پیش‌بینی کردن درباره آینده در ایران بررسی‌های کارشناسانه روی بودجه سالانه بوده و هست. به این معنی که این پدیده اراده دولت را در قالب اعداد در هر موضوعی به شکلی ترسیم می‌کند و مدیران بنگاه‌ها با بررسی این اعداد می‌فهمند در ادامه سال در کجا باید و باید چه کاری کنند یا چه کاری نکنند. در سال‌های گذشته که مجلس و دولت زاویه نگاه داشتند این بودجه‌ها راهنمای بهتری برای تغییرات احتمالی را می‌دادند اما هنوز بودجه سال ۱۴۰۳ در ابهام است و در حالی که بهار نیز گذشته، بودجه با تحولات عجیب روبه‌رو شده است. واقعیت این است که نهاد دولت دیگر آن استواری پیشین را در تنظیم بودجه سالانه ندارد و نمی‌توان از این راه به

دولت براساس اندیشه‌ای که بر آن حاکم است قصد ندارد راهی به سوی خارج باز کند و فشار مالیاتی شدیدی بر بخش صنعت خواهد آورد. دولت در ۱۴۰۳ با هدف مهار تورم درباره ارز سختی‌های بیشتری بر تولید صنعتی تحمیل خواهد کرد

## صنعت در ورطه فروپاشی



**علیرضا کلاهی صمدی\*** - در حال حاضر بخش صنعت کشور با چالش‌های متعددی دست به گریبان است، در این میان ابر چالش این بخش نبود بازار در حوزه‌های مختلف است، از یک سو در حوزه بی‌تویی (B2B) با کاهش بسیار شدید بودجه‌های عمرانی و پروژه‌های زیرساختی کشور مواجه است و از سوی دیگر عدم سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی بازار را به نابودی کشانده است، در این میان، در حوزه بی‌توسی (B2C) نیز کاهش قدرت خرید مردم بازار را به ورطه فروپاشی کشانده است.

در این میان با افزایش نرخ ارز شرکت‌های توانمند کشور نتوانستند صادرات مطلوبی داشته باشند اما تحریم‌ها، ارتباطات بانکی و پیمان‌سپاری ارزی از یک سو و مشکلات زنجیره تامین کالا از سوی دیگر عملاً باعث شده است که شرکت‌های ایرانی از بازارهای منطقه‌ای حذف شوند و با تمام این موانع توان رقابت با کشورهای چینی، آمریکا، عربستان، امارت را نداشته باشند.

دور افتادن از تحولات جهان و رقابت‌های بازار و عدم دسترسی به بازارهای صادراتی دنیا باعث شده تا بنگاه‌ها در یک دور باطل قرار بگیرند و به بازار ایران محدود شوند، این محدودیت فرصت رشد و توسعه از نظر کمی و کیفی را از صنایع گرفته است.

در دو سال اخیر یکی از چالش‌های کشور، اتخاذ تصمیمات خلق‌الساعه و کارشناسی نشده و ساده‌انگارانه‌ای بوده که مرتب صادر شده و برای صنعت دست‌انداز ایجاد کرده و باعث نابودی اطمینان فعالان اقتصادی نسبت به چشم‌انداز کاری خود شده است.

قیمت‌گذاری دستوری در بازار داخلی نیز در حوزه‌های مختلف به ویژه حوزه خودرو یک مساله جدی است، از سوی دیگر واردات کالاهایی که در داخل تولید می‌شود به خصوص کالاهای واسطه‌ای بازار ترجیحی نیز یک عدم تعادل جدی در بازار به وجود آورده است چراکه هزینه‌های تولیدکننده داخلی با نرخ دلار بازار آزاد یا بالاتر محاسبه می‌شود.

توسعه تجارت با شرایط فعلی داخل کشور یک پیش نیاز ضروری برای بقای شرکت‌هاست، به علاوه اینکه اساساً یکی از مشکلات ریشه‌ای صنعت ایران عقب ماندن از بازارهای بین‌المللی است که به نحوی انگیزه و دانش لازم برای افزایش بهره‌وری و بهبود رقابت‌پذیری را از شرکت‌ها گرفته است.

زیرساخت‌هایی که بر این توسعه صنعت موردنیاز است در درجه اول، ارتباطات بانکی است که با شرایط موجود عملاً غیرممکن شده و به ناچار تجارت تبدیل به تجارت چمدانی شده است. به این معنا که اگر یک شرکت ایرانی بخواهد با یک‌سری شرکت خارجی خود را رجیستر کند، وارد وندور لیست‌ها شود و تاییدیه‌های لازم را بگیرد نیز غیرممکن شده است.

در مورد صنعت برق یکی از چالش اصلی در این حوزه دریافت گواهی‌نامه‌های بین‌المللی است

که هیچ کدام از آزمایشگاه‌های معتبر بین‌المللی اساساً کالای ایرانی را قبول نمی‌کنند.

در بخش صنعت صدها میلیارد دلار هزینه کرده‌ایم اما در هیچ زنجیره جهانی جای مشخصی نداریم که یکی از دلایل ناکارآمدی مهاجرت نیروهاست. ما در حوزه پتروشیمی هم بازیگر تعیین‌کننده‌ای نیستیم و متوسط صادرات ما از عربستان حدود ۳۵ درصد کمتر است. با نامساعد شدن شرایط، بسیاری از صنعتگران کشور را ترک کرده‌اند. دولت جدید برای اصلاح این مسیر نادرست، چه برنامه‌ای خواهد داشت؟ سوءمدیریت در حوزه صنعتی از دولت نهم آغاز شد و تا به امروز ادامه پیدا کرده است؛ این ضرورت وجود دارد که در حوزه صنعت، قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار مدنظر قرار گیرد و در این مسیر از نگاه و مشاوره بخش خصوصی استفاده کنید.

تثبیت نرخ ارز مهم‌ترین عاملی بود که چرخه معیوب صنعت را کلید زد. در واقع این شرایط از انتهای دوره دولت اصلاحات شروع شد و در دولت‌های بعد تشدید و تداوم یافت. در نهایت صنعتگران بزرگ به سمت صنایع منبع‌محور رفتند و بخش قابل توجه سرمایه‌ها به حوزه مسکن سوق پیدا کرد. از طرفی از سال ۹۷ تاکنون حدود ۲۳ درصد از ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد بازنگشته است و طبق بررسی‌ها حدود ۲۵ درصد صادرکنندگان بیش از ۶۰ درصد ارز خود را بازگردانده‌اند، در نتیجه بخش واقعی تولید با بازگشت ارز مشکلی ندارند.

در این میان، مهم‌ترین پیش شرط برای رشد صنعتی کشور، حل مشکلات تحریمی است چراکه در شرایطی که کشور تا این اندازه ایزوله و منزوی باشد عملاً هم از بازارهای صادراتی و از طرفی از ارتباط با زنجیره ارزش جهانی که تامین‌کننده بازارهای مختلف برای کشور است، حذف می‌شویم.

عملکرد وزارت صمت در دولت سیزدهم چندان مناسب نبوده است چراکه این وزارت در خصوص تقسیم منابع محدود فعلی کشور نتوانسته است در مقابل تصمیمات غیرمنطقی بانک مرکزی ایستادگی کند و این امر باعث آسیب به بخش صنعت و کاهش جدی صادرات

صنعتی کشور شده، از طرفی این وزارت در این شرایط که کشور با محدودیت جدی منابع روبه‌رو است نیز نتوانسته مانع برخی پروژه‌های غیرمنطقی و بدون آینده مانند تولید موبایل که فقط برای کسب رانت طرح‌ریزی شده‌اند، شود. تنها راه توسعه اقتصادی کشور، توسعه صنعتی است اما در حال حاضر صنعت ایران در بن‌بست قرار گرفته است. در حال حاضر به صنایع مونتاژی موبایل، ۳۶۰ میلیون یورو ارز داده شده که این مبلغ می‌تواند گره از مشکلات صنعت باز کند، به این شیوه صنعت کشور رشد نمی‌کند.

در شرایطی که دولت حتی موفق نشده است برای مثال بورس کالا را کنترل کند و نرخ موثر دلار در مواد اولیه کلیدی صنعت مانند پلیمر و فلزات اساسی گاه‌گاه معادل نرخ بازار آزاد و بالاتر است و از سوی دیگر انتظار اینکه واردکننده ارز خود را وارد سامانه و با قیمت‌های غیرواقعی عرضه کند، کاملاً شرایط عجیبی را به وجود آورده که فعالیت صادراتی شفاف را غیرممکن ساخته است؛ صادراتی که مقدار اندک آن عمدتاً مواد اولیه و... است و نیمی از صادرات صنعتی از طریق کارت‌های اجاره‌ای انجام می‌شود.

روند توسعه صنعتی در ایران خلاف روند توسعه صنعتی دیاست. امروزه عمده ارزش‌افزوده در صنایع ساخت‌محور با فناوری بالا ایجاد می‌شود و صنایع منبع‌پایه تنها سهم ۲۲ درصدی در ایجاد ارزش‌افزوده دارند و متأسفانه صنایع ایران هم بیشتر منبع‌پایه هستند و در عین حال شاهد رشد صنایع مونتاژ هستیم.

در عین حال حاکم شدن منطق در سیاست‌های ارزی، پذیرفتن واقعیت‌های بازار، برداشتن پیمان‌سپاری ارزی خصوصاً برای بخش خصوصی که بارها دربارش گفته‌ایم، برخی انتظارات ما در بخش خصوصی از دولت است. ما کاری نداریم که بخش دولتی، خصوصی و... چه کارهایی می‌کند، فقط بگذارند بخش خصوصی کار خودش را کند و مشکلات فعالان اقتصادی به‌ویژه در بورس کالا را بیشتر نکنند و به این مشکلات سروسامان دهند.

\* رییس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران



## سند به بایگانی سپرده شده

احسان جنان صفت - در حالی که مسعود نیلی و ۶۲ همکارش در دانشگاه شریف کوشش کردند و سند استراتژی توسعه را به ماه‌های آخر کار دولت دوم ختمی رساندند اما این سند بایگانی شد که شد. استراتژی توسعه صنعتی کشور از آن دست اسنادی بود که ویرایش اولیه آن با وجودی که جزو الزامات ملی و اجرایی کشور بوده و با استفاده از نظر صاحب‌نظران تدوین شده است اما در دو دوره نهم و دهم دولت کاملاً کنار گذاشته شد ولی این امر چیزی از لزوم وجود سند ملی برای توسعه صنعتی و اجرای آن کم نکرد.

در ضوابط باشیم و در هر لحظه که اقتضا کرد به نفع بخش تولید وارد میدان شویم و بعد دوباره بیشتر به نظارت و کنترل اهداف کلان بپردازیم.

### ■ آغاز تدوین نسخه سوم

با کنار گذاشته شدن سند تدوین دولت دهم، تدوین یک سند برای توسعه صنعت کشور برای سومین بار در وزارت صنعت، معدن و تجارت دولت یازدهم کلید خورد.

در تیرماه سال ۹۴ و در هجدهمین مراسم ویژه بزرگداشت روز ملی صنعت و معدن، معاون اول رییس‌جمهور از «سند راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت» رونمایی کرد.

جهانگیری در مورد نسخه جدید این سند گفت: در «سند راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت» ضمن بررسی وضعیت موجود و روند شاخص‌های مهم اقتصادی ایران و جهان به وضعیت و روند ایران از منظر شاخص‌های بین‌المللی پرداخته شده است. در این سند همچنین فرصت‌ها و چالش‌های بخش صنعت و معدن و اهداف کلی بخش و اهداف کمی بخش تبیین شده است. اولویت‌بندی رشته‌فعالیت‌ها و تعیین صنایع منتخب و اهداف کمی صادرات از دیگر موارد ذکر شده در این برنامه است اما تنها پنج نسخه از آن منتشر شده بود.

با رفع اشکالاتی که از طرف منتقدین مطرح شد نسخه دوم سند راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت منتشر شد. و این بار ۱۱ صنعت به عنوان پیش‌سران اصلی انتخاب شدند. در نسخه اولیه صنایع استراتژیک «خودرو»، «فولاد»،

راهبری صنعت، معدن و تجارت» رونمایی شد. در حالی که کمی بیشتر از یک ماه از رونمایی «برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت» کشور توسط دولت دهم می‌گذشت، مسعود نیلی، مجری تدوین نخستین استراتژی صنعتی کشور، طی اظهاراتی به شدت از نحوه تدوین برنامه راهبردی انتقاد کرد و گفت: «آنچه در سند اخیر نوشته شده را در حقیقت نمی‌توانم هویتی برایش تعریف کنم، حالا چه به لحاظ پارادایم و متدولوژی و چه از نظر حد تفصیل!

نیلی با تأکید بر طولانی بودن بازه زمانی طولانی هشت ساله و تغییرات زیرساخت اقتصادی طی این مدت گفته بود: ما برای تدوین استراتژی توسعه صنعتی از کارشناسان خیلی باتجربه یونیدو (سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد) استفاده کردیم.

وی گفت این چیزی که تهیه شده، استراتژی نیست! برنامه استراتژیک وزارت صنعت است، نه استراتژی توسعه صنعتی کشور.

محسن حاتم معاون سابق برنامه‌ریزی وزارت صنایع و معادن در نقد این سند گفت: بیشتر باید تمرکزمان را روی الزامات و ملزومات می‌گذاشتیم چون ابزار و امکان اجرای آن را نداریم. همه چیز در اختیار وزارت صنعت نیست. وزارت اقتصاد و سازمان‌های دیگر راه خودشان را می‌روند و هماهنگ کردن اینها مشکل است.

بخش خصوصی باید در این فضا تکلیف جزئیات را مشخص کند. ما باید دنبال ایجاد ثبات و شفافیت

این سند در راستای اجرای ماده یک قانون تمرکز امور صنعت و معدن مصوب سال ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی مبنی بر تکلیف تدوین سند راهبرد و سیاست‌های توسعه صنعتی به وزارت صنایع و معادن، قرارداد مطالعه سند مذکور با دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف به سرپرستی دکتر مسعود نیلی در تاریخ بیستم بهمن سال ۱۳۷۹ تنظیم و نتایج آن در مرداد سال ۱۳۸۲ تحت عنوان «مطالعات استراتژی توسعه صنعتی کشور» منتشر شد.

این سند با ماهیت چشم‌انداز ۲۰ساله و سیاست‌های کلی قانون برنامه مصوب مقام معظم رهبری و برنامه چهارم و پیش‌بینی‌های برنامه پنجم، ششم و هفتم توسعه، «سند راهبردی توسعه صنعتی کشور» تا افاق سال ۱۴۰۴ نام گرفت.

در گزارشی که از سوی معاونت برنامه‌ریزی وزارت بازرگانی سابق در سال ۸۲ منتشر شده نقش سند استراتژی توسعه صنعتی در تعیین مسیر آینده صنعت نقش قطب‌نما تعریف شده است، نه نقش مسیر.

### ■ سند استراتژی توسعه صنعتی بایگانی شد

با روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد استراتژی توسعه صنعتی به بایگانی سپرده شد. تدوین استراتژی توسعه صنعتی در دولت‌های نهم و دهم که نام آن به «برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت» تبدیل شده بود عملاً حدود هشت سال به طول انجامید و در نهایت اوایل سال ۱۳۹۲ بود که در مراسمی با حضور رییس‌جمهور وقت از «برنامه

ما برای تدوین استراتژی توسعه صنعتی از کارشناسان خیلی باتجربه یونیدو (سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد) استفاده شد



دولت دوازدهم  
با ریاست دونالد  
ترامپ در مقام  
رییس‌جمهور همراه  
شد. تحریم‌های  
گسترده دونالد  
ترامپ وضعیت  
نه چندان عادی  
کشور را به سوی  
بدترین وضعیت  
پیش راند. دولت  
دوازدهم در داخل  
نیز با مخالفت‌های  
گسترده روبه‌رو شد  
و نتوانست کاری  
انجام دهد

دریایی کشور، چهار هدف کلی در نظر گرفته شده که در این خصوص می‌توان به افزایش رقابت‌پذیری و سهم از بازار ساخت و تعمیر شناورها و سازه‌های دریایی، کسب درصد حداکثری تامین مواد و تجهیزات شناورها و سکوها دریایی، ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی و توسعه صنایع دریایی مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان و صنایع دانش‌محور اشاره کرد.

این در حالی است که محمد شریعتمداری وزیر صنعت، معدن و تجارت در جلسه بررسی صلاحیت وزرا در صحن علنی مجلس گفت: سند استراتژی صنعتی کشور دارای ویژگی‌های وفاق ملی برای توسعه صنعتی کشور است. وی قول داد که در صورت کسب رای اعتماد مجلس، ویرایش و نهایی کردن آن را در دستور کار خود قرار دهد.

#### ■ سندی نیامد

در حالی که دولت‌های احمدی‌نژاد بدون کوشش پیگیری کافی و لازم را برای تدوین سند استراتژی توسعه کارزارها کردند در دولت روحانی تاکید شد که این سند دوباره و با توجه به شرایط روز کشور و جهان تدوین خواهد شد. در وضعیتی که دولت یازدهم داشت و با توجه به اینکه همه امور دولت ختم به برجام می‌شد و درست هم بود که سند تازه در شرایط صلح نوشته شود اما این اتفاق نیفتاد. دولت دوازدهم با ریاست دونالد ترامپ در مقام رییس‌جمهور همراه شد. تحریم‌های گسترده دونالد ترامپ وضعیت نه چندان عادی کشور را به سوی بدترین وضعیت پیش راند. دولت دوازدهم در داخل نیز با مخالفت‌های گسترده روبه‌رو شد و نتوانست کاری انجام دهد.

#### ■ بی‌خیال سند

روزی که مرحوم سیدابراهیم ریسی به مقام ریاست دولت رسید و یک فرد ضعیف را به وزارت صمت منصوب کرد کارشناسان فهمیدند سندی برای استراتژی توسعه تهیه نخواهد شد. سه سال پس از اینکه دولت ریسی بر سر کار بود دولت سیزدهم به فکر نیفتاد برای صنعت استراتژی تهیه کند.

منطقه و رسیدن به رتبه پنجاهم جهان با تکیه بر رقابت‌پذیری، نوسازی و سرمایه‌گذاری همراه با توسعه فناوری و ارتقای بهره‌وری عوامل تولید را می‌توان از اهداف پیش‌بینی شده در افق ۱۴۰۴ برای این صنعت دانست.

#### برنامه راهبردی صنعت سیمان: برای این

صنعت نیز کسب جایگاه سوم جهان با ظرفیت تولید سالانه ۱۲۰ میلیون تن و رتبه اول در صادرات جهانی و ظرفیت تولید در منطقه پیش‌بینی شده است.

#### برنامه راهبردی صنعت تابر و تیوب: تولید

۷۰۰ هزار تن انواع تابر و تیوب در افق ۱۴۰۴ هدف‌گذاری شده است. برای این صنعت نیز رسیدن به جایگاه اول در منطقه و کسب ۳ درصد حجم تولید در جهان مدنظر قرار گرفته است.

#### برنامه راهبردی صنعت لوازم خانگی: بر این

اساس، چشم‌انداز این صنعت در افق سال ۱۴۰۴ با به‌کارگیری فناوری روز دنیا برای این صنعت رسیدن به حفظ جایگاه دوم منطقه، دارای نام تجاری معتبر در جهان با تولید سالانه ۱۶ میلیون دستگاه و صادرات ۳ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است.

#### برنامه راهبردی صنعت کاشی و سرامیک:

با توجه به ارزیابی صورت گرفته برای این صنعت کسب جایگاه چهارم در جهان با ظرفیت تولید سالانه ۷۰۰ میلیون مترمربع و ۲ میلیارد دلار صادرات در نظر گرفته شده است.

#### برنامه راهبردی صنعت مس: رسیدن به

جایگاه یازدهم جهان با ایجاد ظرفیت تولید سالانه ۴۵۰ هزار تن مس کاتد پیش‌بینی شده است.

#### برنامه راهبردی صنایع سلولزی: رسیدن به

رتبه ۳۲ در تولید کاغذ و مقوا، رتبه ۱۲ در تولید MDF و رتبه ۱۶ در تولید نئوپان جهان برای این صنعت در افق ۱۴۰۴ در نظر گرفته شده است.

#### برنامه راهبردی صنایع غذایی و آشامیدنی:

کسب جایگاه دوم صادرات در منطقه غرب آسیا با صادرات ۵/۵ میلیارد دلاری در سال ۱۴۰۴ هدف‌گذاری شده است.

#### برنامه راهبردی صنایع دریایی کشور:

در راستای چشم‌انداز تدوین شده برای صنایع

«نساجی و پوشاک»، «سیمان»، «تابر و تیوب»، «لوازم خانگی»، «کاشی و سرامیک» انتخاب شده بود که در نسخه دوم «مس»، «صنایع سلولزی (صنعت چوب و کاغذ)»، «صنایع غذایی و آشامیدنی» و «صنایع دریایی» نیز به آنها اضافه شده است.

این در حالی بود که گفته شد برنامه‌های راهبردی سایر صنایع منتخب در چارچوب به کار گرفته شده در حال تدوین است که پس از نهایی شدن منتشر خواهد شد.

در ویرایش آخر سند استراتژی توسعه صنعتی علاوه بر بررسی وضعیت موجود، چشم‌انداز تولید این صنایع تا افق ۱۴۰۴ اعلام و با بررسی روند شاخص‌های مهم اقتصادی ایران و جهان وضعیت روند ایران از منظر شاخص‌های بین‌المللی نیز بررسی شده است.

از سوی دیگر در این برنامه توجه به آمایش سرزمین، همچنین کم‌توجهی به فعالیت‌های اقتصادی به ویژه سرمایه‌گذاری، کاهش سهم بهره‌وری کل عوامل تولید در رشد صنعتی، اتکای بسیار بالای رشد تولیدات صنعتی به بازار مصرف داخلی، پایین بودن زمینه‌های توسعه قابلیت‌های فناوری نوین، تحریم و فاصله گرفتن از بازارها و پیشرفت‌های جهانی، خصوصی‌سازی نادرست در واگذاری‌های انجام شده، کاهش شدید تشکیل سرمایه، ناهماهنگی در سیاست‌های پولی، مالی و ارزی کشور، تشدید واردات غیررسمی، وجود قوانین مغایر با سیاست‌های توسعه صنعتی و نامناسب بودن فضای کسب‌وکار به عنوان چالش‌های پیش‌رو اشاره شده است.

هفت هدف جدید توسعه‌های تجاری و بازرگانی در رابطه با تجارت داخلی اضافه شده است که در این خصوص می‌توان به «ساماندهی شرکت‌های پخش و توزیع، سهم فروشگاه‌های بزرگ و زنجیره‌ای از شبکه توزیع، توسعه کسب‌وکارهای اینترنتی، سهم تجارت الکترونیک از تولید ناخالص داخلی، پوشش یکپارچه رهگیری و ردیابی الکترونیکی کالا و خدمات، رتبه جهانی تجارت الکترونیکی کشور و سهم واحدهای دارای صندوق مکانیزه فروش از کل واحدهای صنعتی» اشاره کرد.

#### ■ برنامه راهبردی ۱۱ صنعت در استراتژی

##### توسعه صنعتی به عنوان پیشران اصلی

برنامه راهبردی صنعت خودرو: براساس برنامه‌ریزی صورت گرفته در دومین سند راهبردی برای صنعت خودرو دستیابی به جایگاه نخست صنعت خودرو منطقه، رتبه پنجم آسیا و رتبه یازدهم در جهان با تکیه بر توسعه رقابت‌پذیری مبتنی بر توسعه فناوری پیش‌بینی شده است.

##### برنامه راهبردی صنعت فولاد: در سند منتشر

شده آمده است که فولاد یکی از محصولات مهم و استراتژیک به شمار می‌رود و سهم قابل توجهی از ارزش افزوده صنعتی را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر برای این صنعت در افق ۱۴۰۴ کسب جایگاه هفتم دنیا با تولید سالانه ۵۵ میلیون تن فولاد خام پیش‌بینی شده است.

##### برنامه راهبردی صنعت نساجی و پوشاک:

دستیابی به جایگاه سوم صنعت نساجی در





## نبود اراده سیاسی از جمالزاده تا امروز

متمنوره نصرتی کرکندی - سیدمحمدعلی جمالزاده نویسنده نامدار ایرانی که بیشتر به داستان‌نویسی نام‌آور شده است در هنگامه جنگ جهانی اول - ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی - یعنی ۱۱۰ سال پیش در برلین بود. او در این سال کتاب مهم گنج شایگان را نوشت که نخستین کتاب درباره تاریخ اقتصادی ایران است. کتاب گنج شایگان زندگی اقتصادی ایران را در دوره قاجار در برابر دیدگان ایرانیان قرار داد و به زودی نایاب شد. بخشی مهم از کتاب گنج شایگان درباره صنعت ایران است.

پیشرفته صنعتی قدیم و نیز کشورهای نوظهور صنعتی تجربه نکرده است.

بررسی‌های کارشناسان و اقتصاددانان ایرانی حاکی از این است که در ایران هرگز اراده سیاسی واحد منسجم و پر قدرتی که بتواند با هر روش کل جامعه را متقاعد کند که ایران باید صنعتی شود پدیدار نشد. در دهه ۴۰ که گفته می‌شود دهه طلایی صنعت ایران بوده است نیز متأسفانه مدیران وقت هرگز تلاش نکردند استراتژی توسعه صنعتی ایران را گونه‌ای طراحی و اجرا کنند که به کارآمدی منجر شود. اراده سیاسی در آن سال‌ها معطوف به این بود که نفر اول کشور را در بالاترین نقطه بنشاند و هرچه او اراده کرد را اجرا کند. اراده سیاسی محمدرضا پهلوی هم در دهه ۴۰ و تا

پایان سالی که در ایران حاکم بود با الزام‌های توسعه صنعتی سازگار نشد توسعه صنعتی یعنی اینکه بازار تولیدات صنعتی آزاد باشد و دادوستد جهانی را در معادلات خود بگنجد اما رژیم گذشته اراده سیاسی برای این کار نداشت و با اتکا به درآمد حاصل از صادرات نفت خام راهبرداشتباهی جایگزین واردات کار راه جایی رساند که تولید صنعتی ایران به گلخانه رفت. صنعت ایران در شرایط کمبود اراده سیاسی برای رقابت واقعی و با استفاده از رانت‌های ارزی و حمایت‌های تعرفه‌ای در موقعیت خاصی رشد کرد. نتیجه گلخانه‌ای شدن صنعت ایران چنین بود که تولیدکنندگان با پشتوانه بازار داخلی مطمئن تنها با هم رقابت کرده و بازارهای مساعد را در اختیار گرفتند. از طرف دیگر رایج شدن مصرف کالاها صنعتی با حمایت بانک‌ها، بازار را برای تولید صنعتی ایران داغ کرد. تعرفه‌های بالا نیز راه را برای ورود کالاها رقیب هموار کرد. اراده سیاسی برای صنعتی شدن واقعی حتی پس از انقلاب اسلامی نیز پدیدار نشد و تا امروز نیز نشده است. در سال‌های نخست پس از انقلاب یک اندیشه این بود که باید در کشاورزی و تولید مواد غذایی خود کفا شویم و اراده سیاسی برای گسست از این اندیشه فراهم نشد و هنوز نیز نشده است. یک اراده سیاسی نیرومند و باورمند به پیله‌های توسعه صنعتی بر جامعه ایرانی لازم بود که التزام‌های آن را در اجرا ببیند و قانون کند که فراهم نشد.

که در فاصله زمانی جنگ اول جهانی و نیز جنگ دوم جهانی سرمایه‌گذاری صنعتی را در دستور کار قرار داده‌اند به هر دلیل که می‌تواند از بازار بی‌رونق مصرف داخلی باشد تا نبود نیروی کار ورزیده کلمیاب نبوده‌اند. این مشکلی است که هم‌اکنون در ایران شاهد آن هستیم. ایران پس از سپری شدن بیش از ۱۰۰ سال تاسیس کارخانه هنوز نیز نمی‌تواند در برابر رقبای خارجی تاب بیورد و در صورتی که دست دولت از پشت آنها برداشته شود و نرخ‌های تعرفه به نرخ میانگین جهانی نزدیک شود و پاره‌پاره‌تری به آنها داده نشود و از حمایت دولت برای تثبیت نرخ مزبور خردار نباشند مثل برگ خزان به زمین می‌ریزند.

### در جاز دیم

واقعیت تلخ این است که صنعت ایران از همان دهه ۴۰ که دوران تازه‌ای را تجربه می‌کرد تا همین امروز در مقایسه با رقبای منطقه‌ای مثل ترکیه و رقبای آسیایی مثل کره جنوبی و رقبای آمریکای لاتین مثل شیلی در جا زده است. نشانه‌های در جازدن صنعت ایران پر شمارند و می‌توان به فهرستی از دلایل اشاره کرد. یکی از نشانه‌های شاخص درباره مقایسه صنعت ایران در برابر دیگران میزان حضور تولیدات صنعتی ایران در بازارهای جهانی است. آیا تولیدات صنایع لوازم خانگی ایران قابل مقایسه با تولیدات کره جنوبی است و جایی در بازارهای صادراتی دارد؟ نگاهی از سسر اشاره به ترکیب کالاهای صادراتی ایران نشان می‌دهد جز تولیدات صنایع پتروشیمی و نیز فلزات اساسی که از پاره‌های انرژی استفاده می‌کنند دیگر تولیدات صنعتی ایران در بازارهای جهانی صادرات ندارند و همین می‌تواند مهم‌ترین دلیل برای در جازدن صنعت ایران باشد. جدای از این، شوربختانه باید گفت تولیدات صنعتی ایران در داخل نیز نمی‌تواند با کالاها رقیب خارجی مبارزه کرده و در دل و ذهن مصرف‌کنندگان جایی پیدا کند.

### اراده سیاسی

حالا لازم است در ادامه به این مسأله کلونی توجه کنیم چرا ایران توسعه‌یافتگی در صنعت را همانند کشورهای

وی در شروع این بخش از کتاب خود می‌نویسد: «صنعت ایران با آنکه به علت بی‌اسبایی از رونق و شکوه قدیم افتاده باز از کار خنجارت ایران منسوجات ابریشمی و شال و مخمل دوزی و نمند و قالی و اشیای زرگری و ظروف و سفالین لعابدار و چوبینه و... از حیث ظرفیت و دوام خیلی دوام دارد ولی ارزانی و آب و تاب امتعه فرهنگی صنعت ملیه ما را مغلوب کرده و از سال‌های دور تاکنون آنچه کارخانه کافتگری و چلواربافی و شیشه‌گری و بلورسازی و قندسازی و کبریت‌سازی و چراغ گاز و غیره در این مملکت ایجاد شده بود از ناساعدتی بزرگ و سعایت همسایگان که ما را محتاج بیش مانده محصولات خود می‌خواهند به فاصله قلیلی خولیده است. در ایران حالیه کارخانه به آن معنایی که در اروپا فهمیده می‌شود جز دوسه کارخانه الکتریک در تهران و رشت و تبریز و مشهد و یک کارخانه گاز در تهران کارخانه نیست... جمالزاده با هم می‌نویسد: «از نیم قرن پیش به دفعات کارخانجات مختلفه و متنوعه در ایران ایجاد گردیده و چه به دست ایرانیان و چه به دست خارجیان و علاوه بر ایجاد کارخانه تشبثات تجارتنی عدیده نیز به عمل آمده ولی اغلب به ملاحظه بی‌تجربگی و بی‌ثباتی و مخصوصاً رقابت و اشکال تراشی دو همسایه نلمیمون (روس و انگلیس) نتیجه مطلوب به دست نیامده است.»

دکتر منوچهر فرهنگ اقتصاددان نامی ایران نیز در سال ۱۳۴۸ در کتاب زندگی اقتصادی ایران و به ویژه در بخش صنعت ایران تنگناهایی که در مسیر توسعه صنعتی ایران پدیدار شده را بررسی کرده و با ادبیاتی نو همان تنگناهایی را بر شمرده است که جمالزاده در قالب عبارات کلی و با ادبیات ۱۱۰ سال پیش نوشته بود.

از نظر این دو نویسنده نامدار ایرانی که به فاصله نیم قرن از همدیگر زندگی اقتصادی ایران را رصد کرده‌اند تنگنای اصلی صنعت ایران رقابت‌ناپذیری واحدهای صنعتی ایران در برابر رقبای خارجی خود بوده است. مدیران و صاحبان بنگاه‌های صنعتی ایران توانایی تولید کالای ممتاز با قیمت تمام‌شده رقابتی را نداشته‌اند و به همین دلیل پس از مدتی کارخانه‌ها بسته می‌شد. مالکان و مدیران کارخانه‌های ایرانی

دکتر منوچهر فرهنگ  
اقتصاددان نامی ایران  
نیز در سال ۱۳۴۸ در  
کتاب زندگی اقتصادی

ایران و به ویژه در  
بخش صنعت ایران  
تنگناهایی که در مسیر  
توسعه صنعتی ایران  
پدیدار شده را بررسی  
کرده و با ادبیاتی نو  
همان تنگناهایی را  
بر شمرده است که  
جمالزاده در قالب  
عبارات کلی و با ادبیات  
۱۱۰ سال پیش  
نوشته بود

در صنعت نان باید به لحاظ رتولوژیکی، ساختار تولید خمیر و... از گندم‌های پرپروتئین استفاده شود، گندم‌هایی که بتوان از آن نان ماکول تهیه کرد زیرا ۷۰ درصد کیفیت نهایی آرد و نان به ماده اولیه آن یعنی گندم برمی‌گردد و ۳۰ درصد باقی مانده مربوط به نوع تجهیزات و تبحر نیروی انسانی است



## آرد کامل با گندم استاندارد

مریم خرمگاه - چرا کیفیت نان‌ها مطلوب نیست؟ این مساله به چه امری برمی‌گردد؟ زمانی نان سنگک رنگ تیره داشت اما امروز رنگ روشن دارد. علت آن چیست؟ در نهایت اینکه آرد کامل چگونه محقق می‌شود؟

به گزارش «جهان صنعت»، نان در راس هرم غذایی ایرانیان قرار دارد و ۴۰ درصد از انرژی روزانه افراد از این طریق تامین می‌شود. گندم ماده اولیه قوت غالب، به عنوان کالای استراتژیک در جهان شناخته می‌شود که کیفیت آن به طور مستقیم در کیفیت نان تأثیر دارد.

سالانه حدود ۱ میلیون تن گندم برای نانوايي‌های سستی کشور (لواش، تافتون، بربری و سنگک) از سوی دولت از گندمکاران خرید تضمینی می‌شود. بر اساس اطلاعات صورت مالی شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران، طی سال ۱۴۰۱ دولت با تخفیف ۸۰ درصدی قیمت آرد، حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان زیان از محل خرید تضمینی گندم و فروش یارانه‌ای آن متحمل شده است. طبق اطلاعات صورت مالی این شرکت دولتی، بهای تمام شده گندم برای شرکت مذکور بیش از ۹۰ هزار میلیارد تومان بوده که دولت آن را کمتر از ۲۰ هزار میلیارد تومان در اختیار نانوايي‌ها برای تامین قوت غالب جامعه قرار داده است.

نرخ خرید تضمینی گندم دوروم بالاتر از گندم‌های معمولی بوده و هر کیلوگرم آن به مبلغ ۱۸ هزار تومان خریداری می‌شود و برای کارخانجات ماکارونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با معرفی این رقم‌های جدید، تعداد ارقام گندم دوروم برای اقلیم‌های مختلف کشور به ۱۳ رقم می‌رسد. یکی از راهکارها برای رسیدن به آرد کامل اصلاح بذرها و ارتقای کیفی محصول استراتژیک یعنی گندم است.

### فرصت‌سوزی ارزی

در ایران ۳۸۵ کارخانه آردسازی فعالیت داشته که به ۳۰ درصد ظرفیت و حتی کمتر فعالیت دارند، در حالی که یکی از مدرن‌ترین کارخانه‌های آردسازی در منطقه با ظرفیت بالا برای ایران است. روسیه همسایه شمالی ایران بزرگ‌ترین تولیدکننده گندم جهان است که در حال حاضر ترکیه این گندم‌ها را خریداری کرده و بازار آرد عراق را پوشش می‌دهد. بر اساس آخرین داده‌های بانک جهانی، ترکیه رتبه نخست صادرات آرد گندم در دوره ۲۰۲۲-۲۰۱۳ را به خود اختصاص داده است، در حالی که ترکیه در سال ۲۰۱۳، ۲/۱ میلیون تن آرد گندم صادر کرد، صادرات در این زمینه تا سال ۲۰۱۶ به طور مداوم روند افزایشی داشت و به ۳/۵ میلیون تن رسید. به گفته خدابخشی، نیاز گندم ایران ۱۲ میلیون تن بوده و برای پیش‌بینی وضعیت بحرانی این عدد تا ۱۵ میلیون تن می‌رسد در حالی که ظرفیت ایران ذخیره‌سازی ۲۱ میلیون تن گندم است که ۴ میلیون باقی مانده می‌تواند منجر به جذب گندم روسیه شود. در ادامه ضمن فعال‌سازی ظرفیت‌های کارخانجات آرد، این امر می‌تواند در نهایت منجر به ارزآوری کشور شود.

### سخن پایانی

بازارتی کیفی ماده اولیه نان یعنی گندم و محقق شدن استاندارد ۱۰۴ برای محصولات تولیدی داخل می‌توان امیدوار بود که کیفیت‌ها به سوی آرد کامل پیش رود و در نهایت در محصول نهایی یعنی نان نمود پیدا کند.

شده در برخی مناطق کشور دارای مواد پروتئینی ضعیف‌تر بوده و باید با گندم مقوی‌تر مخلوط شده و سپس برای آسیاب به کارخانه‌های آرد ارسال شود. به عنوان مثال تا چند سال قبل رنگ نان سنگک تیره بود اما در حال حاضر رنگ آن روشن شده است که به نوع گندم مبرمی گردد. گندم‌های تولیدی کشورهایی مانند آلمان که به لحاظ پروتئین مغذی‌تر هستند رنگ تیره و مایل به قرمز دارند که خروجی آن نان‌های باکیفیت‌تر و البته سالم‌تر برای مصرف‌کننده به شمار می‌رود.

### کیفیت آرد چگونه به دست می‌آید

رسول خدابخشی پژوهشگر حوزه غلات و کارشناس صنایع غذایی درباره کیفیت آرد گفت: کیفیت آرد عبارت است از مشخصات و خصوصیتی از آرد که روی مصرف نهایی آن و کیفیت محصولات تهیه شده، موثر باشد. بنابراین برای هر نوع محصول، آرد باید دارای کیفیت و مشخصات مخصوص بوده که برای تولید آن محصول مناسب باشد. به عنوان مثال تمام گندم‌ها مناسب تهیه نان نیستند و برخی از انواع گندم باید در کارخانه‌های صنایع غذایی برای تولید و بیفر، کیک و بیسکویت مورد استفاده قرار گیرند. وی در ادامه سخنان خود افزود: در صنعت نان باید به لحاظ رتولوژیکی، ساختار تولید خمیر و... از گندم‌های پرپروتئین استفاده شود، گندم‌هایی که بتوان از آن نان ماکول تهیه کرد زیرا ۷۰ درصد کیفیت نهایی آرد و نان به ماده اولیه آن یعنی گندم برمی‌گردد و ۳۰ درصد باقی مانده مربوط به نوع تجهیزات و تبحر نیروی انسانی است.

### ضرورت اصلاح بذر

ایران دارای ۲۵۰۰ رقم گندم بود که ۴۰۰ تا ۵۰۰ رقم آن از بین رفته است.

سال گذشته پنج رقم جدید گندم دوروم تولید و به گندمکاران معرفی شد که از ویژگی‌های بارز این ارقام عملکرد بالا، سازگاری با شرایط تغییر اقلیم در دیمزارهای مناطق معتدل و گرم، پایداری عملکرد، پروتئین بالا و مقاومت به بیماری‌های زنگ‌ها است.

به گفته مسوولان دولتی، سالانه بالغ بر ۲۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه برای تامین گندم مورد نیاز کشور پرداخت می‌شود و مصرف‌فره‌ایرانی به‌طور میانگین ۳۲۰ گرم نان در روز است. امسال با افزایش نرخ خرید تضمینی گندم از ۱۵ هزار تومان به ۱۷/۵۰۰ تومان رقم یارانه پرداختی افزایشی خواهد بود، البته به شرط اینکه قیمت نان سنتی تغییری نکند.

### تدوین استاندارد گندم و الزام ارتقای کیفی نان‌ها

ایران نزدیک به ۸/۱ میلیون هکتار زمین زیر کشت گندم دارد و دوسوم کشت دیم است، بنابراین اگر بارش مناسب باشد به لحاظ کمیت و کیفیت تولید گندم در کشور در وضعیت مناسبی خواهد بود.

سالانه رصد کیفی گندم و نان از سوی موسسه تحقیقات کشاورزی انجام می‌شود و هر سال بیش از دو هزار نان گندم از شهرهای مختلف کشور به آزمایشگاه این موسسه آمده و مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. به گفته کارشناسان این موسسه کیفیت گندم در حدود دو دهه گذشته بهبود پیدا کرده است.

گفتنی است ۲۸ بهمن ۱۴۰۰ در سازمان ملی استاندارد سه مصوبه به تصویب رسید. مصوبه نخست، اجرای اجباری استاندارد ملی ایران به شماره ۱۲۷ تحت عنوان «برنج- ویژگی‌ها و روش‌های آزمون»، دومین مصوبه مربوط به گندم و اجباری شدن استانداردهای این محصول است. بر اساس مصوبات یکصد و پانزدهمین اجلاس هیئت شورای عالی استاندارد، اجرای اجباری استاندارد ملی ایران به شماره ۱۰۴ تحت عنوان «غلات و فرآورده‌های آن- گندم- ویژگی‌ها و روش‌های آزمون» مورد موافقت قرار گرفت.

برخی کارشناسان عنوان می‌کنند که کیفیت گندم و فاصله با استانداردهای ۱۰۴ سبب شده تا نان‌های سنتی از کیفیت لازم برخوردار نبوده و پس از گذشت چند ساعت پخت قابل مصرف نباشند.

متخصصان حوزه آرد تأکید دارند که گندم کشت



دولت‌ها چه وظایفی بر عهده گرفتند

## دگرگونی‌های دولت در پویش زمان



محسن راجی‌اسدآبادی  
مدرس و پژوهشگر  
اقتصاد بخش عمومی

مساعادت به ورشکستگان، اصلاح نظام بانکی، افزایش هزینه‌های عمومی و مالیات‌ها، وضع قوانین کار، پرداخت مقرری بیکاری و... انجام داد. امروزه تنظیم‌گری و ایفای نقش فعال در حوزه بیمه‌های اجتماعی، بازنشستگی و مستمری، حمایت خوراکی، تامین حداقل معیشت، نظام‌های یارانه‌ای، آموزش، بهداشت و سلامت، مسکن و... بخش جدایی‌ناپذیر کارکردهای دولت‌ها قلمداد می‌شود. این سیاست‌ها با قبض و بسط متفاوت و وابسته به گرایش‌های اقتصادی دولت‌ها، بافت اجتماعی و ساخت سیاسی هر کشور اعمال می‌شود. سیاستگذاری اقتصادی دولت رفاه بر سه اصل استوار است: رشد اقتصادی، توازن اجتماعی و پایداری.

### ■ دولت غارتگر

«غارت» به معنی تصاحب اموال دیگران از طرق قانونی یا غیرقانونی است. این فرآیند می‌تواند ناشی از اجبار یا از روش‌های مخفیانه صورت گیرد که به موجب آن دولت قادر خواهد بود تا قسمت اعظم خراج‌های داده‌شده را به اقلیتی اختصاص دهد که به مثابه موتور غارتگر، اکثریت را چپاول کند. دولت غارتگر یا یغماگر دولتی است که نه در ذهن و نه در عمل خواهان توسعه نیست و اگر کسی هم به دنبال توسعه باشد، مانع او می‌شود. اقتصاد غارتی پیامد ناخواسته اختلال در رابطه بین حقیقت، عدالت و سلامت اقتصادی است. ثروت در یک اقتصاد غارتی با ثروت در یک اقتصاد نرمال تفاوت ماهوی دارد. ثروت در یک اقتصاد سالم، محصول

دوران صنعتی شدن در قرن نوزدهم که اقتصاد بازار به وضوح قادر نبود برای کارگران رفاهی که انتظارش را داشتند، فراهم کند، مارکس از نابودی کامل اقتصاد بازار طرفداری می‌کرد. بحران در اقتصاد سرمایه‌داری آزاد در سال‌های ۲۲-۱۹۲۹ که همراه با افزایش بیکاری، سقوط قیمت سهام شرکت‌ها، ورشکستگی، رکود و کاهش در سرمایه‌گذاری خارجی بود، تحول عمده‌ای در نظام سرمایه‌داری به دنبال آورد و جان مینارد کینز راه‌حلی را ارائه کرد: اگر دولت چارچوب درستی وضع کند، بازار می‌تواند رفاه افراد را در مواقع بحران و بروز مشکلات، فراهم کند. ایجاد یک اقتصاد بازار هماهنگ همان ایده نهفته در سیاستگذاری اقتصادی دولت رفاه بود. استدلال اصلی کینز این بود که اقتصاد سرمایه‌داری آزاد نمی‌تواند تعادل عرضه و تقاضا را برقرار کند و از این رو ذاتاً بی‌ثبات است و نمی‌تواند تقاضای موثر ایجاد کند. از همین رو دخالت دولت به منظور ایجاد تعادل در اقتصاد ضرورت می‌یابد.

راه‌حل کینز این بود که دولت باید قدرت خود را در زمینه وضع مالیات و افزایش هزینه عمومی به منظور تضمین تقاضای موثر و اشتغال کامل به کارگیرد. به‌طور کلی پس از جنگ جهانی دوم عموماً به منظور تضمین تقاضای موثر و اشتغال کامل به‌عنوان سازمان‌دهنده سرمایه‌داری تا حدی جان‌نشین مکانیسم بازار آزاد شد. در آمریکا دولت روزولت اقدامات گسترده‌ای در جهت ایجاد اشتغال،

در دنیای جدید، دولت، حاکمیت اصلی و مهم‌ترین منبع مشروعیت مقررات به‌شمار می‌رود. قواعدبازی (نهادها) نه‌تنها قوانین، هنجارها یا سازوکارهای فرهنگی - شناختی «که رویت‌شان بسیار سخت است»، بلکه مخلوطی از هر سه عنصر هستند و از آنجایی که دولت‌ها به‌طور تدریجی تکامل می‌یابند و از لحاظ پیچیدگی و نهادها مراحل مختلفی را طی کرده، مانند تمامی نهادهای اجتماعی دیگر محصول فرهنگ و شرایط اجتماعی گوناگون که نشان‌دهنده اشکال متفاوت و اهداف متعدد بوده، است. این اشکال و اهداف دولت‌ها به دلیل وابستگی به مسیر تابع زمان و مکان هستند و خود به خود برحسب تغییر شرایط قواعدبازی تغییر می‌یابند و به سختی می‌توان گفت که کدام خوب یا بد است.

از منظر صاحب‌نظران مدیریت دولتی، دولت‌ها دارای چهره‌های مختلفی هستند که می‌توان آنان را در اشکال مختلفی اعم از دولت رفاه، دولت غارتگر، دولت لیبرال، دولت نئولیبرال، دولت توسعه‌گرا، دولت سوسیال دموکرات، دولت کمونیستی، دولت مدرن، دولت توتالیتر و دولت هوشمند دسته‌بندی کرد که در ادامه قواعدبازی چهره‌های دولت را به اختصار بیان می‌دارم.

### ■ دولت رفاه

در میانه قرن هجدهم، آدام اسمیت معتقد بود دست نامرئی بازار همه چیز را به بهترین نحو برای همگان فراهم خواهد کرد. در طول



قواعد بازی و ثبات اجتماعی است.

از ویژگی‌های دولت یغماگر عبارتند از: قربانی و مرعوب کردن خواسته شهروندان، مایه گذاشتن از جامعه یعنی بهره‌گیری از میراث و منابع آنها بدون ارائه خدمات مناسب، اهمیت ندادن به توسعه و انباشت سرمایه، برخوردار بودن از قدرت انحصاری و استبدادی، عدم احساس نیاز به مذاکرات نهادینه با گروه‌های اجتماعی و سیاسی، وجود یک نوع دیوان‌سالاری ناکارآمد، مشارکت‌زدایی، جلوگیری از پیدایی گروه‌های اجتماعی علاقه‌مند به تغییر و اصلاح اجتماعی، حاکمیت روابط شخصی، رجحان منافع فردی بر منافع جمعی، فساد سیاسی، گستردگی مقررات‌گذاری و متولی و متصدی همه بخش‌ها بودن. داگلاس نورث (۱۹۸۱) در کتاب «ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی» یک طبقه‌بندی ساده از دو نظریه کلی در مورد دولت ارائه می‌کند: اول، «نظریه قرارداد» و دوم، «نظریه غارتگرانه». در این دولت‌ها هزینه مبادله اکثریت جامعه به دلیل رانت‌خواری عده‌ای قلیل بالاست.

#### ■ دولت لیبرال

لیبرالیسم به مفهوم واگذاری حداکثر ممکن امور اقتصادی و اجتماعی به بخش خصوصی است. دولت‌های لیبرال بر تجارت و صنعت به جای زمین‌داری استوار هستند. در دولت لیبرال دولت برتری و رجحانی بر دیگر نهادها ندارد. این بدان معنا نیست که دولت یک نهاد فروتر و زیرین به‌شمار می‌آید. هنگامی که دولت از حیث حوزه اختیارات و صلاحیت محدود می‌شود مفهومی به نام دولت مبتنی بر حقوق یا همان حکومت قانون ایجاد و آنگاه که دولت از حیث کارکردها محدود می‌شود دولت حداقل نامیده می‌شود. لیبرالیسم در پی دولتی واجد هر دو این ویژگی‌هاست.

اختیارات چنین دولتی به مواردی چون تامین نظم و امنیت، نظارت بر قراردادهای ممانعت از تجاوز به حقوق افراد حفظ آزاد شهروندان تضمین امنیت اقتصادی و حفاظت از دارایی‌های بخش خصوصی محدود شده است و دولت تنها نقص‌ها و کاستی‌های بازار را جبران می‌کند و سازوکار حرکت و تعادل براساس دست‌نمائی صورت می‌گیرد. این سیستم در قرن ۱۸ و ۱۹ معتقد به سیستم مالکیت خصوصی است و بر مالکیت بازار استوار بود.

#### ■ دولت نئولیبرال

نئولیبرال‌ها معتقدند اندیشه‌های جان مینارد کینز و سیاست‌های «دولت رفاه» او که دولت را موظف به اشتغالزایی و مدیون ارائه خدمات عمومی به مردم می‌کرد از عوامل کاهش رشد اقتصادی، کسری بودجه و در نهایت افزایش بیکاری و تورم در دهه ۷۰ میلادی بوده است. از لحاظ اقتصادی نئولیبرال‌ها نظریه کینز و نقش دولت به‌عنوان عامل تنظیم اقتصادی را مورد تردید قرار داده و بار دیگر بر مزایای نظام رقابت آزاد تاکید گذاشته‌اند. از اواخر دهه ۱۹۷۰ در کشورهایی مثل انگلستان، آمریکا، آلمان، فرانسه و استرالیا سیاست‌های کینزی تنظیم

تقاضای کل جای خود را به سیاست‌هایی داد که بر عرضه تاکید می‌گذارند. اجرای این هدف تنها از طریق سیاست کاهش هزینه‌های دستمزد واقعی و اجتماعی یعنی هزینه‌های رفاهی، آموزش و بهداشت ممکن بود. این نوع دولت‌ها که محصول بحران‌های اقتصادی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ هستند، در واقع نقطه مقابل دولت‌های رفاهی بودند.

تاچر در انگلستان و ریگان در آمریکا که پیشگامان این حرکت بودند، دست کارفرمایان را در کاهش دستمزدها و اخراج کارگران باز گذاشتند و از مالیات بر درآمد صنایع کاستند. حاصل این چرخش نظری و عملی، رواج سیاست‌های اقتصادی نئوکلاسیک و گرایش فزاینده به خصوصی‌سازی در اقتصاد بوده است. نئولیبرالیسم گرچه کوششی است به منظور بازگشت به شرایط پیش از پیدایش دولت رفاهی، لیکن خود محصول شرایط اقتصادی و سیاسی معاصر است. گرایش عمده دولت‌های نئولیبرال، خصوصی‌سازی صنایع ملی و تقویت سرمایه‌داری آزاد و بخش خصوصی از طریق سیاست‌های ضدکینزی «استراتژی عرضه» بودند.

#### ■ دولت توسعه‌گرا

نظریه «دولت توسعه‌گرا» ذیل نظریه‌های نهادگرا طبقه‌بندی شده و برای بررسی جنبه نظری این مفهوم باید کمی از دهه ۱۹۹۰ به عقب رفت. پس از غلبه دیدگاه‌های کینزین‌ها در دهه‌های میانی قرن بیستم که بیش‌ازحد بر قابلیت‌های دولت تاکید داشت و نیز پس از موج دومی که از اواخر دهه ۱۹۷۰ با واکنشی تند در برابر موج اول بر نارسایی‌های دولت تاکید داشت و الگوی غالبش تکیه بر سازوکار بازار و دولت حداقلی بود، موج سومی هم از دهه ۱۹۹۰ آغاز شد. در این موج که بر لزوم هماهنگی دولت و بازار تکیه شد و دولت در مقام سکندار کشتی توسعه برآمد، مفهوم دولت توسعه‌گرا از آن زمان آغاز شد. مفهوم دولت توسعه‌گرا را اولین بار چالمز جانسون، برای مدل بنیانی نوع خاصی از دولت ارائه کرد.

نخبگان توسعه‌گرا، بوروکراسی توسعه‌گرا، استقلال نسبی تشکیلات دولتی، نظامیان توسعه‌گرا، جامعه مدنی ضعیف، توانمندسازی لازم برای مدیریت موثر منافع بخش خصوصی و بهره‌گیری از ابزار سرکوب در پیشبرد توسعه همراه با توجه به رفاه عمومی و حفظ مشروعیت قانونی از ویژگی‌های تقریباً اکثر دولت‌های توسعه‌گراست. دولت توسعه‌گرا در کشورهای مختلف، باتوجه به ویژگی‌های آن کشورها در ابعاد درونی و بیرونی، می‌تواند مشخصات متفاوتی داشته باشد. مهم‌ترین ویژگی ساختاری دولت یغماگر تلاش برای به حداکثر رساندن منافع فردی است. در ساختارهای اداری دولت یغماگر، روابط شخصی منبع همبستگی است اما در دولت توسعه‌گرا، ویژگی‌های وبری (نظیر ساختار قدرت مبتنی بر سلسله‌مراتب، حاکمیت قوانین و مقررات و غیرشخصی بودن اداره امور، استخدام کارکنان براساس توانایی و دانش فنی

و...) منبع اصلی برای همبستگی است.

ماراوالا مهم‌ترین ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا را چنین برمی‌شمارد: تاکید بر سهم از بازار بیش از سود، ملی‌گرایی اقتصادی، پشتیبانی از تقویت صنایع داخلی، تمرکز بر انتقال فناوری از خارج، دیوان‌سالاری جامع دولتی، بوروکراسی عقلایی و شایسته‌گرا و حرفه‌ای (وبری)، بهبود زیرساخت‌ها برای کسب‌وکار توسط دولت، تشویق نهادی برای اعتبار ذخیره و استراتژیک، سیاست صادرات‌گرا، اتحاد بین دولت، نیروی کار، صنعت، تشکیک در نئولیبرالیسم (و وفای واشنگتن)، تقدم رشد اقتصادی بر اصلاحات سیاسی، قانون‌گرایی و عملکردگرایی و تاکید بر آموزش فناوری.

#### ■ دولت سوسیال‌دموکرات

همانطور که دولت‌های توسعه‌گرا توسعه اقتصادی را هدف اقتصادی خود قرار داده‌اند، این دولت که با هدف تحقق عدالت اجتماعی، سیاست مداخله در اقتصاد را اتخاذ می‌کند، برابری و انصاف به عنوان پشتوانه‌های عدالت اجتماعی، جزو اصول اساسی دولت‌های سوسیال دموکراتیک هستند، «توزیع ثروت برای دولت سوسیال دموکراتیک مهم‌تر از تولید ثروت است.» دولت سوسیال دموکراتیک «دولت تواناسازی» است که به اصل «قدرتمند کردن فرد» متعهد است. به عبارت دیگر، دولت سوسیال دموکراتیک علاوه بر دو وظیفه کلاسیک دولت، یعنی تامین نظم و امنیت، افزایش رفاه شهروندان را هم جزو وظایف ذاتی خودش می‌داند. همچنین این دولت، برخلاف دولت لیبرال، صرفاً در پی رفع موانع آزادی افراد نیست، بلکه به امکان استفاده افراد از آزادی‌شان نیز اهمیت می‌دهد و به همین دلیل به فکر «قدرتمند کردن فرد» است. شعار آنها «نه به انقلاب، آری به اصلاح» است.

در میانه‌های قرن بیستم، سوسیال دموکرات‌ها حامی قوانین کار جدی‌تر، ملی‌سازی صنایع کلیدی و ایجاد دولت‌های رفاه بودند که این امر به توسعه سیستم‌های رفاهی و شبکه‌های امنیت اجتماعی قدرتمند منجر شد و از نظر اقتصادی، به دنبال توزیع عادلانه‌تر ثروت و فرصت‌ها از طریق مالیات‌گیری پیشرفته و خدمات عمومی گسترده است. سوسیال دموکرات‌ها بر اصلاحات درون سیستمی تاکید دارند و معتقدند که می‌توان با استفاده از ابزارهای دموکراتیک و قانون‌گذاری، به توزیع عادلانه‌تر ثروت و فرصت‌ها دست یافت. آنها معمولاً از اقتصاد مختلط حمایت می‌کنند که در آن بخش خصوصی و دولتی هر دو نقش دارند و از طریق مالیات‌گیری پیشرفته و خدمات عمومی گسترده، به دنبال تامین رفاه اجتماعی هستند.

#### ■ دولت‌های جمع‌گرای کمونیستی

ایدئولوژی کمونیستی بر پایه اصولی است که توسط کارل مارکس و فردریش انگلس تدوین شده و به دنبال ایجاد جامعه‌ای بی‌طبقه با مالکیت اشتراکی بر ابزار تولید است. کارل مارکس، فیلسوف و اقتصاددان، معتقد بود که برای رسیدن به یک جامعه کمونیستی، باید از مرحله سرمایه‌داری عبور کرد. از منظر اقتصادی، مرام اشتراکی به مثابه یک



دولت مدرن، با تاکید بر کنترل انحصاری خشونت، حاکمیت ملی و قدرت غیرشخصی، نمایانگر نظامی است که در آن قدرت، به صورت متمرکز و در عین حال مشروط به قوانین و مقررات، اعمال می‌شود. ماکس وبر، با تبیین مفهوم انحصار دولت بر خشونت، نشان می‌دهد که دولت مدرن، دارای ویژگی‌هایی است که آن را از دیگر اشکال حکومتی متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها شامل حاکمیت بر یک قلمرو جغرافیایی مشخص، اعمال اقتدار بر ملت و اجرای قانون به صورت غیرشخصی است. در دولت مدرن، مفهوم حاکمیت ملی، به معنای این است که قدرت حکمرانی از آن مردم است و نه یک فرد یا گروه خاص. این امر باعث می‌شود که دولت، مشروط به نظام حقوقی و مقید به حقوق ملت باشد. به این ترتیب، دولت مدرن، نه تنها دارای اقتدار است، بلکه مشروعیت خود را از پایبندی به قوانین و مقررات می‌گیرد. این مشروعیت، در تضاد با قدرت شخصی و خودکامه و براساس اصول دیوان‌سالاری و حکومت قانون استوار است. دیوان‌سالاری وبری، با تاکید بر شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی، به دولت مدرن کمک می‌کند تا به صورت کارآمد و منظم عمل کند. در نهایت، دولت مدرن، با تلفیقی از اقتدار و حقانیت، نمایانگر یک نظام حکومتی است که در آن قدرت، به صورت مشروع و موجه اعمال می‌شود. این تلفیق، باعث می‌شود که دولت، نه تنها به عنوان یک نهاد اجرایی، بلکه به عنوان یک نهاد حقوقی و اخلاقی، عمل کند. به این ترتیب، دولت مدرن، با ارائه یک چارچوب نهادی و حقوقی، زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت جوامع می‌شود. این چارچوب، با تاکید بر حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی، به تقویت پایه‌های دموکراسی و حکومت مردم‌سالار کمک می‌کند.

اتحاد جماهیر شوروی و چین، تغییرات عمده‌ای را در سیستم‌های اقتصادی خود ایجاد کرده‌اند که گاهی شامل ادغام عناصر سرمایه‌داری بوده است. سوسیال‌دموکرات‌ها و کمونیست‌ها، هر دو به دنبال ایجاد تغییرات در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه هستند، اما رویکردها و اهداف آنها متفاوت است.

#### ■ دولت مدرن

دولت مدرن، دولتی است که از یک‌سری ویژگی‌ها، معیارها و الزامات برخوردار است. پیدایش دولت مدرن، پدیده‌ای است که در تقاطع تاریخی، فرهنگی و نهادی شکل گرفته است. قواعد بازی نهادی که به مجموعه‌ای از اصول و مقررات اشاره دارد که رفتار فردی و جمعی را در یک جامعه سازماندهی و هدایت می‌کند، نقش محوری در شکل‌گیری و تکامل دولت‌های مدرن داشته‌اند. این قواعد که می‌توانند صریح یا ضمنی، رسمی یا غیررسمی باشند، چارچوبی را برای تعاملات اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آورند و به افراد و گروه‌ها کمک می‌کنند تا انتظارات متقابل خود را تنظیم کنند. وابستگی به مسیر که به تاثیر تصمیمات و رویدادهای گذشته بر انتخاب‌ها و مسیرهای آینده اشاره دارد، نیز در تکوین دولت مدرن نقش بسزایی داشته است. این مفهوم که براساس آن گذشته به شدت بر حال و آینده تاثیر می‌گذارد، نشان می‌دهد که چگونه تاریخچه‌ای از تصمیمات، رویدادها و نهادها می‌تواند مسیر توسعه‌ای یک دولت را محدود کند و به آن جهت دهد. کریستوفر پیرسون در کتاب دولت مدرن، ۹ ویژگی برای دولت مدرن برمی‌شمارد؛ کنترل انحصاری خشونت، قلمرو جغرافیایی، حاکمیت، مشروطیت، قدرت غیرشخصی، دیوان‌سالاری، اقتدار و حقانیت، شهروندی، مالیات.

ایدئولوژی که در پاسخ به نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در جوامع صنعتی شکل گرفت و تلاش دارد تا حقوق کارگران را از طریق اصلاحات ساختاری در سیستم حکمرانی احیا کند. این ایدئولوژی که با تحولات عمده‌ای در سطح جهانی همراه بود، بر این باور است که در نظام سرمایه‌داری، توزیع ثروت به شکلی ناعادلانه صورت می‌گیرد و گذار از سرمایه‌داری برای رسیدن به یک جامعه کمونیستی ضروری است. دولت جمع‌گرایی از منظر اقتصادی به معنای تمرکز مالکیت و کنترل ابزار تولید در دست دولت است. این نوع از اقتصاد که گاهی اقتصاد دستوری نامیده می‌شود، بر پایه ایدئولوژی‌هایی استوار است که بر اهمیت جامعه بر فرد تاکید دارند و معمولاً با برنامه‌ریزی مرکزی و مدیریت دولتی همراه هستند. در چنین سیستمی، دولت مسؤولیت تعیین اهداف تولید، توزیع منابع و قیمت‌گذاری را برعهده دارد و بخش خصوصی نقش کم‌رنگ‌تری ایفا می‌کند یا کاملاً حذف می‌شود.

این نوع دولت، مداخله‌ای عمیق‌تر در اقتصاد نسبت به دولت‌های توسعه‌گرا و سوسیال‌دموکراتیک که تنها به دنبال راهنمایی و پشتیبانی از اقتصاد خصوصی هستند، دارند. با این حال، تجربیات تاریخی نشان داده‌اند که این مدل می‌تواند به کاهش کارایی اقتصادی و کمبودهای مزمن منجر شود، زیرا انگیزه‌های فردی برای نوآوری و بهره‌وری تحت تاثیر قرار می‌گیرند. در نهایت، این ایدئولوژی به دنبال ایجاد یک جامعه‌ای است که در آن تمام افراد به طور مساوی از منابع و فرصت‌ها بهره‌مند شوند، اما چالش‌های عملیاتی و اقتصادی در اجرای این ایدئولوژی همچنان موضوع بحث و تحلیل است. برخی دولت‌های کمونیستی مانند



## ■ دولت‌های توتالیتر

دولتی است که مسوول هدایت و کنترل تمام شئون زندگی افراد و تمام ابعاد و نهاد‌های جامعه است. در نظام‌های توتالیتریستی؛ امر سیاسی بر امر اجتماعی (جامعه) ارجحیت دارد و حکومت نه تنها مدیر، بلکه ارباب و سرور جامعه است. دولت توتالیتر از منظر اقتصادی، نظامی است که در آن تمامیت قدرت در دست دولت متمرکز شده و فضای اقتصادی تحت کنترل و نظارت دقیق حکومت قرار دارد. در چنین نظامی، اقتصاد به عنوان ابزاری برای تحکیم قدرت سیاسی و اجتماعی به کار گرفته می‌شود و اغلب با سیاست‌هایی مانند برنامه‌ریزی مرکزی، ملی‌سازی گسترده صنایع و کنترل شدید بر تجارت خارجی مشخص می‌شود. این نوع دولت‌ها معمولاً برای دستیابی به اهداف ایدئولوژیک خود، از اقتصاد به عنوان وسیله‌ای برای ترویج تبعیت و همگرایی اجتماعی استفاده می‌کنند.

هانا آرنت در مفهوم توتالیتریسم حکومتی را توصیف می‌کند که خشونت ماهیت قدرت و کارکردهای آن را تعیین می‌کند. خود دولت مملو از دوگانگی نقش‌ها و کارکردهاست و بوروکراسی پیچیده نامیدکننده‌ای را ایجاد می‌کند که تصور نادرستی از تفکیک قدرت‌ها وجود ندارد.

از دیدگاه هانا آرنت، توتالیتریسم بر خشونت به عنوان ماهیت قدرت تکیه دارد و این امر در کارکردهای اقتصادی نیز منعکس می‌شود. اقتصاد در چنین نظام‌هایی اغلب با بحران‌هایی مانند کمبودهای شدید، فساد اقتصادی و نابرابری‌های گسترده همراه است. این نابرابری‌ها نه تنها بین طبقات اجتماعی، بلکه در سطح بین‌المللی نیز قابل مشاهده است، زیرا دولت‌های توتالیتر تمایل دارند تا در روابط بین‌المللی خود نیز به شکلی انحصارگرایانه عمل کنند. در نهایت، اقتصاد توتالیتر می‌تواند به عنوان ابزاری برای سرکوب و کنترل جامعه توسط دولت مورد استفاده قرار گیرد، جایی که آزادی‌های فردی و اقتصادی به شدت محدود شده و تحت نظارت دولتی قرار می‌گیرند. این محدودیت‌ها می‌توانند به تضعیف خلاقیت، نوآوری و رشد اقتصادی منجر شوند و در نهایت به زوال اقتصادی و اجتماعی کشورهای دارای چنین نظام‌هایی بینجامند. از دیدگاه اقتصادی، دولت‌های توتالیتر و کمونیستی هر دو بر کنترل متمرکز بر اقتصاد تاکید دارند، اما با این تفاوت که دولت توتالیتر کنترل گسترده‌تری بر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی و فردی دارد، در حالی که کمونیسم بیشتر بر مالکیت دولتی بر ابزار تولید متمرکز است.

## ■ دولت هوشمند

به موازات ظهور فناوری‌های جدید، دولت‌ها باید توانایی استفاده از آنها، سازگاری با شرایط تازه و ایجاد نوآوری در شیوه ارائه خدمات دولتی همراه با سرعت و کیفیت آن را داشته باشند. دولت هوشمند، مفهومی است که در دو دهه اخیر، توجه بسیاری از کشورها را به خود

جلب کرده است. این مفهوم، بر پایه استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و تحلیل داده‌ها برای ارائه خدمات دولتی بهینه و موثر استوار است. از منظر قواعد بازی و وابستگی به مسیر، دولت هوشمند به عنوان یک نهاد پیشرفته در نظر گرفته می‌شود که با تغییر و تحول در ساختارها و فرآیندهای خود، به دنبال ایجاد تعاملی هوشمندانه با شهروندان و ارتقای کیفیت خدمات است.

در این راستا، عیبد اصلی شامل مدیریت و رهبری هوشمند، زیرساخت و فناوری هوشمند، تعامل هوشمند، خدمات هوشمند، محیط هوشمند و امنیت هوشمند مطرح می‌شوند که هر کدام نقش مهمی در تحقق دولت هوشمند دارند. مدیریت و رهبری هوشمند، به معنای بهره‌گیری از رویکردهای نوین در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها است. زیرساخت و فناوری هوشمند، شامل توسعه پلتفرم‌های فناورانه‌ای است که امکان تبادل و تحلیل داده‌ها را فراهم می‌کند. تعامل هوشمند، به معنای ایجاد روابط دوسویه و معنادار با شهروندان است. خدمات هوشمند، به ارائه خدمات دولتی با کیفیت بالا و دسترسی آسان اشاره دارد. محیط هوشمند، به فضایی اطلاق می‌شود که در آن، فناوری‌ها و داده‌ها به شکلی هماهنگ به کار گرفته می‌شوند. امنیت هوشمند نیز به مجموعه‌ای از تدابیر امنیتی اشاره دارد که حفاظت از داده‌ها و حریم خصوصی شهروندان را تضمین می‌کند. در مجموع، دولت هوشمند به دنبال ایجاد یک سیستم پویا، کارآمد و شفاف است که با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته، به بهبود مستمر خدمات و تعاملات دولتی می‌پردازد. این مفهوم، نه تنها به افزایش رضایتمندی شهروندان کمک می‌کند، بلکه به تقویت حکمرانی خوب و پایداری اجتماعی نیز منجر می‌شود.

در این مسیر، دولت‌ها باید به‌طور مستمر در جست‌وجوی راه‌های نوآورانه برای بهبود فرآیندها و خدمات خود باشند و همچنین باید به توسعه زیرساخت‌های لازم برای پشتیبانی از این تحولات ادامه دهند. در نهایت، دولت هوشمند نه تنها به معنای به کارگیری فناوری‌های جدید است، بلکه به معنای تغییر نگرش و فرهنگ سازمانی در جهت پذیرش و ادغام این فناوری‌ها در تمامی جنبه‌های حکمرانی است. این تغییرات، زمینه‌ساز تحولات عمیق‌تر در ساختار و عملکرد دولت‌ها خواهد بود و به آنها امکان می‌دهد تا به شکلی موثرتر به نیازهای متغیر جوامع خود پاسخ دهند.

موسسه گارتنر دولت هوشمند را به این صورت تعریف می‌کند: دولت هوشمند، فناوری‌های اطلاعاتی ارتباطی و عملیاتی را برای برنامه‌ریزی مدیریت و عملیات میان زمینه‌های گوناگون، حوزه‌های فرآیندی و قلمرو قدرت برای ایجاد ارزش عمومی پایدار یکپارچه می‌کند.

دولت هوشمند به عنوان اصل جدیدی در نظام‌های حکومتی یاد شده است که در

آنها رفاه پایدار و برابر مدنظر قرار دارد. دولت هوشمند نقش کلیدی در توسعه کشورها ایفا می‌کند، زیرا به عنوان موتور محرکه‌ای برای نوآوری و پیشرفت فناورانه عمل می‌کند. با اتکا به فناوری‌های پیشرفته و تحلیل داده‌ها، دولت‌های هوشمند قادر به ارائه خدمات دولتی بهینه و موثر هستند که این امر منجر به افزایش کارایی و شفافیت در ارائه خدمات می‌شود. استفاده از سیستم‌های هوشمند در دولت‌ها به تسهیل دسترسی شهروندان به خدمات و اطلاعات می‌انجامد و این دسترسی آسان‌تر، موجب افزایش مشارکت و رضایتمندی شهروندان می‌شود. همچنین، دولت هوشمند با ارتقای کیفیت خدمات و تسریع در فرآیندهای اداری، به بهبود محیط کسب‌وکار و جذب سرمایه‌گذاری کمک می‌کند.

در نهایت، هر نظام دولتی براساس ارزش‌ها، تاریخ و فرهنگ خاص خود شکل می‌گیرد و به چالش‌های خاص خود پاسخ می‌دهد. انتخاب بین این دولت‌ها بستگی به اولویت‌ها و شرایط هر جامعه دارد و هر کدام می‌توانند در شرایط خاصی موفقیت‌آمیز باشند. مدیریت دولتی در هر نظام باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند به نیازهای مردم پاسخ داده و به توسعه پایدار کمک کند، در عصر جهانی شدن و تغییرات سریع اقتصادی و اجتماعی، انعطاف‌پذیری و توانایی سازگاری با شرایط جدید، برای هر نظام دولتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

به قول استاد فقید رضاقالی، ما تا ندانیم از چه مسیری و با چه ابزارهایی آمده‌ایم، نمی‌دانیم چطور به آینده گام بگذاریم. بنابراین استفاده از تجربیات جهانی و بهره‌مندی از ذخیره دانایی داخلی برای انتخاب مسیر و نحوه ورود به آینده الزامی است.

اگر گروه‌هایی که در برابر رشد می‌ایستند برنده این نزاع باشند می‌توانند با موفقیت روند رشد اقتصادی را مسدود کنند و اقتصاد جامعه دستخوش رکود خواهد شد.

دلیل اینکه چرا قدرتمندان الزاماً به دنبال ایجاد نهادهای اقتصادی‌ای نیستند که موفقیت اقتصادی و رفاه را به باز می‌آورند به سادگی به بحث انتخاب نهادهای سیاسی می‌رسد. در یک حکومت مطلق‌گرا برخی نخبگان می‌توانند با استفاده از قدرت، نهادهایی را که خود می‌خواهند به وجود آورند.

مشکل اساسی در چنین شرایطی آن است که بر سر نهادهای اقتصادی اختلاف و برخوردهای اجتناب‌ناپذیری رخ خواهد داد. نهادهای متفاوت پیامدهای متفاوتی برای رفاه یک ملت، نحوه توزیع رفاه و اینکه چه کسی قدرت را در اختیار داشته باشد خواهند داشت. رشد اقتصادی که می‌تواند از سوی نهادهای یک جامعه به‌وجود آید، به‌طور قطع برنده‌ها و بازنده‌های خاص خود را خواهد داشت. فعالیت نهادهای اقتصادی فراگیر در گرو اجرای حق مالکیت خصوصی به شکلی مطمئن و وجود فرصت‌های اقتصادی، نه تنها برای نخبگان، بلکه برای بخش عمده جامعه است.



در گفت‌وگو با حسین سلاح‌ورزی مطرح شد

## صنعت در تله ارز

محمدرضا ستاری - دیگر حتی بالاترین مقام‌های سیاسی جمهوری اسلامی درباره سقوط اقتصاد ایران در دهه ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ سکوت نمی‌کنند و کوششی هم‌رخ نمی‌دهد که آن سقوط دهشتناک را از دیده‌ها پنهان کند. خوشبختانه به دلیل اینکه هشت سال از ۱۰ سال دهه نامبرده شده در دولت‌های حسن روحانی بوده است حتی عمدی وجود دارد که این تباهی بر جسته‌تر شود. پیامدهای سقوط دهه ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ برای اقتصاد ایران بسیار بزرگ و دامنه‌دار بوده و هنوز نیز از این وضعیت آسیب می‌بیند. واقعیت این است که به رغم رشدهای نفتی در دو سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ اما بخش حقیقی اقتصاد شامل لیدر در صنعت و کشاورزی و نیز سرمایه‌گذاری در اقتصاد رشدهای قابل اعتنا نداشته است.

پیامدهای کاهش واردات کالاهای واسطه‌ای و نیز کمبود مواد اولیه بر تولید، تجارت، بازارهای کار و کالا شویم و به صورت جزئی‌تر درباره آنها بحث کنیم، لازم است چند نکته را درباره وضعیت اقتصاد ایران یادآور شویم.

یادمان باشد طرح مشکلات صنعت یا بخشی از مشکلات صنعت بدون تحلیل از شرایط عمومی اقتصاد ایران و نیز درهم‌تنیدگی‌های اقتصاد ایران با سیاست داخلی و سیاست خارجی و نیز مهار کردن بحث‌ها در چارچوب اقتصاد محض، نمی‌توان درباره هیچ مقوله مهمی راهگشایی کرد. به همین دلیل چند نکته را یادآور می‌شوم؛ نخستین واقعیت این است که در وضعیت امروز ایران، اقتصاد سیاسی وجه غالب اصلی در کلیت اقتصاد شده و سیاست‌های اقتصاد کلان، سیاست‌های ارزی، سیاست‌های تجاری و سیاست‌های بازارهای سرمایه و پول زیر ضرب اقتصاد سیاسی قرار گرفته‌اند. بدون تردید باید گفت راه‌حل بیرون بردن اقتصاد ایران از انواع بحران‌ها از سوی فعالان اقتصادی و نیز اقتصاددانان سال‌هاست طرح شده و نیاز به بازگویی برای اهل فن ندارد. اصولاً در جهانی که زندگی می‌کنیم، راه‌حل برطرف کردن گرفتاری‌ها شناخته شده است و در صورتی که به این راه‌حل‌ها توجه کنیم برطرف کردن مشکلات

برای کاهش تولید به صدا درمی‌آورد. اینجاست که دیگر نمی‌توان از کاهش واردات خشنود بود. حسین سلاح‌ورزی رئیس سازمان کارآفرینی ایران از روزهای پیش روی تولید می‌گوید.

■ آقای سلاح‌ورزی، باسیاس از اینکه همانند همیشه با روی باز دعوت «جهان‌صنعت» را برای گفت‌وگو قبول کردید. شما در سال‌های تازه سپری شده به دلیل حضور نیرومند در اتاق بازرگانی و نیز نهاد سازمان کارآفرینی با تنگناهای بخش صنعت آشنایی قابل‌اعتنایی دارید. همانطور که می‌دانیم و بارها از سوی شما و دیگر فعالان صنعتی گفته شده است اقتصاد ایران به دلایل گوناگون این روزها حال خوشی ندارد و این را می‌توان از کاهش سهم ایران از تجارت جهانی و نیز روند کاهنده سرمایه‌گذاری صنعتی به عنوان دو نشانه فهمید. ارزیابی شما چیست؟ به طور مثال دشواری‌هایی که اکنون بنگاه‌های صنعتی برای واردات مواد اولیه با آن دست به گریبان هستند چگونه بر شرایط اقتصادی اثرات منفی به جا می‌گذارد؟

من هم از روزنامه «جهان‌صنعت» ممنونم که در طرح تنگناهای بخش خصوصی همت دارد، متشکرم. برای اینکه بتوانیم به پرسش بالا جواب مناسب دهیم و پیش از اینکه وارد جزئیات درباره

واقعیت این است که شوربختانه اندازه اقتصاد ایران نسبت به حتی اوایل دهه ۹۰ کوچک‌تر شده و برای نشان دادن این وضعیت می‌توان از شاخص‌های کلان اقتصادی کمک گرفت. کوچک شدن اقتصاد ایران نشانه‌های گوناگونی دارد. در پله اول این نشانه‌ها منفی و صفر شدن میانگین رشد تولید ناخالص داخلی در این دهه سپری شده است. این را به دقت می‌توان از بخش‌های مختلف صنعت و تجارت کشور درک کرد. بازی اقتصاد ایران با دنیا به لحاظ نحوه دادوستد خارجی کوچک و کوچک‌تر شده و آنگونه که آمارهای غیررسمی حکایت دارند سهم ایران از تجارت جهانی به حدود ۲۵ درصد رسیده است. کاهش سهم ایران از واردات جهانی شاید در نگاه اول موضوع خوبی باشد که به کاهش ارزشبری و خروج ارز کشور آن هم در شرایطی انجامیده است که ایران با مضمیقه‌های ارزی ناشی از کاهش فروش نفت و بلوکه شدن منابع ارزی خود در نقاط مختلف دنیا مواجه است اما وقتی دقیق‌تر به ترکیب کالاهای وارداتی کشور نگاه کنیم بر پایه طبقه‌بندی دولت از ترکیب واردات کشور بالغ بر ۸۰ درصد واردات ایران را مواد اولیه، تجهیزات و کالاهای مورد مصرف در صنایع مختلف کشور تشکیل می‌دهند و کاهش واردات، خود زنگ خطری را

یادمان باشد طرح مشکلات صنعت یا بخشی از مشکلات صنعت بدون تحلیل از شرایط عمومی اقتصاد ایران و نیز درهم‌تنیدگی‌های اقتصاد ایران با سیاست داخلی و سیاست خارجی و نیز مهار کردن بحث‌ها در چارچوب اقتصاد محض، نمی‌توان درباره هیچ مقوله مهمی راهگشایی کرد



در یک نقطه فرضی، با کمبود مواد اولیه وارداتی می‌توان تصور کرد بازار اشتغال زودتر از هر بازار دیگری با سیل بنیان‌برانداز روبه‌رو خواهد شد. در شرایط کمبود مواد اولیه و کاهش رشد تولید و نیز رشدهای منفی که چندان دور از انتظار نیست، تقاضا برای اشتغال تازه روندی کاهنده را تجربه خواهد کرد و به این ترتیب نرخ بیکاری افزایش می‌یابد.

ناگزیر کند که به قیمت‌های دستوری دولتی تن دهند و از افزودن بر قیمت فروش منع شوند و نیز دولت فشار بیاورد که برای صیانت از بازار داخل و نیز نبود بازار مناسب در صادرات نیز ناکام بمانند، راهی جز تعطیلی بنگاه با شتاب بیشتر و نیز کاهش شدیدتر نیروی کار نخواهند داشت. پیش‌بینی بلندمدت‌تر نیز به دلیل نبود چشم‌انداز روشنی از سیاست‌ها به ویژه اینکه از سال آینده دولتی با گرایش‌های ناشناخته بر سر کار می‌آید، ناممکن است. در صورتی که بنگاه‌های تولیدی نخواهند از کالای واسطه‌ای که در انبارها دارند، یکباره استفاده کنند، این احتمال که عرضه برخی کالاها در بازار کاهش یابد نیز وجود دارد.

**■ آقای سلاح‌ورزی شما در پاسخ به پرسش‌های پیشین توضیح مشروحی درباره پیامدهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی سختگیری برای واردات کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه بر تولید بازگو کردید. به نظر شما اقتصاد ایران در کلیت خود یا به عبارت دیگر در اقتصاد کلان و بازارهای مهم، چه پیامدهایی را به خود خواهد دید؟**

بخش تولیدی در هر کشور زیرمجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی است و البته مقوله تولید داخلی برای هر سرزمینی یک ضرورت و اولویت است. با این حال می‌توان فکر کرد تولید را مترادف با بازار کالا فرض کنیم و بازارهای دیگر مثل بازار کار، بازار سرمایه و پول را نیز تکمیل‌کننده بازار کالا در نظر بگیریم. ارزش‌افزوده تولید در ایران شامل تولیدات صنعتی، معدنی و کشاورزی در تولید ناخالص داخلی رقم بالایی است و اگر کمبود مواد اولیه برای تولید ادامه یابد و این بازار با افت محسوس یا سقوط مواجه شود، سایر بازارها به ویژه بازار کار از تعادل خارج می‌شوند.

در یک نقطه فرضی، با کمبود مواد اولیه وارداتی می‌توان تصور کرد بازار اشتغال زودتر از هر بازار دیگری با سیل بنیان‌برانداز روبه‌رو خواهد شد. در شرایط کمبود مواد اولیه و کاهش رشد تولید و نیز رشدهای منفی که چندان دور از انتظار نیست، تقاضا برای اشتغال تازه روندی کاهنده را تجربه خواهد کرد و به این ترتیب نرخ بیکاری افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر در این وضعیت بنگاه‌های تولیدی در اندازه‌های گوناگون ناگزیر به فکر تعدیل نیروی کار می‌افتند و باز هم بازار کار را با تنش بیشتری مواجه خواهند کرد. در این وضعیت بازار سرمایه به ویژه بازار سهام از تعادل خارج خواهد شد زیرا شرکت‌های تولیدی موجود در بورس، سودآوری کمتری دارند و نمی‌توانند سود دهند و به این ترتیب، صف فروش برای سهام آنها تشکیل می‌شود. بازار پول و بانکداری نیز با از کار افتادن بخش تولید ممکن است در دریافت طلب خود با توقف مواجه شوند و تراز دارایی و بدهی‌هایشان به هم بخورد. به این ترتیب از ریل تعادل خارج شدن بازارهای مهم کار و کالا از پیامدهای کمبود مواد اولیه و کاهش ارزش‌افزوده بخش تولید است.

کاهش داد، کمبود درآمدهای ارزی سبب آن شده است که مواد واسطه‌ای، بخش‌های تولید را مجازات و راه ورود آنها را تنگ‌تر از هر دوره دیگری کرده است. واحدهای تولیدی در شرایطی نیستند که ذخیره راهبردی برای تولید داشته باشند و بیشتر با باقی‌مانده ذخایر قبلی فعالیت دارند اما به مرور و با کاهش ذخایر باید آنها را با واردات تازه جایگزین کنند. حالا که این اتفاق افتاده و واردات مواد اولیه دشوار شده است، باید در ماه‌های آینده شاهد از نفس افتادن بخشی از تولید باشیم. از سوی دیگر سختگیری برای پرداخت ریالی تضمین شده برای واردات در حالی که واردکنندگان کالاهای واسطه‌ای برای واردات یک دلار از این نوع کالاها حالا باید ریال بیشتری بدهند و این یعنی افزایش شدن قیمت تمام‌شده تولیداتی که واردات کالاهای واسطه‌ای آنها با ارزهای رشد یافته، انجام می‌شود. ادامه این وضعیت ممکن است تولیدکنندگان را به این فکر بیندازد که بنگاه خود را تعطیل کنند چون احتمال اینکه بازار برای آنها کوچک‌تر شود و کاهش قدرت خرید شهروندان ایرانی روی میزان فروش آنها موثر باشد، وجود دارد.

**■ با توجه به آنچه درباره پیامدهای اقتصادی کاهش واردات گفتید، پیش‌بینی شما از آینده درباره این مقوله چیست؟**

تجربه اداره اقتصاد ایران از سوی دولت‌های گوناگون نشان می‌دهد که در موقعیت به هم خوردن تعادل عرضه و تقاضای ارز و روند کاهنده درآمدهای ارزی شاهد سرکوب تقاضا برای ثبت سفارش کالاهای دیگر از جمله کالاهای واسطه‌ای خواهیم بود. پیش‌بینی در اقتصاد ایران البته به دلیل شتاب بالای تحولات در سپهر سیاست داخلی و خارجی و نیز شرایط شکننده امروز اقتصاد ایران، کار آسانی نیست و نیازمند اطلاعات و تحلیل‌های سیاسی و اقتصادی در سطح مناسب، به ویژه اطلاعات کافی و لازم از تغییرات سیاست خارجی است. می‌توان فرض کرد بنیادهای سیاست خارجی ایران بر همین بناهای استوار شده باقی بمانند، می‌توان پیش‌بینی کرد در کوتاه‌مدت و تا پایان امسال، شاهد کاهش استفاده از ظرفیت تولید واحدهای تولیدی باشیم که برای ادامه تولید به کالاهای واسطه‌ای خارجی وابستگی بیشتری دارند. مدیران بنگاه‌های تولیدی برای اینکه در موقعیت سیاسی و اجتماعی بدتری قرار نگیرند و به چیزی متهم نشوند، تعدیل نیروی کار را به مرور انجام می‌دهند و از سوی دیگر با توجه به کشش تقاضا برای کالای تولیدی خود با نرخ‌های جایگزینی واردات آتی کالاهای واسطه‌ای، قیمت فروش را افزایش می‌دهند تا بتوانند تراز مالی خود را برقرار کنند. اگر این وضعیت ادامه یابد، برخی از واحدهای تولیدی تلاش خواهند کرد تا با توجه به شرایط رقابت‌پذیری با تولیدات مشابه خارجی به صادرات روی بیاورند تا بتوانند کالای بیشتری در بازارهای تازه بفروشند و با توجه به قیمت مناسب ارزهای معتبر، بخشی از عدم تعادل بودجه‌ای را از این مسیر برطرف کنند اما اگر شرایط سیاسی داخلی آنها را

کار چندان دشواری نیست. اما در ایران سایه سنگین سیاست داخلی و خارجی اجازه کارکرد رفتارها بر پایه آموزه‌ها و یافته‌های علم اقتصاد اقتصادی را نمی‌دهد. اقتصاددانان سال‌هاست می‌گویند فرمول کاهش نرخ تورم و مهار کردن آن در اندازه‌های بین ۲ تا ۵ درصد شناخته شده و این شاخص و متغیر مهم، حل شده است اما در ایران به دلیل لجبازی با سیاست‌های پولی و نیز بودجه‌های سخاوتمندانه مبتنی بر خرج در وضعیت درآمدی سخت، به کسری بودجه و از همان مسیر به تورم بالاتر دامن می‌زند. از سوی دیگر در دنیای امروز، ورود و خروج سرمایه‌های بین‌المللی به بازار سرمایه کشورهای جهان، امری عادی است و کشورها در دوره رکود، به بازارهای جهانی مراجعه و نیاز ارزی خود را برطرف می‌کنند اما در ایران این راه مسدود شده است. متأسفانه به دلیل سیاست‌های ناکارآمد و نیز تشدید تحریم‌ها، سرمایه‌گذاری در ایران روند کاهنده را تجربه کرده و تحریم‌های گسترش‌یافته، دسترسی ایران به منابع ارزی شناخته‌شده به ویژه درآمد صادرات نفت خام را با سقوط مواجه کرده است.

**■ با توجه به این شرایط و ترکیب کالاهای وارداتی کشور، حالا پیامدهای ایجاد محدودیت برای ثبت سفارش کالاهای واسطه‌ای باید بنگاه‌های تولیدی برای ثبت سفارش برنامه تولید ۱۴۰۳ را داده باشند و ایجاد راه‌بندان برای واردات کالاهای واسطه‌ای ارزی شما چیست؟**

اقتصاد ایران در سال‌های تازه سپری شده یکی از پیچیده‌ترین و پرمز و رازترین دوران تاریخ معاصر را سپری می‌کند. گسترش روزافزون تحریم‌های آمریکایی و کشورهای دیگر که با این کشور اتحاد تاریخی و راهبردی دارند و کشورهایی که از ترس آمریکا ایران را تحریم کرده‌اند، شرایط بسیار دشواری را برای کسب‌وکار ایرانیان پدیدار کرده است. علاوه بر این سیاست‌های اقتصادی جزیره‌ای در ایران، برای گذران روزها و بی‌تابی برخی مدیران برای نشان دادن خود و اینکه با وجود سختی‌ها، آنها موفق هستند و به این ترتیب انسجام را به هم می‌ریزند و شرایط مبهم صادرات نفت و دریافت عادی درآمد صادرات اقتصاد ایران را در گرداب فرو برده است.

از نشانه‌های نمایان شده این وضعیت، رشدهای منفی تولید ناخالص داخلی و رشدهای منفی سرمایه‌گذاری و نیز کمتر شدن سهم ایران از تجارت جهانی است. آمارهای ارائه‌شده از سوی منابع رسمی نشان می‌دهد که اقتصاد ایران توانایی‌های قبلی برای استفاده از تجارت خارجی برای راه‌اندازی طرح‌های تازه تولیدی و نیز بدتر از آن، صیانت از بنگاه‌های داخلی را ندارد. کاهش یا بهتر بگوییم تثبیت درآمد صادرات نفت در اندازه‌های پایین نسبت به سال‌های پیش از تحریم نشان‌دهنده کوچک شدن حجم تجارت ایران است. از سوی دیگر، واردات ایران روندی کاهنده را تجربه کرده است. با توجه به اینکه واردات مواد غذایی و نهادهای دامی را نمی‌توان



**گفت‌وگو با دکتر حسین ساسانی کارشناس ارشد توسعه پایدار**

## در جست‌وجوی توسعه صنعتی

محدوده چشم‌انداز کشور و برای محدوده بازارهای تعریف شده در مناطق مختلف دنیا، قابل عرضه می‌شود؛ نه اینکه کاری بکنیم که برای همه بازارهای موجود دنیا مطلوب باشد و تمرکز سوم توسعه صنعتی این است که استراتژی آن باید در چارچوب یک «زنجیره تولید ارزش متمایز» تبلور یابد.

**با توجه به این اولویت‌ها نقش جامعه در فرآیند توسعه صنعتی چه چیزهایی باید باشد؟**

یکی از پایه‌های اصلی توسعه صنعتی برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار، توجه و تمرکز نخبگان و مردم جامعه و کسب‌وکارها به ساختن روابط انسانی باکیفیت در جهت دستیابی به خوشبختی است. نتیجه مطالعه ۸۰ ساله دانشگاه هاروارد از سال ۱۹۴۰ میلادی تا امروز با موضوع «چه چیزی موجب سرآمدی یک جامعه می‌شود و برای مردم خوشبختی می‌آورد» این است که زندگی خوب با روابط خوب ساخته می‌شود.

داشتن روابط اجتماعی موثر برای جسم و ذهن انسان مفید بوده و نسبت به سایر شاخص‌های زندگی از اهمیت بالایی برخوردار است. ثروت، شهرت و سخت‌کوشی به تنهایی خوشبختی نمی‌آورد. بیشتر کارکنان تا بیشتر به دست آورید، گزاره درستی در مورد توسعه صنعتی و رشد اقتصادی نیست. نتیجه این تحقیق دقیقاً بر توسعه انسانی در فرآیند توسعه صنعتی مبتنی بر توسعه پایدار، ویژگی‌ها و نتایج آن تاکید دارد.

سخت‌کوشی در صنعت اگر با توسعه صنعتی همراه نباشد نمی‌تواند رشد اقتصادی را رقم بزند و سرخوردگی در همه حوزه‌های زندگی را به ارمغان خواهد آورد. سایمون سینک، کارشناس ارتباطات استراتژیک هم این موضوع را مورد تاکید قرار داده است و تاکید می‌کند روابط خوب منجر به ساختن زندگی و کسب‌وکارها می‌شود و این نوع

کسب‌وکارها قادر به ایجاد هم‌زمانی و همسویی بین آحاد مردم کشور و کارکنان یک کسب‌وکار نباشند، بدیهی است که توسعه صنعتی ظهور و بروز نمی‌کند و به دنبال آن توسعه اقتصادی و اجتماعی متوقف می‌شود و انحطاط جامعه و ورشکستگی کسب‌وکار شروع به آغازیدن می‌کند.

به همین دلیل یعنی کمرنگ شدن زبان مشترک، موجب شده به این باور برسیم که ما انسان‌ها تنها با محدودیت منابع روبه‌رو نیستیم بلکه از محدودیت روایا، آمال و خواسته‌های مشترک که برای گسترش توسعه صنعتی و توسعه پایدار به صورت توأمان ضروری است در رنج هستیم.

در قلب هر تحول که منجر به توسعه صنعتی شود، حسی از یک عزم و خواسته درونی قوی برای موفقیت نهفته است، اگر غیر این باشد یعنی زبان، باور و اراده مشترک نباشد، دستیابی به توسعه صنعتی توأم با رشد اقتصادی خیالی بیش نخواهد بود!

**تمرکز و اولویت‌های نخبگان جامعه در فرآیند توسعه صنعتی چه مواردی باید باشد؟**

اولین تمرکز در توسعه صنعتی باید بر بازده بلندمدت و ارزش افزوده باشد. خلق ارزش اقتصادی واقعی از طریق صنعت تنها با انتخاب استراتژی مبتنی بر ارزش افزوده پایدار امکان‌پذیر است. تمرکز بر موضوعات صنعتی که مزیت کمتری دارند به تنهایی و بدون توجه اولیه به توسعه صنعتی پایدار بر مبنای خلق ارزش افزوده، غالباً منجر به انتخاب استراتژی‌های ضعیف می‌شود. دومین تمرکز در توسعه صنعتی باید این امکان را فراهم سازد که صنعت بتواند یک «پیش‌سند ارزش» متمایز و متفاوت از سایر کشورها و سایر بخش‌های اقتصادی کشور ارائه کند. به عبارتی استراتژی صنعتی، روشی برای رقابت با سایر صنایع کشورهای دنیا تعریف می‌کند که از آن طریق ارزشی منحصر به فرد در

توسعه صنعتی شرط ضروری در مسیر رشد و شکوفایی کشورها محسوب می‌شود. خلق ارزش اقتصادی واقعی تنها با انتخاب استراتژی مبتنی بر ارزش افزوده پایدار امکان‌پذیر است. یکی از چالش‌های موجود در صنعت کشور نداشتن راهکار برای رسیدن به توسعه صنعتی است. در این راستا دکتر حسین ساسانی، کارشناس ارشد توسعه پایدار در گفت‌وگو با «جهان صنعت» در خصوص رسیدن به توسعه صنعتی کشور راهکارهایی ارائه داده که در ادامه می‌خوانید.

**آقای دکتر! توسعه صنعتی بستری برای حرکت به سوی توسعه یافتگی پایدار است. چرا در کشور ما توسعه صنعتی به معنای واقعی رخ نداده است؟**

به اعتقاد من، نقطه آغازین توسعه صنعتی و حرکت به سمت آنکه منجر به توسعه پایدار می‌شود، ایجاد تغییر و تحول در ذهنیت‌ها و الگوهای فکری و سپس ایجاد و فراهم کردن فضای گفت‌وگو برای حل مسائل و مشکلات با ذهنیت‌های تحول یافته است. اگر باورها و رویکردها تغییر نکنند و همچنان اصرار به سوار شدن بر اسب مرده داشته باشیم، توسعه صنعتی در جامعه و کسب‌وکارها ریشه نمی‌دواند و موجب عدم توسعه یافتگی پایدار در کشور می‌شود.

حکایت توسعه صنعتی در کشور ما، حکایت نداشتن زبان مشترک چهار دوست و نبودن مکالمه همدلانه بین آنان (در خواست عنب، انگور، اوزوم و استافیل و درخواست مجدد آنها در مورد نوع انگور سیاه، سبز، زرد و کبود) است.

یکی از پایه‌های اصلی ترویج و گسترش توسعه صنعتی مبتنی بر توسعه پایدار، داشتن زبان و گفتمان مشترک در دستیابی به اهداف و حرکت در مسیر رشد صنعتی و به دنبال آن توسعه اقتصادی است. اگر مدیران جامعه در سطح کلان و مدیران

تمرکز بر موضوعات صنعتی که مزیت کمتری دارند به تنهایی و بدون توجه اولیه به توسعه صنعتی پایدار بر مبنای خلق ارزش افزوده، غالباً منجر به انتخاب استراتژی‌های ضعیف می‌شود



دان آرگوس،  
رییس بازنشسته  
هیاتمدیره  
شرکت بی.اچ.پی  
بیلتون میگوید:  
کلید موفقیت  
در بلندمدت آن  
است که افراد  
سازمان خود را  
توسعه دهیم و  
آنان را برای بروز  
شایستگیها،  
خلاقیتها و  
تعهداتشان  
تهییج کنیم و به  
حرکت درآوریم تا  
کسبوکار به جلو  
حرکت کند

قابل جایگزینی باشند. آدمهای قرن حاضر، موجودات هوشمند مختار، آفریننده و به دنبال معنا هستند و در سازمانی کار خواهند کرد که بستر این آفرینندگی و چابکی را به خوبی فراهم کرده باشد.

از طرف دیگر فرماندهی و نظارت یک سو و بدون توجه به موضوع توسعه صنعتی می تواند مانع بروز نوآوری جامعه و کسبوکارها شود و به توانایی نگاههای صنعتی در توسعه صنعتی ضربه بزند. اگر مدیران شرکت های صنعتی، داوطلبانه قدرت یک طرفه را کنار بگذارند و تیم ها و هم رده هایشان را ترغیب به پذیرش مسوولیت کارهای خودشان کنند، دست از تلاش برای کنترل کارکنان بردارند و در مقابل روی افزایش استقلال و عاملیت آنان تمرکز کنند، قطعاً به توسعه صنعت در نگاهها و نتایج بهتری دست خواهند یافت.

### ■ چه نوع کسبوکارهایی می توانند در خدمت توسعه صنعتی باشند؟

کسبوکارهای صنعتی، شرکتی است که توانان هم بر عملکرد صنعتی و هم بر سلامت کسبوکار تمرکز دارد. با این توضیح که عملکرد آن چیزی است که یک بنگاه صنعتی به صورت مالی و عملیاتی به ذی نفعانش ارائه می دهد و با استفاده از سنجها و ابزارهایی چون سود عملیاتی، بازده سرمایه، بازده سهام، هزینه ها و بازده دارایی ها اندازه گیری می شود و سلامت یعنی قابلیت سازمان در هم سود کردن، اجرا و بازسازی خود با سرعتی بالاتر از رقابت است که در طول زمان امکان حفظ و پایداری عملکرد برتر را می دهد بنابراین اگر به سلامت یک کسبوکار کم توجهی شود یعنی اینکه توسعه صنعتی در کانون تمرکز مدیران صنعتی یک کشور قرار ندارد.

رهبران و مدیران صنعتی که صرفاً بر عملکرد سازمانی تمرکز می کنند یعنی بر اموری که در بازه های زمانی کوتاه بازده مالی مناسبی داشته باشند، سرمایه گذاری سنگین انجام می دهند اما آنچه آنان نادیده می گیرند، سرمایه گذاری بر سلامت کسبوکار است یعنی سرمایه گذاری روی سازمانی که لازم است امروز ساخته و پرداخته شود تا فردا پایدار بماند و کامیاب شود و توسعه صنعتی با ساختن فردا در امروز متبلور می شود.

دان آرگوس، رییس بازنشسته هیاتمدیره شرکت بی.اچ.پی بیلتون می گوید: «کلید موفقیت در بلندمدت آن است که افراد سازمان خود را توسعه دهیم و آنان را برای بروز شایستگی ها، خلاقیتها و تعهداتشان تهییج کنیم و به حرکت درآوریم تا کسبوکار به جلو حرکت کند» به اعتقاد من کلید افزایش توسعه صنعتی در کشوری در مفهوم این جمله است یعنی توسعه قابلیت ها، پرورش حس مسوولیت پذیری و پاسخگویی در قبال تعهدات و ترغیب افراد برای دستیابی به عملکردی بالاتر از انتظار در بخش صنعتی است.

نکته مهم در جستجوی توسعه صنعتی که منجر به رشد پایدار شود، این است که بدانیم افراد یک صنعت مانند خون آن صنعت هستند. اگر این مظاهر حیات را از صنعت حذف کنید، آنچه از آن باقی می ماند صرفاً اسکلت و زیرساختی بی روح شامل تعدادی ساختمان، سیستم و ماشین آلات است که قابلیت هیچ کاری را ندارد تا چه رسد به اینکه توسعه صنعتی را رقم بزند و در دستیابی به رشد صنعتی و توسعه پایدار سهیم باشد.

می خواهند چیزی را خلق کنند تا جامعه بشری از آن بهره مند شود.

آدام کروزیس، مدیرعامل پیشین رویال میل می گوید: «کارکنان در محل کارشان به دنبال یک حس تعلق و انگیزه ای که به زندگی کاری شان معنا ببخشد، می گردند.» این گفته بدان معناست که یکی از فاکتورهای اصلی نهادینه کردن توسعه صنعتی، ایجاد حس تعلق و انگیزه به تک تک افراد جامعه در انجام دادن کاری که بدان همت گمارده اند است.

از نظر تاریخ بزرگ ترین اختراع تمام دوران ها چرخ است اما به باور من، مهم ترین ابداع بشر سازمان به ویژه سازمان صنعتی است یعنی موجودیتی که مردم زیر چتر آن با هم برای دستیابی به هدفی مشترک همکاری می کنند. از همین رو بر این باورم که توسعه صنعتی از این نقطه یعنی «ساختن سازمانی که افراد بتوانند با تمام توان در درون آن تحول ایجاد کنند» آغاز می شود.

در موضوع توسعه صنعتی باید میان پارادایم جدید که به کسبوکارهای صنعتی نگاه متفاوتی دارد و آنها را به مثابه موجودات زنده در نظر می گیرد، در مقایسه با پارادایم سنتی که نگاه ماشینی به کارکنان بخش صنعت دارد، فرق بگذاریم و پارادایم سنتی را به فراموشی بسپاریم.

### ■ تفاوت این دو دیدگاه را بیشتر توضیح دهید.

تفاوت دیدگاه سنتی و مدرن به توسعه صنعتی به مثابه تفاوت ساختمان و سازمان است. سازمان و ساختمان هر دو از ریشه ساختن یا سازیدن هستند یکی با ریشه ماضی (ساخت + مان) و یکی با ریشه مضارع (ساز + مان) هر دو به یک سازه اشاره دارند. هر دو عناصر تشکیل دهنده نحوه خاص ارتباط با هم و با کار کردهای مشخص دارند اما بین ساختمان و سازمان یک تفاوت بنیادین وجود دارد؛ ساختمان، سازه ای است که به محض ساخته شدن کار خودش فریز می شود و ثابت می ماند تا زمانی که سازه پابرجاست (ریشه ماضی فعل ساختن) و برای تغییر کاربرتش، باید آن را فرو ریخت و از نو ساخت. سازمان اما از زمان ساختن اولیه اش تا ابد در حال ساخته شدن (یا شاید بهتر باشد بگوییم سازیدن) است و هیچگاه سازیدن آن تمام نمی شود (ریشه مضارع!). همچنین سازمان یک موجود زنده ای است که عناصر تشکیل دهنده آن هم موجود زنده هستند. پس یک سیستم پیچیده با درجه آزادی زیاد و مدام در حال تغییر و زایش است. یک سیستم باز که مدام بر محیط پیرامونش تأثیر می گذارد و از آن تأثیر می گیرد. اگر یک کسبوکار صنعتی خواص موجود زنده هوشمند آفریننده خود را از دست بدهد چیزی شبیه همان ساختمان است! چیزی در حد یک ماشین. تعبیری که در تمام قرن بیستم، پارادایم غالب نگرش به صنعت و شکل گیری رشد صنعتی بوده و متأسفانه هنوز هم در کشور ما دیدگاه غالب است و به همین دلیل توسعه صنعتی گسترش پیدا نمی کند.

اگر می خواهیم به توسعه صنعتی برسیم باید قبول کنیم که کسبوکارهای صنعتی امروز دیگر ماشین نیستند و نمی توانند باشند! عناصر بنگاه های صنعتی (تیروی انسانی) پیچ و مهر ماشین نیستند که به راحتی

ساختن یعنی تمرکز بر توسعه صنعتی در جامعه و کسبوکارهاست. وی می گوید: «روی ارتباطات سرمایه گذاری کنید، زندگی سخت است. هیچ کسی به تنهایی قادر نیست از پس این زندگی برآید، ما به تشویق و الهام بخشی مردم برای رسیدن به این امر نیاز داریم و همچنین می توانیم دیگران را تشویق کنیم و الهام بخش آنان باشیم.» برداشتی که می توان از این بیان داشت، این است که الهام بخشی به دیگران یعنی قرار گرفتن در مسیر توسعه صنعتی برای رسیدن به رشد اقتصادی پایدار و رفاه مردم در سایه کار بهره ور است.

### ■ آیا با مکانیزه کردن سیستمها می توان به توسعه صنعتی دست یافت؟

آنچه در موضوع توسعه صنعتی مبتنی بر توسعه کسبوکارهای صنعتی برای من اهمیت دارد و همگان باید بدان توجه داشته باشند این است که برای دستیابی به توسعه صنعتی باید «ذهنیت کارکردی» در کسبوکارهای صنعتی را کنار بگذاریم و از آن دوری کنیم. منظورم از «ذهنیت کارکردی» این است که در ارائه ایده ها و راه حل های نوآورانه برای توسعه صنعتی و رشد اقتصادی، رویکرد و روش های مکانیکی را کنار بگذاریم. بسیاری از مدیران کشور چه در کسبوکارهای صنعتی هنوز به دنبال راه حل های مکانیکی عصر - صنعتی یک قرن پیش هستند. در «ویکرد کارکردی» مدیران شرکت های صنعتی همواره به دنبال «راه حل های فوری» هستند که به صورت خودکار بتوانند تمام چالش های شان را در مان کنند و سپس سرشان را می خرانند و می گویند که چرا این اتفاق رخ نداد. باید آگاه باشیم که رویکردهای استراتژیک در توسعه صنعتی را نمی توان صرفاً با اتوماسیون کردن آنها افزایش داد و به رشد اقتصادی رسید و با هیچ نرم افزاری نمی توان تمام پاسخها را یافت؛ نگاهی که متأسفانه در کسبوکارهای صنعتی ریشه دوانده است و توسعه صنعتی را فقط مکانیزه کردن سیستمها تلقی می کنند در حالی که «گفت و گو و تفکر» از اصول بنیادین ترویج توسعه صنعتی است. نخبگان جامعه و مدیران و کارکنان بخش صنعت چه دوست داشته باشند و چه دوست نداشته باشند باید برای ترویج و گسترش توسعه صنعتی دوباره فکر کنند و الگوهای توسعه صنعتی متفاوت را شناسایی و انتخاب کنند و سپس تصمیم بگیرند. با فناوری چگونه می توان این فرآیند تصمیم گیری را پشتیبانی کرد اما نمی توان یا نباید همه چیز را فقط در قالب فرآیند مکانیزه کردن سیستم های صنعتی پی ریزی کرد.

نتیجه یک نظر سنجی از ۵ هزار نفر مدیر و کارکنان صنعتی در دنیانشان می دهد این افراد حاضر نیستند نقش چرخ دنده های ماشینی را ایفا کنند که دندانه هایش در هر فصل مالی برای تحقق مثنی از ارقام عملکردی تیز می شود. آنان می خواهند محل کارشان جایی باشد که حس کنند در آنجا قابلیت هایی به آنها داده می شود تا تغییری مثبت و معنادار را پدید آورند. به اعتقاد من معنای توسعه صنعتی در یک کشور و کسبوکارهای صنعتی آن در یک نگاه و رویکرد نهفته است، یعنی ایجاد تغییر مثبت و معنادار توسط تمام انسان ها که هر کدام به کاری مشغول هستند. به بیان دیگر مدیران صنعتی باید انسان ها را ماشین فرض نکنند و سازمانی را به وجود آورند که اساس آن «تلاش برای توسعه صنعتی» میان افرادی است که



قائم مقام دبیر کل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران در گفت و گو با «جهان صنعت» مطرح کرد

## تولید؛ پاشنه آشیل اقتصاد کشور

فاطمه رحیمی- امروز چالش اصلی کشور حوزه اقتصاد و به ویژه ستون فقرات اقتصاد یعنی بخش تولید است؛ بنابراین این انتظارات بخش خصوصی و فعالان حوزه صنعت و تولید از دولت چهاردهم این است که به صورت ویژه به بررسی و حل مشکلات در این بخش بپردازد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نخستین دغدغه فعالان حوزه تولید و صنعت مربوط به وضعیت تامین مواد اولیه می‌شود. متأسفانه تولیدکنندگان طی سال‌های اخیر با مشکلات عدیده‌ای از جمله گرانی مواد اولیه، تغییر قیمت در فاصله‌های کوتاه مدت و عرضه مهندسی در بورس کالا در این بخش مواجه بودند؛ به گونه‌ای که یکی از عمده دلایل تعطیلی واحدهای تولیدی مباحث مربوط به تامین مواد اولیه است. از سوی دیگر، تولیدکنندگان در مساله تامین ارز نیز مشکل دارند. این موضوع در مقاطعی از سال حتی منجر به کاهش تولید برخی صنایع از جمله لاستیک شده بود. تداوم فرآیند طولانی تخصیص ارز و ترخیص از گمرک باعث کمبود مواد اولیه و به تبع آن تولید در ظرفیت‌های پایین‌تر از توان تولیدی و در نتیجه تعدیل نیروی کار شده است.

گفت: بر مبنای گزارش‌های پایش محیط کسب و کار که اتاق بازرگانی منتشر می‌کند، تامین مالی و تامین نقدینگی در صدر چالش‌های صنعتگران و فعالان اقتصادی قرار دارند. با توجه به تورم موجود در کشور یکی از جدی‌ترین مشکلات، تامین مالی برای سرمایه در گردش است، اگر تورم ۴۰ درصد در نظر بگیریم، بخش تولید برای حفظ وضع موجود و بدون توسعه، بیش از ۴۰ درصد به نقدینگی نیاز دارد. در این میان منابع بانکی هم محدودیت دارد، در واقع سیستم بانکی پاسخگوی تقاضای بخش تولید نیست و البته سهمی هم که برای تامین مالی بخش تولید در نظر گرفته‌اند نیز کافی نیست. قرار بود نزدیک به ۴۰ درصد برای بخش صنعت و معدن در نظر بگیرند که در حال حاضر تنها ۲۸ درصد است.

اما با توجه به مشکلاتی که برای بازار سرمایه و بورس به وجود آمده است، مردم نمی‌توانند اعتماد کنند و در نتیجه بورس هم نمی‌تواند رشد کند. در حالی که بورس می‌توانست برای سایر بخش‌های مولد اقتصادی کشور منبع جذب سرمایه باشد. با استفاده از ظرفیت بازار سرمایه همانند شرکت‌های تامین سرمایه و ابزارهای مالی متنوع می‌توان با تجمیع منابع مالی و هدایت نقدینگی به سمت بنگاه‌های مولد بخش بزرگی از منابع تامین مالی این بنگاه‌ها را رفع کرد.

### بحران تامین نقدینگی صنایع معدنی

این عضو هیات نمایندگان اتاق تهران در ادامه اظهار کرد: مهم‌ترین مشکل صنایع به‌ویژه صنایع معدنی در حال حاضر تامین نقدینگی واحدهای تولیدی است، اکنون بانک‌ها نمی‌توانند تقاضای واحدهای تولیدی را برای تامین نقدینگی سرمایه در گردش به سبب منابع محدود فراهم کنند. وقتی بانک‌ها نتوانند سرمایه در گردش واحدهای تولیدی را افزایش دهند، بنگاه‌های تولیدی در حفظ بقای خود با مشکل مواجه می‌شوند، در همین راستا شرکت‌های تامین سرمایه حاضر در بورس، می‌توانند با تجمیع منابع مالی و هدایت نقدینگی

به نقدینگی شده، عدم همراهی نظام بانکی با بخش تولید به‌ویژه صنایع کوچک و متوسط است. متأسفانه آنطور که تولیدکنندگان می‌گویند برای دریافت وام و تسهیلات باید در صف‌های طولانی بمانند و در نهایت با نرخ بهره‌های بالا نسبت به بازپرداخت تسهیلات اقدام کنند.

قیمت‌گذاری دستوری نیز از دیگر مشکلات بخش تولید است؛ معمولاً دولت‌ها برای مقابله با افزایش قیمت و تورم، اقدام به سرکوب قیمت‌ها و تعیین دستوری نرخ می‌کنند تا کالاها با قیمت پایین‌تر به دست مردم برسند. با این حال طبق پیش‌بینی کارشناسان این اقدام نه تنها اکنون به تثبیت قیمت کالاها کمک نکرده، بلکه خود به عاملی برای جهش تقاضا و التهاب بیشتر بازار، رانت و دلال‌بازی و خروج بازار از فرآیند طبیعی خود تبدیل شده است. نوسانات نرخ ارز نیز از دیگر مشکلات بخش تولید و صنعت در کشور محسوب می‌شود؛ بنابراین تغییر مدام نرخ ارز و سایه سنگین آن بر اقتصاد کشور نیز باید مدیریت شود، چرا که تولیدکننده نمی‌داند آیا کالایی را که امروز فروخته است فردا هم می‌تواند تولید کند یا خیر.

نداشتن نقشه راهبردی صنعت از دیگر چالش‌های بخش تولید است؛ از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۶ اسنادی تحت عناوین مختلفی به منظور روشن کردن مسیر تولید و صنعت در کشور تدوین شد اما تا به امروز هیچ‌یک از این اسناد نه تنها نتوانستند استراتژی مشخصی برای این بخش تعیین کنند، بلکه در صندوقچه وزارتخانه‌های اقتصادی نیز رسوب کردند. در این راستا به بهانه روز ملی «صنعت و معدن» به منظور بررسی چالش‌های حوزه تولید و صنعت، «جهان صنعت» با آرمان خالقی، عضو هیات مدیره خانه صنعت و معدن و تجارت، به گفت و گو نشسته که در ادامه می‌خوانید.

### تامین مالی در صدر چالش‌های صنعتگران

قائم مقام دبیر کل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران در خصوص چالش‌های حوزه صنعت به «جهان صنعت»

تورم ام‌المصائب اقتصاد ایران است که منجر به بی‌ثباتی قیمت‌ها شده است؛ بررسی وضعیت بخش صنعت و معدن بیانگر آن است که به دلیل تورم بالا در اقتصاد ایران، این بخش بیش از پیش نیازمند تامین نقدینگی و سرمایه در گردش شده است، چرا که سهم سرمایه در گردش در میزان تسهیلات پرداختی به بخش صنعت و معدن از ۷۸ درصد در ۹ ماهه ۱۴۰۱ به ۸۲ درصد در ۸ ماهه منتهی به آبان سال ۱۴۰۲ است. در واقع وضعیت بفرنج تولید در دستیابی به سرمایه در گردش که هر روز هم بیشتر از دیروز می‌شود بر یک نکته تاکید می‌کند و آن اینکه دولت باید اولویت نخست خود را کاهش نرخ تورم قرار دهد، چرا که هر چقدر افسار تورم رهاتر باشد به همان میزان نیز صنایع در بخش‌های مختلف به‌ویژه در استخدام نیروی کار، هزینه خرید مواد اولیه و موجودی مواد اولیه در تنگنا قرار می‌گیرند و همین مساله موجب افزایش تمایل این بخش به دریافت تسهیلات بیشتر می‌شود.

از دیگر مشکلات عمده تولیدکنندگان باید به وضعیت ناگوار تجهیزات و ماشین‌آلات اشاره کرد؛ به گفته تولیدکنندگان، بخش عمده‌ای از تجهیزات فرسوده و قدیمی بوده و از فناوری روز عقب است. همچنین ماشین‌آلات جدید هم بعضاً پشت درهای گمرک رسوب شده و به موقع به دست تولیدکننده نمی‌رسد.

دغدغه مهم دیگر بخش تولید کشور مربوط به تامین نقدینگی و سرمایه در گردش می‌شود. متأسفانه فعالان بخش تولید و صنعت به دلیل عدم توانایی در تامین نقدینگی که خود دلایل متعددی دارد توان پاسخگویی به نیازهای واحد خود را ندارد که همین مساله در ادامه منجر به تعطیلی و راکد شدن صنایع می‌شود یا اینکه در بهترین حالت واحد تولیدی مجبور به کل کردن با ظرفیت کمتر می‌شود. از جمله دیگر دلایلی که منجر به ضعیف شدن صنایع در دستیابی



**در بحث بهره‌وری  
مشکل جدی در  
کشور داریم،  
بهره‌وری را نه  
دولت جدی می‌گیرد  
نه حتی بخش  
خصوصی، در  
اینکه کار درست  
را چگونه به روش  
درست انجام دهیم،  
هنوز در کشور  
مشکل داریم**

که آیا ما به دنبال این هستیم که تولیدکننده و بازرگان را از هم تفکیک کنیم یا به دنبال تامین کالا هستیم و از آنجا که منابع ارزی کشور محدود است، قرار نیست برای ورود هر کالایی این منابع را به آن تخصیص دهیم. در کشور بسیاری از شرکت‌ها کوچک هستند و مایحتاج وارداتی شان از طریق شرکت‌های بازرگانی وارد کشور می‌شود. این شرکت‌ها سال‌هاست که به‌طور تخصصی فعالیت می‌کنند و صاحب اعتبار، پول و بازار هستند و هزینه‌های که باید شرکت‌های تولیدی کوچکی که قادر نیستند خودشان واردات مستقیم انجام دهند این واحدهای بازرگانی عهدمدار می‌شوند. در واقع این کار را تسهیل می‌کنند و سود بازرگانی خود را هم می‌گیرند و دیگری یک شرکت بازرگانی که ظرفیت ندارد نیازی به بازرگانی ندارد بنابراین شرکت‌های واردکننده و صادرکننده‌ای که می‌توانند هزینه‌های بخش تولید را کاهش دهند و به‌طور تخصصی کار کنند، جزو مزایای اقتصاد کشور هستند. این واحدهای بازرگانی را نمی‌توان کنار گذاشت، زمانی که چشم‌پسته همه واحدها را محدود کنیم به اقتصاد کشور آسیب می‌زنیم، به‌گونه‌ای که اگر این واحدها حذف شوند هزینه‌های بخش تولید افزایش می‌یابد.

#### چگونگی تحقق شعار سال

شعار امسال با تاکید رهبری بر مشارکت محسوس مردم در اقتصاد همراه بوده به این معنا که دولت نباید در اجرای اقتصاد دخالت کند، بلکه اقتصاد توسط مردم و نهادهای مردمی باید اداره شود. بخش تولید که طی سنوات گذشته محور شعارهای سال منتخب از سوی مقام معظم رهبری بوده است این روزها با چالش‌های زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کند. نکته قابل توجه آنکه رهبری در بیانات خود تاکید داشتند که شعار امسال در واقع ادامه مسیر شعار سال گذشته است؛ بنابراین از این موضوع می‌توان نتیجه گرفت در خصوص شعار سال گذشته در ست به تکلیف‌مان عمل نکردیم و نمره قبولی نگرفتیم که این شعار در سال جاری ادامه یافته است. این فعال اقتصادی در ادامه در این خصوص عنوان کرد: شعار سال معمولاً روی نقاط ضعف یا نقاط قوت کشور بسته می‌شود، طی این سال‌ها نیز به دلیل اهمیت بالای بخش تولید و ضعف موجود در این حوزه همواره شعار سال بر این اساس انتخاب شده است. در بحث دولت‌ها هیچ وقت هیچ مقام مسوولی را به دلیل انجام ندادن وظایفش بازخواست نکردیم. این اتفاق به دلیل عدم هدف‌گذاری رخ می‌دهد، چراکه خود را متعهد نکرده‌ایم که در ابتدای تصدی کرسی ریاست یا وزارت تا چند درصد امکان تحقق وعده‌ها وجود دارد. این بازخواست اتفاق نمی‌افتد، چراکه بر نامه مشخص ارائه نمی‌دهیم، از طرفی شعار سال در قالب برنامه‌های خود قابل سنجش باشد.

#### عدم تعامل وزارت صمت با بخش خصوصی

عضو هیات‌مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت در خصوص عملکرد وزیر صمت در دولت سیزدهم اظهار کرد: عملکرد وزیر صمت را باید در قالب دولت دید؛ اصولاً وزرا با دولت هم‌مسو و همگن باشند، وزیر فعلی در قالب دولت فعلی توانسته تا حدودی کار را جلو ببرد، یعنی جنس عملکرد وزیر فعلی جنس عملکرد دولت مستقر است و ناهمخوانی ندارد، اما به‌طور کلی ارتباط وزارت صمت با بخش خصوصی ارتباط چندانی مفیدی نبوده و نتوانسته‌اند ارتباط برقرار کنند و تشکل‌ها را ندیدند و با تشکل‌های بزرگ نتوانستند چندانی ارتباطی برقرار کنند، اما خود و شخص وزیر فردی است که در حوزه صنعت کار کرده و صاحب تجربه است.

#### ضرورت تعامل دولت چهاردهم با بخش خصوصی

این فعال بخش خصوصی در باره انتظارات بخش خصوصی از دولت آینده گفت: دولت بعدی باید حداقل برنامه‌هایش را به‌طور مشخص اعلام کند، از ابتدای کار رییس‌جمهور و وزیرایش باید برنامه‌های همگن و یکپارچه را در حوزه‌های مختلف اعلام کنند و برای تحقق آنها زمان در نظر بگیرند. از طرفی بخش خصوصی را به مشورت بگیرند، چراکه بدون بخش خصوصی هیچ دولتی موفق نخواهد بود، زیرا اقتصاد قرار نیست دولتی باشد.

جغرافیایی و ارزش بالای ملک، متقاضی زیادی برای آن وجود دارد. در مناطق دورافتاده اما تعداد زیادی از واحدهای شهرک‌های صنعتی تعطیل هستند و هیچ‌کس برای آن سرزندگی در آن دیده نمی‌شود.

به گفته وی، بحث دستمزد هم بر این وضعیت تاثیر دارد. مشاغل دیگر که تحت عنوان شغل کاذب شناخته می‌شوند، باعث می‌شود افراد راغب به کار کردن نباشند، چراکه می‌گویند با این دستمزد به زحمتی که دارد نمی‌ارزد. برخی کارگران ترجیح می‌دهند در تاکسی‌های اینترنتی کار کنند یا کارهای ارزی انجام دهند. وقتی مزد و رفاه کافی نباشد، بازار کار دچار تنش می‌شود.

خالقی بابیان اینکه واکنش‌ها به شرایط اقتصادی متفاوت است، گفت: گاهی فشار اقتصادی به نحوی است که همه برای سر کار رفتن با هم رقابت می‌کنند، اما در مواردی مثل شرایط فعلی که مشاغل جانبی ایجاد می‌شود، راحت کار را کنار می‌گذارند و دنبال مشاغل جانبی می‌روند.

#### مشکل جدی در بهره‌وری

خالقی در ادامه تاکید کرد: در بحث بهره‌وری مشکل جدی در کشور داریم، بهره‌وری را نه دولت جدی می‌گیرد نه حتی بخش خصوصی. در اینکه کار درست را چگونه به روش درست انجام دهیم، هنوز در کشور مشکل داریم. نگاه به بهره‌وری در کشور نسبت به نرم جهانی اصلاً مطلوب نیست و نیاز به بازنگری و اصلاح دارد. یا در بحث سرمایه انسانی، انرژی و به‌طور کلی منابع باید اصلاح شود. زمانی که بحث ناترازی انرژی مطرح می‌شود، باید روی بحث بهره‌وری انرژی در کشور کار شود که مانع از اتلاف انرژی شویم و به سمت بهبود مصرف و بهبود شاخص‌ها حرکت کنیم، چراکه فاصله بسیاری تا بهبود در این بخش‌ها وجود دارد.

#### آسیب‌پذیری واحدهای کوچک و متوسط

از طرفی بسته به نوع سیاست‌ها و بازار، در وضعیتی قرار داریم که واحدهای کوچک و متوسط آسیب‌پذیرتر هستند. زمانی که فشار اقتصادی بالا می‌رود، در بخش خصوصی شرکت‌هایی دوام می‌آورند که توان اقتصادی بالاتری دارند. در واحدهای ۵۰ نفره بالا و ۲۰۰ نفره بزرگ محسوب می‌شوند، تاب‌آوری بیشتری است. خالقی درباره دلیل تاب‌آوری واحدهای بزرگ گفت: این واحدها منابع اقتصادی بیشتری دارند. بازار بزرگ‌تری داشته و ظرفیت‌های آنها بیشتر است. ضمن آنکه حمایت‌ها از آنها بیشتر است و در زمان تامین منابع، راحت‌تر به بانک‌ها دسترسی دارند. در واقع دولتی‌ها بیشتر هوای چنین واحدهایی را دارند.

وی اضافه کرد: واحدهای کوچک و متوسط با یک نوسان وی‌مهری که در اقتصاد اتفاق می‌افتد، خیلی سریع‌تر تعطیل می‌شوند. فردا که اقتصاد رونق بهتری داشته باشد، واحدهای کوچک و متوسط هم مثل گل‌های بهار سر در می‌آورند و رشد می‌کنند. در طول این مدت ممکن است تعدادی ریزش کنند و عده‌ای هم به مرور زمان بزرگ می‌شوند.

#### تحریم؛ پاشنه آشیل تجارت بین‌الملل

این عضو هیات‌مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت مشکلات در ادامه عنوان کرد: موجود در تجارت بین‌الملل آن چیزی است که در اقتصاد داخلی رخ می‌دهد که ناشی از تحریم‌هاست. این موضوع بسیار جدی است و بسیاری از معضلات کشور نیز ناشی از این وضعیت است؛ اگر برای تامین ارز در صف می‌ایستیم به دلیل این موضوع است، اگر برای خرید برخی کالاها، تجهیزات و مواد اولیه از بعضی کشورها با محدودیت مواجه هستیم، به همین دلیل تحریم‌هاست. یا اگر مبادلاتمان تنظیم نیست و به نقطه مطلوب نمی‌رسیم ناشی از مشکلات مبادلات پولی حاصل از تحریم است. قاعدتاً مساله تحریم یک موضوع بسیار آزاردهنده است، در نتیجه باید به دنبال راهکار باشیم که چگونه تحریم را حذف یا اینکه چطور بر آن غلبه کنیم. این موضوع باعث یک جنگ اقتصادی میان ما و رقبای اقتصادی‌ماست.

#### افزایش هزینه‌های تولید با محدودیت ثبت‌سفارش کالا

آرمان خالقی در خصوص محدودیت‌های جدیدی وزارت صمت برای ثبت‌سفارش کالا برای واحدهای بازرگانی ایجاد کرده است، گفت: در این مبحث، موضوع اصلی این است

به سمت بنگاه‌های مولد نقش موثری را در رفع موانع و بحران‌های پیش‌رو ایفا کنند.

خالقی در خصوص سرمایه‌گذاری در حوزه ابزارها و ماشین‌آلات صنایع معدنی، تصریح کرد: برای نوسازی ابزارها و ماشین‌آلات صنایع معدنی دو مسیر وجود دارد که می‌توان نخست به‌فراوانی مشارکتی بلندمدت با ایجاد تسهیلات متنوع از جمله توثیق سهام نزد شرکت سرمایه‌گذار و دوم تقویت شرکت‌ها برای خرید ابزارها اشاره کرد.

عضو هیات‌مدیره خانه صمت در ادامه گفت: ممنوعیت واردات ماشین‌آلات معدنی به دلیل احتمال ظرفیت تولید داخل نه تنها هزینه‌های تمام شده را بالا برده، بلکه به نوعی منافع ملی بزرگ‌تر را فدای منافع کوچک‌تر و مقطعی کردن است. در حقیقت ما به عنوان بخش خصوصی این موضوع را نمی‌پذیریم و معتقدیم اگر بخش معدن تعطیل بماند خسارت آن برای کشور بیشتر از این است که یک واحد ماشین‌سازی کار کند یا نکند.

وی اضافه کرد: اگر در یک حوزه‌های به‌موقع سرمایه‌گذاری نکنیم فرصت از دست می‌رود. به‌خصوص اینکه در حوزه معدن قاعدتاً تامین ماشین‌آلات شروع یک زنجیره است. بنابراین وقتی ما برای زنجیره از اول کاری نمی‌کنیم که به حرکت بیفتد و به اصطلاح کوکومپو، راه بیفتد و معدن استخراج شود، قاعدتاً تمام صنایع پائینی اش معطل می‌ماند.

#### محیط کسب‌وکار مساعد نیست!

این عضو اتاق بازرگانی در ادامه اضافه کرد: مساله جدی دیگر ما برای گرفتن تولید، محیط کسب‌وکار باید شرایطی داشته باشد، محیط کسب‌وکار باید یک محیط سالم، کمک‌کننده، تسهیلگر باشد و مشکلات مشابهی که اکنون وجود دارد را شاهد نباشد. در این راستا باید بهبود شاخص‌های محیط کسب‌وکار را در دستور کار داشته باشیم.

گفتنی است ریشه همه مشکلات تولید در محیط کسب‌وکار نهفته است و این یک واقعیت پذیرفته شده است که محیط کسب‌وکار ایران برای فعالیت مولد مساعد نیست، چراکه در این فضا با تصمیمات خلق‌الساعه بسیار زیادی روبرو هستیم، مجوزها به سختی صادر می‌شود، فرآیندهای اداری بسیار زمان‌بر و گاهی با مفاسد اداری همراه است. صنعتگر در حوزه تسهیلات بانکی هم با مضیق‌ها و تنگناهای بسیار مواجه و چه بسا ناگزیر است برای گرفتن تسهیلات، روابط توأم با زبون‌بند و نامتعارف اداری داشته باشد. اصلاح این محیط با سامان با اصلاح مدیریت اقتصادی کشور امکان‌پذیر است. اتاق بازرگانی در چند سال اخیر و براساس قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، گزارش‌های فصلی از وضعیت محیط کسب‌وکار مبتنی بر شاخص‌های بانک جهانی و همچنین شاخص‌های بومی در حوزه‌های مالیاتی، بانکی، روابط کار، مسائل ثبت و مجوزها، تامین مالی، دعاوی حقوقی و قضایی، تامین انرژی و تهیه و منتشر می‌کند و بر این اساس علاوه بر عدم تزریق سرمایه در گردش و نقدینگی، مشکلات حوزه انرژی، قیمت‌گذاری دستوری و... کسب‌وکارهای کشور را به ورطه رکود و زیان کشانده است.

#### بحران تامین و جذب نیروی انسانی

عضو هیات‌مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت با بیان اینکه کارگر متخصص در کشور کم‌شده و این وضعیت در برخی شهرک‌ها بیشتر به چشم می‌خورد، گفت: شرکت‌ها نیازمند کارگر هستند، چراکه راه‌دور است و مشاغل پردرآمدتر دیگری وجود دارد. در حال حاضر یافتن نیروی کار تخصصی برای بخش تولید بسیار مشکل شده است. بخش تولیدی که خارج از شهرها فعالیت می‌کند، به دلیل مسافت زیادی که از شهرها فاصله دارند با کمبود نیروی کار مواجه شده است. در واقع متقاضی برای کار در این بخش کاهش یافته است. گاهی حتی در آن منطقه کارگر ماهر پیدا نمی‌شود و محصولات تولیدی، بازار مناسب ندارند و در مجموع صرفه اقتصادی و ظرفیت تولید کم است. همه این مشکلات ممکن است واحد تولیدی را زمینگیر کند و گاهی حتی یکی از این موارد به تعطیلی بنگاه منجر شود. در برخی شهرک‌های صنعتی ممکن است یک واحد موفق، مانند نگین بدر خشد اما بقیه واحدها تعطیل هستند. در همین حاشیه تهران واحدهای تعطیل و نیمه‌تعطیل زیادی داریم که به دلیل وجود توجیه



گفت و گوی «جهان صنعت» با معاون طرح‌های توسعه معادن و صنایع معدنی ایמידرو و

## اکتشاف با مشارکت بخش خصوصی



حسام مقدمعلی  
معاون طرح‌های توسعه  
معادن و صنایع معدنی  
ایמידرو

منیر حضوری - بر اساس اعلام سازمان زمین‌شناسی تاکنون تنها در ۳/۰ درصد از مساحت کشور، فعالیت اکتشافی انجام شده است. در کل سرمایه‌گذاری انجام گرفته در این بخش توسط بخش دولتی و خصوصی نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار است. در حالی که در برنامه هفتم توسعه سالانه ۵ میلیون متر حفاری پیش‌بینی شده اما تاکنون در مجموع ۴/۸ میلیون متر حفاری اکتشافی در کشور انجام گرفته است. برای ارزیابی جایگاه معادن و بررسی نقاط قوت، ضعف و همچنین توسعه‌های انجام گرفته در این بخش، بهتر است عملکرد خود را در این حوزه با کشورهای معدنی دنیا از جمله استرالیا، کانادا، آمریکا، چین و... مقایسه کرد. در کشور کانادا تنها ظرف سال ۲۰۲۲ بیش از ۷ میلیون متر، در روسیه ۴ میلیون متر، در استرالیا ۱۱ میلیون متر و در عمان برابر یک میلیون متر حفاری انجام می‌شود. عقب‌ماندگی فعالیت‌های حفاری ایران در قیاس با سایر کشورها در حالی است که هزینه این عملیات در ایران در مقایسه با کشورهای دیگر به‌مراتب پایین‌تر است. به‌عنوان نمونه قیمت حفاری در کانادا حدود ۲۰۰ دلار و در ایران برابر ۸۰ تا ۹۰ دلار به‌ازای هر متر است.

مزایده عرضه کنیم. فعالان این بخش که علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در بحث اکتشاف هستند این فرصت را داشته باشند که بتوانند در ادامه کار به صورت مشارکتی با مجموعه وزارت صمت یا سازمان ایמידرو ادامه فعالیت اکتشافی را دنبال کنند. این یک قدم موثری هم در تسریع فعالیت اکتشافی در کشور و هم در ایجاد فرصت و تحقق شعار سال که بحث جهش تولید با مشارکت مردم در آن مطرح است، می‌باشد. در حال حاضر در مجموعه شرکت تهیه و تولید مواد معدنی به عنوان بازوی اجرایی سازمان با شش مزایده‌ای که در محدوده‌های پلی مثال یا فلزات غیر آهنی قرار دارد، آگهی‌ها درج شده و علاقه‌مندان به این حوزه می‌توانند به شرط داشتن صلاحیت فنی -حالی در این مزایده‌ها شرکت کنند. توجه به این مهم ضروری است که اگر بحث جهش تولید مطرح می‌شود، این مساله در بخش معدن زیرساخت اولیه‌اش خود معدن و بعد صنایع معدنی است. اگر بخش خصوصی علاقه‌مند و مطلع در مزایده‌ها شرکت کند می‌تواند بستر لازم را برای شناسایی و به قطعیت رساندن ذخایر جدید حاصل کند که در ادامه هم جهش تولید و هم مشارکت مردم را خواهیم دید به دلیل اینکه مجموعه‌هایی که در این مزایده‌ها شرکت می‌کنند بخش خصوصی و تعاونی کشور هستند و این می‌تواند نوید بخش تحقق اهداف شعار سال باشد. ما هم در ایמידرو امیدواریم که بتوانیم محدوده‌های قابل توجهی را عرضه کنیم. در حال حاضر در مجموعه تهیه و تولید برنامهریزی شده که حداقل ۳۰ محدوده برای این فرآیند انتخاب شود. سازمان توسعه و نوسازی نیز تا به امروز ۲۸ محدوده را معرفی کرده است. در حقیقت حدود ۶۰ محدوده آماده برگزاری مزایده هستند و علاقه‌مندان می‌توانند از طریق درگاه اینترنتی شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران نسبت به خرید اسناد در این مزایده‌ها اقدام کنند. امیدواریم که رقابت خوب و سالم با حضور ذی‌نفعان و فعالان بخش در این حوزه فراهم شود و در یک بستر شفاف و کاملاً اصولی به بحث اکتشاف سرعت داده شود و بتوانیم سریع‌تر این

با توجه به فعالیت‌های گسترده سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور جهت شناسایی ذخایر معدنی و اثبات وجود ۸۰ نوع ماده معدنی، کشور ایران از نظر پتانسیل‌های معدنی در جایگاه مناسبی قرار دارد اما در این بین مقوله دسترسی به زمین و امکان ورود متقاضیان به حوزه اکتشاف جهت شروع فعالیت و دریافت پروانه اکتشاف بسیار ناچیز بوده و مطلوبیت مناسبی ندارد. در حال حاضر محدودیت‌های ناشی از دسترسی به زمین موجب شده تا درصد موفقیت ورود به مقوله اکتشاف توسط متقاضیان فعالیت‌های معدنی به عددی کمتر از یک درصد برسد که این درصد نیز حاصل پیگیری مسئولان اکتشافی وزارت صنعت، معدن و تجارت است که نسبت به قبل بهبود قابل توجهی یافته است. مورد دیگر هزینه‌های اکتشاف است که در داخل ایران افزایش یافته و برای بخش خصوصی تبدیل به یک چالش جدی شده است. متأسفانه مدت‌هاست که اگر بخواهیم کار اکتشافی انجام دهیم باید هزینه قابل توجهی پرداخت کنیم. کمتر کسی زیر بار این هزینه‌ها می‌رود چراکه اکتشاف ریسک‌های خاص خود را دارد و ممکن است عملیات اکتشافی منجر به ذخیره اقتصادی نشود. بنابراین سرمایه‌گذار سعی می‌کند به دلیل ریسک بالا و هزینه‌های قابل توجه کمتر وارد بحث اکتشاف شود البته فراموش نکنیم که حوزه اکتشاف نسبت به سایر حوزه‌های معدنکاری کمتر در گیر موارد مختلف است اما باید گفت که این عرصه سه هزینه اصلی دارد که شامل حفاری، ماشین‌آلات و آنالیز مواد است. در ارتباط با اهمیت اکتشاف در ایران روزنامه جهان صنعت با حسام مقدمعلی معاون طرح‌های توسعه معادن و صنایع معدنی ایמידرو گفت‌وگو کرده که شرح آن را در زیر می‌خوانید.

**وضعیت اکتشاف را در کشور چطور ارزیابی می‌کنید؟**

سازمان توسعه و نوسازی معدن و صنایع معدنی ایران و شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران به عنوان بازوی اجرایی در بخش معدن تا به امروز موفق شده‌اند

بالغ بر ۵۴۵ هزار کیلومتر مربع را تحت مطالعه پهنه‌های اکتشافی قرار دهند. امروز هیچ پهنه اکتشافی دیگری در ید سازمان ایמידرو یا شرکت تهیه و تولید نیست و تمامی این پهنه‌ها مطالعه شده و گزارش آن تحویل سازمان‌های صمت استان‌ها و ستاد وزارت صمت شده است. از مطالعاتی که صورت گرفته آنومالی‌های زیادی حاصل شده است. اگر خواهیم به عدد و رقم‌ها بپردازیم باید گفت که بیش از ۵۰۰ محدوده مستعد در مجموعه تهیه و تولید و ایמידرو شناسایی شده و ثبت سیستم کاداستر شده است.

تلاش‌های زیادی در این سال‌ها صورت گرفت مبنی بر اینکه بتوانیم تعدادی از اینها را تبدیل به پروانه اکتشاف کنیم. همانطور که مستحضر هستید اخذ پروانه‌های اکتشاف نیازمند استعلام از مراجع تعیین شده در قانون معادن است. امروز خوشبختانه می‌توانیم این خبر را اعلام کنیم که بیش از ۲۵۰ پروانه اکتشاف در حوزه ایמידرو و شرکت تهیه و تولید مواد معدنی به صورت فعال در حال مطالعات اکتشافی است که این عدد قابل توجه است و رشد بالایی نسبت به سنوات گذشته را نشان می‌دهد. بخش قابل توجهی هم یعنی بیش از ۵۰ درصد محدوده‌ها همچنان منتج به صدور پروانه اکتشاف نشده و به نوعی به دلیل مخالفت‌های دستگاه‌های مستعلم اجازه فعالیت اکتشافی برای مراحل بعدی آنها صادر نشده است. به نظر می‌آید هر چه بتوانیم در تعامل با دستگاه‌ها و مردم مناطق (که تعارض‌هایی با موضوع ادامه اکتشاف دارند) باشیم می‌توانیم سرعت این کارها و مطالعات را دو چندان کنیم.

**چه برنامه‌های اکتشافی در دست اقدام دارید؟**

در حال حاضر یکی از برنامه‌ها این است که بتوانیم محدوده‌هایی که در آنها پروانه اکتشاف صادر کرده‌ایم و مطالعات فاز عمومی انجام داده‌ایم و به نوعی ریسک سرمایه‌گذاری را در آنها کاهش دادیم از طریق مزایده‌های جذب سرمایه‌گذار در حوزه اکتشاف بتوانیم آنها را در

اخذ پروانه‌های اکتشاف  
نیازمند استعلام از  
مراجع تعیین شده در  
قانون معادن است.  
امروز خوشبختانه بیش  
از ۲۵۰ پروانه اکتشاف  
در حوزه ایמידرو و  
شرکت تهیه و تولید  
مواد معدنی به صورت  
فعال در حال مطالعات  
اکتشافی است که این  
عدد قابل توجه است  
و رشد بالایی نسبت  
به سنوات گذشته را  
نشان می‌دهد

مطالعات اکتشافی  
که در سنوات اخیر  
برنامه‌ریزی شد  
روی حوزه فعالیت  
پلی‌متال‌ها تمرکز  
ویژه‌ای داشت  
و فعالیت‌های  
جدیدی در این  
حوزه شناسایی  
شده‌اند که بخشی  
به فعال‌سازی  
رسیده و بخشی هم  
در مرحله انتهایی  
سرمايه‌گذاري است

کردیم برنامه‌های خود را بر اساس این‌الگو که حاصل رفت و برگشت اطلاعاتی بود که ما به آن دسترسی داشتیم و نکاتی که در سیاستگذاری مدنظر سیاستگذاران قرار گرفته بود، پیش ببریم و برنامه‌های خود را با برنامه‌های توسعه کشور منطبق کنیم.

در ۱۴۰۲ و سال جاری افتتاح معادن جدید طلا اعم از معدن طلای کوه دم را که متعلق به تهیه تولید است و فعال‌سازی معدن طلای خونیک و همچنین افزایش ظرفیت معدن طلای هیرد را دستور کار داریم که بخشی از آن محقق شده و بخشی دیگر در مراحل انتهایی است. در مورد بخش خصوصی هم باید گفت معدنی که در اختیار مجموعه‌هایی مثل صدر تامین بوده در استان سیستان و بلوچستان با پیشرفت و کار جدی تقریباً به مرحله نهایی رسیده و در ۱۴۰۳ می‌تواند تولید را به ظرفیت برساند. در کردستان و مناطق دیگر هم معادن طلا فعال هستند که امیدواریم با همین ترکیب و فعال‌سازی معادن جدید بتوانیم ظرفیتی که در برنامه توسعه هفتم کشور پیش‌بینی شده و ۲۵ تن شمش طلا در بخش معدن بوده را محقق کنیم. هر چند این برنامه از سطح خوشبینانه ما هم بالاتر است و امیدواریم بتوانیم با حمایت از طریق سازمان صمت استان‌ها این برنامه را محقق کنیم.

توسعه در این سطح به یکسری زیرساخت‌هایی نیاز دارد که باید در آن برنامه‌ریزی صورت گیرد. روی بخشی از آنها برنامه‌ریزی صورت گرفته ولی باید باز هم توسعه داده شود. به طور مثال برای تولید شمش ما از روش لیچ سیانیدی استفاده می‌کنیم. برای تولید سیانور برای ۲۱ تن طلا تقریباً ۱۷ هزار تن سیانور ۹۸ درصد ضرورت دارد که در کشور نداریم و باید با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی توسعه پیدا کند تا بتوانیم این کار را انجام دهیم. در بخش کنسارهای سولفیدی روش‌های دیگری در دنیا است که جا دارد از مجموعه‌های دانش‌بنیان و علاقه‌مند کشور دعوت کنیم که روی برخی تکنولوژی‌های پیشرفته که در دنیا است و ما به آن دسترسی نداریم برنامه‌ریزی کنند تا با این اقدامات بتوانیم به افزایش ظرفیت برسیم.

#### ■ طرح توسعه گوهر سنگ‌ها به کجا رسید؟

هدف این است که تا انتهای سال ۱۴۰۵ بتوانیم سهم یک درصدی از بازار جهانی را به خود اختصاص دهیم. حوزه گوهر سنگ به نوعی اقتصادش ضعف‌های قانونی دارد و بخشی هم شاهد توسعه‌نیافتگی است که خیلی شفاف نیست. امیدواریم همت کرد در سال ۱۴۰۰ با ابلاغ سند توسعه صنعت گوهر سنگ کشور توسط وزیر وقت جلسات شورای راهبردی را تشکیل داد. در این فرآیند شش سرفصل استراتژیک و ۴۳ زیرفعالیت تعریف شده بود که پنج وزارتخانه، ۱۵ نهاد دولتی و غیردولتی را شامل می‌شد. خوشبختانه با تلاش‌هایی که همکاران ما کرده‌اند در بحث اکتشاف توانستیم نتایج خوبی داشته باشیم. امیدواریم با تدبیر معاونت معدنی بتوانیم آنمالی‌هایی را که پیدا کردیم به زنجیره فعالیت وصل کنیم. در بحث آموزش کار بزرگی شده است که در ۳۰ استان بیش از ۷۰۰ نفر آموزش دیده‌اند. اولین دوره مسابقات گوهر سنگ را به همت امیدوار در استان خراسان جنوبی داشته‌ایم. برای سال جاری هم تداوم بحث آموزش البته در سطح بالاتر و برگزاری مسابقات را داریم که می‌خواهیم آن را در استان کرمان انجام دهیم.

یکی از ظرفیت‌های خوب کرمان بحث دمانتوئید و فیروزه است که جزو محصولات صادراتی و با ارزش استان است. برنامه‌ریزی کرده‌ایم که با همت شرکت‌های بزرگ از جمله شرکت ملی مس و دیگر مجموعه‌ها مسابقاتی را در سطح برند منطقه‌ای برنامه‌ریزی کنیم. امیدواریم که افراد با استعداد و خوشفکر ورود کرده تا با راهاندازی کارگاه‌های گوهر تراشی موضوع را غنا بخشند.

سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ فعال شد بحث عرضه مزایده‌های محدودهای غیرفعال بود که با تکلیف بودند و پروانه بهره‌برداری آن‌هم متعلق به مجموعه حقیقی و حقوقی‌ای نبود. ابتدا خیلی ابهام وجود داشت اما بعد از اینکه با موافقت معاونت معدن و فرآوری مواد ستاد وزارتخانه این بسته‌ها تبدیل به یک‌سری مزایده‌ها شد نتایج خوبی را شاهد شدیم. این یکی از الگوهای پیشنهادی مجموعه امیدوار بود که به نتایج خوبی رسید. در بحث احیای معادن طرح دیگری که مطرح بوده تکمیل یا توسعه زیرساخت‌های بخش معدن متناسب با نیازی که می‌شود احصا کرد و افزایش ظرفیتی که می‌شود در ادامه انتظار داشت. خوشبختانه مطالعات جامعی انجام و بالغ بر ۱۷۰ طرح زیرساختی پیشنهاد شد. چند مرحله به دلیل کمبود منابع مجبور هستیم که بازنگری کنیم و اولویت‌هایی را برای آن قابل شومیم. از این تعداد طرح‌هایی را به صورت طرح‌های اولویت‌دار شناسایی کردیم که تقریباً بیش از ۲۵ طرح است و بالغ بر ۷۰۰ کیلومتر برق و جاده به اتفاق شامل می‌شود. برنامه‌ریزی می‌کنیم که با توجه به منابعی که در اختیار سازمان است بتوانیم این مرحله را دنبال کنیم. نکته مهم این است که طبق قانون منابع حقوق دولتی که سازمان‌های توسعه یعنی امیدوار پرداخت می‌کنند باید بالغ بر ۶۰ درصد آن برگردد و صرف توسعه بخش معدن و اکتشاف شود. به دلیل کمبودهایی که وجود دارد این موضوع در این سال‌ها محقق نشده که امیدواریم با توجه به تلاش سازمان برنامه بودجه و معاونت معدنی بتوانیم سالانه درصد بیشتری از حقوق دولتی را برگردانیم تا به تسریع تکمیل زیرساخت‌های بخش معدن کمک کند. موضوعی که قطعاً در افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تمام‌شده موثر است و مشوقی برای فعال کردن معادن غیرفعال می‌شود. با توجه به اینکه معدن داران نمی‌توانند خودشان از محل منابع و درآمدها در معادن کوچک مقیاس پول پروژه‌های زیرساختی را تامین کنند، این مساله مهم است.

#### ■ وضعیت معادن طلای کشور به چه صورت است و امیدوار در این عرصه چه اقداماتی انجام داده است؟

مطالعات اکتشافی که در سنوات اخیر برنامه‌ریزی شد روی حوزه فعالیت پلی‌متال‌ها تمرکز ویژه‌ای داشت و فعالیت‌های جدیدی در این حوزه شناسایی شده‌اند که بخشی به فعال‌سازی رسیده و بخشی هم در مرحله انتهایی سرمایه‌گذاری است. در برخی موارد هم سرمایه‌گذاری‌ها به تازگی آغاز شده است. مجموعه سازمان توسعه در معادن طلای مرتبط با خود اعم از زرشوران، موده و... موفق شده که به عدد حدود ۱/۵ تن تولید طلا در سال ۱۴۰۲ برسد. بخش خصوصی هم تقریباً بر اساس آمار و اطلاعات بالغ بر ۸ تن توانسته تولید کند. تقریباً بیش از ۱۰ تن تولید طلا به صورت شمش در کشور امروز محقق شده است. طلا بخش قابل توجهی‌اش باز یافت است که بر اساس اطلاعات ما بیش از ۳۰ تن در فرآیند باز یافت استفاده می‌شود و بخشی هم واردات شمش است که بالغ بر ۶۰ تن است و تقریباً بازار بیش از ۱۰ تن است. بر اساس مطالعات طرح جامع پیش‌بینی شده بود که تا سال ۱۴۰۴ در قالب سناریوی محتمل و خوشبینانه و سناریوی قابل قبول باید تقریباً به ۹ تن طلا می‌رسیدیم که الان به نوعی در ۱۴۰۳ از این عدد عبور کرده‌ایم و امیدواریم که بتوانیم به سناریوی محتمل که ۱۶ تن تولید طلا در ۱۴۰۴ بود برسیم. در مطالعات طرح جامع برای ۱۴۰۹ عدد ۱/۶ تن طلا پیش‌بینی شده که به صورت شمش است که بعد از اینکه مطالعات در مرکز پژوهش‌ها و دیگر مراکز عرضه شد نهایتاً در برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه کشور عدد ۲۵ تن را به عنوان هدف تولید شمش طلا در کشور در نظر گرفتند. ما هم سعی

ظرفیت‌ها را تبدیل به ذخایر ارزشمند کشور کنیم. البته در بحث اکتشاف یکی از کارهای ارزشمند که به همت امیدوار عملیاتی و آغاز شده است بحث تکمیل مطالعات یا تولید داده‌های یک‌پنجاه هزارم کشور است که در ۴۲۰ بر گه به صورت اولویت‌بندی شده پیگیری می‌شود و ثمرات ارزشمند هم تا به امروز داشته است. امیدواریم این بر گه‌ها با تکمیل لایه‌های اکتشافی اعم از ژئوفیزیکی، هوایی، ژئوشیمی و نقشه زمین‌شناسی مقیاس یک‌پنجاه هزار بتواند نویدبخش شناسایی انومالی‌های جدید در کشور باشد که این کار به همت سازمان زمین‌شناسی و حمایت‌های امیدوار و معاونت معدنی ستاد وزارتخانه در دست اقدام است. امیدواریم خروجی‌های آن را مجموعه وزارت صمت سریع‌تر عرضه کند. این فرصت خوبی است که بخش خصوصی بتواند در محدوده‌های کم ریسک سرمایه‌گذاری کند و از اتلاف منابع و تکرار هزینه‌های اولیه جلوگیری شود.

#### ■ امیدوار برای فعال کردن معادن غیرفعال چه اقداماتی انجام داده است؟

شروع به کار این موضوع بر پایه نهضت فرآوری و بهره‌وری در بخش معدن با ابلاغ سال ۱۳۹۷ که از طرف مجموعه وزارت صمت و مقام عالی وزارت وقت صورت گرفت، عملیاتی شد. اگر بخواهیم نگاهی به ارقام و اعداد در مورد این طرح داشته باشیم باید گفت این طرح از کل سنواتی که تا به امروز فعال بوده موفق شده نسبت به فعال‌سازی بالغ بر ۱۷۷۹ معدن اقدام و به نوعی فرصت را فراهم کند. طبق آمار سال قبل ۴۹۳ معدن احیا و فعال شدند. تعداد معادن کشور در حال حاضر بالغ بر ۱۱ هزار و ۵۰۰ معدن است و در نتیجه این عدد قابل توجه است. عدد ۱۷۷۹ معدن فعال شده نسبت به کل پهنه‌های بهره‌برداری از درصد بالایی برخوردار است. اگر بخواهیم معادن را دست‌بندی کنیم زمانی که طرح شروع شد آسان‌ترین بود که اول به معادن فلزی برویم و ارتباطی را بین فعالان بخش صنایع معدنی وابسته و معدن‌دارانی که به هر دلیل معادنشان غیرفعال است ایجاد کنیم و با این بستر نسبت به فعال‌سازی اقدام کنیم. این کار در آن زمان به خاطر اینکه فرصت‌های زیادی فراهم بود خیلی راحت‌تر و روان‌تر انجام می‌شد اما هر چه جلوتر رفتیم پیچیدگی فعال‌سازی معادن غیرفعال باقیمانده بالاتر رفت.

امیدوار در این خصوص طرحی را در مجموعه تهیه و تولید مستقر کرده که مجری موارد را پیگیری می‌کند. در سه حوزه امیدوار نسبت به این موضوعات پشتیبانی می‌کند: نخست بحث تسهیل‌گری است. این مهم در بخش معدن اول به شناخت خوبی نیاز دارد یعنی باید استراتژی و برنامه جامعی حتی در مورد سنگ‌های ساختمانی داشته باشد و بعد بتوانید سرتیترها را استخراج کرده و بر اساس آنها برای فعال‌سازی برنامه‌ریزی کنیم. این موضوع را دفتر بخش معدن ما به کمک شرکت تهیه و تولید و مجموعه طرح احیا دنبال می‌کند. هدف‌گذاری‌های خوبی هم خصوصاً در مورد غیرفلزی‌ها یعنی معادن سنگ ساختمانی صورت گرفته است که بتوانیم آنها را هم به نوعی وارد چرخه کنیم. مستحضر هستیم که رشد فعالیت‌های بخش ساختمانی می‌تواند موتور محرک خیلی از معادن باشد. به طور مثال در مورد سنگ ساختمانی به نوعی برندسازی‌هایی صورت گیرد یا شاهد نوعی تسهیل‌گری در امر صادرات باشیم که اینها بتواند موتور محرک فعال‌سازی بخش‌های قابل توجه باقیمانده در بخش احیا در کشور باشند.

#### ■ در بحث احیای معادن چه طرح‌هایی مطرح است؟

در مورد طرح احیا خوشبختانه یکی از روش‌هایی که از سال ۱۴۰۰ به نوعی بعد از پیگیری‌های مکرر در



گفت‌وگویی «جهان‌صنعت» با رییس خانه صنعت، معدن و تجارت

## دست معدنکار بسته است

علی حسینی - ایران از نعمت غنی مواد معدنی برخوردار است و پتانسیل‌های معدنی شایسته‌ای دارد. خوشبختانه از این نعمت الهی در پهنه‌های مختلف برخورداریم و با توجه به اینکه ۵۴ ماده معدنی جهان در ایران وجود دارد، می‌توان گفت کشور ما از لحاظ تنوع عناصر جدول مندلیف است. نیاز مند هر ماده معدنی که باشیم در ایران وجود دارد و فقط باید برای استخراج و فرآوری مواد معدنی همت کرد. شاید کمتر کشوری این همه قدمت داشته باشد که در اینجا شاهدش هستیم اما سال‌هاست که ما از این نعمت الهی استفاده شایسته‌ای نمی‌کنیم و آن‌طور که باید به این مهم بهایی داده نمی‌شود. گفته می‌شود که ایران با وجود داشتن هفتصد میلیارد ذخایر معدنی جهان شامل ۳۷ میلیارد تن ذخایر قطعی، ۵۷ میلیارد تن ذخایر احتمالی و ۶۷ نوع ماده معدنی، نتوانسته از ظرفیت‌های این سرمایه‌خفته ملی استفاده بهینه کند. در واقع وجود مشکلات متعدد باعث شده که معدنکار با هزینه‌های گزاف و سود کم روبه‌رو شود و چیزی نگذرد که رو به تعطیلی برود. بی‌ثباتی در وز ارتخانه و تغییرات مداوم، بی‌ثباتی در قوانین، بخشنامه‌های متعدد، ضعف ماشین‌آلات و... از جمله مواردی هستند که به عنوان مشکلات این عرصه می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

داریم که اثرگذاری بسیاری داشته‌اند و ارزش آوری خوبی را نیز به همراه آورده‌اند.

بخش معدن به دلیل قدمت و غنی بودن بخش مهمی است که می‌توانیم روی آن مانور دهیم. بارها گفته‌ام که خاک ایران یک جدول مندلیف است که هر نوع موادی در آن پیدا می‌شود و پهنه‌های مختلف معدنی در آن یافت می‌شود. هنوز هم با وجود این همه اکتشاف، قابلیت‌های اکتشاف بسیار بالایی در کشور وجود دارد. با اینکه ما جزو کشورهای غنی معدنی در عرصه‌های مختلف از جمله سنگ آهن، مس و... هستیم اما باز هم اکتشافات جای کار زیادی دارد. در این خصوص به طور حتم سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور روی این موارد کار کرده و همچنان هم کار می‌کند.

به طور مثال در زمینه سنگ‌های تزئینی بسیار غنی هستیم. این سنگ‌ها را در رنگ‌ها و کیفیت‌های مختلف در کشور ملاحظه می‌کنیم. در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، یزد، کرمان و... پهنه‌های مختلفی در این خصوص داریم. همچنین در فرآوری سنگ پتانسیل‌های خوبی داریم و در این زمینه کارخانجات بزرگی با تعداد بالا در کشور فعال هستند. یکی از استان‌های مطرح کشور هم در این خصوص اصفهان است که مرکز سنگ کشور به حساب می‌آید و کارهای مهمی در این عرصه صورت گرفته است.

امروز تعداد زیادی معدن داریم که نمی‌توانند رشد و توسعه پیدا کنند تنها به این خاطر که تجهیزات و ماشین‌آلات به آنها ارائه نمی‌دهند. حتی ما معدنکارانی داریم که بدون اینکه ارزی از دولت دریافت کنند خود با ارز آزاد ماشین‌آلات نو خریداری و اجاره ترخیص نمی‌توانند دریافت کنند! اینها نشان می‌دهد که شاهد دیدگاه عقب افتاده در بخش معدن هستیم و معلوم هم نیست که چند معدن به این صورت باید تعطیل شود تا بالاخره مسوولان درسی بگیرند!

حالا در روز معدن انتظار فعالان معدنی این است که وزارت صمت نگاه خود را از صرف موضوع خودرو برداشته و به معدن هم نیم‌نگاهی بیندازد تا بلکه مشکلات کمتر شوند. توجه ویژه به معادن می‌تواند بر اقتدار و برتری ایران در جهان بیفزاید. با توجه به اینکه معدن می‌تواند جایگزین نفت بشود در نتیجه انتظار این است که بیش از اینها به این عرصه بها داده شود. در این خصوص «جهان‌صنعت» با سید عبدالوهاب سهل‌آبادی رییس خانه صنعت، معدن و تجارت گفت‌وگو کرده که شرح آن را در زیر می‌خوانید.

### کمی در خصوص اهمیت بخش معدن در کشور صحبت کنید

به دلیل اهمیت عرصه معدن جاداشت که دولت‌ها نسبت به روز صنعت و معدن توجه ویژه‌ای داشته باشند، در نتیجه روز صنعت و معدن به جهت تقدیر از این جامعه خدمتگزار و تاثیرگذار انتخاب شد. امروز واحدهای صنعتی و معدنی کوچک و بزرگی در کشور

در این بین مشکل تامین ماشین‌آلات دردی است که معدنکاران چندین سال است با آن روبه‌رو هستند. اکثرابه بیل مکانیکی نیاز دارند که همه تقریباً از خارج از کشور وارد می‌شود. صرف‌نظر از اینکه با چه وضعیتی وارد می‌شود یعنی نو یا دست دوم اما مساله این است که هزینه‌ها به شدت قابل توجه هستند. مشکل اینجاست که مبالغ ورود نسبت به دو سال قبل بیش از ۱۰ برابر شده است و نسبت به سال قبل حدود سه‌برابر شده‌اند. در حال حاضر هیچ بیل مکانیکی در هیچ نقطه‌ای از ایران کمتر از یک میلیون تومان در هر ساعت نمی‌توان پیدا کرد. اگر به اینها هزینه سوخت، نگهداری و تغذیه راننده را هم اضافه کنیم هزینه‌ها در یک ساعت تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان هم می‌رسد!

از طرف دیگر مسوولان حمایت از تولیدکننده داخلی را مانعی برای ورود راحت ماشین‌آلات می‌دانند اما ماشین‌آلاتی که در هپکو تولید می‌شود اغلب ماشین‌آلات چینی هستند که در داخل مونتاژ می‌شوند و با کیفیت پایین و قیمت بالا در اختیار معدنکار قرار می‌گیرند. گاهی قیمت آنها انقدر گران است که تولیدکننده داخلی قادر به تهیه آن نیست. در نتیجه امروز معدنکار برای یک دستگاه لوادر معمولی باید حداقل ۷ میلیارد تومان هزینه کند که با توجه به مشکلات دیگری که دارد این مساله به هیچ‌وجه مقرون به صرفه نیست. موضوعی که باعث شده شاهد رکود در معادن کشور باشیم.

توجه ویژه به معادن می‌تواند بر اقتدار و برتری ایران در جهان بیفزاید. با توجه به اینکه معدن می‌تواند جایگزین نفت بشود در نتیجه انتظار این است که بیش از اینها به این عرصه بها داده شود



امروز یکی از مشکلات مهم در معادن نداشتن تجهیزات ماشین آلات معدنی است. مدتی است که تهیه ماشین آلات معدنی و راهسازی در کشور بر حسب اینکه قیمت ارز افزایش یافته، دشوار شده است. امروز برای تهیه یک دستگاه لودر، بیل مکانیکی و بولدوزر باید میلیاردها تومان هزینه کرد

معدنکار دریافت می کند ولی هزینه‌ای برای معادن و منطقه معدنی نمی کنند. به ندرت معدنی دیده می شود که مسیرش از طرف دولت آسفالت شده باشد. اکثر معادن در مناطق محروم با زیرساخت‌های ضعیف کار می کنند؛ موضوعی که در کنار مشکلات دیگر دست به دست هم داده تا تولید در معدن که پتانسیل جایگزینی برای نفت را دارد به عقب بیفتد.

دولت باید کمک کند و امکاناتی را برای روستا مهیا کند که روستایی‌ها نسبت به معدن احساس آرامش بیشتری داشته باشند و نه اینکه خود را رقیب معدن بدانند. این در حالی است که مرتب بین اهالی نزدیک به معادن و معدنکار همیشه اختلاف و مشاجره است؛ موضوعی که تماماً از ظرفیت یک واحد تولیدی کاسته و فرصت‌های آن را می سوزاند. انتظار می رود مردم منطقه توجیه شوند که باید از امکانات و فرصتی که امروز وجود دارد و به صورت طبیعی و خدادادی است، بهره برد و اکتشافات بیشتری داشته باشیم. ما از نظر معادن غنی هستیم و خیلی از مناطق هنوز کشف نشده‌اند و با کمک فعالان این حوزه باید دست به اکتشاف آنها زد.

### ■ در روز معدن انتظار شما از مسوولان معدنی چیست؟

روزی معدن خود وزارت معادن و فلزات را داشت و جدا از صمت بود. امروز آن وزارتخانه در وزارت صمت ادغام شده است در نتیجه باید توجه بیشتری به آن شود. انتظار داریم که نگاه وزارتخانه از صرف صنعتی خارج شود و به صمت معدن هم برود. نمی توانیم تمام توجه خود را به خودروسازان معطوف کنیم. اینها بالاخره بعد از چندین سال آزمون خود را پس داده‌اند. امروز نه مصرف کننده راضی است و نه قطعه‌ساز؛ حتی خود کارخانه هم راضی نیست. بنابراین نگاه وزارتخانه باید از خودرو به سمت معدن هم منعطف شود. وزارتخانه باید بخش معدن را قوی تر کند و برای این عرصه امکانات بیشتری را مهیا کرده و تشویق‌هایی را از نظر حقوق دولتی و مالیاتی در نظر بگیرد که معدنکار بتواند امیدوار به ادامه کار باشد.

امروز به ندرت یک معدنکار می شناسیم که از تسهیلات بانکی بهره مند باشد. البته خوب است که این روند محدود است چرا که امسال با بهره ۳۸ درصد بانک ملی روزهای اولیه بعد از تعطیلات را آغاز کرد و بعد بهره را ۳۰ درصد کردند بنابراین امروز خیلی از صنایع درگیر بانک‌ها هستند اما در این بین معادن که هیچ وقت تسهیلاتی از بانک نگرفته‌اند کمتر از بانک ضربه می خورند.

مسئله دیگر اینکه سرمایه در گردش روز به روز تحلیل می رود. با توجه به گرانی‌ها هر چه معدنکار می خرد، چندین برابر افزایش قیمت می خورد بنابراین این همه مشکلات باعث شده که این نعمت الهی که در پهنه‌های مختلف در سراسر کشور وجود دارد، ضربه بخورد. این در حالی است که انتظار می رود راه حل بهتری پیدا کنیم.

متأسفانه دست معدنکار بسته است. تسهیلاتی که به گروه‌های دیگر پرداخت شده در مقابل تسهیلات معدنی‌ها بسیار ناچیز است که نشان می دهد این قشر زحمتکش و قانع است و در حالی که می تواند محرکه موتور اقتصاد باشد اما هیچ نفع و بهره‌ای از امتیازات دولتی نمی برد. امروز یک معدنکار نمی تواند معدن خود را به عنوان وثیقه در اختیار بانک قرار دهد که بسیار جای تأسف دارد. با این همه و با اینکه معادن با مشکلات خاصی روبه‌رو هستند ولی کار را تعطیل نکرده‌اند و نگاهشان ادامه دادن و پیش رفتن است.

که در یک‌سال چندین بار تغییر می کند در نتیجه نمی توان نسبت به فروش کلی در کشورهای دیگر حتی کشورهای همسایه نیز نقشی داشت. مساله دیگر اینکه اگر از معادن کوچک بهره مالکانه گرفته نشود به نفع کشور است. مهم این است که این دسته از معادن اشتغال را به حد قابل توجهی افزایش می دهند و از این مهم نباید چشم‌پوشی کنیم. در واقع معادن کوچک بسیاری در کشور داریم که می توانند از نظر ارزآوری و اشتغال خیلی از موارد مهم بخش معدن را برآورده کنند.

### ■ مشکل تامین ماشین آلات نو و حتی دست دوم یکی از مصائب معدنکاری در ایران است، نظر شما در این خصوص چیست؟

امروز یکی از مشکلات مهم در معدن نداشتن تجهیزات ماشین آلات معدنی است. مدتی است که تهیه ماشین آلات معدنی و راهسازی در کشور بر حسب اینکه قیمت ارز افزایش یافته، دشوار شده است. امروز برای تهیه یک دستگاه لودر، بیل مکانیکی و بولدوزر باید میلیاردها تومان هزینه کرد. متأسفانه معدنکار برای یک بیل کهنه و فرسوده که چندین سال کار کرده باید ۵/۵ میلیارد تومان هزینه کند. اگر هم بخواهند آن را به صورت نو تهیه کنند اصلاً امکانش وجود ندارد. این درحالی است که دولت ماشین آلات دست دوم خوب می تواند وارد کشور کند. از طرفی تنها به معادن بزرگ شبه دولتی و خصوصی بیشتری اجازه داده شده است که بتوانند از مزایای ورود ماشین آلات بهره‌مند شوند و ماشین‌آلاتی وارد می شود که به درد آنها می خورد. در نتیجه آنها لودرهایی را وارد می کنند که سایشش به درد واحدهای کوچک و متوسط نمی خورد و در نتیجه این معادن با مشکل ماشین‌آلات روبه‌رو می شوند.

از طرفی ماشین‌آلاتی که در هیپو تولید می شود اغلب ماشین‌آلات چینی هستند که در داخل مونتاژ می شوند و با کیفیت پایین و قیمت بالا در اختیار معدنکار قرار می گیرند. آنقدر اینها گران هستند که تولیدکننده داخلی قادر به تهیه آنها نیست و تازه کیفیت لازم را هم ندارند. معدنکار برای یک دستگاه لودر معمولی که به درد معادن خاک و رس و گچ و آهک بخورد باید حداقل ۷ میلیارد تومان هزینه کند که با توجه به مشکلات دیگری که دارد این مساله به هیچ وجه مقرون به صرفه نیست.

مشکل مهم‌تر در بحث ماشین‌آلات، تامین سوخت است. امروز تهیه گازوئیل برای تامین انرژی ماشین‌آلات واقعاً دچار مشکل شده است. همکاران ما در معادن مختلف مرتب درگیر بحث سوخت و قاچاق سوخت و... هستند. متأسفانه سوخت به معدن نمی رسد و در برخی موارد تا دو ماه این روند به عقب می افتد؛ موضوعی که باعث شده شاهد کود در معادن باشیم. این مساله به خصوص در معادن سنگ‌های تزئینی بسیار اثرگذار است و شاهدیم که فعالان این عرصه با مشکلات جدی روبه‌رو هستند.

### ■ چقدر زیرساخت‌ها برای رشد معدنکاری آماده است؟

در بحث حقوق دولتی مشکلاتی وجود دارد. مطرح می شود که ظرفیت اسمی یک مقداری است که اگر بیشتر از آن یا کمتر برداشت کردید باید جریمه دهید. در این روند شاهدیم که در زمینه حقوق دولتی به هیچ وجه همراهی با معدنکار صورت نمی گیرد و قوانین طوری تنظیم شده که همه معادن را به چشم قاتل بزرگ و بدهکار می بینند. از طرف دیگر با اینکه دولت حقوق دولتی را از

### ■ با توجه به اهمیت این عرصه چقدر ساختارها اصلاح شده‌اند و تا چه حدی توانستیم راه را برای بخش معدن هموار کنیم؟

متأسفانه در ارتباط با اصلاح ساختار و بهینه‌سازی ماشین‌آلات تولیدی چندین موفق نبوده‌ایم. کارخانجات بزرگ ما هنوز به روش‌های گذشته سنگ را برداشت می کنند. در این خصوص اگر کمک دولت را شاهد نباشیم، تولیدکننده‌ها با مشکلات زیادی روبه‌رو می شوند و رو به تعطیلی می روند. بالاخره اگر کارخانه دو ماه تعطیل شود باید کارگران تحت پوشش قرار بگیرند و صاحبان کارخانه بتوانند به راحتی ایام را به جهت بهره‌وری و نوآوری بهتر پشت سر بگذارند؛ موضوعی که به طور حتم پشتوانه و حمایت دولت را می طلبد.

تا یک مقطعی خام‌فروشی صورت می گرفته است اما امروز خدا را شاکریم که کمتر مواد خام را صادر می کنیم و در داخل دست به فرآوری مواد معدنی می زنیم. البته در زمینه فرآوری همکاران ما در بخش تولید سنگ به کمک دولتی نیاز دارند.

نیاز به قوانین ثابت در ارتباط با صادرات سنگ به شدت محسوس است. در بخش معدن و فرآوری سنگ در چند سال گذشته بخشنامه‌های مختلف و فراوانی صادر شده که همدیگر را نفی کرده‌اند؛ موضوعی که تولیدکننده را دچار مشکل و گمراهی کرده است و نمی داند که چگونه وارد بازار فروش شود و در ادامه نمی تواند قراردادهای طولی‌مدت ببندد. با توجه به مسائلی که در کشور داریم متأسفانه خیلی از بازارهایی که در چند سال گذشته به دست آورده بودیم را از دست داده‌ایم و این نشان می دهد که قوانین ما باید از ثبات بیشتری برخوردار باشد.

### ■ در این بین معادن کوچک چه سهمی دارند؟

معادن کوچک بسیار زیادی در کشور داریم که به طور مثال در زمینه تولید سنگ هزینه کمی برای دولت ایجاد می کنند در حالی که بسیار می توانند پویا باشند و به توسعه اشتغال و رونق صادرات کمک کنند اما اینها مشکلاتی دارند که متأسفانه سال به سال به آنها اضافه شده است و در واقع مصائب بر هم انباشت شده‌اند. به طور مثال دولت قیمت مواد خام را به صورتی تغییر داده که برای تولیدکننده امکان تولید کمتر می شود.

مسئله این است که دیدگاه مسوولان به معادن کوچک مثل معادن بزرگ نیست و متأسفانه بیشتر نگاه درآمذایی به این عرصه وجود دارد در حالی که آنها سود چندانی ندارند. وقتی در مجلس تصویب می شود که با توجه به تورم باید این مقدار بهره مالکانه پرداخت کنند می بینیم که فشار زیادی به این دسته از معادن کشور وارد می شود. متأسفانه معادن کوچک تولیدشان یک روند است و ممکن است تولید درجه یک آنها پنج درصد، درجه دو ۳۵ درصد باشد و درجه سه آنها ۶۰ درصد باشد در نتیجه بهره‌بردار دچار مشکل می شود.

معدنکار آنچه سال گذشته تولید شده را با احتساب قیمت قبلی به فروش رسانده اما در پروانه بهره‌برداری ذکر شده که معدن باید مقداری را سالانه برداشت کند. حالا اگر بهره‌برداری در یک مقطع زمانی در آن سال توانست بیشتر برداشت کند دچار جریمه می شود! اگر کمتر از ظرفیت اسمی اش هم بهره‌برداری کرد باز هم با مشکل روبه‌رو می شود. امروز با توجه به برخی از موارد که برای صادرات سنگ پیش می آید و با علم به اینکه هزینه‌های تولید با توجه به تورم و نرخ ارزی



در گفت و گوی «جهان صنعت» با کارشناس ارشد بازارهای جهانی تاکید شد

## لزوم اصلاح بخشنامه ارز نیمایی

نسترن یوسفبکیان - از آنجاکه تولید داخلی بیشتر از نیازهاست در نتیجه باید دست به صادرات زد، اما مساله این است، محدودیت‌هایی که دولت برای صادرات وضع کرده و اینکه گفته شده باید صددرد صد ارز نیمایی برگردد، باعث توقف کل زنجیره فولاد شده است. موضوعی که به باور کارشناسان بسیار خطرناک است و انتظار می‌رود هرچه سریع‌تر حل شود.

اواخر سال گذشته بود که وزارت صمت بخشنامه‌ای را صادر کرد که بر اساس آن کل زنجیره فولاد باید ۱۰۰ درصد ارز خود را در سیستم نیمایی وارد کند. این در حالی بود که در گذشته فعالان اقتصادی به صورت مذاکره‌ای با هر واردکننده‌ای که میل بودند، می‌توانستند محصول خود را با قیمتی نزدیک به قیمت بازار آزاد بفرشند یا می‌توانستند در قبال آن طلا وارد کنند. به هر حال اتفاقی که بعد از این بخشنامه افتاد این بود که از ابتدای امسال همه چیز را متوقف کرده است. جالب اینکه با وجود جلسات متعددی که تشکل‌های معدنی با وزارت صمت برگزار کرده‌اند اما برخلاف وعده‌و وعیدهای مسئولان موضوع حل نشده باقی مانده است. در آخر فروردین ماه سال جاری وزیر اقتصاد مطرح کرد که ما بخشنامه را اصلاح می‌کنیم. حتی بعد از آن در هفته دوم اردیبهشت هم وزیر صمت اعلام کرد که نگران نباشید اما هیچ اتفاقی نیفتاده است و بعد از فوت رییس جمهور هم که تا به امروز مساله بدون هیچ پاسخی روی زمین مانده است.

باید دست به صادرات زد. مساله این است که محدودیت‌هایی که دولت برای صادرات وضع کرده و اینکه باید صددرد صد ارز نیمایی برگردد باعث توقف و محدودیت صادرات کل زنجیره فولاد شده است. این مساله بسیار خطرناک است و انتظار می‌رود مشکل حل شود. جعفری‌طهرانی در رابطه با چگونگی ماجرا تصریح کرد: همه چیز داشت به خوبی پیش می‌رفت تا اینکه ۹ اسفند سال گذشته وزارت صمت بخشنامه‌ای داد که بر اساس آن کل زنجیره فولاد باید صددرد صد ارز خود را در سیستم نیمایی وارد کند. قبلاً به صورت مذاکره‌ای با هر واردکننده‌ای که میل بودند می‌توانستند محصول خود را با قیمتی نزدیک به قیمت بازار آزاد بفروشند یا می‌توانستند در قبال آن طلا وارد کنند اما این بخشنامه باعث شد تمام موارد از ابتدای امسال متوقف شود. او ادامه داد: حتی جلساتی هم تشکل‌های

اساس نیازشان خرید می‌کنند و چاره‌ای جز این هم ندارند. کیوان جعفری‌طهرانی ادامه داد: در مورد زغال سنگ و فولاد میانی نیز وضعیت همینطور است و شاهدیم که قیمت بیلت در داخل کشور بالاتر از بازار جهانی است. بنابراین در رابطه با بازار کامودیتی‌ها در ایران باید گفت که اغلب تابع صددرد صدی قیمت‌ها و بازار داخلی هستند و نمی‌توان گفت که بازار جهانی چندان در این عرصه تاثیرگذار است. البته باید بدانیم که یکی از این عوامل بحث تحریم‌هاست که با وجود تحریم‌ها و عدم ارتباط مستقیم با بازار خارجی ما محدودیت‌های زیادی داریم. **■ قیمت‌ها مناسب نیستند**

کارشناس ارشد بازارهای جهانی با بیان اینکه در بازار فولاد داخل قیمت‌ها چندان مناسب نیستند، خاطرنشان کرد: از آنجا که تولید داخلی بیشتر از نیازهاست در نتیجه

اینها در حالی است که براساس اعلام انجمن فولاد صادرات زنجیره فولاد کشور در فروردین ماه افت وحشتناکی داشته است. آمار اردیبهشت و خرداد نشان می‌دهد که این کاهش نسبت به سال‌های گذشته بسیار چشمگیر شده است. حالا کارشناسان از رییس‌جمهور جدید انتظار دارند که مساله را حل کند و به داد فعالان اقتصادی برسد.

### ■ تفاوت بازار داخلی از خارج

کارشناس ارشد بازارهای جهانی با بیان اینکه بازار داخلی مطابقتی با بازار خارجی ندارد، به «جهان صنعت» گفت: بسیاری از کالاها در داخل کشور قیمت‌های بالاتری از بازار خارجی دارند، چراکه بر اساس عرضه و تقاضای داخلی هستند. به‌طور مثال قیمت کک چین با کیفیت بسیار بالاتر CFR بندرعباس ارزان‌تر از قیمت کک صادراتی ایران با کیفیت پایین‌تر FOB بندرعباس است. فولاسازان کک تولیدی را بر

همه چیز داشت به خوبی پیش می‌رفت تا اینکه ۹ اسفند سال گذشته وزارت صمت بخشنامه‌ای داد که بر اساس آن کل زنجیره فولاد باید صددرد صد ارز خود را در سیستم نیمایی وارد کند

به دلیل تحریم‌ها ما نمی‌توانیم صادراتی به اروپا داشته باشیم. در واقع بزرگ‌ترین حجم صادرات فولاد ایران به اروپا تا قبل از اکتبر ۲۰۱۷ بود که در دوره برج‌م صورت گرفت

### ■ انتظار از دولت چهاردهم

کارشناس ارشد بازارهای جهانی در پاسخ به این سوال که چه انتظاری از دولت جدید دارید، گفت: دولت اجازه دهد که طبق همان شرایط قبلی صادرکننده‌ها بتوانند ارزشان را به صورت میدله‌ای یا مذاکره‌ای به واردکنندگان بفروشند و لازم نباشد ارز را به سامانه نیما ببرند و بعد خود اگر واردکننده هستند در صف بایستند. این مساله خیلی کم‌لطفی در حق فعالان اقتصادی است که امیدواریم حل شود. متأسفانه این شرایط به شدت روی صادرات و تولید تاثیر سوء می‌گذارد.

جعفری‌طهرانی در رابطه با وضعیت روابط ایران و اروپا و اهمیت توجه به این حوزه نیز مطرح کرد: به دلیل تحریم‌ها ما نمی‌توانیم صادراتی به اروپا داشته باشیم.

درواقع بزرگ‌ترین حجم صادرات فولاد ایران به اروپا تا قبل از اکتبر ۲۰۱۷ بود که در دوره برج‌م صورت گرفت اما بعد از آن انجمن فولاد اروپا برای ۵ فولادساز از ۴ کشور (روسیه، اوکراین، برزیل و ایران) عوارض وارداتی وضع کرد و معتقد بودند که قیمت‌هایی که به اروپا می‌فروشند پایین‌تر از تولید داخل است و براساس قوانین ضد دامپینگ مشمول پرداخت عوارض وارداتی هستند.

از نیمه اکتبر ۲۰۱۷ تا می ۲۰۱۸ حدود ۶ ماه همچنان ما نتوانستیم به اروپا صادر کنیم و صادرات خیلی به ندرت با حجم محدود صورت گرفت و از آن به بعد هم ایران مجدداً تحریم شد. به این ترتیب امروز ما صادرات عمده‌ای به اروپا نداریم و این حوزه برای ما اهمیت صادراتی ندارد.

روند طول بکشد و در نهایت اینکه مشکل به شدت روی صادرات فولاد کشور و تولید تاثیر سو می‌گذارد و فعالان این عرصه را با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌کند. در ادامه اگر وضعیت شرکت‌ها و بنگاه‌های کوچک و بزرگ در زنجیره فولاد به صورتی بشود که نتوانند تولید خود را به فروش برسانند، در نتیجه تولیدشان کاهش می‌شود که مورد بسیار مهم و دهشتناکی است که دولت باید به آن توجه کند.

جعفری‌طهرانی با اشاره به وجود مشکلات در اثر چنین تصمیمی گفت: اگر مسوولان مربوطه نتوانند تصمیم درستی در رابطه با اصلاح بخشنامه ارز نیمایی بگیرند طبیعتاً همه چیز عقب می‌افتد و دولت جدید با مشکل جدی در این رابطه روبه‌رو خواهد شد. تا دولت جدید روی کار آید روند طولانی است و عملاً ۵ ماه سال را با کاهش صادرات سپری کرده‌ایم و به هیچ‌وجه کشور نمی‌تواند کاهش صادرات نیمه اول سال را در ۶ ماهه دوم جبران کند. حتی اگر بخشنامه مربوط به ارز نیمایی برطرف هم شود باز مجال برای جبران وجود نخواهد داشت. بنابراین موضوع بسیار مهمی است که در رابطه به آن باید تصمیم مناسب گرفته شود تا چنین وضعیتی ادامه پیدا نکند.

او تاکید کرد: حجم صادرات کشور در ۶ ماهه اول سال افت وحشتناکی خواهد کرد و حتی ایران جایگاه خود را به عنوان دهمین تولیدکننده فولاد جهان از دست خواهد داد. وقتی که صادرات انجام نشود طبیعتاً تولید هم تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد، چراکه بسیاری از محصولات مازاد نیاز داخلی هستند و باید صادر شوند.

مختلف با وزارت صمت داشتند که یکی از این جلسات اواخر اسفند سال ۱۴۰۲ بود و صحبت شد که وزارتخانه تسهیلات و تخفیفاتی قابل می‌شود و سعی می‌کند که بخشنامه را اصلاح کند اما این اتفاق نیفتاد. بعد از تعطیلات نوروز ۱۴۰۳ باز هم ماجرا به تعویق افتاد. در آخر فروردین ماه احسان خاندوزی وزیر اقتصاد مطرح کرد که ما بخشنامه را اصلاح می‌کنیم و نگران نباشید. در هفته دوم اردیبهشت هم وزیر صمت اعلام کرد که نگران نباشید و ما بخشنامه را اصلاح می‌کنیم. با اینکه همه منتظر بودند اما هیچ اتفاقی نیفتد تا اینکه ۳۰ اردیبهشت ماه سید ابراهیم ریسی به شهادت رسید و این موضوع تا به امروز بدون هیچ پاسخی روی زمین مانده است.

### ■ افت وحشتناک صادرات فولاد

جعفری‌طهرانی تصریح کرد: بر اساس اعلام انجمن فولاد صادرات زنجیره فولاد کشور در فروردین ماه افت وحشتناکی داشته است. آمار اردیبهشت و خرداد نشان می‌دهد که این کاهش نسبت به سال‌های گذشته بسیار زیاد و چشمگیر شده است. فراموش نکنیم چنین کاهش را نمی‌توان به صورت هیجانی جبران کرد. با توجه به انتخابات ریاست‌جمهوری و آمدن دولت جدید و وزرا این ماجرا تا مرداد طول می‌کشد که اگر قرار باشد هیچ تصمیمی در این رابطه گرفته نشود خسارت جبران‌ناپذیری به صنعت فولاد کشور وارد می‌شود.

این کارشناس فولاد با اشاره به طولانی شدن روند یک تصمیم به انتخاب ریاست‌جمهوری گفت: مساله این است که تا دولت جدید روی کار آید ممکن است که این





در گفت و گوی «جهان صنعت» با تحلیلگر ارشد بازارهای جهانی سنگ تاکید شد

## حمل و نقل از معضلات صادرات سنگ ایران

برنامه ریزی استراتژیک؛ درمان ارتقای جایگاه صادرات سنگ ایران

سپیده خرمگاه - حدود ۲ هزار و ۴۰۰ معدن سنگ در کشور پروانه بهره برداری گرفته اند و چیزی حدود ۳۰ میلیون تن ظرفیت اسمی تولیدشان است اما در حال حاضر حدود ۱۴۰۰ معدن فعال بوده و در واقع چیزی حدود نصف معادن سنگ ما تعطیل هستند. مساله مهم این است که معادن فعال هم با یک سوم ظرفیت فعالیت می کنند که برای حل این مشکل باید چاره اندیشی کرد.

در حالی که ایران از نظر درصد تولید و ذخایر سنگ در مزیت نسبی قرار دارد و جزو کشورهای پر قدرت دنیا به حساب می آید اما در مقایسه با رقبای از جمله ترکیه عقب مانده است. حدوداً کمتر از یک درصد تبادلات جهانی را به خود اختصاص داده ایم اما ترکیه که بزرگترین رقیب ما است توانسته ۱۰ برابر ما در بازار جهانی ورود کند؛ مسیری که در طول چندین سال شکل گرفته و با برنامه های استراتژیک این کشور به نتیجه رسیده است. به این ترتیب در حالی که ترکیه موفق شده سهم بسیاری از کشورهای دیگر مثل ایتالیا، اسپانیا، پرغال، یونان و... را به خود اختصاص دهد اما ایران حدوداً کمتر از یک درصد تبادلات جهانی را به خود اختصاص داده است.

از سنگ های ایران از سید خرید صادراتی کشورهای هدف حذف می شود. اگر مسوولان مربوطه تسهیلات لازم را ایجاد نکنند سنگ های زیادی از سید صادراتی ایران حذف می شود.

**■ وضعیت مبادلات و صادرات سنگ را چطور ارزیابی می کنید؟**

بر اساس آمارهای جهانی میزان تولید و استخراج سنگ در دنیا حدود ۱۶۲ میلیون تن بوده اما ظرفیتی که وزارت صمت برای ایران اعلام کرده چیزی حدود ۱۲ میلیون تن است. به این ترتیب ما چیزی حدود ۷۵ درصد تولید دنیا را به خود اختصاص داده ایم. البته باید گفت مزیت نسبی ما روی سنگ های گروه آهکی بوده و به عبارتی در آنجا وضعیت ما بهتر است.

اگر در نظر بگیریم که از این ۱۲ میلیون تن ۱۰ میلیون تن به صورت سنگ ماربل باشد شاید بتوان گفت که ۱۰ درصد سهم جهانی توسط ایران صورت می گیرد. به این ترتیب ما از نظر درصد تولید و ذخایر در مزیت نسبی قرار داریم و جزو کشورهای لیدر دنیا به حساب می آیم. در ادامه باید گفت که در گروه آهکی کشور ترکیه با ظرفیت ۱۳ میلیون تن در رتبه

سنگ های کمتری از سید بازارهای هدف حذف شوند و بتوانیم سنگ های بیشتری را صادر کنیم.

درباره هزینه حمل می توان به کشور ترکیه اشاره کرد. این کشور به میزان تنی ۲۳ دلار نسبت به سال ۲۰۲۲ هزینه حمل و نقل را کاهش داده است. در حالی که ایران هزینه ها را افزایش داده است. همین مساله باعث می شود که قیمت تمام شده یکسری از سنگ های ترکیه در بازار چین نسبت به ما ارزان تر تمام شود. از طرفی به دلیل جنگ دریای سرخ حجم زیادی از سنگ های ما که به بازار اروپا از طریق حمل دریایی از کانال دریای سرخ ورود پیدا می کرد، حذف شده است. به این خاطر که سنگ تنی ۲۲۰ دلار در هر کانتینر تمام می شود، در حالی که در گذشته تنی ۵۸۰ دلار بوده است تا به کشورهای ایتالیا برسد. در نتیجه ما تنی ۱۴۰ دلار اضافه تر پرداخت می کنیم که نشان می دهد هزینه های فعال سنگ افزایشی شده است. این در حالی است که ترکیه هزینه حملش به ایتالیا هیچ تغییری نکرده است؛ موضوعی که مزیتی برای کشور ترکیه شده و باعث می شود از ایران جلو بزند و با ما رقابت کند. در غیر این صورت حجم زیادی

با اینکه کیفیت سنگ های ایرانی ایرادی ندارد و از نظر مشخصات فنی - مقاومتی، طرح و بافت بهتر از ترکیه هستند اما مشکل را باید در جای دیگری جست و جو کرد. کارشناسان باور دارند که در این خصوص بخش اصلی مشکل ما به بخش بازرگانی و مدیریت بازرگانی برمی گردد. در این بین می شود واحدهای تولیدی را به مرحله ای رساند که در حد قابل قبولی بتوانند سنگ تولید و صادر کنند. در این خصوص «جهان صنعت» با سیامک حاج سید جواد می تحلیلگر ارشد بازارهای جهانی سنگ گفت و گو کرده که شرح آن را در زیر می خوانید.

**■ هزینه حمل و نقل در صادرات سنگ چه نقشی دارد؟**

سنگ جزو کالاهایی است که وزن و حجم بسیار بالایی دارد، در نتیجه هزینه حمل آن بسیار زیاد است؛ موضوعی که باعث می شود از قیمت میانگین رقبایمان عقب بیفتیم و خیلی از سنگ های ایران از سید صادراتی خریداران خارجی حذف شود. بنابراین تسهیل در سیستم حمل و نقل و کاهش هزینه ها به خصوص از طریق کشور ایران باعث می شود که

اگر از ۱۲ میلیون تن سنگ ۱۰ میلیون تن به صورت سنگ ماربل باشد شاید بتوان گفت که ۱۰ درصد سهم جهانی توسط ایران صورت می گیرد. به این ترتیب ما از نظر درصد تولید و ذخایر در مزیت نسبی قرار داریم و جزو کشورهای لیدر دنیا به حساب می آیم



کارخانه‌دار ایرانی به دنبال صادرات ۸۴۰ هزار تن متر سنگ و بازاریابی آن نبوده است. آنها عملاً توسط واسطه‌های مرزی در کارخانه خریداری شده و با همان قیمت در بازار داخلی فروخته شده‌اند

بازارهای هدف اصلی که بخش عمده آن در اروپا، عربستان و خاور دور است، پیش برویم. در ادامه بازار اندونزی، استرالیا و مالزی را باید بتوانیم جذب کنیم. در این عرصه نیاز به طرح جامع سنگ داریم که در این خصوص متاسفانه هنوز مطالعات زیربنایی صورت نگرفته و سند صنعت سنگ را تهیه نکرده‌ایم. این در حالی است که می‌توانیم آمارهای قابل استنادی داشته باشیم و بررسی کنیم که واحدهای فرآوری چه ضعف‌هایی دارند که قابل بررسی و رفع باشد. باید بررسی کنیم که بازارهای هدف سنگ‌ها کدام کشورها هستند؟ برای ورود به بازار فرانسه با چه سنگ‌هایی باید وارد شد؟ رقبا چه کسانی هستند؟ قیمت‌ها به چه صورت است؟ موضوعاتی که همه نیازمند کار کارشناسی است و طرح جامع سنگ باید این اقدامات را انجام دهد. به طور حتم اگر نیروهای متخصص را آموزش دهیم می‌توانیم به برنامه‌ریزی استراتژیک و افزایش سطح صادرات برسیم اما در غیر این صورت درجا خواهیم زد و اتفاق خاصی هم نمی‌افتد.

در طرح توسعه و طرح جامع سنگ باید افزایش ظرفیت تولید معادن را لحاظ کنیم. معادنی که توان صادراتی داشته و در بازارهای هدف جایگاهی دارند باید تولید واحدها را افزایش دهند. اگر بخواهیم با ترکیه رقابت کنیم نمی‌توانیم با ۸ میلیون تن مصرف داخلی و ۳ میلیون تن توان صادراتی وارد بازار شویم چراکه رقیب ما برعکس ما یک میلیون تن مصرف داخلی و ۱۱ میلیون تن برای صادرات در نظر گرفته است. این کشور برای ورود به بازار شش برابر ما تولید کرده است، در نتیجه ما هم باید در معادنی که توان صادراتی دارند افزایش ظرفیت تولید بدهیم.

#### ■ انتظار از مسوولان معدنی کشور

تأمین بودجه کامل مالی و ایجاد تمهیدات کامل مورد نیاز در جهت تهیه و برنامه‌ریزی طرح جامع تفصیلی صنعت سنگ ایران در اسرع وقت از طریق امیددرو باید دنبال شود. مورد دیگر بحث آزادسازی صادرات و رفع چالش‌ها و تعهدات ارزی صادرکنندگان است. مساله دیگری که انتظار می‌رود به آن توجه شود معضل بزرگ ماشین‌آلات سنگین و لوازم یدکی است که باید هر چه سریع‌تر حل شود. امروز معادن به دلیل مشکل کمبود و نبود ماشین‌آلات معدنی در مضیقه هستند. مورد بعدی اعتدال حقوق دولتی خصوصاً در مواردی است که بیش از حد معقول گرفته می‌شود و می‌تواند به تعطیلی معدن منجر شود.

تسهیل در حمل‌ونقل بین‌المللی دریایی جهت حمایت از صادرات به خصوص سنگ کشور و حذف حجم زیادی از سنگ‌های ایران از سبب خرید بازارهای هدف مهم است. در حال حاضر هزینه حمل ایران به ایتالیا در هر کانتینر با بندر جنوا ۴۲۰۰ دلار است که با احتساب ۲۵ تن در هر کانتینر حدود ۱۷۰ دلار بر تن می‌شود. به این ترتیب تقریباً ۱۳۰ درصد بالاتر از هزینه حمل ترکیه به ایتالیا می‌شود.

هزینه حمل زمینی از ایران به ایتالیا تنی ۲۲۰ دلار بوده که ۲۰۰ درصد بالاتر از هزینه حمل ترکیه به ایتالیا است! بنابراین یکی از معضلات صادرات سنگ ایران در حال حاضر بالا بودن هزینه حمل‌ونقل است. در ادامه ایجاد تسهیلات آسان و قابل اجرا برای واردات اقلام مصرفی صنعت سنگ در قبال صادرات با حذف بوروکراسی‌های اداری و ثبت سفارش برای واحدهای صادرکننده اعم از معدنکار، کارخانه‌دار و بازرگان از جمله موارد مورد انتظار است که باید هر چه سریع‌تر برطرف شوند.

کشور عراق است. این در حالی است که ترکیه به بیش از ۳۶ کشور دنیا سنگ صادر می‌کند. به خصوص در سنگ بریده با تعرفه ۶۸۰۲ و ۶۸۰۱ بازار هدف این کشور کشورهای اروپایی و آمریکاست. مارچین صادراتی ما با قیمت ۱۰ دلار با میانگین ۶۸۰۲ نسبت به کل دنیا حدود ۲۷ دلار است. به این ترتیب نزدیک به یک‌سوم قیمت صادراتی میانگین دنیا سنگ بریده صادر می‌کنیم. این در حالی است که وضعیت ترکیه ۲/۵ برابر ما است که دلیلش را باید در موارد مختلفی از جمله بازارهای هدف و جست‌وجو کرد.

#### ■ اختلاف میزان قیمت فروش ما در بازارها به چه دلیل است؟

نمی‌توان به کیفیت سنگ‌های ایران ایراد گرفت چراکه سنگ ایران از نظر کیفیت، مشخصات فنی - مقاومتی، طرح و بافت بسیار بیشتر و بهتر از ترکیه است. سنگ‌هایی داریم که ترکیه قابلیت رقابت با آنها را به هیچ عنوان ندارد. به عنوان مثال تراورتن‌های رنگی و سیلور و تیتانیوم و سفید و مرمرهای ایران، مرمریت‌های خاص ایران و برخی از گرانیتهای ایران مانند سبزه‌های کاهویی و جنگلی و آب رنگی و دانه اناری بیرجند و... از جمله آنها هستند.

بخش عمده‌ای از بازار صادرات سنگ‌های بریده ترکیه در بازارهای هدف اروپایی و آمریکایی هستند که ما در آنها اصلاً وارد نشده‌ایم و فعال نیستیم. مساله این است که اگر ما در این بازار وارد شویم مورد تایید قرار نمی‌گیریم و باید وضعیت سنگ‌ها مورد تجدید نظر قرار گیرد. در این خصوص بخش اصلی مشکل ما بخش بازرگانی و مدیریت بازرگانی است. در این بین می‌شود واحدهای تولیدی را به مرحله‌ای رساند که در حد قابل قبولی بتوانند سنگ تولید و صادر کنند. این موضوع ارزش افزوده بیشتر از ۱۰ تا ۲۰ دلار ایجاد می‌کند.

#### ■ مشکلات توسعه صادرات سنگ

بخشی از این مسائل مربوط به تحریم‌ها، بخشی عدم آموزش و نداشتن نیروی متخصص بازرگانی در واحدها و بنگاه‌های فعال صنعتی سنگی در کشور است و بخشی هم به عادت‌های سنتی برمی‌گردد، به این صورت که کارخانه‌دار ایرانی به دنبال صادرات ۸۴۰ هزار تن متر سنگ و بازاریابی آن نبوده است. آنها عملاً توسط واسطه‌های مرزی در کارخانه خریداری شده و با همان قیمت در بازار داخلی فروخته شده‌اند. مهم‌ترین کلید برای اینکه بتوانیم جایگاه خود را در بازار صادراتی به دست آوریم این است که پتانسیل‌ها و نقاط ضعف و قوت را شناسایی کنیم و با توجه به

اول تولید و ایران در رتبه دوم قرار دارد. حجم کل تبادلات جهانی سنگ حدود ۲۲ تا ۲۵ میلیارد دلار بوده که در سال‌های مختلف تغییر کرده است. از این رقم ترکیه حدود ۲/۳ میلیارد دلار را به خود اختصاص داده است. در واقع این کشور توانسته نزدیک به ۱۰ درصد تبادلات جهانی سنگ را سهم بازار خود کند. البته باید بدانیم که این مساله در طول چندین سال شکل گرفته و با برنامه‌های استراتژیک این کشور به نتیجه رسیده است؛ مساله‌ای که باعث شده ترکیه موفق شود که سهم بسیاری از کشورهای دیگر مثل ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، یونان و... را به خود اختصاص دهد.

در ایران طبق تعرفه ۲۵۱۵ صادرات سنگ‌های گروه آهنکی ایران عمدتاً به صورت بلوک است و در این بین سنگ خام سهم خیلی کمی را به خود اختصاص داده است. حدود ۵۵۳ هزار تا نیم میلیون تن در این عرصه صادرات داشته و حداکثر تا ۱۰۰ میلیون دلار صادرات سنگ بلوک داشته‌ایم. صادرات سنگ بریده نیز ۸۴۰ هزار تن بوده است.

اگر هر تن سنگ فرآوری شده را ۱۸ مترمربع در نظر بگیریم به عبارتی چیزی حدود ۱۵ میلیون مترمربع هم صادرات سنگ بریده داشته‌ایم که با میانگین قیمت ۱۰ دلار بوده است، یعنی در کل ۱۵۰ میلیون دلار که جمع کل آن ۲۵۰ میلیون دلار می‌شود. مساله مهم این است که این آمار یک‌دهم کشور ترکیه است. در حالی که ما حدوداً کمتر از یک درصد تبادلات جهانی را به خود اختصاص داده‌ایم اما ترکیه که بزرگ‌ترین رقیب ما است توانسته ۱۰ برابر ما در بازار جهانی ورود کند. در حال حاضر جایگاه صادرات سنگ ایران یک درصد تبادلات جهانی بوده و کمتر از ۲۵۰ میلیون دلار است اما می‌توان با برنامه‌ریزی استراتژیک در یک بازه زمانی پنج ساله این رقم را به یک میلیارد دلار رساند.

#### ■ کشورهای مقصد صادرات سنگ ایران

وقتی آمارهای صادرات را بررسی می‌کنیم ملاحظه می‌شود که ۵۵۰ هزار تن (نیم میلیون تن) سنگ را عمدتاً به سه کشور اصلی یعنی ۷۰ درصد به چین، ۲۰ درصد به هند و حدود ۴ درصد به ترکیه صادر کرده‌ایم و به این ترتیب ۹۴ درصد صادرات ما با تعرفه ۱۵۲۵ است. از طرفی سنگ بریده با تعرفه ۶۸۰۲ حدود ۸۴۰ هزار تن است که نزدیک ۵۲/۵ درصد به عراق، ۱۵ درصد ترکیه، ۸/۵ درصد دویی، ۵ درصد کویت، ۳ درصد ترکیه و ۱۷ درصد به سایر کشورها است. به این ترتیب عمده صادرات ما یعنی بیش از ۸۰ درصد آن به کشورهای همسایه صورت می‌گیرد. ضمن اینکه از این میزان بیش از نصف صادرات ما به





مدیر عامل شرکت نورد گرم سمنان در گفت و گو با «جهان صنعت» تاکید کرد

## تصمیم‌های یک شبه و رکود تولید

عرصه میلگرد، نیازمند حمایت تمام‌قد دولتمردان

هما میرزایی - تولید مقوله مهمی بوده که تأثیرات گسترده و پردامنه آن در اقتصاد کشورها غیر قابل انکار است و اغلب دولت‌ها مسیر توسعه توانمندی‌های صنعتی و تولیدی خود را بر این اساس دنبال می‌کنند. این در حالی است که مسیر تولید در ایران به خاطر تصمیمات خلق الساعه و یک شبه نهادهای اجرایی و مسوولان، با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده است و در این روند تولیدکنندگان از آینده و تداوم سودآوری صنایع خود مطمئن نبوده‌اند. از جمله مجموعه‌هایی که به دلیل تصمیمات دولت با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند می‌توان به شرکت نورد گرم سمنان و شرکت فولاد شمش سپهر که به تولید میلگرد و مقاطع فولادی می‌پردازند و شرکت عباد گاریزات که دست به تولید سنگ آهن و کرومیت می‌زند، اشاره کرد. هر چند این مجموعه‌ها به عنوان واحد تولیدی و یکی از شاخص‌ترین تولیدکنندگان در کشور و در تلاش برای کمک به توسعه اقتصادی و رونق چرخ اقتصاد هستند اما با مشکلات عدیده‌ای از طرف دولت روبه‌رو هستند که باعث شده آنطور که باید نتوانند دست به تولید بزنند. در حالی که بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی باید از بخش خصوصی حمایت و فضا را برای تولیدکننده‌ها هموار کرد اما وقتی پای صحبت آنها می‌نشینیم شریک به گونه‌ای دیگر است.

متوجه شدیم که مساله ما به تفاوت نرخ برقی است که بر اساس افزایش تعرفه‌ها باید بپردازیم اما در قبض‌ها اعلام نشده و حالا باید برای ۳ ماه ۷۰۰ میلیون تومان پول برق پرداخت کنیم! او تاکید کرد: با اینکه برق مصرفی ما ۴۰ میلیون تومان بوده اما قبضی که برای کارخانه آمده ۱۹۰ میلیون تومان است!

او با اشاره به مبالغ هنگفت پرداختی گفت: آنقدر قیمت بالاست که هر یک مگاوات بیش از ۱۵ میلیارد تومان هزینه دارد و ما که ۴ مگاوات می‌خواهیم باید بیش از ۶۰ میلیارد تومان بابت تامین برق پرداخت کنیم. این در حالی است که وزارت صمت باید امکاناتی را با تسهیلات ویژه در اختیار تولیدکننده‌ها قرار بدهد.

جورابچی با انتقاد از اینکه مبالغ مشخص شده برای پرداخت قبض را پرداخت می‌کنند اما باز هم مشکل حل نمی‌شود، اظهار کرد: هزینه اشتراک برق، پول پست و ... را پرداخت می‌کنیم اما باز برای چند ساعت باید برق قطع شود! این مساله یکسال توجیه دارد اما سال بعد باید تمهیداتی در نظر گرفته شود و ژنراتور در اختیار گذاشته شود. مسوولان باید نیروگاه‌ها را افزایش دهند چراکه کمبودش ضربه‌های زیادی را به بخش تولید وارد می‌کند.

و اقتصادی روبه‌رو است در این شرایط انتظار می‌رود که دولت از خرد بیشتر استفاده کند تا ماحصل مشکلاتی که روی هم انباشت شده را جبران کند.

### مشکلات انبار شده بر سر فعالان بخش خصوصی

مدیر عامل شرکت نورد گرم سمنان در پاسخ به این سوال که مجموعه‌های شما در چه زمینه‌ای فعالیت می‌کنند به «جهان صنعت» گفت: فعالیت ما در زمینه تولید میلگرد، مقاطع فولادی، استخراج و فرآوری سنگ آهن است. به این صورت که در شرکت نورد گرم سمنان و شرکت فولاد شمش سپهر به تولید میلگرد و مقاطع فولادی می‌پردازیم و در شرکت عباد گاریزات دست به تولید سنگ آهن و کرومیت می‌زنیم. هر چند ما به عنوان یک واحد تولیدی در تلاش برای کمک به توسعه اقتصادی کشور و رونق چرخ اقتصاد هستیم اما با مشکلات عدیده‌ای از طرف دولت روبه‌رو هستیم که باعث شده آنطور که باید نتوانیم دست به تولید بزنیم.

محمد رضا جورابچی با اشاره به معضل حامل‌های انرژی و افزایش قیمت برق گفت: موضوع برق بسیاری از تولیدکننده‌ها از جمله مجموعه ما را تحت فشار قرار داده است. به‌طور مثال در اسفندماه سال قبل قبض ۷۰۰ میلیون تومانی برای ما آمد. وقتی اعتراض کردیم

از آنجا که یک کارخانه تولیدی چرخ اقتصاد کشور را به حرکت در می‌آورد در نتیجه نیاز به حمایت تمام‌قد از طرف دولت دارد اما این مساله کمتر دیده می‌شود و بیشتر شاهد آن بوده‌ایم که برای فعالان اقتصادی مانع تراشی می‌شود و به عبارتی از طرف دولت چوب لای چرخشان گذاشته می‌شود. تا جایی که وقتی از برخی فعالان اقتصادی حوزه معدن سوال می‌کنیم چه انتظاری از دولت جدید دارید مطرح می‌کنند که دولت کاری به ما نداشته باشد ما را بس است!

در همین رابطه گفته می‌شود که انتظار از رییس جمهور منتخب این است که از پایه‌های اقتصادی و تولیدی کشور حمایت و شرایط را برای تداوم فعالیت تولیدکننده‌ها هموار کند. بر اساس نظر کارشناسان دولتی که سر کار می‌آید مسوولیتی دشوار بر دوشش است چرا که باید مشکلاتی که طی سالیان سال شکل گرفته را اصلاح کند. ضمن اینکه بر اساس پیش‌بینی‌ها با آمدن دونالد ترامپ مجدد صادرات نفت ایران به کمتر از ۴۰۰ هزار بشکه در روز می‌رسد. از طرفی دولت باید خود را برای تورم بالاتر در کشور آماده کند. این مسائل در حالی است که سیاست دیگری هم می‌شود در پیش گرفت و آن آشتی با دنیاست تا بتوانیم بحران‌ها را حل کنیم. به عبارتی دولتی که سر کار می‌آید در عرصه بین الملل با تحریم‌ها و در داخل با فشارهای اجتماعی

در اسفندماه سال قبل قبض ۷۰۰ میلیون تومانی برای ما آمد. وقتی اعتراض کردیم متوجه شدیم که مساله ما به تفاوت نرخ برقی است که بر اساس افزایش تعرفه‌ها باید بپردازیم اما در قبض‌ها اعلام نشده و حالا باید برای ۳ ماه ۷۰۰ میلیون تومان پول برق پرداخت کنیم!

امروز به برکت  
شغل‌های مجازی  
اسنپ و پیک  
موتوری خیلی‌ها  
به این سمت  
رفته‌اند. وقتی  
در روز ۵ میلیون  
تومان درآمد دارند  
دیگر برایشان  
مقرون به صرفه  
نیست با ماهی  
۳۰ میلیون تومان  
کار کنند. بنابراین  
مدتی است که  
شاهدیم نیروی  
انسانی متخصص  
مثل مهندس برق  
و مکانیک جذب  
شغل‌های دیگری  
شده‌اند که مولد  
نیستند

برای تولید ماده معدنی صرف کند به شدت بالا رفته است. متأسفانه افزایش قیمت‌ها به صورت مالهانه و تورم جهنده باعث شده که سرمایه‌گذار نقدینگی را از حوزه معدن خارج و در حوزه‌های دیگر هزینه کند. در چنین شرایطی به‌طور حتم تصمیمات یک شبه به‌مهملگی را به فعالان عرصه میلگرد وارد می‌کند که دودش به چشم مردم و معدنکار می‌رود.

جوهریچی در ادامه با اشاره به افزایش مشکلات خارجی از جمله عوارضی که از طرف عراق اعمال می‌شود نیز گفت: در گذشته عوارض حدود ۱۰ درصد بود اما کشور عراق در خصوص مقاطع وارداتی از سمت کشور ایران این رقم را به ۳۰ درصد رسانده است که باعث شده که قیمت تمام‌شده کالاهای ایرانی افزایش پیدا کند. این تصمیم که حدود یک ماه است گرفته شده باعث می‌شود که برای فعال اقتصادی ایرانی دیگر صادرات مقرون به صرفه نباشد و در نتیجه نمی‌تواند با کالاهایی که در کشور عراق وارد شده‌اند دست به رقابت بزند. در ادامه به همین راحتی فعال صادراتی ایرانی کنار زده می‌شود. او ادامه داد: در این شرایط قیمت تمام‌شده بازار هدف ما به مراتب بالاتر از رقیب تمام شده و شرایط برای فعال اقتصادی سخت‌تر می‌شود؛ موضوعی که به معنی حذف ما از بازارهای منطقه است. البته این موضوع از طرف عراق قابل فهم است و این کشور به دلیل حمایت از تولیدکننده داخلی و کارخانجات خود دست به چنین تصمیمی زده است.

#### ■ حمایت دولت از تولیدکننده داخلی

جوهریچی با بیان اینکه کارخانجات تولیدی در بخش معدن به حمایت دولت نیاز دارند، تصریح کرد: از آنجا که یک کارخانه تولیدی چرخ اقتصاد کشور را به حرکت در می‌آورد در نتیجه نیاز به حمایت تمام‌قد از طرف دولت دارد اما این مساله کمتر دیده می‌شود و بیشتر شاهد آن بوده‌ایم که برای فعالان اقتصادی مانع‌تراشی می‌شود.

او با اشاره به پتانسیل کارخانه‌های تولیدی در کشور و کمک به توسعه اقتصادی گفت: در واقع کارخانه‌ها با استخدام نیرو باعث رونق اشتغال و کاهش آمار بزهکاری اجتماعی می‌شوند. در نتیجه نیروی کار جوان به جای اینکه از بیکاری رنج ببرد در این مجموعه‌ها استخدام شده و ضمن اینکه آمار بیکاری کاهش می‌شود، به نیروی کار فعال تبدیل شده و کمک خرج خانواده می‌شود. در ادامه شاهد ایجاد شغل‌های مرتبط در زنجیره محصولات تولیدی هستیم که اتفاقی بسیار مثبت برای رشد آمار اشتغال است. در ادامه می‌توان به بالا بردن سرانه تولید کشور، تولید ثروت و آرزووری و کمک به اقتصاد کشور و... اشاره کرد.

مدیرعامل شرکت نورد گرم سمنان تاکید کرد: انتظار ما از رییس‌جمهور منتخب این است که از پایه‌های اقتصادی و تولیدی کشور حمایت و شرایط را برای تداوم فعالیت تولیدکننده‌ها هموار کند. دولتی که سر کار می‌آید کارش سخت است چراکه باید این همه مشکلاتی که طی سالیان سال شکل گرفته را اصلاح کند. با آمدن دونالد ترامپ مجدد صادرات نفت ایران به کمتر از ۴۰۰ هزار بشکه در روز می‌رسد. از طرفی دولت باید خود را برای تورم بالا آماده کند. اینها در حالی است که سیاست دیگری هم می‌شود در پیش گرفت و آن آشتی با دنیاست تا بتوانیم بحران‌ها را حل کنیم.

او تصریح کرد: دولتی که سر کار می‌آید در عرصه بین‌الملل با تحریم‌ها و در داخل با فشارهای اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو است در این شرایط انتظار می‌رود که دولت از خرد بیشتر استفاده کند تا ماحصل مشکلاتی را که روی هم انباشت شده جبران کند.

پرداخت می‌کنیم اما باز هم پرسنل متخصص حاضر به کار نیستند. او با ابراز تأسف گفت: امروز به برکت شغل‌های مجازی اسنپ و پیک موتوری خیلی‌ها به این سمت رفته‌اند. وقتی در روز ۵ میلیون تومان درآمد دارند دیگر برایشان مقرون به صرفه نیست با ماهی ۳۰ میلیون تومان کار کنند. بنابراین مدتی است که شاهدیم نیروی انسانی متخصص مثل مهندس برق و مکانیک جذب شغل‌های دیگری شده‌اند که مولد نیستند.

جوهریچی با انتقاد گفت: اینها همه باعث شده که روند کار سیر نزولی به خود بگیرد. به طور مثال دو شیفت را به یک شیفت کاهش داده‌ایم و ضرر هنگفتی به واحدهای تولیدی وارد می‌شود.

#### ■ قوانین یک شبه

مدیرعامل شرکت نورد گرم سمنان با انتقاد از وضع قوانین یک شبه نیز گفت: اعمال قوانین خلق الساعه و ناگهانی از دیگر مشکلات مجموعه‌های ماست. از جمله این تصمیمات می‌توان به صدور قبض برق برای مجموعه ما به مبلغ ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان اشاره کرد در حالی که قبض مشابه ماه قبل مان حدود ۴۰۰ میلیون تومان بوده است! هر طور محاسبه می‌کنیم این افزایش قیمت منطقی ندارد و می‌توان گفت که به ناحق است. او تاکید کرد: متأسفانه سیاستگذاری‌هایی که در عرصه میلگرد اعمال می‌شود به صورت کوتاه‌مدت بوده و با نگاه بلندمدت و توسعه پایدار برنامه‌ریزی نمی‌شود. حتی بارها ملاحظه شده که با دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های خلق الساعه باعث افول این بخش شده‌ایم. بازگشت سرمایه معادن طولانی‌مدت است و با این روند که تورم بالا داریم و به عبارتی شاهد تورم جهنده و همچنین جهش ناگهانی قیمت‌ها در بازارها هستیم در نتیجه عرصه ما با مشکل جدی روبه‌رو است. مشکلاتی که پروژه‌های درازمدت را محدود می‌کند و باعث می‌شود که در پروژه‌های زیربنایی توجیه اقتصادی پیدا نشود. از طرفی هزینه‌هایی که معدنکار می‌خواهد

#### ■ سیاست بانک‌ها به ضرر تولیدکننده‌ها

مدیرعامل شرکت نورد گرم سمنان در ادامه به نحوه سیاست‌گذاری بانک‌ها اشاره و تصریح کرد: اگر در شرایط حاضر یک فعال اقتصادی در حوزه میلگرد از بانک درخواست وام کرده و اعلام کند که به دنبال طرح توسعه و افزایش سرمایه در گردش و... است اما بانک‌ها تنها یک جواب دارند و آن هم این است که به دلیل سیاست‌های انقباضی دولت در خصوص عرضه پول هیچ منابعی را برای پرداخت وام ندارند.

او با اشاره به وضعیت منابع و مصارف از طرف بانک‌ها خاطر نشان کرد: در واقع بانک‌ها منابع را کم کرده و این در حالی است که تقاضای زیاد و مصارف بیش از منابع هستند. البته باید گفت که شرایط در سال‌های گذشته اینگونه نبود و فعال اقتصادی می‌توانست فروش بالاتری داشته باشد و خیلی از فعالان با ال سی می‌توانستند خرید کنند اما امروز سختگیری‌ها به شدت افزایش یافته است. متأسفانه اگر وام بخواهیم بانک‌ها طفره رفته و این مهم را به فعالان اقتصادی همچون مجموعه ما اختصاص نمی‌دهند چرا که سیاست‌های انقباضی برای کنترل تورم این است که وام‌ها را جمع‌آوری کرده و نقدینگی در بازار را کاهش دهند. هر چند ما در ک می‌کنیم که برای کنترل تورم بانک‌ها از دادن وام اجتناب می‌کنند اما مساله این است که فشار واقعی به تولیدکننده داخلی وارد می‌شود.

#### ■ کمبود نیروی انسانی

مدیرعامل شرکت نورد گرم سمنان با اشاره به معضل دیگر از جمله کمبود نیروهای انسانی اعم از متخصص، تکنسین و نیروی ساده، تصریح کرد: امروز ما به عنوان تولیدکننده در مضیقه نیروی کار هستیم. وضعیت به گونه‌ای شده که هزینه‌ها آنقدر افزایش یافته که با حقوق و دستمزدی که دولت برای پرسنل در نظر گرفته برایشان مقرون به صرفه نیست که در مجموعه‌ها کار کنند. با اینکه ما چند برابر حقوق مصوب وزارت کار





رئیس اتحادیه صادرکنندگان سرب و روی ایران در گفت‌وگو با «جهان‌صنعت» مطرح کرد

## ضربه بی‌ثباتی به بخش معدن

احسان نیازمند - فعالان بخش خصوصی در حوزه معدن باور دارند آمارهایی که اغلب نشان از رشد و تولید دارند، چندان واقعی نبوده و آنطور که در شعارها گفته می‌شود بخش خصوصی جایگاهی در اقتصاد ندارد و حتی آنقدر شرایط دشوار است که قرار بر فرار از ترجیح می‌دهند. به باور آنها امروز نهادهای زیادی از سازمان انرژی اتمی گرفته تا ایمیدرو روی پهنه‌ها فعالیت می‌کنند و همه به رقیب اصلی بخش خصوصی تبدیل شده‌اند و موضوعی که بیشتر دیده می‌شود این است که نظر بخش خصوصی اغلب در نظر گرفته نمی‌شود. در این بین کارشناسان بخشنامه‌های یک‌شنبه، قوانین بی‌ثبات و تعویض وزیر در وزارت صنعت، معدن و تجارت و حتی معاونان معدنی را بسیار مضر ارزیابی کرده‌اند و این موضوع را به عنوان معضلی جدی برای بخش معدن می‌دانند.

کارشناسان باور دارند به این خاطر که استراتژی توسعه نداریم شاهد روندهای کوتاهمدت در کشور هستیم. در حالی که دیگر کشورها استراتژی توسعه ملی ۱۰۰ ساله دارند و در آن چارچوب‌ها می‌دانند که به چه سمتی قرار است حرکت کنند؛ موضوعی که در کشور ما کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و نتیجه‌اش هم این می‌شود برنامۀ ۱۴۰۴ که آن همه بر آن تاکید شده تنها با ۳۰ درصد ظرفیت عملیاتی می‌شود. مشکل اینجاست که برخی مسئولان خود را بالاتر از قانون می‌دانند و با ضعف تخصص بیشتر به عرصه معدن ضربه زده‌اند.

در حالی که دیگر کشورها استراتژی توسعه ملی ۱۰۰ ساله دارند و در آن چارچوب‌ها می‌دانند که به چه طرفی قرار است حرکت کنند و چه نقاط ضعفی دارند. این در حالی است که برنامه ۱۴۰۴ که در کشور ما نوشته شد به این خاطر که آمایش سرزمینی انجام نشده است در نتیجه ۳۰ درصدش بیشتر عملی نشد.

حسینقلی با اشاره به اینکه مسئولان خود را بالاتر از قانون می‌دانند، تصریح کرد: هر مسوولی که آمد بدون برنامه وارد شد و تصور کرد باید هرچه که فکر می‌کند را انجام دهد.

این بی‌ثباتی قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به اقتصاد و تولید و معدنکاری زده است. کسانی هم که امروز روی کار هستند یا خود معدنی نبوده‌اند یا بخش معدن را نمی‌شناسند تا می‌خواهند هم به شناخت برسند فوراً عوض می‌شوند، بنابراین می‌توان گفت چنین روندی باعث شده که امنیت اقتصادی وجود نداشته باشد و سرمایه‌گذاری بسیار سخت شود که در نتیجه آن خیلی‌ها فرار را بر ماندن ترجیح داده‌اند.

در کل وقتی دولتی پشتیبان معدن نباشد و نخواهد مشکلات را حل کند هر روز یک مشکل بر موانع فعلی اضافه می‌شود.

### روز صنعت و معدن جشنی برای اقلیت‌ها

رئیس اتحادیه صادرکنندگان سرب و روی ایران درباره این سوال که حالا با توجه به همه این شرایط

همه به رقیب اصلی بخش خصوصی تبدیل شده‌اند. در ادامه با بستن عوارض، ندادن محدوده و فشارهایی که محیط زیست و منابع طبیعی برای بخش معدن به وجود آورده‌اند این حوزه بیش از پیش تحت فشار قرار گرفته است.

### از تغییر مداوم مسئولان تا بی‌ثباتی معدن

حسینقلی با اشاره به تعویض مداوم مسئولان مربوطه در بخش معدن و بی‌ثباتی‌ها اظهار کرد: تعویض وزیر در وزارت صنعت، معدن و تجارت و حتی معاونان معدنی بسیار مضر بوده و برای بخش معدن به صورت مهلک عمل کرده است. محمدرضا نعمت‌زاده و محمد شریعتمداری از طرف نمایندگان مجلس استیضاح شدند و محمدرحمانی هم به ناگهان از سوی حسن روحانی برکنار شد. پس از رحمانی، مدرس خیابانی به عنوان سرپرست موقت وزارتخانه از سوی مجلس رای اعتماد نگرفت و در نتیجه چالش‌ها برای مدیریت وضعیت معدن پیچیده‌تر شد. وقتی وزارتخانه وزیر نداشت فردی مانند دارپوش اسماعیلی که نماینده مجلس بود، معاون وزیر شد که در عرض هفت ماهی که در سمت خود بود، هیچ اقدامی انجام نداد. با اینکه فعالان معدنی چندین بار به گمرک نامه نوشتند و درخواست گرفتند عوارض غیرقانونی از فعالان سرب و روی اعتراض خود را بیان کردند اما هیچ پاسخی از طرف اسماعیلی دریافت نکردند. او تاکید کرد: به این خاطر که استراتژی توسعه نداریم شاهد روندهای کوتاهمدت هستیم.

متأسفانه بی‌ثباتی قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به اقتصاد و تولید و معدنکاری وارد کرده است؛ روندی که باعث شده امنیت اقتصادی وجود نداشته باشد و سرمایه‌گذاری بسیار سخت شود که در نتیجه آن خیلی‌ها فرار را بر ماندن ترجیح داده‌اند. حالا انتظار فعالان معدنی در روز معدن این است که قوانین ثبات بیشتری پیدا کرده، مسئولان با نگاه تخصصی به حوزه معدن نگاه کنند و همچنین به قانون رفع موانع تولید اعتقاد داشته باشند تا بتوانند موجب بهبود فضای کسب‌وکار شوند. فراموش نکنیم هر تصمیمی که مسئولان بخواهند بگیرند باید تشکل مربوطه را در جریان بگذارند و نظر آنها را جویا شوند چراکه بدون بهره از نظرات بخش خصوصی کار به جایی نمی‌رسد.

در این رابطه حسن حسینقلی رئیس اتحادیه صادرکنندگان سرب و روی ایران با «جهان‌صنعت» گفت‌وگو کرده است. او با اشاره به اینکه هنوز هم مفاهیم خودی و غیر خودی در حوزه معدن مطرح می‌شود، اظهار کرد: مسئولان به جای اینکه تشویق‌کننده باشند، به توسعه اکتشافات کمک کنند و سرمایه معقولی را در اختیار سازمان زمین‌شناسی ارائه دهند اما می‌بینیم که حدود ۲۵۰ کیلومتر از پهنه‌ها را در اختیار خودی‌ها می‌گذارند. متأسفانه امروز مشکلات زیادی در گرفتن پهنه‌ها برای فعالان معدنی به وجود آمده است، به طوری که سازمان انرژی اتمی و ایمیدرو همگی روی پهنه‌ها فعالیت می‌کنند و

هر مسوولی که آمد بدون برنامه وارد شد و تصور کرد باید هرچه که فکر می‌کند را انجام دهد. این بی‌ثباتی قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به اقتصاد و تولید و معدنکاری زده است

یکی از مواردی که در برنامه مورد نظر دولت برای رسیدن به جهش تولید باید طرح شود قوانینی بوده که الان محل تولید است؛ قوانینی مثل اخذ عوارض از صادرات و حقوق دولتی است

### ■ عوارضی که غیرقانونی است

حسینقلی با بیان اینکه گرفتن عوارض حقوق دولتی به علاوه جریمه عوارض غیرقانونی است، گفت: مساله مهم این است که پرداخت عوارض سال گذشته را از اول سال تعیین کرده‌اند که بپردازیم در حالی که طبق قانون عطف به ماسبق نمی‌شود! جالب است که دست و پای ما را می‌بندند و همه گونه جریمه، مالیات و عوارض می‌گیرند و بعد می‌گویند جهش تولید هم باید رقم بزنیم. وی خاطر نشان کرد: لیست مواد خام و غیرخام به ماده ۳۷ نمی‌خواند و ۹۰ درصد محصولات خام و نیمه‌خام نیستند، در حقیقت هیچ کجای دنیا ماده نیمه‌خام نداریم و این عنوان اختراع برخی از مسوولان است. متأسفانه لیستی درست کرده‌اند که فقط عنوان خام است، یعنی تفاوتی بین مواد اولیه کلوخه با کنسانتره وجود ندارد. به دلیل اینکه در مورد اینگونه مسائل با تشکل‌های مربوطه و اتاق بازرگان مشاوره نمی‌کنند این مسائل پیش می‌آید، بنابراین این اتفاقات از نظر صادرکننده غیرقانونی بوده و نحوه اجرا بدتر از همه است. وی با اشاره به مشکلاتی همچون ترخیص کالا و عرضه محصول در بورس گفت: برای جهش تولید باید بسیاری از این موارد همچون ثبت سفارش‌ها، واردات، تخصیص ارز، اجبار کردن به اینکه در بورس مواد را عرضه کنیم آن هم با قیمتی که دولت تعیین می‌کند و اینکه صد درصد ارز صادراتی را با دلار نیما بیاوریم رفع شود. ما همه هزینه‌ها را با دلار آزاد انجام می‌دهیم و وقتی کالایی صادر می‌کنیم با دلار نیما می‌باید دولت بدهیم. این یک تفاوت ۵۰ درصدی است که اصلاً معقول و منطقی نیست. حسینقلی در پاسخ به این سوال که راهکار چیست، گفت: باید ارز را تک‌نرخ کنی تا واردات فقط از محل صادرات صورت بگیرد یعنی هر کس می‌خواهد واردات کند به نرخ آزاد از یک صادرکننده خریداری کند. دولت ارز نیما را از صادرکننده مایمی‌گیرد، به واردکننده می‌دهد و به این ترتیب هر روز واردکننده چاق‌تر می‌شود اما ما که تولیدکننده هستیم باید جریمه شویم چون واردکننده باید کالا ارزان بیاورد. اما سوال اینجاست که وقتی کالا را ارزان می‌آورد آیا با نرخ دلار نیمایی به مردم کالای خود را می‌فروشد؟ قطعاً خیر! کما اینکه همچنان که کالاهای اساسی وارد می‌شود به نرخ دلار ۲۸۵۰۰ تومان فروخته نمی‌شود.

حسینقلی افزود: اگر بخواهند کاری کنند باید حتماً قوانین را اصلاح کنند اما مسوولان اصلاً این کار را نمی‌کنند چون کسی که خود این مقررات دست و پا گیر و فلج‌کننده را گذاشته است نمی‌تواند خودش هم آن را اصلاح کند و افراد دیگری باید بیایند و این کشتی در حال غرق شدن را نجات دهند.

### ■ معدن یک‌هزارم ذخایر نفت و گاز هم نمی‌شود

رییس اتحادیه صادرکنندگان سرب و روی ایران در پاسخ به این سوال که برخی باور دارند که معدن باید جای نفت را بگیرد، گفت: این یک شعار بی‌مورد است. هیچ‌گاه معدن نمی‌تواند جای نفت را بگیرد. نفت صنعت بزرگی است که درآمد بسیار گسترده‌ای را برای کشور فراهم می‌کند. اگر به جای اینکه این ماده را خام صادر کنند، پالایشگاه زده و دست به فرآوری بزنند اصلاً قابل مقایسه با بخش معدن نیست. البته بخش معدن هم می‌تواند برای کشور اشتغالزا باشد و به توسعه صادرات و ارزآوری برای کشور کمک کند اما فراموش نکنیم که کل مواد معدنی یک‌هزارم ذخایر نفت و گاز هم نمی‌شود.

حسینقلی تصریح کرد: بخش معدن و صنایع معدنی می‌تواند توسعه بخش بزرگی از اقتصاد کشور را در دست بگیرد. همچنان که وقتی دچار تحریم شدیم معدن بدون مشکل توانست ادامه فعالیت دهد و مقدار زیادی ارزآوری برای کشور فراهم کند. این در حالی است که دولت به جای تقویت این بخش هر روز یک بخشنامه و قانون جدید وضع کرده است. بر چه اساسی حقوق دولتی در عرض دو تا سه سال معدن باید بیش از ۲۰ برابر شود؟! البته ما فعالان اقتصادی بخش معدن با افزایش عوارض، مالیات و حقوق دولتی مخالف نیستیم اما تأکید داریم که نباید برای بخش معدن محدودیت ایجاد کرد.

رییس اتحادیه سرب و روی ایران در خصوص شرایط مورد نیاز برای تحقق شعار سال نیز گفت: مسلماً پیش‌نیاز این است که دولت یک برنامه بدهد، چراکه جهش تولید با افزایش تولید متفاوت است، به این معنا که باید چندین برابر کار کنید تا بگویند جهش تولید رقم خورده است. بنابراین اول دولت مخصوصاً وزیر اقتصاد باید یک برنامه را مورد تأیید هیات وزیران برساند بعد با هم‌اندیشی اتاق‌های بازرگانی، فعالان اقتصادی و دولت‌ها دست در دست هم بدهیم تا این شعار را محقق کنیم. حسینقلی افزود: یکی از مواردی که در برنامه مورد نظر دولت برای رسیدن به جهش تولید باید طرح شود قوانینی بوده که الان محل تولید است؛ قوانینی مثل اخذ عوارض از صادرات و حقوق دولتی است. به نحوی که شاهدیم وزیر صمت به رییس‌جمهور نامه داده که اگر پرداخت حقوق دولتی دیر شود، به اندازه سالی ۱۲ درصد نه بلکه با توجه به تورم ۴۰ درصد باید جریمه بدهند. به این ترتیب وزیر صمت که باید حامی تولیدکننده باشد دشمن درجه یک معدن شده است.

برگزاری روز صنعت و معدن چه اهمیتی دارد، گفت: این روز هیچ اهمیتی ندارد چراکه کاری برای حوزه معدن انجام نمی‌شود. در این بین تنها هزینه شده و چند نفر هستند که سود می‌برند!

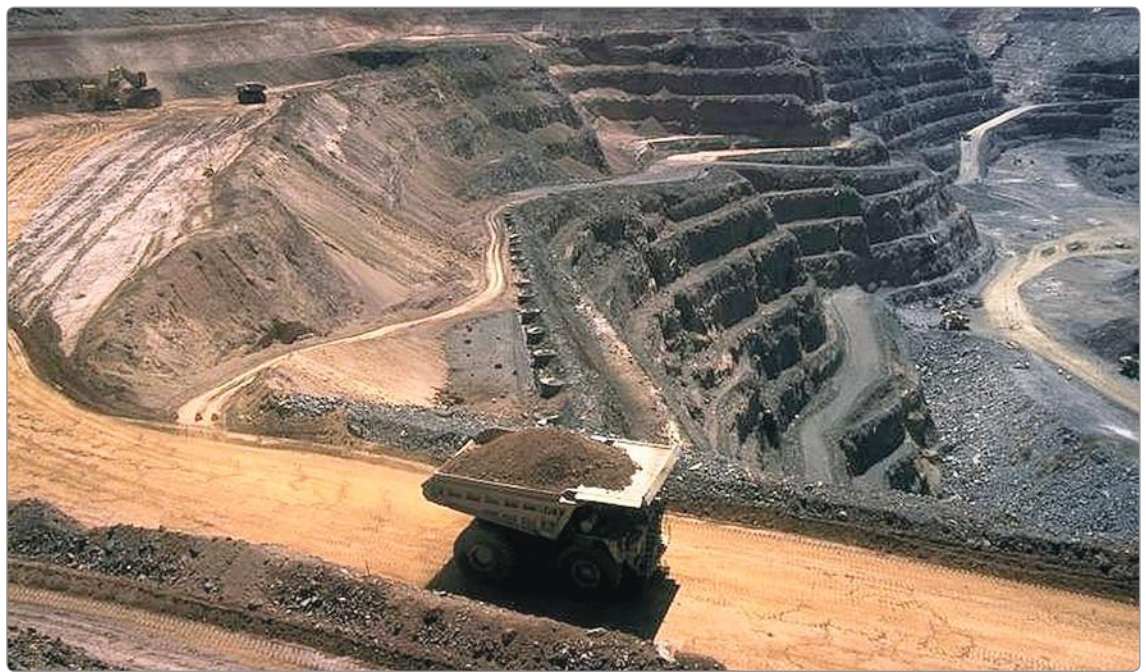
رییس اتحادیه صادرکنندگان سرب و روی ایران دربارۀ اینکه ویژگی‌های وزارتخانه و وزیر صمت در دولت چهاردهم چه باید باشد، گفت: اولین کار این است که وزارت صمت به سه بخش تقسیم شود، به این معنی که بازرگانی به دنبال تجارت و صنعت و معدن نیز هر کدام به دنبال امور تخصصی خود باشند. در این صورت است که شاهد حضور سه وزیر توانمند با مدیرانی ماهر خواهیم بود.

امیدواریم بحث تفکیک وزارتخانه در دولت جدید دوباره مطرح و مجلس هم آن را قبول کند. او خاطر نشان کرد: اگر وزارتخانه تفکیک نشود در این صورت وزیر باید به هر سه وزارتخانه توجه کند و به فعالان معدنی وقت ملاقات بدهد، نه اینکه سه ماه در نوبت بمانیم و آخر هم نماینده مجلس را واسطه کنیم که وزیر به ما وقت بدهد!

حسینقلی تصریح کرد: وزیر بعدی در حوزه صمت باید طرفدار بخش خصوصی باشد و از همه جهات بخواهد بخش معدن توسعه پیدا کند و به زنجیره معدنی از اکتشاف گرفته تا تولید شمش توجه شود. انتظار این است که مسوولان معدنی از بدنه وزارتخانه بوده و تخصص لازم را داشته باشند. وزیر باید به قانون رفع موانع تولید اعتقاد داشته باشد تا بتواند موجب بهبود فضای کسب و کار شود.

فراموش نکنید هر تصمیمی که بخواهد بگیرد باید تشکل مربوطه را در جریان گذاشته و نظر آنها را جویا شود چراکه بدون بهره از نظرات بخش خصوصی کار به جایی نمی‌رسد. رییس اتحادیه صادرکنندگان سرب و روی ایران درباره اینکه باید ستادهای سیاستگذاری نیز در هر حوزه معدنی دوباره فعال شوند، گفت: در گذشته هر حوزه ستاد سیاستگذاری خاص خود را داشت که امیدواریم به طور خاص برای حوزه سرب و روی دوباره این اتفاق بیفتد. اینکه در اتاق دربسته برای بخش معدن تصمیم بگیرند، اشتباهی بزرگ است. ضمن اینکه برای تصمیم‌گیری باید محدودیت زمانی را در نظر بگیرند.

اغلب در گذشته کار کارشناسی انجام نمی‌شده و معاون وزیر و وزیر هر تصمیمی که می‌خواستند، اجرایی می‌کردند. در حالی که انتظار این است که وزیر صمت مدافع بخش معدن در مقابل معارضان، مجلس و محیط زیست و منابع طبیعی باشد و از نظر تشکل‌ها و بخش خصوصی استفاده کند.





گفت‌وگویی «جهان‌صنعت» با دبیر انجمن زغال سنگ

## دولت تکلیف زغالی‌ها را روشن کند

سال گذشته رکورد واردات زغال شکسته شد!

نادر نینوایی - در حالی که معادن زغال سنگ پتانسیل لازم برای کمک به توسعه اقتصادی را دارند و می‌توانند باعث ارزآوری به کشور بشوند، آن هم در شرایطی که نیاز ارزی به شدت احساس می‌شود اما فعالان این حوزه باور دارند که شاهد نوعی سردرگمی در سیاست‌ها هستند و به دلیل حمایت دولت از واردات زغال در نتیجه تولیدکننده داخلی به نوعی رها شده و در حقیقت اجاف می‌شود. حالا کارشناسان باور دارند که بیش از هر چیز وزارت صمت باید تصمیم بگیرد و مشخص کند که کجا ایستاده است. اینکه می‌خواهد هوای زغالی‌ها را داشته باشد تا ۱۷ هزار نفری که مشغول به کار هستند بتوانند به حیات خود ادامه دهند یا قرار است همچنان دست به واردات زغال بزند و هر چه بیشتر برای تولیدکننده داخلی مانع‌تراشی کند؟! سال گذشته بر اساس آمارها حدود یک میلیون و هفتصد هزار تن زغال سنگ و مشتقات زغال وارد کشور شد؛ عدد و رقمی که برای اولین بار ثبت شده و خود گویای فاجعه‌بار بودن ماجراست. درست در همین دوره انجمن زغال تعهد می‌دهد که اگر دولت قیمت‌ها را واقعی کند آنها می‌توانند شرایطی را فراهم کنند که معادن به سمت افزایش تولید بروند و بتوانند بخش بیشتری از نیازهای کشور را تامین کنند. گفته می‌شود اگر سال گذشته قیمت‌ها تنها تا ۳۰ درصد افزایش می‌یافت تولیدکننده‌های داخلی زغال می‌توانستند تا ۲۵ درصد تولید زغال سنگ را در کشور افزایش دهند اما با اینکه کشور به زغال نیاز داشت مسوولان وزارت صمت تصمیم گرفتند زغال وارد کنند و درخواست انجمن زغال بی‌پاسخ ماند.

قیمت منصفانه خرید نمی‌کنند و تولیدکننده‌ها هم شرایط خوبی ندارند.

حالا که در هفته صنعت و معدن به سر می‌بریم و معمولا در این روز شرایطی فراهم می‌شود که مشکلات بازتعریف می‌شوند، انتظار فعالان حوزه زغال از وزارتخانه این است که تکلیف را مشخص کند که بدانند آیا اصلا باید در این حوزه ماند یا دیگر صرفی ندارد و باید این عرصه را رها کرد.

### ■ زغال سرگردان است

دبیر انجمن زغال سنگ با اشاره به مشکلات این عرصه به «جهان‌صنعت» گفت: متأسفانه ما با سردرگمی در حوزه معادن زغال سنگ مواجه هستیم؛ موضوعی که نشان می‌دهد مسوولان شناخت دقیقی از این حوزه ندارند و در نتیجه این عرصه بلا تکلیف رها شده است.

سعید صمدی با اشاره به سیاست‌های سال گذشته این حوزه خاطر نشان کرد: در سال ۱۴۰۲ همانطور که پیش‌بینی می‌شد با سیاست‌هایی که وزارت صمت مبنی بر عدم ورود به مشکلات و

در کل با علم به اینکه معادن زغال جزو پرحادثه‌ها نیز هستند و هر سال چندین حادثه غم‌انگیز در معادن زغال کشور رقم می‌خورد و همچنین این عرصه اشتغال زیادی را در بر می‌گیرد، به اهمیت موضوع بیشتر پی می‌بریم.

هر چند به طور کلی زغال در جهان یک ماده معدنی استراتژیک است و همه مازادشان را صادر می‌کنند اما خودمان زغال تولید نمی‌کنیم و آن را وارد می‌کنیم؛ متأسفانه در کشور ما به تولید داخلی بی‌توجهی می‌شود و واردات صورت می‌گیرد اما مساله این است که قیمت واردات سه برابر قیمت داخلی است و گویا قرار هم نیست قیمت‌های داخلی ذره‌ای بالا بروند؛ از اینها که بگذریم در شرایط اقتصادی فعلی زغال تاثیر مهمی در عدم خروج ارز دارد و در این بین مصرف‌کننده مجبور نمی‌شود زغال را با سه برابر قیمت تهیه کند. اما مشخص نیست که چرا این ماجرا حل نمی‌شود! ماجرای که باعث شده تولیدکننده با مصرف‌کننده وارد چرخه معیوب شوند، به این صورت که آنها با

با اینکه انجمن زغال امسال هم از تلاش دست برنداشت و همان ابتدای سال نامه‌ای را به وزیر صمت ارسال کرد که در آن به طور شفاف آمار و اطلاعات داده و مطرح شده در شرایطی که کشور بحران ارزی دارد اجازه نمی‌دهیم چنین حجم وارداتی اتفاق افتد و بهتر است سیاست‌ها به سمت حمایت از تولید داخلی پیش بروند اما باز هم مسوولان وزارت صمت پاسخی ندادند.

با وجودی که مدت‌هاست کارشناسان بر لزوم واقعی شدن قیمت‌ها تاکید دارند اما متأسفانه موضوع حل نشده باقی مانده است؛ موضوعی که باعث می‌شود متوجه شویم مسوولان نگاه تخصصی نسبت به زغال ندارند و دغدغه‌شان موضوعات دیگری از جمله واردات زغال و پایین نگه داشتن قیمت این حوزه در داخل کشور است. با اینکه کار کردن در معادن زغال سنگ جزو سخت‌ترین کارهای دنیاست و دغدغه‌های ایمنی هم آنطور که باید دیده نمی‌شود اما در مقابل نگاه مسوولان به این مساله بلندمدت نبوده و در راستای توسعه قرار ندارد.

حالا که در هفته صنعت و معدن به سر می‌بریم و معمولا در این روز شرایطی فراهم می‌شود که مشکلات بازتعریف می‌شوند، انتظار فعالان حوزه زغال از وزارتخانه این است که تکلیف را مشخص کند که بدانند آیا اصلا باید در این حوزه ماند یا دیگر صرفی ندارد و باید این عرصه را رها کرد



اگر مسوولان می‌خواهند روند واردات زغال ادامه پیدا کند بهتر است شفاف مطرح شود تا سرمایه‌گذاران تکلیف خود را بدانند که به چه سمتی حرکت کنند. این در حالی است که به دلیل سیاست‌های دولت حدود دو سال است که سرمایه‌ها از حوزه معادن زغال‌سنگ در حال خروج است

پروژه تولید زغال سنگ خام به دلیل غیراقتصادی بودن تولید بالاتکلیف مانده و تقریباً متوقف است. او تأکید کرد: تقاضا کردیم که دولت با قیمت ۱۷ میلیون تومان زغال را وارد کند یا نرخ زغال در کشور واقعی شود و از این حالت بالاتکلیفی خارج شویم اما باز هم پاسخی به ما داده نشد. دبیر انجمن زغال سنگ ادامه داد: سال گذشته به طور تقریبی نرخ زغال داخلی حدود ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود که چیزی حدود یک سوم نرخ زغال سنگ وارداتی است. در زمینه کیفیت هم ممکن است تغییرات کیفی بین زغال وارداتی و داخلی وجود داشته باشد که البته همه موارد هم اینطور نیست و مواردی بوده که زغال وارداتی به شدت کیفیت‌اش پایین‌تر از زغال داخلی بوده است. در کل عموماً در بازار جهانی تفاوت بهترین و پایین‌ترین نرخ کیفیت زغال سنگ حدود ۳۰ درصد است، بنابراین این تفاوت هیچ ارتباطی به بحث اختلاف قیمت زغال داخلی در این حد ندارد. تقاضا داریم وزارت صمت تکلیف ما را مشخص کند. اگر به سیاست وارداتی ادامه می‌دهند باید گفت که معادن زغال موظف هستند برای این مساله برنامه‌ریزی کنند چراکه ۳ هزار نفر در این حوزه مشغول به کار هستند و به طور حتم لطمه خواهند دید.

در واقع اگر سال گذشته قیمت‌ها تنها تا ۳۰ درصد افزایش می‌یافت در حالی که تورم کشور ۴۰ درصد بود، می‌توانستیم ۲۵ درصد تولید زغال سنگ را افزایش دهیم اما با همه این شرایط سال گذشته وزارت صمت به نامه ما پاسخ هم نداد و در نتیجه موضوع رها شده باقی ماند و مذاکرات ما هم راه به جایی نبرد.

او با اشاره به اقدامات صورت گرفته در سال جاری گفت: در سال ۱۴۰۳ همان ابتدای سال نامه‌ای را به وزیر صمت ارسال کردیم که در آن به طور شفاف آمار و اطلاعات را دادیم و مطرح کردیم در شرایطی که کشور بحران ارزی دارد اجازه نمی‌دهیم چنین حجم وارداتی اتفاق بیفتد و بسیاری از سیاست‌ها می‌توانند به سمت تولید داخلی حرکت کنند اما باز هم پاسخی نگرفتیم!

#### ■ مسوولان شفاف باشند

صمدی تأکید کرد: اگر مسوولان می‌خواهند روند واردات زغال ادامه پیدا کند بهتر است شفاف مطرح شود تا سرمایه‌گذاران تکلیف خود را بدانند که به چه سمتی حرکت کنند.

این در حالی است که به دلیل سیاست‌های دولت حدود دو سال است که سرمایه‌ها از حوزه معادن زغال‌سنگ در حال خروج است و تقریباً هیچ توسعه‌ای نداشته‌ایم و حدود ۲ میلیون تن

معضلات معادن زغال سنگ و نرخ‌گذاری غیرواقعی زغال سنگ اتخاذ کرد شاهد بودیم که روند کاهش تولید شیب تندی به خود گرفت و این حوزه با مشکل روبه‌رو شد.

در پی سیاست‌هایی که سال گذشته پیش گرفته شد حدود ۱۵ درصد تولید زغال در کشور کاهش پیدا کرد و از طرفی شاهد بودیم که در نتیجه این مساله واردات افزایش یافت. او با اشاره به آمارهای موجود در کشور تصریح کرد: طبق آمار گمرک در سال گذشته حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار تن زغال سنگ و مشتقات زغال وارد کشور شد که برای اولین بار چنین رکوردی در واردات زغال در کشور ثبت شده است؛ آماري که نشان می‌دهد میزان واردات بیش از میزان تولید داخلی شده و در نتیجه واردات از تولید پیشی گرفته است.

#### ■ توان تولید داریم

دبیر انجمن زغال سنگ با اشاره به جلسات متعددی که با مصرف‌کننده‌ها و وزارت صمت برای حل مشکل زغال برگزار کرده‌اند، تصریح کرد: سال گذشته تعهد دادیم که اگر قیمت‌ها را واقعی کنند می‌توانیم شرایطی را فراهم کنیم که معادن به سمت افزایش تولید بروند و بتوانند بخش بیشتری از نیازهای کشور را تأمین کنند.

گفت‌وگو





علیرضا شهیدی  
معاون وزیر صمت  
و رییس سازمان  
زمین شناسی و  
اکتشافات معدنی

رییس سازمان زمین شناسی تحلیل کرد

# کلاف سر در گم کشف ذخایر معدنی

تنوع ساختارهای زمین شناسی و وجود خاستگاه مواد معدنی مختلف در گستره ایران زمین به عنوان یکی از موهبت‌ها و مزیت‌های کشور عنوان می‌شود که این گوناگونی، خود نشانی از وجود بستری مناسب جهت مطالعات و سرمایه‌گذاری‌های گوناگون در بخش زیرساخت و معدن کشور است. کشور ایران دارای ۶۸ نوع از انواع مختلف مواد معدنی است. ذخایر اثبات شده سنگ آهن ایران به مقدار ۲۷ میلیارد تن (۰/۸ درصد کل ذخایر جهان)، ذخایر سنگ معدن مس به مقدار ۲۶ میلیارد تن (۰/۴ درصد از ذخایر جهانی) است. ایران همچنین دارای ۱۱ میلیون تن روی (۴ درصد از ذخایر جهانی) است. کل ذخایر اثبات شده معادن ایران حدود ۶۰ میلیارد تن برآورد شده که با اجرای اولویت اول اکتشافی کشور در گستره‌ای به مساحت ۵۰۰ هزار کیلومتر مربع انتظار می‌رود به بیش از ۱۰۰ میلیارد تن برسد. از این رو بخش معدن و صنایع معدنی یکی از حوزه‌های مهم و اثرگذار در تولید و تجارت کشور به شمار می‌آید.

سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور به عنوان یک مجموعه حاکمیتی - تخصصی و بازوی اجرایی وزارت صنعت، معدن و تجارت در آغاز چرخه معدنکاری است که با در اختیار داشتن مزیت‌های رقابتی مناسب از جمله بهره‌گیری از توان تخصصی و نیروهای ارزشمند متخصص، دسترسی به فناوری‌های روز دنیا، گسترده‌تری مراکز فعالیتی مناسب در سطح کشور و همچنین حضور در مجامع علمی بین‌المللی قادر به ارتقای سهم بخش معدن در حوزه علوم زمین و کشف ذخایر معدنی است.

با شروع مطالعات گوناگون در حوزه علوم زمین و شروع فرآیند تولید اطلاعات پایه که در پی شناخت کمی و کیفی پوسته زمین و لایه‌های آن اتفاق افتاد فعالیت‌های این سازمان حاکمیتی دانش محور به سمت عمق زمین و شروع تولید اطلاعات پایه در حوزه شناسایی و کشف ذخایر معدنی سوق پیدا کرد.

بر این اساس، وظیفه اصلی سازمان، تولید اطلاعات ملی (اطلاعات پایه زمین شناسی، اکتشافی، عمرانی، مخاطرات طبیعی و زیرساختی) است. این وظیفه از دیدگاه داده‌ای و اطلاعاتی در سه حوزه تولید داده، پردازش و فرآوری داده و نگهداری، انتشار و استانداردسازی داده خلاصه شده است. ساختار این فعالیت‌ها با در نظر گرفتن وظایف بخش‌های فنی مانند زمین شناسی و اکتشاف (تولید کنندگان داده)، ژئومتیکس و آزمایشگاه (پردازش و فرآوری داده) و پایگاه داده علوم زمین (نگهداری، انتشار و استانداردسازی داده) طراحی و راهبری شده است.

فعالیت‌های سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی در دو حوزه «تولید ثروت از راه تولید اطلاعات پایه و کشف ذخایر جدید معدنی» و «حفظ و نگهداشت ثروت از راه منشایی و پایش مخاطرات طبیعی زمین شناسی» که هر دو نقش بسزایی در تولید ناخالص ملی و داخلی دارند، تقسیم می‌شود. این سازمان با انجام مطالعات زمین شناسی و اکتشافی به عنوان وظیفه حاکمیتی دولت در گستره ایران زمین عملاً ضمن ایجاد ارزش افزوده با کشف ذخایر فلزی و غیرفلزی برای کشور ثروت تولید می‌کند و سبب ایجاد اشتغال پایدار و تولد دسازای پایدار بخش خصوصی می‌شود.

این سازمان با وجود تمام محدودیت‌ها در تخصیص اعتبارات مورد نیاز (از محل منابع بودجه عمومی و ردیف متفرقه) و ساختار سنتی و ضعیف بودجه و تامین منابع مالی و همچنین محدودیت‌های جدی منابع انسانی، سعی کرده طی برنامه پنج ساله توسعه در راستای عمل به وظایف حاکمیتی خود در اجرای اکتشاف هدفمند و پایش ذخایر معدنی، تولید اطلاعات پایه زمین شناسی و شناسایی مخاطرات زمین شناسی جهت جلوگیری از هدررفت ثروت، گام برداشته و برنامه‌ریزی‌های کلان خود را متناسب با منابع در اختیار که بدون تردید دارای بازدهی بالاتری نسبت به هزینه کرد در حوزه پروژه‌ها و نیروی انسانی بوده است به فرجام برساند.

در این میان باید توجه داشت که بیش از این، زمانی برای آزمون و خطا جهت اجرای برنامه‌ها و آینده‌نگری‌ها در حوزه پایش ذخایر معدنی و اجرای برنامه‌های هدفمند و سیستماتیک اکتشافی و همچنین منشایی و پایش مخاطرات طبیعی و مطالعات پایه زمین شناسی در کشور وجود ندارد و بدون تردید عدم توجه به موارد مذکور تبعات غیر قابل جبرانی را برای کشور در حوزه تامین مواد اولیه مورد نیاز صنایع و ایجاد خسارات سنگین به زیرساخت‌های ارتباطی و شهری کشور به دلیل بروز مخاطرات طبیعی طی سال‌های پیش رو بر خواهد داشت. از طرفی باید توجه داشت که عملیاتی نمودن آن نیز قطعاً نیازمند تحقق و دسترسی به اصلاح جدی ساختارهای مالی و منابع انسانی متناسب با وظایف حاکمیتی از طریق تامین منابع مالی و راهکارهای گوناگون نظیر اصلاح ساختار بودجه، امکان مشارکت مالی با بخش خصوصی و شرکت‌های دولتی جهت تسریع در تهیه و تولید اطلاعات پایه و مشارکت در فرآیند اکتشاف ذخایر معدنی و تلاش در راستای جذب مشارکت سرمایه گذاران است که امید است با تغییر نگاه مجموعه برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی کشور، این مهم به زودی اتفاق بیفتد. ذکر این نکته ضروری است که با توجه به نقش معدن و صنایع معدنی در تولید ناخالص ملی (حدود ۷ درصد) و همچنین جبران خسارات ناشی از رخداد مخاطرات طبیعی در کشور (حدود ۶ درصد) توجه جدی به این سازمان به جهت ایفای نقش موثر خود، حیاتی خواهد بود.

## سیاست‌ها و راهبردها

نظر به وظایف حاکمیتی و ماهیت تخصصی سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور در راستای تولید اطلاعات پایه و اکتشاف ذخایر معدنی، بی‌شک انجام امر اکتشاف به عنوان نخستین حلقه از زنجیره معدن، نقش بسزایی در ایجاد تولید ثروت، رونق بخشی اقتصادی، اشتغالزایی، کاهش ریسک در حوزه اکتشاف و فرصت‌های سرمایه‌گذاری و ترغیب مشارکت بخش خصوصی و محرومیت زدایی دارد.

این سازمان در سیاست‌های خود و در راستای انجام فعالیت‌هایش تولید ثروت و جلوگیری از هدررفت آن را در دستور برنامه‌ریزی‌ها و راهبردهای کلان سازمانی قرار داده است. از طرفی انجام مطالعات پایه و بررسی‌های زمین شناسی و داده‌های تولیدی در راستای آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای، امور زیرساختی و عمرانی، جانی‌های شهری و پایش منابع موجود و استفاده بهینه و دستیابی به توسعه پایدار موثر است.

## چشم‌انداز

پیشگام در توسعه پایدار از طریق شناخت زمین به منظور تولید و حفظ ثروت ملی و منطقه‌ای.

## ماموریت

تولید، نگهداشت و انتشار داده‌ها و اطلاعات پایه قابل اعتماد زمین شناسی و اکتشافات معدنی، شناخت منابع طبیعی، آب، اکوسیستم و مخاطرات زمین شناسی، هدایت، راهبری و پژوهش‌های کاربردی علوم زمین، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر مبنای ماده ۷ قانون تمرکز امور صنعت و معدن سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور با ارتقا و اصلاح ساختار اساسنامه خود و با شیوه مدیریت متناسب، مسوولیت سیاست‌گذاری، نظارت و انجام مطالعات زمین شناسی و طرح‌های اکتشافی و تهیه گزارش‌های فنی و اقتصادی مقدماتی را بر عهده خواهد داشت.

تبصره - انجام مطالعات زمین شناسی، اکتشاف و شناسایی منابع و ذخایر و تهیه اطلاعات و نقشه‌ها با استفاده از دانش فنی روز از وظایف حاکمیتی دولت بوده و اعتبارات و تسهیلات مورد نیاز آن هر ساله در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی خواهد شد.

## ارزش‌ها

- مطابقت حداکثری اهداف و ماموریت‌های سازمان با فلسفه وجودی مسوولیت‌های اجتماعی و ایجاد اصول حرفه‌ای در این راستا.

- استفاده بهینه از منابع طبیعی، حفاظت و نگهداری از محیط زیست و توسعه پایدار.

- خلق فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشور و جلوگیری از هدررفت ثروت از طریق احاطه دانش فنی در حوزه علوم زمین.

- دستیابی به سازمانی یکتا در مطالعات پایه و مباحث زیرساختی با تکیه بر توان و دانش متخصصان این حوزه.

- تولید اطلاعات پایه در علوم زمین با دقت، صحت و کیفیت بالا.

## وظایف حاکمیتی سازمان

فعالیت‌های سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور در دو حوزه «تولید ثروت» و «نگهداشت ثروت» که هر دو نقش بسزایی در تولید ناخالص داخلی دارند، تقسیم می‌شود. این سازمان با انجام مطالعات زمین شناسی و اکتشافی به عنوان وظیفه حاکمیتی دولت در گستره ایران زمین عملاً ضمن ایجاد ارزش افزوده با کشف ذخایر فلزی و غیرفلزی برای کشور ثروت تولید می‌کند. طبق آمار وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۵/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور مربوط به اکتشاف معادن و صنایع معدنی است که نشان دهنده تأثیر مستقیم و غیرمستقیم این مطالعات در تولید ناخالص داخلی کشور است. نتایج علمی و تخصصی نشان می‌دهد ۸۰ درصد از مخاطرات شناخته شده طبیعی در کشور ایران ثبت شده است. کنترل خطرهای زمین شناسی از قبیل زلزله، سیل، زمین لغزش، فرونشست و غیره تبدیل به امری الزامی شده است.

## برنامه زمین شناسی و مطالعات پایه

پس از تولید نقشه‌های زمین شناسی پایه کشور در مقیاس ۱:۲۵۰,۰۰۰ در سال‌های آغازین فعالیت سازمان و پوشش کامل آن، متخصصان و تصمیم‌سازان بر آن شدند تا نسبت به تولید نقشه‌هایی دقیق‌تر در



حوزه زمین‌شناسی و اکتشاف در مقیاس ۱:۱۰۰,۰۰۰ با هدف تولید اطلاعات پایه مناسب‌تر اقدام کنند تا اطلاعات لازم برای کاهش ریسک بخش‌های خصوصی و رونق معدنکاری و فعالیت‌های عمرانی- زیرساختی در کشور فراهم آید.

همزمان با شروع برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه، تهیه نقشه‌های زمین‌شناسی کاربردی در مقیاس ۱:۲۵,۰۰۰ در مناطق شهری و اولویت‌های اکتشافی مورد اجرا قرار گرفت. بنا به نیاز مستقیم اجرای این برنامه به منابع گسترده مالی و پشتیبانی متناسب و نظر به عدم تخصیص آن مطابق برنامه‌ها و توانمندی‌های سازمان، حرکت به سوی تغییر مقیاس نقشه‌های کاربردی به مقیاس ۱:۵۰,۰۰۰ در سال پایانی برنامه مذکور مورد بازنگری قرار گرفت. از سویی نبود تناسب لازم بین نیازهای شناسایی شده و منابع در اختیار سبب شده تا چرخش نگاه‌ها به این سمت معطوف شود که زمینه‌ساز بستری مناسب با استانداردهای جهانی، دستیابی به نقشه‌ها و انتشار آنها در بازه زمانی کوتاه‌تر و صرف منابع مالی کمتر انجام شود. هرچند تحقق این امر نیازمند ساختاری مناسب از منابع مالی اعم از بودجه عمومی یا مشارکت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران در حوزه تولید اطلاعات پایه است که این مدل نیازمند اصلاح بنیادین ساختار فعالیت و بودجه سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی خواهد بود.

#### ۱- اهمیت تهیه نقشه‌های زمین‌شناسی

نقشه‌های زمین‌شناسی یکی از مهم‌ترین اطلاعات پایه کشور بوده که در تمامی طرح‌های عمرانی، شهری، زیرساخت‌های ارتباطی، صنعتی، کشاورزی، انرژی و زیست‌محیطی کاربرد دارند. این نقشه‌ها با توجه به نیاز و کاربرد آن در مقیاس‌های گوناگون تهیه می‌شوند که اطلاعات لازم جهت انجام اکتشاف مواد معدنی، مطالعات لرزه‌خیزی، تهیه نقشه‌های پهنه‌بندی خطر بلایای طبیعی، مطالعات زیست‌محیطی، برنامه‌ریزی توسعه شهری، آبخیزداری، طرح‌های مکان‌یابی صنعتی و شهری و طرح‌های مسیریابی جاده‌ها و خطوط انتقال نیرو، انرژی و آب را در بردارند. بی‌شک تولید اطلاعات پایه زمین‌شناسی و اکتشافات مواد معدنی در قالب ۳۸۰ لایه اطلاعاتی گوناگون (دارای رکردی منحصربه‌فرد در میان سازمان‌های تولیدکننده اطلاعات در کشور) برای ایجاد حرکت و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های معدنی، زیربنایی و زیست‌محیطی نقش بسزایی داشته و دارد.

#### ۲- اهمیت بررسی‌های زمین‌شناسی مهندسی، منشا بای و پایش مخاطرات طبیعی زمین

پژوهش در زمینه آمایش سرزمین از دیدگاه زیست‌محیطی و مخاطرات طبیعی با توجه به فراوانی بلایای طبیعی از جمله فرونشست، سیل، بهم، رانش زمین، سنگ‌افت، زمین‌لرزه، گردوغبار و... به منظور کاهش آسیب‌پذیری جامعه، عدم اتلاف منابع مالی بر پایه تهیه نقشه‌های زمین‌شناسی مهندسی و پهنه‌بندی خطر و سرعت بخشیدن به این پروژه‌ها است که یکی از دیگر فعالیت‌های مهم این سازمان است.

لازم به توضیح است یکی از نقش‌های کلیدی سازمان‌های زمین‌شناسی در دنیا منشا بای و پایش مخاطرات طبیعی در کشورها و همکاری با سایر دستگاه‌ها در حوزه مهار و مقابله است که متأسفانه در کشور ما وجود ساختارهای گوناگون و موازی در حوزه مخاطرات موجب کاهش بازدهی این فرآیند شده است که باید مورد بازنگری جدی در ساختار اداری و برنامه‌ریزی کشور واقع شود.

شایان ذکر است این سازمان همواره اطلاع‌رسانی در حوزه مخاطرات طبیعی در کشور را براساس مستندات و بررسی‌های تخصصی خود سرلوحه فعالیت خویش قرار داده و جالب توجه است که به‌عنوان نمونه بروز پدیده فرونشست در کشور را در اوایل دهه ۸۰ به برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان کشور اعلام کرده بود که متأسفانه اعلام‌نظر و درخواست این سازمان برای تأمین منابع مورد نیاز جهت شروع مطالعات گسترده و هدفمند در این حوزه درخور اجابت تشخیص داده نشد و همان‌گونه که مشاهده می‌شود این پدیده که از آن به زلزله خاموش تعبیر می‌شود امروز به‌عنوان پدیده‌های مخرب و بسیار بغرنج در بیشتر مناطق کشور مطرح است که زیرساخت‌ها و حتی زندگی جوامع شهری را تحت تأثیر مستقیم خود قرار داده است.

#### ۳- اهمیت بررسی‌های زمین‌شناسی دریایی

بررسی‌های سیستماتیک فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو در مناطق ساحلی و پهنه‌های آبی کشور، معرفی مناطق پرخطر جهت توسعه شهرهای ساحلی و زیرساخت‌ها و همچنین پتانسیل بای منابع غیرزنده دریایی (منابع انرژی و معدنی). همچنین با توجه به اهمیت دریا در برنامه توسعه‌ای هفتم کشور، طرح تحول دریایی به صورت پایلوت از سال ۱۴۰۲ در سواحل شمال کشور آغاز شده است. در این مرحله تولید لایه‌های اطلاعاتی همچون تهیه نقشه‌های رسوب‌شناسی و زمین‌شناسی دریایی، مطالعه و بررسی زیست دریا و دریاچه، مطالعات ژئوفیزیک دریا، تهیه نقشه‌های ژئوشیمی رسوبی و بررسی آلاینده‌های زیست‌محیطی و تهیه نقشه‌های ژئومورفولوژی ساحلی پیشنهادی و تهیه بانک داده‌های زمین‌شناسی سواحل و دریا در دستور کار سازمان قرار دارد. در طرح تحول زمین‌شناسی دریایی کلیه سواحل در شمال و جنوب و همچنین جزایر مورد بررسی و پایش قرار می‌گیرند.

#### اهداف طرح تحول زمین‌شناسی دریایی:

- تحقق سیاست‌های کلی آمایش سرزمین با توجه ویژه بر دریا، سواحل، بندر و آب‌های مرزی براساس بند ۱۱ از سیاست‌های ابلاغی برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت
- دستیابی به منابع و ذخایر طبیعی و معدنی در پهنه‌های آبی.
- انجام مطالعات پایه زمین‌شناسی دریایی در بیش از ۵۰۰۰ کیلومتر از سواحل و محدوده‌های دریایی و دریاچه‌های مغفول مانده از دیدگاه معدنی و دسترسی و بهره‌برداری از منابع اقتصادی موجود در آب‌های آزاد
- شناسایی آلاینده‌های زیست‌محیطی در محیط‌های دریایی.

- اجرا و طراحی اصولی در پروژه‌های عمرانی و زیرساختی دریایی، جانمایی‌ها و ایمن‌سازی‌ها.
- تبیین نقش و جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران در اقتصاد بین‌الملل در پهنه‌ها و سواحل آبی.
- شناسایی پدیده‌ها، جاذبه‌ها و پتانسیل‌های گردشگری زمین‌شناسانه سواحل و دریاها (ژئوپارک‌های ساحلی).

#### برنامه اکتشاف ذخایر معدنی

سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور از ابتدای تاسیس خود کشف ذخایر معدنی و به‌کارگیری روش‌های زمین‌شناسی در انجام این مطالعات را در دستور کار خود قرار داده است اما از سال ۱۳۷۷، طبق مصوبه شورای عالی اداری، وظیفه اکتشاف ذخایر معدنی به‌طور رسمی به این سازمان واگذار شد و در حال حاضر در انجام فرآیندهای نوین اکتشافی از جمله اکتشاف به‌روش ژئوفیزیک هوایی، ژئوشیمی،

اکتشاف عمقی ذخایر پنهان، اکتشاف عناصر نادر خاکی، اکتشاف ذخایر استراتژیک و هیدروژئوشیمی پیش‌رو است. وجود عواملی چون واگرایی در اتخاذ سیاست‌های اکتشافی کشور، عدم تخصیص اعتبارات مورد نیاز جهت اجرای وظایف حاکمیتی مرتبط با کشف ذخایر معدنی و موازی‌کاری‌های مختلف در این حوزه موجب کاهش بازدهی فعالیت‌های اکتشافی و بروز بحران مواد اولیه معدنی مورد نیاز صنایع شده تا جایی که در برخی موارد آمار موجود بیانگر کاهش شدید ذخایری چون سنگ آهن، سرب و روی، بوکسیت، مس و طلا در کشور، طی سالیان اخیر شده است. در حال حاضر مرزبندی ساختاری میان منابع مالی و نیروهای انسانی متخصص در حوزه اکتشاف و همچنین نبود برنامه هدفمند و خردمندانه زمین‌شناسی و اکتشافی باعث به‌وجود آمدن کلافی سردرگم در بخش کشف ذخایر معدنی و به تبع آن وجود ضعف در چرخه بخش معدن کشور شده است که تسریع در اجرای پروژه‌های معدنی نیازمند رفع چالش فعالیت‌های زمین‌شناسی و اکتشافی به‌عنوان نقطه آغازین توسعه معدنکاری کشور است.

از طرفی نیاز و ضرورت برنامه‌ریزی جهت اجرای اکتشاف سیستماتیک و هدفمند می‌تواند رویکردهای زیر را به دنبال داشته باشد:

- \* تکمیل اطلاعات پایه زمین‌شناسی و تولید اطلاعات کاربردی معدنی در راستای توسعه زیرساخت‌های اقتصاد و صنایع معدنی.
- \* فعالیت‌های اکتشافی براساس نیازهای کشور و افزایش بازدهی فرآیند اکتشاف ذخایر معدنی با معرفی محدوده‌های جدید امیدبخش معدنی و اکتشافات عمیق.
- \* افزایش میزان تولید و تنوع مواد معدنی، سرمایه‌گذاری بهینه در بخش‌های زیربنایی و معدنی و کاهش نرخ بیکاری به‌خصوص در مناطق کمتر توسعه یافته و افزایش ارزآوری.

- \* استانداردسازی تهیه لایه‌های اکتشافی و توسعه بانک اطلاعاتی.
- \* بازنگری و به‌روزرسانی نقشه‌های زمین‌شناسی و ژئوشیمیایی با مقیاس ۱:۵۰,۰۰۰ و برداشت اطلاعات ژئوفیزیک هوایی جهت تکمیل لایه‌های اطلاعاتی.
- \* مطالعات آینده‌پژوهی در اکتشاف مواد معدنی فلزی، غیرفلزی، سنگ‌های ساختمانی و منابع قرضه‌گانی‌های نیمه‌قیمتی و عناصر استراتژیک.
- \* آغاز عملیات واگذاری و آزادسازی پهنه‌ها و محدوده اکتشافی در کشور به میزان ۷۴ محدوده جهت رونق‌بخشی به فعالیت‌های بخش خصوصی و ورود ایشان به چرخه معدنکاری کشور.

#### چالش‌های اکتشاف ذخایر معدنی

- \* کمبود اطلاعات پایه زیرساختی و معدنی (پوشش - به‌روزرسانی).
- \* فقدان سیاست‌گذاری واحد در امر اکتشاف و جمعیت اطلاعات پایه حاصل از آن.
- \* زمانبر بودن فرآیند تبدیل کنسارها به معدن (اکتشاف تا بهره‌برداری).
- \* فقدان نظارت فنی - تخصصی حاکمیتی بر روند صدور امتیازات اکتشافی در چرخه تولید اطلاعات پایه.
- \* کمبود اطلاعات اکتشافی عمیق.
- \* به‌روز نبودن تجهیزات و دستگاه‌های مدرن در امر اکتشافات سطحی و زیر سطحی.
- \* نمایش مناطق برداشت شده ژئوفیزیک هوایی در طرح تحول زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور.



**گفت و گوی «جهان صنعت» با عضو انجمن تولیدکنندگان فولاد**

## سوءمدیریت؛ بحران فولادی‌ها

نزول جایگاه تولید فولاد ایران در جهان

علی کریمی - در حالی که توجه به تولید محصولات فولادی با ارزش افزوده بالا و رونق صادرات در کشور ضروری است اما این عرصه با مشکلات جدی از جمله کمبود انرژی، برق و گاز روبه‌رو است. با اینکه برای تولید ۵ میلیون تن محصولات فولادی در کشور ظرفیت‌سازی شده است اما متاسفانه فولادسازان نمی‌توانند به این ظرفیت دست پیدا کنند. در واقع در تابستان کمبود برق و در زمستان کمبود گاز سبب شده است که آنها نتوانند به ظرفیت‌های پیش‌بینی شده برسند. سالانه تولید محصولات فولادی ایران به حدود ۳ میلیون تن رسیده است و از این میزان تنها حدود ۱۳ میلیون تن صادرات داریم اما محدودیت‌های حمل و نقل ریلی، بندری و جاده‌ای و کمبود انرژی باعث شده که در صنعت فولاد کشور با چالش‌های زیادی روبه‌رو و برای صادرات همین ۱۳ میلیون تن نیز با محدودیت‌های حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و دریایی مواجه باشیم. هر چند که وزارت صنعت، معدن و تجارت برای تولید ۱۰ میلیون تن محصولات فولادی در کشور مجوز صادر کرده است اما محدودیت‌ها اجازه نمی‌دهند که فعالان این عرصه بتوانند به تولید ۱۰ میلیون تن فولاد برسند. در واقع این محدودیت‌ها اجازه نمی‌دهند از سرمایه‌گذاری صورت گرفته استفاده لازم را ببریم و از سویی نیز باید توجه داشت که متاسفانه هنوز دورنمای روشنی برای حل این مشکلات وجود ندارد. این در حالی است که به‌طور کارشناسان صنعت فولاد کشور با توجه به این کمبودها برای تولید محصولات ارزش افزوده بالا باید اهتمام ویژه‌ای داشت تا با صادرات آن درآمدهای بیشتری کسب کنیم اما امروز شرایط به گونه‌ای است که کارشناسان باور دارند امیدوی به رفع محدودیت‌های حوزه فولاد نداریم و انتظار آنها از دولت چهاردهم توجه ویژه به این عرصه است.

### ■ حال ناخوش فولاد در ۱۴۰۳

عضو انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران در این رابطه که در شرایط حاضر و در سال ۱۴۰۳ حوزه فولاد به چه صورت است به «جهان صنعت» گفت: امسال فولاد شرایط خوبی نخواهد داشت. معضلاتی که با افزایش نرخ تورم، قیمت دلار، بی‌ثباتی، سوءمدیریت دولت و کاهش قیمت‌های جهانی ایجاد شده مواردی نیستند که به راحتی حل شوند. ضمن اینکه به خاطر جنگ رژیم‌صهیونیستی در منطقه و تنش‌ها که بین ایران و این حوزه اتفاق افتاده است بنابراین در کل، در خاورمیانه جلوی سرمایه‌گذاری گرفته شده است. با این شرایط می‌توان گفت که قیمت‌ها خیلی تغییری نخواهد داشت. از طرف دیگر در داخل ایران هم مردم خیلی تمایلی به سرمایه‌گذاری داخلی ندارند و با این افزایش

با اینکه شرکت‌ها صاحب تکنولوژی شده‌اند اما در چند زمینه که به دولت مربوط است با مشکل روبه‌رو هستند. نخست، بخش انرژی است که متاسفانه شاهدیم هر ساله حدود سه ماه در تابستان مشکل برق و سه ماه در زمستان مشکل گاز دارند

ساله حدود سه ماه در تابستان مشکل برق و سه ماه در زمستان مشکل گاز دارند. متاسفانه تا به امروز آنچه ملاحظه می‌شود این است که هر سال شرایط به جای اینکه بهتر شود بدتر می‌شود. در حال حاضر چیزی حدود ۴۴ میلیون تن ظرفیت فولاد در کشور داریم در صورتی که ۳۲ میلیون تن تولید می‌کنیم. از میان این ۱۰ میلیون تن چیزی حدود ۳/۵ میلیون تن به کمبود برق و حدود ۳ میلیون تن به کمبود گاز برمی‌گردد و مابقی هم به کمبود مواد اولیه برمی‌گردد. این مساله باعث شده که تولید توجیه نداشته باشد و جلوی صادرات شمش گرفته شود.

شهرستانی ادامه داد: حتی برای گرفتن انرژی‌های نوین در زمین برهوت هم قیمت‌های آنچنانی دریافت می‌کنند. حتی قیمت‌ها به

مالیات نیز شاهد خروج بیشتر سرمایه‌ها و رکود تومی در سال جاری خواهیم دید. سیدرضا شهرستانی با بیان اینکه چالش اصلی ما به سوءمدیریت در بخش دولتی برمی‌گردد خاطر نشان کرد: در حالی که صنعتکاران ما به خوبی عمل کرده‌اند و نشان داده‌اند که با وجود تمام تحریم‌ها و مشکلات توانسته‌اند ظرفیت‌سازی‌های خوبی انجام دهند و روی بهبود کیفیت، تنوع کالاها، کاهش وابستگی به واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات کار کنند اما دولت با سوءمدیریت خود روند را با مشکل مواجه کرده است.

او تصریح کرد: با اینکه شرکت‌ها صاحب تکنولوژی شده‌اند اما در چند زمینه که به دولت مربوط است با مشکل روبه‌رو هستند. نخست، بخش انرژی است که متاسفانه شاهدیم هر

اگر دولت جدید همان سیاست‌های دولت قبلی را ادامه دهد شاهد کاهش ۳۰ درصدی خواهیم بود و بیش از ۱ میلیون تن دیگر را از دست می‌دهیم. به این ترتیب جایگاهمان در فولاد بالاتر می‌رود و دیگر آن جایگاه فعلی را نخواهیم داشت

### ■ انتظار از دولت چهاردهم

شهرستانی در رابطه با این سوال که چه انتظاری از رییس‌جمهور جدید دارید، خاطرنشان کرد: چوب لای چرخ صنعت و معدن نگذار و اولویتش توسعه این عرصه باشد. سیاستی که در همه جای دنیا دیده می‌شود این است که برق را برای مصارف خانگی کاهش می‌دهند و در جاهایی که اشتغالزایی و ارزش‌افزوده ایجاد می‌شود، تزریق می‌کنند مثل تولیداتی که می‌شود آنها را صادر کرد بنابراین انتظار می‌رود که در این حوزه کشور ما هم فعال‌تر شود و برق را برای واحدهای تولیدی فعال‌تر کند.

عضو انجمن تولیدکنندگان فولاد ادامه داد: موضوع دیگر بحث ارز و یکی کردن نرخ آن است.

چندین‌باری بودن ارز فساد به وجود آورده و رانت ایجاد کرده است بنابراین انتظار می‌رود که یک نرخ ارز داشته باشیم.

در این شرایط صادرکننده‌ای که توجیه دارد صادر می‌کند و کسی هم که توجیه ندارد وارد می‌کند.

در ادامه امتیازاتی که گاهی به بعضی می‌رسد و به برخی نه باید جمع شوند و همه از شرایط برابر برخوردار باشند.

مساله دیگر اینکه مسوولان باید از فعالانی که در صنایع مختلف حضور دارند، مشاوره بگیرند بنابراین انتظار می‌رود از کسانی که برای بهینه بودن فعالیت می‌کنند نظرخواهی شود. در ادامه افرادی که در وزارتخانه روی کار می‌آیند باید تجربه این حوزه را داشته باشند و دلسوز بخش معدن باشند.

شهرستانی با بیان اینکه به خاطر ارز نیمایی نتوانسته‌ایم تولید واقعی داشته باشیم، تصریح کرد: وقتی محصول صادر نشود و از طرفی هم مازاد تولید داشته باشیم رقابت منفی شکل می‌گیرد هر چند محصول با قیمت ارزان به دست مصرف‌کننده می‌رسد اما این حالت مسکنی است که عواقبش برای آینده این است که خیلی از شرکت‌ها ورشکست خواهند شد و بعد از آن قیمت‌ها به شدت افزایش خواهند یافت بنابراین بدترین و اشتباه‌ترین سیاستی که وجود داشته، الزام فولادسازان به عرضه ۱۰۰ درصدی ارز صادراتی خود در سامانه نیما است.

### ■ تزلزل جایگاه ایران

عضو انجمن تولیدکنندگان فولاد در رابطه با این سوال که آیا جایگاه ایران که رتبه دهم است با چنین سیاست‌هایی متزلزل نخواهد شد، گفت: ۱۰۰ درصد این اتفاق می‌افتد.

اگر دولت جدید همان سیاست‌های دولت قبلی را ادامه دهد شاهد کاهش ۳۰ درصدی خواهیم بود و بیش از ۱۰ میلیون تن دیگر را از دست می‌دهیم. به این ترتیب جایگاهمان در فولاد بالاتر می‌رود و دیگر آن جایگاه فعلی را نخواهیم داشت.

شهرستانی تاکید کرد: حداقل مساله این است که با چنین سیاست‌هایی جلوی صادرات گرفته می‌شود.

با توجه به اینکه در داخل مصرف ۱۸ میلیون تن بیشتر نیست و ۳۰ میلیون تن تولید می‌کنیم در نتیجه ما به شدت پتانسیل صادرات را داریم بنابراین اولین جایی که متضرر می‌شود حوزه صادرات است و از این طریق ارزآوری زیادی را از دست خواهیم داد.

صورت ۶۰ درصد قیمت هزینه دستگاه‌ها و تجهیزات است که اجحاف در حق فعال معدنی است. این در حالی است که اصولش این است که باید این عرصه را مجانی در اختیار صنعتکار قرار دهند و تمام صنعت را به یک دید ببینند اما متاسفانه مسوولان فکر می‌کنند که به طور مثال فولاد مبارکه الگو است و چندین هزار میلیارد سود دارد و فکر می‌کنند که بقیه هم همین‌طور هستند بنابراین همه را به یک دید می‌بینند.

### ■ معضل ارز صادراتی

عضو انجمن تولیدکنندگان فولاد با اشاره به الزام فولادسازان به عرضه ۱۰۰ درصدی ارز صادراتی خود در سامانه نیما گفت: یکی از معضلاتی که دولت ایجاد کرده این است که مطرح می‌کند تولید را با ارز آزاد انجام دهد. این در حالی است که قیمت برق را ۲/۵ برابر یعنی ۲۵۰ درصد افزایش داده‌اند. این عدد نه تنها علی‌الحساب بلکه در فاکتور زده شده و باید گفت شرم‌آور و غیراصولی است که فاکتوری را صادر کنند و تولیدکننده نتواند برای آن اعتراض کند.

او تاکید کرد: اینها بازی با صنعتکار و معدنکار است و به هیچ‌وجه نمی‌توان اسمش را زرنگی گذاشت. ما همه در کنار هم هستیم و اگر بخشی از بین برود عواقبش به چشم دیگران هم خواهد رفت. متاسفانه تصمیم خود را عطف به ماسبق و چنین قیمت‌های مضاعفی را اعمال کرده‌اند. مسوولان مطرح می‌کنند که با قیمت ارز آزاد فعالیت کنید اما اختلاف بین ارز نیما و آزاد برای تولیدکننده توجیه‌پذیر نیست. در نتیجه چنین سیاست‌هایی تمایل به صادرات را کاهش می‌دهد.





گفت و گوی «جهان صنعت» با رئیس کمیته اکتشاف خانه معدن ایران

## آزادسازی پهنه‌ها در ابهام

اهمیت تشکیل شورای عالی اکتشاف

مهدیه بهار مست - آزادسازی پهنه‌ها و محدوده‌های اکتشافی معدنی و واگذاری آنها به اهلش از جمله مواردی بوده که بیش از سه‌سال است که به‌طور جدی وزارت صمت بر آن تمرکز کرده اما هنوز به جایی نرسیده است. زمانی بر شتاب گرفتن این مساله و زمانی بر توقف آن تاکید شده حالا دوباره گویا بعد از یک دور کند قرار است موضوع در اولویت قرار گیرد.

چند وقت پیش بود که معاون امور معدن و فرآوری مواد وزارت صنعت، معدن و تجارت گفت که امسال پهنه‌های معدنی در اختیار دستگاه‌های حکمیتی به‌طور کامل آزاد خواهد شد. رضا محتشمی‌پور اظهار کرد: سال گذشته بیش از ۸۰ تا ۹۰ درصد پهنه‌های معدنی در دست دستگاه‌های حکمیتی آزاد شد. وی با اشاره به وجود هفت‌هزار محدود معدنی غیر فعال و ۱۳ هزار محدود معدنی منتظر مزایده در کشور، گفته که تا پایان سال گذشته ۱۲ هزار معدن در سراسر کشور با برگزاری مزایده تعیین تکلیف شدند. معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت در باره سلب صلاحیت معدن نیز بیان کرد که تعداد پرونده‌های معدن سلب صلاحیت در سال گذشته دویز ابر سال قبل بوده و امسال نیز در ۲ ماه گذشته معادل کل پرونده‌های معدن سلب صلاحیت، تعیین تکلیف شده است. در اهمیت آزادسازی می‌توان گفت که با این مهم شاهد نقش آفرینی افراد صاحب صلاحیت و بخش خصوصی واقعی می‌شویم. در واقع هر زمان که به بخش خصوصی اعتماد شده نتیجه مثبت بوده و این اتفاق در بخش معدن نیز می‌تواند به وقوع بپیوندد. به این ترتیب باید به بخش خصوصی اجازه داد تا شرکت‌های قدرتمند و بزرگ تشکیل داده و بتوانند فعالیت‌های پایدار در بخش معدن ایجاد کنند. ضمن اینکه عدم توجه به این مهم کشور را به وارداکننده مواد معدنی تبدیل می‌کند.

بحث آزادسازی پهنه‌های معدنی از نیازهای کلی کشور شناخته شده که در سند آمایش سرزمین کشور نیز مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به اینکه قسمت بزرگی از خاک کشور به پهنه‌ها تعلق دارد انتظار می‌رفت که زودتر از اینها بحث آزادسازی به نتیجه برسد اما چندین سال است که سازمان‌های دولتی پهنه‌ها را بلوکه کرده و امکان بهره‌برداری را گرفته‌اند.

### ■ مساله مهم آزادسازی

رئیس کمیته اکتشاف خانه معدن ایران با بیان اینکه بحث آزادسازی پهنه‌های معدنی از نکات مهمی است که بیش از اینها باید به آن توجه کرد به «جهان صنعت» گفت: با وجود اهمیت این مساله اما این مهم هنوز اجرایی نشده است. ۹ سال قبل که بحث پهنه‌ها مطرح شد هدف این بود که به عملیات اکتشاف سرعت بخشیده شود. به این صورت که وسعتی از سرزمین توسط سازمان‌های صمت استان‌ها طراحی و تعیین و در مزایده به کسی که توان اجرایی داشته باشد واگذار می‌شد و محدود چندهزار کیلومتر مربعی را در اسرع وقت در اختیار برنده قرار می‌دادند. کوروش شعبانی ادامه داد: براساس آزادسازی قرار است که قسمتی از سرزمین را با سرعت

براساس آزادسازی قرار است که قسمتی از سرزمین را با سرعت بیشتر اکتشاف کنند و مرحله اکتشاف را به صورت سیستماتیک و اصولی انجام دهند که البته هیچ وقت این اتفاق نیفتاده و اکتشاف سیستماتیک که ارزشمند باشد برای آینده ایران شاهد نبوده‌ایم

### ■ معدنی‌ها دغدغه‌مند آزادسازی

رئیس کمیته اکتشاف خانه معدن ایران در پاسخ به این سوال که چقدر موضوع آزادسازی دغدغه معدنی‌هاست، اظهار کرد: اعلام شده که ۷ هزار محدود آزادسازی می‌کنیم یا به مزایده می‌گذاریم اما سوال این است که چرا زودتر این کار صورت نمی‌گیرد؟ سال‌هاست که فقط حرف زده می‌شود. باید آزادسازی صورت گیرد که سرعت اکتشاف بالاتر برود اما در عمل اتفاقی درخور ظرفیت ذخایر معدنی کشور با رتبه ۱۰ جهانی، نمی‌افتد. شعبانی تاکید کرد: ما نیاز به اکتشافات متناسب با توسعه معدن و صنایع معدنی داریم. مثال ملموس آن هم تولید ۵۵ میلیون تن فولاد در افق ۱۴۰۴ است که به حدود ۱۷۰ میلیون تن ساده معدنی نیاز دارد ولی میزان ذخایر قطعی

بیشتر اکتشاف کنند و مرحله اکتشاف را به صورت سیستماتیک و اصولی انجام دهند که البته هیچ وقت این اتفاق نیفتاده و اکتشاف سیستماتیک که ارزشمند باشد برای آینده ایران شاهد نبوده‌ایم. به این ترتیب هدف حکمیتی که سرعت بخشیدن به بحث اکتشاف و جلوگیری از بلوکه شدن بود تحقق پیدا نکرده و حتی می‌توان گفت که ماجرا برعکس هم شده است. او در باره اهمیت آزادسازی‌ها گفت: بخشی از این سرزمین بلوکه است و برای اینکه از بلوکه شدن محدوده‌ها جلوگیری شود و اکتشاف سرعت داشته باشد پهنه‌ها تعریف شدند ولی عملاً نه تنها سرعت نگرفتند، بلکه محدوده وسیعی هم اشغال شد. امروز عملاً فعالیت بخش خصوصی و مکتشفین خصوصی به حداقل رسیده و نتوانسته‌اند دست به آزادسازی بزنند.

در ادامه

تیرماه ۱۴۰۰ بود  
که معاون قضایی  
دادستان کل کشور  
از صدور بخشنامه  
به دادستانی  
استان‌های سراسر  
کشور برای ممانعت  
از مزایده گذاشتن  
معادن خیر داد و  
قرار شد که این  
موضوع متوقف شود

## ■ اهمیت آزادسازی

شعبانی در پاسخ به این سوال که اهمیت آزادسازی در چیست، گفت: معادن منبع درآمدی مهمی برای اقتصاد کشور و تامین کننده مواد اولیه صنایع کشور هستند، به همین دلیل باید آزاد سازی‌ها با سرعت بیشتر و پس از رفع موانع و ممانعت‌ها توسط دولت، انجام شده و پهنه‌ها به اهلیش واگذار شود تا بتوان بیشترین درآمد را از آنها به دست آورد. این در حالی است که تا به امروز مسوولان مربوطه در این عرصه چندان موفق عمل نکرده‌اند. گفته می‌شود با اینکه بخش بزرگی از خاک کشور به پهنه‌ها تعلق دارد اما این سازمان‌ها پهنه‌ها را بلوکه کرده و امکان بهره‌برداری از بخش معدنی را برای بخش خصوصی محدود کرده است.

تاجایی که معدنی‌ها از این مساله سخن می‌گویند که در مناقصه‌هایی که برای بخش خصوصی برگزار شده آنقدر مانع تراشی صورت گرفته (از جمله عدم پاسخ منابع طبیعی در برخی استان‌ها بعد از سال‌ها) که بخش خصوصی به نتیجه نرسیده و آن را رها کرده است. در حالی که پهنه‌ها باید به بخش خصوصی واگذار شوند شاهد هستیم که شرایط برای مجموعه‌های بزرگ‌تر معدنی که اغلب دولتی و خصوصی هستند، فراهم می‌شود. او در رابطه با این سوال که از دولت چهاردهم چه انتظاری دارید، گفت: انتظار داریم که مشکلات فعلی بخش معدن را رفع و در خصوص توسعه معدنکاری و حمایت واقعی از بخش خصوصی به منظور جذب سرمایه و انجام اکتشاف متناسب با نیاز آینده صنعت کشور، گام بردارد. در این مسیر نیز ایجاد شورای عالی اکتشاف که می‌تواند یک نهاد چابک و مستقل برای سرعت بخشیدن به این فرآیند باشد پیشنهاد فعالان بخش معدن است.

بود و این اقدام را شجاعانه و خردمندانه برای سرمایه‌گذاری و اشتغال در کشور دانسته بود اما با توجه به امکان سوءاستفاده دولت و وزارت صمت در روزهای پایانی، در نهایت معاون وقت امور معادن وزارت صمت بخشنامه توقف واگذاری ۶هزار معدن غیرفعال کشور را به سازمان‌های صمت استان‌ها ابلاغ کرد و مابرا متوقف شد. بر این اساس، مزایده ۶هزار محدوده و معدن غیرفعال کشور که با دستور وزارت صمت در اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۰ اعلام و طی مراسمی از آن رونمایی شده بود، مراحل واگذاری و اعلام نتایجش با دستور اسداله کشاورز معاونت وقت امور معادن و صنایع معدنی وزارت صمت در آن زمان ممنوع شد.

او تصریح کرد: در ادامه تیرماه همان سال بود که معاون قضایی دادستان کل کشور از صدور بخشنامه به دادستانی استان‌های سراسر کشور برای ممانعت از مزایده گذاشتن معادن خبر داد و قرار شد که این موضوع متوقف شود. در ادامه سعید عمرانی به عملکرد بدون شائبه وزارت صمت در دولت سیزدهم در اجرای مزایده ۶هزار محدوده معدنی تاکید کرد.

به این ترتیب بعد از روی کار آمدن دولت جدید بر این موضوع دوباره تاکید و گفته شد که این مهم نباید اینقدر به عقب می‌افتاد و برای آزادسازی باید عجله کرد.

مسوولان مربوطه بر لزوم واگذاری پهنه‌ها به افراد صاحب صلاحیت تاکید کردند. با اینکه صحبت از تسجیل در این مهم بوده اما وزارت صمت در سال ۱۴۰۱ اعلام کرد که تا اطلاع ثانوی همه چیز را متوقف کرده است. حالا در خبر جدیدی دوباره متوجه شدیم که تاکید مسوولان وزارت صمت بر آزادسازی است.

سنگ‌آهن که موجود داریم با این محاسبات شاید حدود ۱۵ سال بتواند به این صنعت پاسخگو باشد. بنابراین ما نیاز به اکتشافات بیشتر و متناسب داریم و پهنه‌ها و محدوده‌های اشغال شده باید در اسرع وقت آزاد شوند.

او خاطر نشان کرد: سرعت اکتشاف خصوصاً برای بخش خصوصی که سرمایه‌گذاری کرده و فارغ‌التحصیل‌ها که نیاز به کار دارند مساله مهمی است. باید بتوانیم به کار سرعت ببخشیم و اکتشافات و محدوده‌ها را از حالت بلاتکلیفی در آوریم و اکتشافات با سازوکار منطقی‌تر سرعت بگیرند. در این بین مشکلاتی وجود دارد که باید حل شود. به‌طور مثال محدوده‌هایی که برای بارها به مزایده می‌روند را باید بررسی کرد که چرا دوباره تکرار می‌شوند! در هنگام برگزاری مزایده چرا شرایط یکسان نیست؟ و موارد دیگر که باید مورد توجه قرار بگیرند.

## ■ تاریخچه آزادسازی

رییس کمیته اکتشاف خانه معدن ایران درباره این سوال که پیشینه آزادسازی چیست، توضیح داد: نخستین مرتبه دولت دوازدهم بود که بحث آزادسازی را در اوایل سال ۱۴۰۰ به میان کشید اما به دلیل اینکه ماه‌های آخر دولت حسن روحانی بود که بر این موضوع تاکید می‌شد، اماواگرهای زیادی را با خود به همراه آورد و نهایتاً هم به دلیل مخالفت‌ها موضوع مسکوت ماند.

برخی مطرح کردند که هدف از آزادسازی این است که معادن دست عده‌ای خاص قرار بگیرند و مسیر به سمت افرادی هدایت شود که از قبل تعیین شده هستند.

بنابراین با اینکه وزیر صمت دولت دوازدهم از هدف‌گذاری وزارت صمت نسبت به آزادسازی ۶ هزار محدوده و معدن حبس شده یاد کرده





عضو سازمان مهندسی معدن تحلیل کرد

## سرمایه گذاری معدنی در محاق



مسعود فتوت  
عضو سازمان نظام  
مهندسی معدن

ایران با داشتن ۲۷/۳ تریلیون دلار منابع معدنی از جمله نفت، گاز، زغال سنگ، کروم، مس، سنگ آهن، سرب، منگنز، روی و گوگرد در جایگاه پنجم جهان قرار دارد. بخش معدن و صنایع معدنی پیشتر از اقتصاد است و با گسترش این صنعت و متحول شدن این بخش، سایر بخش های صنعتی و اقتصادی در کشور فعال می شوند. ایران با داشتن ۷ درصد از منابع معدنی غنی دنیا، با دارا بودن ۳۷ میلیارد تن ذخایر کشف شده، ۵۷ میلیارد تن ذخایر و حدود ۶۸ نوع ماده معدنی غیر نفتی به عنوان یکی از ۱۵ کشور معدنی برتر جهان بعد از روسیه، آمریکا، عربستان سعودی و کانادا در رتبه پنجم، همچنین رتبه نخست تولید گاز طبیعی و رتبه سوم نفت جهان را به خود اختصاص داده است. نقش معدن و صنایع معدنی در اقتصاد کشورهای جهان منحصربه فاش است. در افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی تمبیشود، بلکه سهم معناداری نیز در ایجاد فرصت های شغلی و کاهش فقر در کشورهای دارا است. صنعت معدن یکی از محرک های مهم در اقتصاد جهانی و یک جایگاه اولیه در زنجیره تامین منابع مورد نیاز بسیاری از صنایع است.

### مشکلات معادن ایران

دهم تیرماه و روز ملی صنعت و معدن فرصت مغتنمی جهت معرفی و یادآوری نقش مهم این دو حوزه مهم اقتصادی در تحقق اهداف بلندمدت کشور است؛ عرصه ای که با تلاش های تحسین برانگیز غیور مردان فولادین تولید کشور، چرخ های موتور پیشرفت از حرکت نایستاده و با عزمی ملی و مدیریتی جهادی به پیش می رود و گاه شاهد اتفاقات امیدوارکننده بوده ایم اما این دلیل نمی شود که از مشکلات این بخش غافل شده و آن را به دست فراموشی بسپاریم. با واکاوی در آمارهای بخش معدن در طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ و بعضاً تا ۱۴۰۲ سعی کرده ام تا وضعیت مهم ترین چرخه اقتصادی کشور را در دهه ۹۰ شمسی نشان دهم.

### مقدار تولید

مقدار تولید مواد معدنی از سال ۹۰ تا ۹۸ تنها ۷/۷ درصد رشد مثبت داشته است. همچنین نسبت درصد رشد سال های ۹۱ به ۹۰ و ۹۴ به ۹۳ رشد منفی و سال ۹۷ به ۹۶ عدم تغییر در مقدار تولید را پشت سر گذاشته ایم.

### ارزش سرمایه گذاری (ارزش تغییرات اموال سرمایه ای)

سرمایه گذاری عبارت است از تغییرات ایجاد شده در ارزش اموال سرمایه ای (ارزش خرید یا تحصیل و هزینه تعمیرات اساسی منهای ارزش فروش یا انتقال اموال سرمایه ای) طی دوره آماري این شاخص بیان کننده آغاز و راه اندازی معدن جدید نیست. یکی از علل نگرانی حتی در ارزش تغییرات اموال سرمایه ای، عدم ثبات و حفظ روند افزایشی و تغییرات فاحش و نوسانات زیاد بین سال هایی است که درصد رشد مثبت داشته و در سال های ۹۰، ۹۵ و ۹۷ رشد منفی داشته است.

### رشد تولید ناخالص داخلی

تعریف تولید ناخالص داخلی به زبان ساده، حاصل جمع ارزش ریالی (یا دلاری) کل کالاها و خدمات نهایی عرضه شده در یک کشور در طول یک بازه زمانی مشخص (معمولاً یک سال) است. در میان شاخص های اقتصاد کلان، تولید ناخالص داخلی از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا نه تنها به عنوان مهم ترین شاخص عملکرد اقتصادی در تجزیه و تحلیل ها و ارزیابی ها مورد استفاده قرار می گیرد، بلکه بسیاری از دیگر اقلام کلان اقتصاد محصولات جنبی محاسبه و برآورد آن محسوب می شوند. در بخش

معدن از سال ۱۳۹۰ تا سه ماهه سوم سال ۱۴۰۲ (سال پایه: ۱۳۹۰) بیشترین و کمترین رشد به ترتیب مربوط به سال ۱۳۹۴ برابر با ۳۵/۲ و سال ۱۴۰۰ برابر ۲/۱- درصد است. البته بدلیل در دسترس بودن اطلاعات سال های ۱۴۰۱ تا سه ماهه سوم ۱۴۰۲ نیز آورده شده است. در بین سال های ۹۰ تا ۹۵ با اینکه روند GDP مثبت است اما دارای تلاطم بوده و نوسانات نامنظم چرخه معدنکاری یکی از موضوعات مهم در امر سیاست گذاری کلان اقتصادی است. همچنین از سال ۹۵ تا سه ماهه سوم ۱۴۰۲ رشد قطره چکانی، حاکی از وضعیت بیمارگونه اقتصاد معدن و نمایانگر سطح پایین ارزش محصولات و خدمات تولید شده و رکود حاکم بر این بخش است.

### شاخص مقدار تولید

شاخص مقدار تولید یکی از مهم ترین نماگرهای کوتاه مدت اقتصادی است که تغییرات مقدار تولید را در رشته فعالیت های مورد نظر را نسبت به یک زمان معین که سال پایه نامیده می شود، نشان می دهد. این شاخص از کاربردی گسترده در مطالعات اقتصادی برخوردار است و به دلیل عدم تاثیر گذاری تغییرات قیمت بر این شاخص، می تواند به خوبی عملکرد واقعی بخش های ذی ربط را توضیح دهد و به عنوان معیاری برای اندازه گیری تغییرات کوتاه مدت ارزش افزوده



حتی بالاتر از ۱۰۰ درصد حقوق دولتی.  
 ۷- فرصت نابرابر در عرضه محدوده‌ها از طریق سایت و در یک روز و یک ساعت معین به دلیل ارزان قیمت بودن اجرای آن.  
 ۸- استعلام از ارگان‌های متعدد بعد از واگذاری محدوده برای پیگیری مجدد و عدم هماهنگی بین سازمانی بین وزارت صمت، سازمان منابع طبیعی و سایر ارگان‌های متولی.  
 ۹- در اختیار قرار دادن بعضی از محدوده‌ها به شرکت‌های دولتی.

۱۰- رانت اطلاعاتی برای شرکت‌های دولتی.  
 ۱۱- واگذاری معادن زیر مجموعه ایمیدرو و ایمپاسکو به بخش‌های خصوصی فاقد توان فنی لازم.

#### ■ افول سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری یکی از محرک‌های توسعه اقتصادی است و یکی از نسبت‌های مهم تعیین‌کننده میزان تزریق سرمایه برای پشتیبانی سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی یا ارزش افزوده آن بخش است. در یک‌دهه اخیر بخش معدن با چالش‌های متعددی دست‌وپنجه نرم کرده است. چالش‌هایی که اثر مستقیمی بر سرمایه‌گذاری در این بخش گذاشته و با وجود روند فزاینده ارزش اسمی سرمایه‌گذاری در معادن در حال بهره‌برداری (بدون احتساب معادن نفت خام، گاز طبیعی و خاک رس)، سرمایه‌گذاری واقعی در این بخش در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰، روند نزولی داشته است. آمارها نشان می‌دهد که در این بازه زمانی و با حفظ روند نزولی از ۳۵ درصد در سال ۹۵ به ۲۶ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است که کمترین رقم در بازه زمانی مورد بررسی است. همچنین طبق اعلام وزارت امور اقتصادی و دارایی در دهه ۹۰ نرخ تشکیل سرمایه ثابت در اقتصاد ایران روندی نزولی داشته و در مجموع تشکیل سرمایه ثابت از سال ۹۱ تا ۱۴۰۰ بالغ بر ۴۷ درصد کاهش یافته است.

حقوق دولتی به‌عنوان درآمدزایی و جبران کسری بودجه دولت باشد. مصوب کردن ۵۵ هزار همت بهره مالکانه در سال ۱۴۰۳ و رشد ۱۱۳/۴ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۲ و همچنین رشد ۱۳۷/۵ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۱ در فاصله زمانی دوساله موجب وارد کردن ضربه مهلک بر پیکره نحیف بخش معدن می‌شود. البته عدم شفافیت در اجرای تبصره‌های ذیل ماده ۱۴ قانون معادن منجمه سهم ۶۵ درصدی در توسعه بخش معدن و صنایع معدنی باید شفاف سازی شود.

#### ■ رشد نرخ ارز دولتی

با توجه به نیاز مبرم به استفاده از تکنولوژی روز دنیا و ماشین‌آلات با کیفیت مطلوب در دوی بخش اکتشاف و استخراج ولیکن رشد ۳۵ برابری نرخ دلار دولتی در طی ۲۰ سال نیز موجب افزایش بهای تمام‌شده تجهیزات در واردات و عدم صرفه اقتصادی در توسعه بخش معدن شده است.

#### ■ چالش‌های بزرگ واگذاری محدوده‌های

##### معنی

با عنایت به انجام کارشناسی پرونده‌های مزایده‌های سازمان صمت در سال‌های اخیر توسط نگارنده، اهم مشکلات و موانع در این خصوص به طور کلی به شرح زیر است:

- ۱- افزایش امتیازهای مالی سامانه کاداستر برای اشخاص حقیقی و حقوقی.
- ۲- ناتوانی شرکت اعضای دارای پروانه اشتغال سازمان نظام مهندسی معدن در کسب توان فنی و مالی.
- ۳- نداشتن اطلاعات کافی از معادن در هنگام مزایده که بعضاً هیچ‌گونه اطلاعاتی در دسترس نیست.
- ۴- عدم دسترسی به فایل مستر اطلاعات معادن و صرفاً نقشه و اطلاعات چاپ شده.
- ۵- تکرار محدوده‌های فاقد ارزش اقتصادی در مزایده بصورت همه ساله.
- ۶- ارائه پیشنهادی‌های نامتعارف در مزایده‌ها و

بخش معدن، مورد استفاده قرار گیرد. در مجموع بازه زمانی سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ در ۶ سال با شاخص منفی مواجه هستیم که مهم‌ترین نتایج نامطلوب آن می‌توان به کاهش اشتغالزایی مستقیم و غیرمستقیم، کاهش درآمد‌های دولت، افزایش وابستگی به واردات مواد معدنی و خروج ارز از کشور اشاره کرد.

#### ■ ارزش افزوده

ارزش افزوده اقتصادی معیاری برای سنجش عملکرد مالی بنگاه اقتصادی براساس ثروت مازاد است که با کسر هزینه سرمایه از سود عملیاتی (پس از کسر مالیات) محاسبه می‌شود و حتی به عنوان سود اقتصادی نیز شناخته می‌شود که یکی از اصلی‌ترین اهداف آن است، چراکه EVA برای اندازه‌گیری ارزش عددی سوددهی یک فعال اقتصادی، نسبت به مبالغ سرمایه‌گذاری شده در آن است که می‌تواند روند توسعه یا عملکرد مجموعه تجاری مورد نظر را بیان کند.

این نماگر تلاش می‌کند تا سودآوری حقیقی یک مجموعه اقتصادی را به صورت عددی بیان کند تا امکان تحلیل عملکرد اقتصادی وجود داشته باشد. از کاربردهای مهم اقتصادی EVA می‌توان به شناخت توانمندی‌های اقتصادی بنگاه‌ها نظیر بهره‌وری منابع و عوامل تولید اشاره کرد.

با این تفاسیر رشد منفی ارزش افزوده بخش معدن کشور در سال‌های ۹۲، ۹۳، ۹۸ و ۹۹ تا میزان منفی ۳۲/۴ درصد و همچنین رشد مثبت اندک در سال‌های ۹۰، ۹۱، ۹۴، ۹۵ و ۹۷ تا میزان مثبت ۴/۷ نشان از زیاندهی و سوددهی کم بخش معدن کشور است.

#### ■ حقوق دولتی

حقوق دولتی یا بهره مالکانه دولت طبق ماده ۱۴ قانون معادن وصول می‌شود و عدم پرداخت آن منجر به قطع دریافت سوخت، مواد ناریه و تسهیلات دولتی می‌شود. رشد سهم حقوق دولتی از ابتدای سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ به میزان ۳۰ درصد میانگین سالانه ۱۰۸ درصد وحشت‌برانگیز است و نباید نگاه دولت به





دبیر فدراسیون تشکل‌های صنایع غذایی کشاورزی ایران در گفت‌وگو با «جهان صنعت»:

## تولیدکننده خوب قربانی می‌شود

سهیلا اسدی - خروج از رکود اقتصادی منوط به رونق تولید در کشور است، گسترش اشتغال و کاهش معضل بیکاری با توسعه تولید و چرخاندن پر قدرت چرخ‌های صنعت تحقق خواهد یافت اما در این میان دغدغه اصلی کارآفرینان، صنعتگران و تولیدکنندگان وجود موانع، چالش‌ها و مشکلاتی است که بر سر راه تولیدکنندگان وجود دارد.

بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار از اولین و اصلی‌ترین موانع تولید در کشور است که به نوعی سرمایه‌گذاران و کسانی که به انگیزه تولید وارد بازار کسب‌وکار می‌شوند دچار ناامیدی و بی‌انگیزگی می‌کند. مشکلات اداری موجود برای اخذ مجوز کسب‌وکار و نیز دریافت مالیات‌های سنگین از تولیدکننده در شرایط سخت اقتصادی را می‌توان مانهی بزرگ‌در مسیر تولید دانست. از طرفی تغییرات غیر قابل پیش‌بینی قیمت مواد اولیه و محصولات، هم تولیدکننده و هم مردم را دچار فشار و مشکلات متعدد می‌کند.

نیز برداشته اما گاهی با اعمال سیاست‌های ناکارا، چالش‌ها را نه تنها حل نکرده، بلکه به معضلات بخش تولید دامن زده است.

در این راستا همواره مطالبه تولیدکنندگان از دولت‌ها حمایت و ایجاد زیرساخت‌های لازم و رفع موانع از پیش پای تولیدکنندگان که موتور محرکه اقتصاد کشور هستند، بوده است. در ادامه به بهانه روز ملی صنعت و معدن «جهان صنعت» در گفت‌وگویی با محسن نقاشی، دبیر فدراسیون تشکل‌های صنایع غذایی کشاورزی ایران به بیان چالش‌های موجود در بخش تولید کشور و راهکارهای برون‌رفت از این مشکلات پرداخته است.

**■ میزان تعامل دولت سیزدهم با بخش خصوصی را چطور ارزیابی می‌کنید؟ و انتظارات شما از دولت چهاردهم چیست؟**  
اصولا دولت در دوره‌هایی که شعار سال مبنی بر تولید بوده است، هیچگاه هیچ اقدام مثبتی را برای

برای رونق تولید باید فضای رقابتی در بازار تولید ایجاد شود و ضمن بهره‌مندی درست از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های داخلی کشور، از فناوری‌های جدید تولید در کنار خلاقیت‌ها و ایده‌های نوین و دانش روز بهره برد. ارتباط موثر و مدیریت شده صنعت و دانشگاه می‌تواند نقش غیرقابل انکاری در این زمینه داشته باشد.

حرکت به سوی تولید محصولات دانش‌بنیان از مصادیق اقتصاد مقاومتی است و زمینه‌ساز خودکفایی هر چه بیشتر کشور در تمامی عرصه‌هاست و علاوه بر تامین نیازهای داخلی و کمک به رفع وابستگی‌های اقتصادی زمینه‌ساز حضور قدرتمند در بازارهای جهانی است.

مشکلات دسترسی به مواد اولیه برای تولیدکنندگان نیز در چند سال گذشته همواره خود را به صورت جدی نشان داده است. اگر چه سیاستگذار گام‌هایی را برای رفع این چالش‌ها

یکی از مسائل مهم و تعیین‌کننده در هزینه تمام شده واحدهای صنعتی نرخ ارز و نوسانات آن است. در حال حاضر نحوه تخصیص ارز به واردات مواد اولیه، از دغدغه‌های اصلی فعالان عرصه تولید و صنعت است. در هر حال برای اینکه فعالان اقتصادی بتوانند نسبت به ورود به فضای کسب‌وکار و انجام سرمایه‌گذاری ترغیب شده و برای آن برنامه‌ریزی کنند ثبات ارزی یکی از مسائل مهم و تعیین‌کننده است. به علاوه عدم امکان پیش‌بینی وضعیت ارزی نیز می‌تواند امنیت سرمایه‌گذاران را تهدید کند.

بنابراین ثبات نرخ ارز و برنامه‌ریزی صحیح در تخصیص ارز به واردکنندگان مواد اولیه در جهت سهولت تامین مواد اولیه و نیز ماشین‌آلات تولید از ملزومات اصلی تولید در شرایط فعلی است. تاخیر در انجام مبادلات بین‌المللی و ورود مواد اولیه مورد نیاز تولیدکنندگان را با مشکلات جدی مواجه کرده است.

حرکت به سوی تولید محصولات دانش‌بنیان از مصادیق اقتصاد مقاومتی است و زمینه‌ساز خودکفایی هر چه بیشتر کشور در تمامی عرصه‌هاست و علاوه بر تامین نیازهای داخلی و کمک به رفع وابستگی‌های اقتصادی زمینه‌ساز حضور قدرتمند در بازارهای جهانی است





**اگر دولت به این نتیجه رسیده که این محصول از کشور خارج نشود چرا باید پس از رسیدن کامیون کالا به مرز آن را مرجوع کنند، سوال من اینجاست که در این شرایط شریک تولیدکننده فرصتی برای تولیدکننده فرصتی قائل شوند؟**

می‌تواند تا ۳۰۰ نوع محصول تولید کند که این امر خود به اشتغالزایی و از بین رفتن بیکاری نیز کمک می‌کند. چرا باید یک واحد تولیدی ده‌ها پروانه ساخت بگیرد، در هیچ کشوری حتی افغانستان شرایط بدین گونه برای تولیدکنندگان نیست که در ایران وجود دارد، برای تولید هر محصول باید یک پروانه ساخت جداگانه دریافت کنیم. برای مثال برای هر محصول صنایع غذایی از سازمان غذا و دارو باید سیب سلامت و استاندارد جداگانه گرفته شود، مگر تعداد کارخانه‌ها متفاوت است که باید پروانه‌های متعدد بگیرند، مضاف بر اینکه کشورهای توسعه یافته اصلاً پروانه ندارند، بلکه یک پروانه بهره‌برداري کلی صادر می‌شود.

اگر موانع بزرگی چون پروانه‌های ساخت، گواهینامه‌های استاندارد که در کشور برای تولید ایجاد شده است، از میان برداشته شود بزرگ‌ترین جهش تولید اتفاق خواهد افتاد. در واقع جهش تولید را باید آموزش داد. قوانین ۱۳۲۷ و ۱۳۳۷ دست و پای تولید را بسته‌اند، افرادی که علم روز ندارند و به روزرسانی نشده‌اند به این قوانین اصرار می‌ورزند بنابراین باید قوانین را به‌روزرسانی کنیم و در جایی که قوانین به روزرسانی نشده دلیلی وجود ندارد که یک کارشناس مصر به اجرای آن باشد. در عین حال، طبق فرمایش مقام معظم رهبری باید در کشور جو امیدواری ایجاد کنیم اما عده‌ای برخلاف این موضوع به دنبال ایجاد ناامیدی در جامعه هستند.

**■ نوسانات نرخ ارز تاجه میزان تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی را تحت تاثیر قرار داده است؟**

بزرگ‌ترین ضربه را به تولید و تولیدکننده نوسانات نرخ ارز می‌زند، تولیدکننده مواد اولیه را خریداری می‌کند و سپس با کشورهای دیگر مرادفات برقرار می‌کند و برای خود تعهد ایجاد می‌کند، ناگهان با نوسانات ارزی روبه‌رو می‌شود و به دلیل اینکه سرمایه در گردش ندارد در نتیجه نمی‌تواند سرمایه محصول نهایی را تامین کند و به صادرات برساند و متأسفانه نمی‌تواند به تعهدات خود در قبال دیگر کشورها عمل کند و باید خسارت بپردازد. از طرفی در برخی موارد تولیدکننده‌های بزرگ کشور مجبور هستند از این نوسانات متضرر شوند و صادرات خود را انجام دهند، در صورتی که این نوسانات شدید ارزی اگر نباشد خیلی قوی‌تر از این می‌توانیم در بحث صادرات موفق شویم و ارزی بسیار زیادی داشته باشیم که این موارد در صورتی اتفاق می‌افتد که قانون حمایت

در نمایشگاه‌های خارج از کشور شرکت کرده است و به سختی و بدون هیچ کمک دولتی بازاریابی کرده‌اند را با ممنوعیت صادرات همان کالا به مرز ورشکستگی می‌رسانند.

اگر هم دولت به این نتیجه رسیده که این محصول از کشور خارج نشود چرا باید پس از رسیدن کامیون کالا به مرز آن را مرجوع کنند، سوال من اینجاست که در این شرایط نباید برای تولیدکننده فرصتی قائل شوند؟ آیا این حمایت از تولید است؟ بر فرض محال که دولت به این نتیجه هم رسیده باشد، باوجود اینکه طبق قانون بهبود محیط کسب و کار، مشورتی با تشکل‌ها نداشته است، ناگهان بخشنامه‌ای صادر می‌کند که واحد تولیدی که جنس خود را تولید کرده است، متضرر می‌شود. این در حالی است که بخشنامه داریم که چنانچه محصولی با برند صادراتی تولید شده باشد حتماً باید به خارج از کشور برود و نمی‌تواند در بازار داخلی به فروش برسد، در این میان و با این شرایط تکلیف تولیدکننده چه می‌شود؟ اگر می‌خواهیم اقتصاد کشور را نجات دهیم باید به تولید اهمیت دهیم، بارها از قوه قضائیه و مجلس تقاضا کرده‌ام که قانونی را مصوب کنند که برای افرادی که یا قانون‌شکنی می‌کنند یا مسائل تولید را درک نمی‌کنند، ضمانت اجرایی داشته باشد، زمانی که کسی مسائل تولید و مسائل جاری اقتصاد را درک نمی‌کند چه اصراری است که بر سیاست‌هایی که مشخصاً به تولید ضربه می‌زند یافشاری کند! یکی از خواسته‌های ما ایجاد میز خدمت مخصوص تولید در ادارات ذی‌ربط تولید است تا راه‌های آسیب به تولید را بگیریم.

**■ عملکرد دولت در حوزه حمایت از توسعه صادرات به ویژه صادرات صنایع غذایی را چگونه می‌بینید؟**

در تمام دنیا از صادرات حمایت می‌شود در حالی که به ظاهر همه مسوولان در دولت‌ها خواهان صادرات هستند اما ناگهان می‌بینیم که عوارض صادرات برای محصولات صنایع غذایی در نظر می‌گیرند. از طرفی در بحث وارداتی براین باور هستیم که بسیاری از محصولات وارداتی اگر نباشند، تولید صدمه می‌بیند، در عین حال در بحث واردات عوارض گمرکی واردکنندگان به مراتب راحت‌تر از تولیدکنندگان است که باید در قالب یک قانون با داشتن ضمانت اجرایی رسیدگی شود. چرا باید روند سیکل اداری تولیدات ما نسبت به کشورهای دیگر متفاوت باشد. یک خط تولید

رشد تولید انجام نداده‌اند چرا که اساساً قانونی برای تولید نداریم، اگر چنانچه دستورالعمل یا بخشنامه‌ای بر این محور نوشته شده باشد یا مصوب شده باشد هم ضمانت اجرایی ندارد، زمانی که ضمانت اجرایی ندارد دست مسوولان دولتی در به انجام رساندن آن باز است و می‌توانند به آن بخشنامه عمل نکنند. اکنون ۱۴ سال متوالی است که روی بحث تولید صحبت می‌شود اما اتفاق مثبتی در این خصوص رخ نداده است. در یکی، دو سال اخیر نیز تضاد بین افرادی که با تولیدکننده‌ها نیز علنی شده است.

زمانی که یک تولیدکننده وارد اداره ذی‌ربط می‌شود تا وقتی که مشخص نشده که این فرد تولیدکننده است، ادبیات صحبت به گونه دیگری است اما به محض اینکه متوجه این موضوع می‌شوند، تغییر چشمگیری در لحن و گفتار پیدا می‌شود و از طرفی موضع‌گیری منفی ایجاد می‌شود. به نظر من این رفتار جهت‌دار است، به گونه‌ای که در این چند دهه هر گاه صحبت از دولت شد، موضع‌گیری‌ها شدیدتر شده است. اگر می‌خواهیم که اقتصاد کشور رونق یابد و در بحث صادرات و رشد اقتصادی گامی برداریم راهی به جز حمایت از تولید نداریم، بنابراین اگر یک قانون مدون برای تولید در این سال‌ها تنظیم کرده بودیم و این قوانین ضمانت اجرایی می‌داشت، این امکان وجود داشت که مسوول یا وزیری که بخشنامه ضدتولیدی مصوب می‌کند که هیچ پایه حقوقی و قانونی ندارد را در هر مقام یا لباسی به قوه قضائیه معرفی کرد و قضایا حل می‌شد. البته چه‌بسا که در بسیاری از موارد قوانین مشخص است از طرفی مباحثه با افراد در سطوح بالا بسیار راحت‌تر از برخی از افرادی است که لزوماً در سمت‌های رده پایین هستند و درک درستی هم از تولید و اقتصاد نیز ندارند و کاملاً سلیقه‌ای برخورد می‌کنند بنابراین ضروری است که هر چه سریع‌تر قانونی مدون شود که ضمانت اجرایی دارد و چنانچه کسی این قانون را اجرا نکرد به عنوان مجرم محاکمه شود.

از طرفی من مدعی هستم که بسیاری از افرادی که در حوزه تولید به کار گمارده شده‌اند هیچ ارتباطی با تولید ندارند، این افراد می‌توانند طبق قانون بهبود محیط کسب و کار از تشکل‌ها و واحدهای تولیدی کمک بگیرند، چرا که تشکل‌ها آماده راهنمایی این افراد هستند تا بتوان مملکت را به جایی رساند و تولید را از وضعیت نجات داد. این افراد با بی‌اطلاعی خود دست به تصویب بخشنامه‌های خلق‌الساعه می‌زنند و بازرگان و تاجری که با زحمت فراوان



از تولید داشته باشیم. در هیچ جای دنیا هیچ فرد، ارگان یا سازمانی جرات این را ندارد که در مسیر تولید موانعی ایجاد کند.

**تبعات قیمتگذاری دستوری در اقتصاد و ضرر آن را برای فعالان حوزه صنعت و تولیدکنندگان توضیح دهید.**

در مورد قیمتگذاری دستوری همانطور که بارها گفته‌ام، چنانچه دولت مصاد اولیه‌ای یا ارزی را در اختیار یک واحدی گذاشته باشد و بگوید در مقابل، واردات این محصول بنابر سهمیه اجرا می‌شود. برای مثال در خصوص روغن‌های خوراکی، دولت ارزی را در اختیار واردکنندگان قرار می‌دهد، زمانی که روغن وارد می‌شود بنابر سهمیه به واحدهای تولیدی روغن می‌دهند و واحدهای تولیدی هم آن را بسته‌بندی می‌کنند و با نرخ مشخص در اختیار مردم قرار می‌دهند اما در مورد اقلامی که دولت هیچ‌گونه فعالیت و مرادوه ارزی نداشته است، چرا باید قیمت دستوری تعیین کند و واحد تولیدی را ملزم به یک نرخ ثابت کند! دولت‌هایی که در ظرف یک سال برق و آب و گاز و تلفن را گران می‌کنند و توقع دارند که واحدهای تولیدی اجناس خود را گران نکنند. اگر شما که دولت هستید توان مهار هزینه‌های خود را ندارید، تولیدکننده‌ای که با موانع موجود و با تلاش خود کار تولید انجام می‌دهد، چگونه جنس خود را گران نکند. زمانی بود که هزینه‌های حمل‌ونقل، آب، برق، گاز و تلفن برای تولید بسیار ناچیز بود و بر قیمت تمام شده کالاها تاثیر چندانی نداشت اما در حال حاضر دولت‌ها قیمت‌گذاری می‌کنند.

مجلس باید قانونی داشته باشد که به دولت‌ها که بر سر کار می‌آیند به هیچ عنوان فشار کسری بودجه را بر تولید تحمیل نکنند، زمانی که فشار بر تولید مضاعف می‌شود، تولیدکننده چاره‌ای برایش نمی‌ماند جز افزایش قیمت! یکی از دلایل اصلی تعطیلی واحدهای تولیدی قیمت‌گذاری دستوری است. همان‌طور که پیشتر اشاره کردم باید قانون بهبود محیط کسب‌وکار رعایت شود که در کوچک‌ترین مسائل اصلا رعایت نمی‌شود چه برسد به مسائل بزرگی که تولیدکننده با آن دست به گریبان هستند.

تا زمانی که قیمت دستوری داشته باشیم هیچ تولیدکننده‌ای نمی‌تواند رشد کند و اقتصاد کشور نیز نمی‌تواند به جایگاه اصلی خود برسد. از طرفی ارز باید تک‌نرخ شود، زمانی که با ارز ۴۲۰۰ تومانی روبه‌رو بودیم، هر گاه در محافل و جلسات مختلف نظرسنجی می‌کردند همواره می‌گفتیم که ارز باید تک‌نرخ شود، چراکه تکلیف تولیدکننده را برای همیشه روشن می‌کند اما متأسفانه ارز ۴۲۰۰ تومانی ایجاد شد و دوباره پس از آن ارز ۲۸۵۰۰ تومانی ایجاد شد که نه تنها شرایط تغییر نکرد، بلکه به دنبال آن فشار مضاعفی به تولیدکننده وارد شد تا زمانی که ارز ۴۲۰۰ تومانی بود، برخی اقلام مانند آرد، شکر و روغن با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد می‌شد و باعث می‌شد که تولیدکننده بتواند گردش مالی ایجاد کند، اما ناگهان ارز ۴۲۰۰ تومانی به ۲۸۵۰۰ تومانی تبدیل شد و باعث شد که تولیدکننده که برای تولید روغن خود که بودجه‌ای معادل ۱۰۰ میلیارد تومان در نظر گرفته بود با جهش ۶ تا ۷ برابری قیمت مواجه شود. متأسفانه در آن زمان دولت هیچ برنامه‌ای برای تولید قائل نشد و هیچ سرمایه در گردش برای تولید ندید که باعث شد بسیاری از واحدهای تولیدی به تعطیلی کشیده شوند و بسیاری

از واحدهای تولیدی که در حال حاضر به فعالیت می‌پردازند با مشکلات عدیده‌ای مانند سرمایه در گردش مواجه هستند. دولت یا بانک مرکزی در سال جهش تولید با مشارکت مردم یا در سال قبل، به جای اینکه به داد تولیدکننده برسد مانع تزریق تسهیلات به تولید شده‌اند.

ترکیه به ۱۵۳ کشور صادرات اجماع می‌دهد، در حالی که پتانسیل‌های بسیار کمتری نسبت به ما دارد، اما زمانی که یکی از مقامات عالی‌رتبه سیاسی این کشور به کشوری می‌خواهند بروند نزدیک به ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر از بازرگانان و تولیدکنندگان آنها را همراهی می‌کنند و مرادوات بازرگانی انجام می‌دهند، به این موارد می‌گویند حمایت. در تمام دنیا هم متداول است، زمانی که یک اکسپ بازرگانی با دولت همراه می‌شود توجه خاص‌تر و بیشتری به بازرگانی و تولید این کشور می‌شود. در کشور ما علاوه بر مشکلات و موانعی که اشاره شد تولیدکننده با هزینه خود به کشورهای دیگر می‌روند و برای دولت هزینه‌ای در بر ندارند.

**پایامدهای اقدام جدید وزارت صمت در محدودیت ثبت سفارش کالا برای واحدهای بازرگانی برای فعالان اقتصادی چیست؟**

تولیدکننده‌ای که به ماشین‌آلات و مواد اولیه نیاز دارد، چرا با قانون‌های اینچینی مانع در مسیرش ایجاد می‌کنند؟ اگر برای تشکیل‌ها ارزش قائل شوند و بدانند که این تشکلهای عصاره فکری تولیدکنندگان یک بخش هستند، این افراد که بهتر از افراد اداری می‌فهمند، می‌دانند و تجربه دارند بگویند که چه راهکاری برای جلوگیری از ارزی که از کشور خارج می‌شود. این در حالی است که همواره یکی از مطالبات ما این بوده که چرا باید ارز برای واردات برخی اقلام به افراد نالایق، ناشایست و ناکارآمدی که هیچ ارتباطی به تولید ندارند تعلق بگیرد و آنها ثبت سفارش درست انجام دهند و کالای مورد نظر هم وارد کشور نشود. تشکلهای بهترین گزینه برای کمک به دولت هستند، آنها می‌توانند دولت را در اینکه کدام واحد تولیدی نیاز به ارز دارد، یا ثبت سفارش مورد قبول است یا نه، مشورت گرفتن از تشکلهای بسیار عاقلانه است مشروط بر اینکه دولت به تشکلهای و تولیدکننده‌ها احترام بگذارد.

همواره تولیدکننده‌های خوب کشور قربانی تولیدکننده‌های بد شده‌اند، اگر روش و روال بانکها صحیح نبوده و به افراد و شرکت‌هایی تسهیلات داده شده که بازگشت نداشته، نگاه تولیدکننده خوبی که به خوبی کارش را انجام می‌دهد، اشتغال و صادرات دارد و به کشور خود خدمت می‌کند، چیست؟ چرا باید مانع ثبت سفارش آن واحد تولیدی گرفته شود یا تسهیلاتش متوقف شود. در حال حاضر واحدهای تولیدی سخت درگیر مشکلات اقتصادی و سرمایه در گردش هستند. امیدواریم دولت چهاردهم در راستای رفع این موانع گام بردارد و ما هم از هیچ کمکی در این راستا دریغ نخواهیم کرد.

**توسعه تجارت در شرایط فعلی به خصوص برای کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و کارآفرینان نیازمند چه تمهیداتی است؟**

در این مورد نیز باید گفت که تولیدکنندگان و کارآفرینان خوب را با کسانی که عرقی به این کشور ندارند باید تفکیک کرد. بدون تعارف باید گفت که در راس شرکت‌های دانش‌بنیان جوانان و شرکت‌هایی را می‌بینم که با عشق و علاقه کار می‌کنند و دستاوردهای علمی بسیار خوبی دارند

و طرح‌های دانش‌بنیانی دارند اما بسیاری از این شرکت‌ها و جوانانی که در بحث دانش‌بنیان ورود کرده‌اند، افراد نخبه، مخترع، تحصیلکرده هستند، این افراد متأسفانه یا خوشبختانه مانند تولیدکننده‌ها به دور از مسائل مادی و ترغیب‌های زد و بندی هستند، اینها افرادی هستند که فقط علم را می‌شناسند و به کشور خود عشق دارند و می‌خواهند فقط کار خود را ارائه دهند.

تولیدکننده‌ها نیز در چنین شرایط مشابهی قرار دارند و به دور از ترغیب‌های زد و بندی هستند، اگر سرمایه خود را به جای اینکه صرف تولید کند در هر جای دیگر به کار می‌گرفت، موفق‌تر بود یا اگر با سرمایه خود کاری نمی‌کرد و فقط ملک یا طلا یا دلار می‌خرید، بسیار بیشتر سود می‌کرد و خیالش هم راحت‌تر بود. این افراد به مملکت خود علاقه دارند. دانش‌بنیانی‌ها و کارآفرینان مظلوم‌ترین بخش در کشور هستند. در صورتی که کشور توسط دانش‌بنیان‌ها می‌تواند رشد کند. خیلی از جوانان دانش‌بنیان ایده‌های خوبی در بحث صادرات، واردات و جمع کردن یورو کراسی دارند. باید این جوانان را در بیایم و جذب‌شان کنیم. این افراد گاهی ایده‌هایی دارند که در قالب بخش خصوصی نمی‌توان آنها را انجام داد، ایده‌هایی است که باید حاکمیتی به انجام برسد. به حرف و ایده این افراد نخبه توجه نمی‌شود در صورتی که برخی که زد و بندی هستند و خود را وارد بحث دانش‌بنیان کرده‌اند تسهیلات دریافت می‌کنند.

به باور بنده، وزیر صنعت، استاندارد، غذا و دارو، وزیر جهاد در دولت چهاردهم هرچند وقت یکبار باید جلسهای بگذارد و از ایده‌های افراد دانش‌بنیان در حوزه‌های مختلف کشور بهره‌برند. از طرفی با تشکلهای جلسه بگذارند و ببینند شرایط اقتصادی چگونه راه رشد و پیشرفت را پیدا می‌کند. وزرا در دولت چهاردهم درهای اتاق خود را ببندند و در اتاق‌های کنفرانس با تشکلهای مانند شورای اقتصادی جلسه بگذارند و نتایج‌اش را بعد از یک سال مشاهده کنند، ما تشکلهای صنایع غذایی برای این کار آماده هستیم، چراکه ما سرباز میهن هستیم.

**به عنوان کلام آخر اگر نکته‌های مانده، بفرمایید.**

به عنوان کلام آخر باید بگویم که در حال حاضر در کشور ستاد تسهیل و رفع موانع تولید، هیات مقررات‌زایی و بهبود محیط کسب‌وکار داریم که همگی همقدم با تولید هستند و در جهت منافع تولید حرکت می‌کنند که اقدامات موثری هم داشته‌اند اما چرا باید اشتباهی کنیم که تمام این ارگان‌ها جمع شوند تا موانع را از میان بردارند. این اقدامات عوارض و هزینه‌های بسیاری دارد. عقل حکم می‌کند که پیش از اینکه این اقدامات را انجام دهیم قانون بهبود محیط کسب‌وکار را رعایت کنیم و قبل از اینکه اتفاق بیفتد پیشگیری کنیم، چرا اجازه می‌دهیم اتفاق رخ دهد، هزینه‌زا شود، دولت، تشکلهای، تولیدکننده و مردم آسیب ببینند و وقت تمام این مجموعه‌ها گرفته شود و بعد وارد عمل شویم، برای مثال چرا باید دو سال طول بکشد که این تشکلهای به استاندارد ثابت کنند که برای مثال این لوگو که استاندارد می‌گوید بزرگ‌تر شود به کیفیت ربطی ندارد، بهتر است پیش از تولید، استاندارد با تشکلهای جلسه بگذارد و ایده خود را با مشورت و نظرخواهی تشکلهای و پیش از انجام تولید مطرح و اجرایی کند.





## صنعت غذا در محاصره ترکیه و عربستان



رسول قملقی  
عضو هیات‌مدیره  
فدراسیون مواد غذایی  
و کشاورزی ایران

قطعات اراضی آنها و مناسب نبودن شرایط جوی است، همچنین وجود سم در محصولات کشاورزی باعث کاهش صادرات و تنزل جایگاه محصولات کشاورزی شده است. بهره‌وری زنجیره کشاورزی و صنایع غذایی و تبدیلی در کنار توسعه صادرات، بهترین مسیر توسعه و رشد اقتصاد ایران است. براساس گزارش سازمان جهانی تجارت در سال ۲۰۲۰، ایران با صادرات ۲۷۱ میلیارد دلار محصولات کشاورزی، در جایگاه ۱۰ جهان قرار دارد.

علاوه بر بازار مصرف ۸۵ میلیونی داخل، حداقل بازار مصرف بالغ بر ۴۰۰ میلیون نفر در همسایگی ایران وجود دارد که از بهترین فرصت‌ها برای رونق صادرات غیرنفتی با استفاده از نیاز غذایی آنهاست و می‌توانیم با افزایش بهره‌وری و ایجاد کارخانه‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی از این پتانسیل استفاده‌ای بهینه برد و حضور موفق‌تری در بازارهای بین‌المللی و به ویژه کشورهای همسایه داشته باشیم. البته کسب سهم از این بازارها به کیفیت محصولات تولیدی و تطبیق آن با استانداردهای جهانی بستگی دارد. در عین حال داشتن قیمت تمام‌شده پایین می‌تواند مزیت دیگری در کسب سهم بیشتر از این بازارها باشد. قلیل ملاحظه است که صادرات بخش غذا در ترکیه در سال ۲۰۲۳ برابر با ۳۵ میلیارد دلار بوده که حدود ۲/۸ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشته است. همچنین ما شاهد افزایش سهم سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های مختلف در عربستان هستیم و به زودی عربستان در بازارهای صادراتی اطراف تاثیرگذار خواهد بود و به یک رقیب برای ایران و سایر کشورهای منطقه تبدیل می‌شود.

**حمایت‌های دولت که مورد انتظار است:**

- کاهش و حذف قوانین و دستورالعمل‌های خلق‌الساعه و دست‌وپاگیر و موازی کاری سازمان‌ها و نهادهای نظارتی.
- تسهیل در اعطای تسهیلات کم‌بهره در کوتاه‌ترین زمان ممکن، حذف و تخفیف مالیاتی و بخشودگی بدهی.
- دولت می‌تواند به منظور تسهیل در تولید و بازاریابی محصولات، از جمله ارائه زیرساخت‌هایی مانند فضاهای، راه‌آهن، انبارها و غیره، اقدام کند.
- مبارزه با قاچاق مواد غذایی، رفع موانع و مشکلات بنگاه‌های صنعتی.
- حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای کوچک و نوظهور.
- تامین سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی یکی از اصلی‌ترین نیازهای تولید است و تسهیل در تامین نقدینگی بنگاه‌های اقتصادی و کاهش هزینه‌های تامین مالی صنایع غذایی.

### تهدیدها و نقاط ضعف زنجیره غذایی ایران

تنها ۱۲ درصد از مساحت ایران یعنی کمتر از ۲۰۰ هزار کیلومتر مربع تحت عملیات کشاورزی است. هنوز ۶۳ درصد زمین‌های با ظرفیت کشت و زرع دست نخورده هستند. در ایران از ۵۰ درصد تا ۶۰ درصد ظرفیت و استعداد زمین‌هایی که تحت عملیات کشاورزی است (۱۸۵ هزار کیلومتر مربع) استفاده می‌شود. طبق آخرین اخبار از سازمان جهانی غذا (فائو) مناسبانه میزان ضایعات کشاورزی در ایران ۲۵ برابر کشورهای پیشرفته دنیا بوده و در بخش ضایعات میوه‌رتبه اول در دنیا را دارد. بر این اساس آمارها و برآوردهای داخلی نیز نشان از میزان ضایعات محصولات کشاورزی ۲۵ تا ۳۰ درصدی از مرحله کشت در مزرعه تا مصرف خانوارها را دارد. مناسبانه عمده محصولات زراعی و باغی به دلیل عدم رعایت شرایط صحیح نگهداری و انبارداری در اثر فساد میکروبی و آلودگی کبکی به صورت ضایعات از دست می‌روند که خسارت‌های اقتصادی فراوانی را به همراه دارد. ایران در منطقه خشک جهان قرار دارد بنابراین متوسط بارش براساس گزارش‌های فائو بین ۲۵۰ تا ۲۶۰ میلیمتر در سال است، در حالی که این عدد در جهان بین ۸۰۰ تا ۸۶۰ میلیمتر است.

تغییرات شدید آب و هوایی و به تبع آن خشکسالی بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران را طی سالیان گذشته با مشکل تولید محصولات کشاورزی مواجه کرده است، برخی عوامل مانند عوامل طبیعی (خشکسالی و سیلاب) و عوامل اقتصادی و سیاسی (تحریم‌های اقتصادی و نوسانات بازار) بر تولیدات کشاورزی در ایران تاثیر گذاشته‌اند. به همین دلیل، رشد کشاورزی در این دهه دچار نوساناتی شده است. آمار ایران در رشد کشاورزی در ۱۰ سال گذشته به شکل کلی متغیر بوده است. در برخی سال‌ها رشد مثبت و در برخی سال‌ها کاهش داشته است. با این حال، به طور متوسط، تولیدات کشاورزی در ۱۰ سال گذشته افزایش یافته است. محصولات کشاورزی تنها سهم ۵/۵ درصدی از صادرات کشور داشته است، این در حالی است که براساس آخرین گزارش بانک مرکزی، کشاورزی در ایران بزرگ‌ترین بخش اقتصادی پس از بخش خدمات است که حدود ۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی و ۲۶ درصد از صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین محل اشتغال ۲۳ درصد از شاغلان کل کشور است و بیش از ۸۰ درصد غذای کشور در این بخش تامین می‌شود.

موانع کشاورزی ایران کمبود منابع آبی، پراکندگی

موهبت‌های خدادادی ایران، باعث ایجاد مزیت‌های رقابتی ویژه در صنایع غذایی ایران شده است. تامین غذا به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان، از اهمیت بسیاری برخوردار است و تولید غذای کافی و سالم در سطح جهان امروزه به یکی از چالش‌های اصلی انسانی تبدیل شده است. به علت افزایش جمعیت و نیاز روزافزون به تامین غذای کافی، کشاورزی به عنوان مهم‌ترین منبع تامین غذا در جهان به شمار می‌آید. به عنوان مثال، طبق آمارهای سازمان ملل، جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ به ۹/۷ میلیارد نفر می‌رسد و نیاز به افزایش تولید غذا از منابع کشاورزی بسیار زیاد می‌شود.

علاوه بر این، کشاورزی در تامین امنیت غذایی جامعه‌ها، بهبود سلامت جامعه، توسعه اقتصادی و حفظ محیط‌زیست نیز نقش بسزایی دارد. ایران با توجه به پتانسیل‌های زیاد منابع طبیعی، اقلیم گوناگون و همچنین پوشش گیاهی و جانوری منحصر به فرد، یکی از کشورهای است که در تولید محصولات کشاورزی و غذایی، جایگاه ویژه‌ای دارد. طبق آمارها ایران حدود ۱۲ میلیون هکتار کشت زراعی و ۲/۵ میلیون هکتار اراضی باغی دارد.

ظرفیت‌های کشاورزی ایران در بخش‌های مختلف به دلیل وسعت بالای مناطق زیر کشت، شرایط آب و هوایی و تنوع محصولات، ظرفیت بالایی در صادرات دارد و با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها و ایجاد زیرساخت مناسب، بهره‌وری، امکان تامین محصولات کشاورزی و غذایی همسایگان را خواهد داشت.

براساس آمارهای فائو، ایران در مجموع ۶۸ محصول کشاورزی دارای رتبه جهانی دارد و در تولید ۲۰ محصول کشاورزی طی سال ۲۰۲۱ از رتبه‌های تکریمی در جهان برخوردار بوده است.

ایران در تولید ۲۰ محصول کشاورزی از جمله محصولات مهمی مثل زعفران، انار، گردو، پسته، خرما و عسل، سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی ملل متحد از رتبه‌های ۲ تا ۹ ایران در تولید ۲۰ محصول مهم کشاورزی جهان خبر داد. همچنین ایران در صادرات محصولات غذایی مانند خشکبار و محصولات لبنی در جهان شناخته شده است.

براساس آمارهای موجود بیش از ۱۰ درصد از ارزش‌افزوده بخش صنعت کشور از تولیدات صنعت غذایی تامین می‌شود و صادرات محصولات تبدیلی کشاورزی و مواد غذایی ایران حدود ۵/۵ میلیارد دلار است.



## بهره‌وری و توسعه‌یافتگی

توسعه‌یافتگی جزو آموال و اهداف هر حکمیتی است البته حکمیت‌هایی که به دنبال فراهم آوردن رفاه و آسایش در تمام ابعاد زندگی برای شهروندان خود هستند. لازمه اصلی این مهم، تولید ثروت در کشور است و در نهایت دستیابی به توسعه اقتصادی است. برای کشوری چون ایران که هم از نظر منابع داخلی در مشکلات و تنگناهای زیادی است و هم در بعد خارجی با مشکلات گسترده‌ای همچون انواع تحریم‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، قطعاً نمی‌تواند از ابزار سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی استفاده حداکثری کند و باید از ابزار مهم و ارزشمند بهره‌وری برای تولید ثروت استفاده کند. در این مقاله سعی خواهد شد تا به عنوان نمونه برخی شاخص‌ها در حوزه میزان بهره‌وری در کشورمان ارائه شده و سپس به راهکارهای لازم اشاره کنیم. به عنوان مثال در برنامه پنجم توسعه، سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی ایران ۳۰ درصد تعیین شده و در برنامه ششم نیز مقرر شد رشد سالانه بهره‌وری معادل ۲/۸ درصد باشد اما در طول اجرای این برنامه‌ها هیچ‌کدام از اهداف بهره‌وری محقق نشد. آمارهای منتشر شده توسط سازمان ملی بهره‌وری نشان می‌دهد سهم رشد بهره‌وری از رشد اقتصادی ۶/۲ درصدی در سه ماهه اول سال ۱۴۰۲ حدود ۷۵ درصد بوده در حالی که در برنامه هفتم توسعه این سهم ۳۵ درصد تعیین شده است.



جواد راستی  
پژوهشگر ارشد اقتصاد  
سیاسی توسعه

انقلاب صنعتی در دنیا، تحول بزرگی ایجاد کرد و شکاف بین کشورها را تغییر داد. نسبتی که قبل از انقلاب صنعتی پنج به یک بود، به بعد از آن به نسبت ۴۰۰ به یک، از نظر میزان درآمد سرانه رسید. اینکه چرا مردم یک کشوری به یک درآمد سرانه ناچیز می‌رسند و کشور دیگری با همان امکانات، به درآمد سرانه چند صد برابر می‌رسد، باید این واقعیت را پذیرفت که امروزه علم و فناوری باعث شده است تا پایه زمانی رسیدن به توسعه‌یافتگی یک کشور توسعه‌نیافته، خیلی زیاد نباشد.

به عنوان مثال، انگلستان در انقلاب صنعتی، طی ۵۰ سال درآمد سرانه خود را دو برابر کرد در حالی که چین در دهه اخیر، طی ۱۰ سال به همین هدف دست یافت.

دو راه برای رشد اقتصادی یک کشور وجود دارد: یک راه این است که از منابع و سرمایه بیشتری استفاده کنیم و راه دوم این است که از آنچه داریم بهتر، بهینه‌تر، خردمندانه‌تر و هوشمندانه‌تر استفاده کنیم. آنچه امروز در دنیا، به عنوان مبنای ارزیابی یک جامعه محسوب می‌شود این است که به طور متوسط طی یک بازه زمانی پیوسته، چند درصد رشد اقتصادی داشته و اینکه از چه طریقی به این رشد دست یافته است؛ آیا از طریق هزینه

ما در زمینه نیروی انسانی از بین ۱۴۱ کشور، رتبه ۱۴۰ را به خود اختصاص داده‌ایم که این مساله نشان‌دهنده عدم توجه به وضعیت کشور و هدف‌گذاری اشتباه در سیاست‌های اقتصادی یکپارچه است. در موج اول انقلاب صنعتی نسبت بنیه تولید سرانه موفق‌ترین کشور از نظر اقتصادی به ضعیف‌ترین کشور سه به یک بوده اما این روند در اواخر همان دوره ۴۰۰ به یک می‌رسد. در مرحله تولید ناب، قدرت خلق و متنوع‌سازی تولید با استفاده از ابزار دانش به نکته کلیدی رقابت تبدیل می‌شود.

در بین ۲۰ کشور جهان که بهترین صادرکنندگان جهانی بودند، هشت کشور آسیایی بوده است، چین با ۲۰۲۰ میلیارد دلار اولین صادرکننده و حتی بالاتر از آمریکا، ژاپن با ۷۰۰ میلیارد دلار چهارم، کره جنوبی با ۵۷۵ میلیارد دلار ششم، هنگ‌کنگ با ۵۵۰ میلیارد دلار هفتم، سنگاپور با ۳۰۰ میلیارد دلار چهاردهم و... یکی از مسائل بسیار مهمی که باید به آن پرداخت، مساله بهره‌وری است. اگر قرار است کشور ما از چرخه مسائل و مشکلات خارج شود و قدم در جاده توسعه‌یافتگی بگذارد، بی‌تردید عامل اساسی آن، ارتقای بهره‌وری بنگاه‌های اقتصادی است که می‌تواند کارگشا باشد و لاغیر. نقطه شروع بهبود و اصلاح، تشخیص درست است.

راندمان بهره‌وری از آب ۳۰ درصد است. در شبکه ۸۰ هزار مگاواتی برق، وجود ۸ هزار مگاوات از انرژی آن بیشتر از متوسط دنیا هدر می‌رود. نظام بهره‌وری رشد منفی یا نزدیک به صفر دارد.

از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ حدود ۶۲۱ میلیارد دلار ارز به اقتصادمان تزریق شده ولی محصول این تزریق، بی‌سابقه‌ترین صنعت‌زدایی‌ها در تاریخ اقتصاد ایران بوده است.

مادر استفاده از معادن عملکرد بسیار بدی داشته‌ایم و تا ۷۰ درصد به منابع خود آسیب رسانده‌ایم.

در محدوده زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷ شاخص بهره‌وری کار تنها ۷ درصد افزایش داشته و شاخص سرمایه و شاخص کل عوامل تولید به ترتیب ۹ و ۴ درصد کاهش داشته است. با تحلیل این ارقام مشخص می‌شود که رشد اقتصادی در ایران از نوع منابع محور بوده و در زمینه رشد اقتصادی به واسطه بالا بردن بهره‌وری، غفلت بزرگی شده است.

این موضوع زمانی وخیم‌تر می‌شود که بدانیم از سال ۱۹۷۰ تاکنون سهم بهره‌وری در اقتصاد ایران حدود ۷ درصد بوده و ثابت مانده است. این در حالی است که در یک قدمی ایران، پاکستان رشد ۳۰ درصدی را در همین مدت در همین متغیر تجربه کرده است.



بهره‌وری راضی نشدن به وضع موجود و بهبود مستمر است، در صورتی که کمی دقیق‌تر به کارهایی که انجام می‌دهیم، نگاه کنیم، گاهی بهتر است برخی کارهای غیراثر بخش را تعطیل کنیم و این همان بهره‌وری است.

نه فقط در بخش دولتی، حتی در بخش خصوصی هم به بهره‌وری توجه لازم صورت نمی‌پذیرد و علت اصلی آن هم فراگیر نشدن تفکر بهره‌وری و غالب نشدن دیدگاه و نگرش بهره‌وری بر تصمیمات و اقدامات است، نبود ارتباط منطقی بین نظام آموزشی و نیازهای بازار کار، فقدان انطباق لازم بین شغل و مهارت نیروی کار و نبود ارتباط لازم بین میزان دستمزدها و سطح بهره‌وری از دیگر موانع پیش‌روی بهره‌وری است.

پایین بودن انگیزه نیروی کار برای کار بیشتر و مفیدتر، پایین بودن خلاقیت و نوآوری در کار، در سطح متناسب نبودن دانش تخصصی مدیران، نبود الگوی علمی برای انتخاب مدیران و ارزیابی اقدامات آنان و فقدان رابطه درست تخصیص بهینه منابع، محدودیت منابع و ضرورت استفاده بهینه از آنها از دیگر موانع پیش‌روی بهره‌وری محسوب می‌شود.

پایین بودن توان رقابتی بنگاه‌های اقتصادی، وجود انبوهی از انحصارات در بخش‌های مختلف، وجود تعداد زیاد طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام و طولانی شدن دوره اجرای آنها و در نتیجه نبود امکان خدمات‌رسانی موثر و به موقع به مردم از دیگر موانع پیش‌روی بهره‌وری است. بیشتر این موانع ناشی از متناسب نبودن قوانین و مقررات با وضعیت موجود و فاصله بین قانونگذاری با اجراء است و همین ناهماهنگی مسیر حرکت توسعه کشور را ناهموار کرده است.

در پایان خاطر نشان می‌کنیم که قرن حاضر، قرن اطلاعات و دانایی نامگذاری شده که نشانه بارز و متمایزی از اهمیت و جایگاه دانایی در جهان است و از شما تقاضا دارد به چند نکته‌ای که در ابتدای مقاله عرض کردم دوباره با عنایت و توجه بیشتری مطالعه فرمایید و به این مهم بیندیشیم که آیا برای رفع آنها راهی به غیر از حرکت بر محور دانایی هست؟

نیافته و بدتر هم شده نیازمند تأمل و تحقیق است. در اینجا به یک آمار نگران‌کننده‌ای اشاره می‌کنم: با وجود افزایش سواد، دانش و تجربه جامعه، بهره‌وری کار در ایران در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۵۵ کاهش یافته است و در سال ۱۳۹۵ نیز باز شاهد کاهش ۵ درصدی آن هستیم. این بدین معناست که ما انسان‌های باسواد ولی بدون ایمان و تعهد به وظیفه و شغل و فاقد تخصص تربیت کرده‌ایم.

در سال ۱۹۹۰، سه شرکت تولیدکننده صنعتی در آمریکا حدود ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر پرسنل داشته‌اند. اینها بیشتر شرکت‌های تولیدکننده لوازم منزل و اتومبیل بودند که دارای ۳۶ میلیارد دلار ارزش بازار و ۲۵۰ میلیارد دلار فروش بودند. زمانی که این آمار را با آمار سال ۲۰۱۰ مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که سه شرکت تولیدکننده صنعتی، هم اکنون جای خود را به سه شرکت مهم‌آی‌تی در دنیا داده‌اند. این سه شرکت آی‌تی در کل تنها حدود ۱۳۷ هزار نفر پرسنل دارند. این بدین معناست که تعداد کارکنان از ۲ میلیون نفر به ۱۳۷ هزار نفر کاهش یافته است. این همان مساله بهره‌وری است.

این سه شرکت روی هم در سال ۲۰۱۰، ۲۴۷ میلیارد دلار درآمد دارند و ارزش بازار این شرکت‌ها نیز ۹ تریلیون و ۱۰۰ میلیارد دلار است و در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰، نسبت تعداد کارکنان ۱۰ برابر کاهش پیدا کرده است.

ایران هم همانند بسیاری از کشورهای دیگر مسیر نیل به توسعه قرار گرفته‌اند با چالش‌های متعدد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مواجه است تا بدان پایه که بعضی از این چالش‌ها در آستانه تبدیل به یک بحران جدی قرار گرفته‌اند.

هدف بهره‌وری به حداکثر رساندن استفاده از منابع، نیروی انسانی، سرمایه، مواد خام تولیدی، زمان و انرژی به شیوه‌ای علمی همراه با کاهش هزینه‌های تولید است، باید پذیرفت که بهره‌وری یک تفکر و نگرشی فرهنگی است که در آن انسان، فعالیت‌های خود را هوشمندانه و خردمندانه انجام می‌دهد تا بهترین نتیجه را در جهت دستیابی به اهداف مادی و معنوی به دست آورد.

و مصرف کردن منابع بیشتر بوده است یا از طریق استفاده هوشمندانه از دارایی‌ها یا همان بهره‌وری، اگر برنامه‌های مختلف توسعه و چشم‌انداز کشور را مطالعه کنیم متأسفانه برای رسیدن به رشد اقتصادی ۸ درصدی، برنامه‌ریزی به سمت استفاده از منابع بیشتر و سرمایه‌گذاری سوق داده شده است که تنها منابع داخلی حاصل از فروش نفت کافی نیست بلکه باید سرمایه‌گذاری خارجی نیز انجام شود. این در حالی است که در دنیا و بر اساس تحقیقات ۵۰ ساله ثابت شده است که ۴۹ درصد از رشد اقتصادی یک جامعه از طریق بهره‌وری حاصل می‌شود بنابراین سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی یک کشور نشان‌دهنده میزان توسعه‌یافتگی یک کشور است. متأسفانه کشور ما نیازمند منابع بوده و مبتنی بر کارایی منابع مدیریت می‌شود و نتیجه آن هم این است که به رشد اقتصادی ۸ درصدی نتوانسته‌ایم برسیم. با توجه به آمار و داده‌های موجود، اگر ما از ظرفیت‌های اقتصادی خود به صورت بهینه استفاده نکنیم، منابع لازم برای رشد اقتصادی حتی ۴ درصدی را هم نداریم و در صورت تعلل در این موضوع، شکاف ما با کشورهای منطقه بیشتر و بیشتر خواهد شد.

۸۰ درصد دارایی‌های تولیدی کشور در اختیار سازمان‌ها و بنگاه‌های دولتی، نیمه دولتی و عمومی است؛ یعنی زمانی که در مورد بهره‌وری سرمایه موجود سخن می‌گوییم، مخاطب اصلی ما دولت است نه بخش خصوصی ۲۰ درصد سهم از دارایی‌ها بنگاه‌های دولتی و نیمه‌دولتی باید متحول شوند تا آثار آن به صورت زنجیره‌ای در اقتصاد کشور نمایان شود.

در نهایت اگر به دنبال رشد درون‌زا و پایدار هستیم، بی‌تردید نسخه شفا بخش آن، بهره‌وری است و اینکه چگونه بهره‌وری دارایی‌ها را افزایش دهیم، اصل ۴۴ قانون اساسی تکلیف را روشن کرده است، دولت و حاکمیت باید به بخش خصوصی واگذار کنند تا بتواند از خلاقیت، ابتکار، تدبیر، درایت و انگیزه‌های اقتصادی استفاده کرده و سرمایه‌ها را به گردش درآورده و ظرفیت‌ها را فعال سازد و البته اینکه سیاست‌های اصل ۴۴ چگونه اجرا شده که نه تنها وضعیت بهبود





## امیر ایزدی مدیر عامل و بنیانگذار فدکس:

# کسب و کارها باید پلی به معنای زندگی کاربران باشند

تمایزهای فدکس رفتار بازاریابی آن در جامعه است. همانطور که شاهد هستیم بیلورد و تبلیغات رایجی از فدکس را در جامعه نمی بینید چرا که به دنبال بازاریابی انبوه نیستیم، بلکه به دنبال بازاریابی هدفمند هستیم. بخشی از جامعه را هدف گذاری کرده ایم که متخصصان جامعه هستند، در واقع چرخه های توسعه کشور در فکر و تخصص اینهاست و سالهاست در فرآیند مهاجرت از تعدادشان کاسته می شود. ما می خواهیم به این قشر باشگاه بدهیم.»

مدیرعامل فدکس در پایان در خصوص چالش ها و موفقیت های این شرکت گفت: «در یک سال و نیم گذشته نرخ بسیار پایینی از خروج نیروی انسانی را دارا بودیم و ترندهای بسیار خوبی در طراحی و تولید محصول رقم خورده اما این به راحتی به دست نیامده است. تلاش شبانه روزی، مطالعه و تعامل در تیم کار آسانی نیست. دستاوردهای دیگر روندهای فروش ما بوده است. با اینکه تامین مالی خاصی خارج از شرکت انجام نشده اما روندهای رشد فروش چند صد درصدی برای سال اول فعالیت بسیار جذاب است. امیدواریم با توجه به امکاناتی که در خودمان ایجاد کرده ایم و برنامه های استراتژیکی که با چند بانک تخصصی شرکات داریم به زودی به نتیجه برسد، آثارش را در افزایش سطح کیفیت خدمات فدکس خواهید دید.»

بورسی بودن شرکت، بستر مهم و منحصر به فرد تامین مالی و جذب سرمایه گذار است و از این رو وجه تمایز بسیار مهمی محسوب می شود که فرصت سرمایه گذاری در فدکس مورد اقبال بخش های متنوعی از بانک ها و هلدینگ های بزرگ بوده است.

دستاوردهای رشد کسب و کار و ابعاد مالی شرکت است که اتفاق افتاده است. ما کمتر شاهد آن هستیم که یک استارت آپی در سال اول به اندازه مخارج خود فروش داشته باشد. معمولاً سرمایه گذاران تا سه سال اول به این نقطه امیدوار نیستند.»

سپس مدیرعامل فدکس، چالش های فدکس را مطرح کرد: «آن چیزی که در نقشه راهمان به طور جدی به دنبال آن هستیم معنای عمیق تری از زندگی کاربران است. در واقع ما برای طراحی یک محصول منحصر به فرد می خواهیم کار سخت تری انجام بدهیم و آن ارتباط محصول ما با معنای زندگی است. ما مشکلات خود را با حل مشکلات بزرگ تر حل می کنیم. امروز برای درک معنای زندگی، می خواهیم هوش مصنوعی را در اختیار بگیریم.» ایزدی ادامه داد: «با هوش مصنوعی به دنبال شخصی سازی خدمات برای کاربران فدکس هستیم.»

### فدکس آن باشگاه است که خود زندگی را هدف قرار داده است

مدیرعامل شرکت فدکس در پاسخ به این سوال که منظور دقیق شما از باشگاه سبک زندگی چیست، گفت: «ما برای تعلقات کوچک تری چون کاتارسیس فوتبالی (مشاهده فوتبال) باشگاه خود را داریم، رنگ خود را داریم، شعار، لباس، قهرمان و... این همه فقط برای... اما برای خود زندگی باشگاهی نداریم. زندگی بخش ها و لایه های زیاد و متنوعی دارد. شاید نتوان به عمیق ترین لایه ها نزدیک شد اما می توانیم از حوزه مالی، سفر، خرید، سلامت و مدیریت ثروت شروع کنیم.»

### بازاریابی متفاوت «فدکس»: هر کسی یک باشگاه می خواهد!

مدیرعامل فدکس در این خصوص گفت: «یکی از

شرکت ریل گردش ایرانیان با برند تجاری FADAX، یک پلتفرم پیشرو در عرصه کسب و کار دیجیتال است که تیمی مرکب از جوانی، تخصص و تجربه در اختیار دارد. در مصاحبه اختصاصی «جهان صنعت» با مدیر عامل و بنیانگذار فدکس، از استراتژی ها و جهت گیری های کلیدی فدکس صحبت شد.

تولد فدکس، در مسیری پرپیچ و خم و تحت تقلای برای خلق ممکن شده است. «امیر ایزدی»، مدیرعامل و عضو هیات مدیره شرکت ریل گردش ایرانیان (سهامی عام) با نماد هکرندش، در مورد قصه فدکس و نقطه شروع این شرکت گفت: «شرکت با تملک ۲۰ دستگاه واگن آلمانی از مجموعه فدک تاسیس و کلیه منابع حاصل از پذیرهنویسی صرف بازسازی ۱۳ دستگاه شد که هم اکنون در حال بهره برداری در خطوط ریلی تحت کلاس ۵ ستاره است.» ایزدی در مورد ارتباط صنعت ریلی با مفهوم باشگاه سبک زندگی فدکس گفت: «باشگاه سبک زندگی فدکس، در واقع ادامه رویکرد قطارهای ۵ ستاره فدک به زندگی است که سفر را در «رسیدن» خلاصه نمی کند. فدکس می خواهد ترجمان زنجیره ارزش برای کاربران در زندگی باشد.»

### برای «لحظه» به دنبال معنا و محصول هستیم

ایزدی در رابطه با دستاوردهای فدکس بیان کرد: «اولین و مهم ترین آن این است که فدکس برداشت معقول و دقیقی را از کسب و کار فناوری مالی دارد. از طرفی در فدکس به دنبال معنای زندگی هستیم. در آینده هر محصول و خدمتی از کار خواهد افتاد مگر اینکه با معنای زندگی همراه شده باشد. به همین دلیل در فدکس برای «لحظه» به دنبال معنا و محصول هستیم.

مدیرعامل ایمپاسکو

به مناسبت روز ملی صنعت و معدن

## سرمایه‌گذاری در معدن و صنایع معدنی سر آغاز جهش اقتصادی است



افزایش واگذاری‌ها و مشارکت با بخش خصوصی و فروش محصولات تولیدی، توسعه اکتشافات با تمرکز بر مواد معدنی استراتژیک و ذخایر عمیق و همچنین ارتقای بهره‌وری و افزایش رقابت پذیری در مجموعه شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران شده است.

وی بیان کرد: با افزایش سهم معدن از اقتصاد کشور و جایگزینی معدن به جای نفت، مسیر پیشرفت اقتصادی هموارتر از گذشته خواهد شد. مدیرعامل ایمپاسکو ادامه داد: به منظور توسعه سهم بخش معدن از اقتصاد کشور و در راستای تحکیم گام نخست معدن کاری، با انجام حدود ۱۰۵ هزار متر حفاری اکتشافی در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱ پیشرفت چشمگیری در این بخش داشتیم. وی تصریح کرد: مجموع حفاری اکتشافی شرکت از سال ۹۵ تا پایان ۱۴۰۲ به حدود ۵۰۴ هزار متر و مجموع ذخایر معدنی شرکت به حدود ۴۲۰۰ میلیون تن رسید. کریم‌نژاد درباره عملکرد مالی شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران توضیح داد: با افزایش تولید، درآمد عملیاتی شرکت به لحاظ ریالی نسبت به سال قبل ۷۱ درصد و مقدار فروش ۶۱ درصد افزایش داشته است. وی ضمن اشاره به دستاوردهای شرکت اعلام کرد: در سال مالی منتهی به پایان اسفند ۱۴۰۲ درآمد شرکت به ۱۴ هزار میلیارد تومان، سود عملیاتی ۱۰۵ هزار میلیارد تومان و سود خالص شرکت ۸۰۷ هزار میلیارد تومان رسید.

مدیرعامل شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران خبر داد: در مجمع عمومی شرکت، در راستای استراتژی‌های کلان و افق چشم‌انداز شرکت، افزایش درآمد به مبلغ ۱۸ هزار میلیارد تومان تا پایان سال ۱۴۰۶ برنامه‌ریزی و اعلام شد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در جهت تسهیل ورود سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در بخش معدن، امکان سرمایه‌گذاری در بخش پروانه‌های اکتشافی در سال جدید فراهم شده که این امر فصل جدیدی در سرعت بخشیدن و تسهیل جذب سرمایه در بخش معدن به دنبال خواهد داشت.

مدیرعامل ایمپاسکو گفت: فعالیت‌های شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران در راستای ایده جایگزینی معدن به جای نفت، می‌تواند از ارکان مهم جهش تولید و اقتصاد مقاومتی در حوزه معدن و صنایع معدنی باشد.

به گزارش روابط عمومی ایمپاسکو، خدایار کریم‌نژاد مدیرعامل شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران به مناسبت روز ملی صنعت و معدن توضیح داد: شرکت تهیه و تولید سال گذشته با جذب ۱۳۳۰ میلیارد تومان سرمایه در بخش معدن شامل معادن سنگ آهن چاه باشه ۱ و ۲ و معدن کالامین مهدی آباد با مالکیت ایمیدرو و مدیریت ایمپاسکو و همچنین معدن بوکسیت بوکان سرچاه آباد در توسعه بخش معدن و صنایع معدنی با بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی عملکرد قابل قبولی داشت.

کریم‌نژاد تاکید کرد: واگذاری‌های ایمپاسکو و ایمیدرو با هدف جذب و هدایت سرمایه‌های بخش خصوصی در حوزه معدن و صنایع معدنی، بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی و بند ت ماده ۳۵ قانون رفع موانع تولید انجام شده و در سال جاری نیز با قوت دنبال خواهد شد.

وی به عملکرد درخشان شرکت در بخش بازرگانی اشاره و تصریح کرد: عرضه و فروش مستمر محصولات در بورس کالا، بازاریابی و فروش قابل توجه مواد معدنی سرب و روی انگوران، رشد حدود ۴۰ درصدی فروش سنگ آهن ایمیدرو، تغییر رویه فروش فیزیکی شمش طلای موته به صورت گواهی سپرده و افزایش بیش از ۵ برابری فروش محصول طلا، شروع فرایند پذیرش بورس جهت فروش شمش‌های نقره مجتمع موته اصفهان و کنسانتره فسفات اسفوردی و... از جمله فعالیت‌های بازرگانی ایمپاسکو در سال گذشته بود.

وی ادامه داد: شرکت تهیه و تولید در سال ۱۴۰۲ بیش از ۷۹۲ هزار تن محصولات خود را در بورس کالا عرضه و به فروش رسانده است. کریم‌نژاد عنوان کرد: دستاوردهای قابل توجه ایمپاسکو طی سال گذشته منجر به افزایش سودآوری و رشد درآمدها به خصوص از طریق



سرپرست معاونت حمل و نقل و وزارت صنعت، معدن و تجارت خبر داد

## بالا و پایین خودروسازی

فاطمه امیر احمدی - سرپرست معاونت حمل و نقل وزارت صنعت، معدن و تجارت گفت: وزارت صنعت، معدن و تجارت امسال حداقل ۵۰ هزار خودرو برقی و ۵۰ هزار خودرو بنزینی در برنامه واردات دارد که براساس بازار تقاضا این عدد قابل افزایش است. به گزارش «جهان صنعت»، صنعت خودرو با بیش از نیم قرن فعالیت در کشور همچنان در دوران طفولیت قرار دارد و نتوانسته همزمان با تحولات جهانی حرکت رو به جلو داشته باشد. خودروسازان همچنان وابستگی بسیار داشته و به تولید همراهِ با کپی‌کاری ادامه می‌دهند؛ کپی‌هایی که چند دهه از تولیدات جدید جهانی عقب‌تر هستند. یکی از چالش‌های این صنعت، اقتصادی نبودن تولید در سایتهای خودروسازی است. سید محمد بحرینیان یکی از تحلیلگران و پژوهشگران حوزه صنعت در باره چالش‌های خودروسازی عنوان می‌کند: راه‌اندازی سایتهای خودروسازی با سایر صنایع ندارد و بدون چشم‌انداز و برنامه و بحث آمایش بوده است. جدا از مسائل دیگری که صنعت خودرو کشور با آنبوهی از آنها دست‌به‌گریبان بوده و بسیاری از دولت‌ها به لحاظ خرید محبوبیت برای خود، هزینه‌های سنگین به این صنعت تحمیل کردند. این سایتهای داخلی و خارجی دستاوردی برای اقتصادی شدن این صنعت و ارتقای توان و درون‌زا شدن فناوری برای کشور نداشته‌اند. در نتیجه چنانچه در کشور معنا و مفهومی ندارد و همین نحوه عمل موجب بی‌برنامگی و نابرابری اجتماعی شده است و ما را به نتیجه نمی‌رساند. این در حالی است که امروز بخشی از تولید ناخالص ملی کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند آمریکا، فرانسه، آلمان، کره جنوبی و چین مربوط به صنعت خودرو آنها می‌شود.

سامانه یکپارچه اعلام شده و دیگر نیازی به عرضه مستقیم در سامانه یکپارچه نیست.

### پیش‌بینی واردات ۱۰۰ هزار خودرو

آقای با اشاره به تامین بخشی از نیاز بازار توسط خودروهای وارداتی اظهار کرد: موضوع دیگر در خصوص وضعیت صنعت خودرو در سال جاری، مساله واردات خودرو است که از اوایل سال گذشته سرعت بیشتری گرفته و خودروهای CVU و خودروهای برقی به تدریج وارد کشور می‌شود.

سرپرست معاونت حمل و نقل وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کرد: براساس گزارش‌ها، حدود ۳۳ هزار نفر به صورت و کالتی در بانک‌ها متقاضی خودرو هستند که در این بخش خودرو وارد شده و در حال انتخاب بوده و به مرور تحویل می‌شود.

وی با اشاره به برنامه امسال وزارتخانه تصریح کرد: وزارت صنعت، معدن و تجارت امسال حداقل ۵۰ هزار خودرو برقی و ۵۰ هزار خودرو بنزینی در برنامه واردات دارد که براساس بازار

که در دستورالعمل تنظیم بازار خودرو انجام و از سوی شورای رقابت اعلام شد، طبق ماده ۵ فکر می‌کنم بند ۳ این ماده، عرضه خودرو به طور مستقیم از سامانه خودروسازان انجام می‌شود. در ادامه ضروری است جهت اطلاع پس از قرارداد به سامانه یکپارچه خودرو اطلاع‌رسانی شود بنابراین وزارت صنعت، معدن و تجارت به طور مستقیم وارد حوزه ثبت‌نام خودرو نمی‌شود.

وی افزود: براساس رصد انجام شده خودروسازانی که به شکل مونتاژی فعالیت دارند در آنجا چون صف متقاضی وجود ندارد ثبت‌نام و فروش خودرو به صورت فراخوان‌های دوره‌ای انجام می‌شود که از طریق سامانه همان شرکت‌های خودروسازی پیگیری می‌گردد.

این مسوول دولتی در ادامه سخنان خود عنوان کرد: دو خودروساز بزرگ کشور هم براساس تقاضاهایی که وجود دارد فراخوان داده و پس از قراردادهای که در سامانه این شرکت‌ها منعقد می‌شود جهت جمع‌آوری اطلاعات به

صنعت خودرو و به دنبال آن قطعه‌سازی به اندازه هزینه‌ای که می‌کنند درآمد مفید و مستمر نداشته و هزینه‌های سربار آن که به مولفه‌های زیادی از جمله نیروی مازاد انسانی، تیراژ تولید قطعات، ماشین‌آلات فرسوده و... برمی‌گردد سبب شده تا قیمت آن نسبت به کیفیت این محصولات بسیار بالا باشد.

بازار خودرو ایران بکر و پرتقاضا بوده و این فرصتی طلایی برای خودروسازان داخلی به‌شمار می‌رود؛ فرصتی که تبدیل به دلالتی شده و خودرو از کالایی مصرفی به کالایی سرمایه‌ای تبدیل شده است.

در حالی که سال‌هاست از واگذاری سهام دولتی شرکت‌های خودروساز صحبت می‌شود همچنان این صنعت دولتی بوده؛ اگرچه برخی کارشناسان تاکید دارند چالش صنعت خودرو به دولتی و خصوصی بودن آن بر نمی‌گردد.

احمد آقایی، سرپرست معاونت حمل و نقل وزارت صنعت، معدن و تجارت درباره برنامه‌های صنعت خودرو گفت: براساس آخرین تغییراتی

براساس رصد انجام شده خودروسازانی که به شکل مونتاژی فعالیت دارند در آنجا چون صف متقاضی وجود ندارد ثبت‌نام و فروش خودرو به صورت فراخوان‌های دوره‌ای انجام می‌شود که از طریق سامانه همان شرکت‌های خودروسازی پیگیری می‌گردد



شرکت‌های داخلی  
از توانمندی تولید  
اتوبوس برقی به  
صورت مونتاژی  
برخوردار هستند.  
تکنولوژی و فناوری  
اصلی یعنی باتری  
خودروهای برقی  
اعم از اتوبوس و  
تاکسی، در ابتدای  
تولید از طریق  
واردات تامین  
می‌شود تا به  
مرور شرکت‌های  
دانش‌بنیان به این  
حوزه ورود کنند

موتورسیکلت برنامه‌ریزی شده است. وی با بیان اینکه حدود ۴۰ شرکت فعال در این صنعت فعالیت دارند، اعلام کرد: در حال حاضر ۱۲/۵ میلیون موتورسیکلت در کشور تردد دارند که آمار قابل توجهی از این موتورسیکلت‌ها فرسوده هستند بنابراین تاکید داریم در بخش جایگزینی متقاضیان به سوی موتورسیکلت‌های برقی تشویق شوند. وی اظهار کرد: برنامه وزارت صنعت، معدن و تجارت تولید حداقل ۴۰۰ هزار موتورسیکلت برقی است و این موضوع از طریق شرکت‌های بخش خصوصی و با حمایت وزارتخانه انجام می‌شود. گفتنی است قیمت در بازار موتورسیکلت دستوری نبوده و نرخ براساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود.

#### ■ برنامه برای نوسازی فرسوده‌ها چیست؟

سرپرست معاونت حمل‌ونقل و وزارت صنعت، معدن و تجارت توضیح داد، حدود ۲۱ میلیون سواری در کشور وجود دارد که حدود ۱/۳ میلیون آنها فرسوده بوده و باید نوسازی شوند. همچنین از ۲۲ هزار اتوبوس درون‌شهری حدود ۱۸ هزار اتوبوس فرسوده و از رده خارج هستند که آمار قابل توجهی است.

آقای در پایان گفت: پیش‌بینی شده اگر سفارش‌گذاری مناسبی انجام شود در مدت یک برنامه پنج‌ساله خودروهای نو جایگزین فرسوده‌ها شوند که کم‌اینکه با توجه به مصوبه اسقاط خودرو در ۲۸ اسفند سال گذشته برنامه مناسبی برای جایگزینی اتوبوس، مینی‌بوس، سواری و موتورسیکلت‌های فرسوده با توجه به عمر آنها با نرخ مناسب پیش‌بینی شده است.

منابع ارزی آن از سهمیه وزارت صنعت، معدن و تجارت و بخشی دیگر نیز از طریق منابع بانک مرکزی تامین خواهد شد.

#### ■ اتوبوس برقی از تولید تا واردات

سرپرست معاونت حمل‌ونقل و وزارت صنعت، معدن و تجارت اظهار کرد که ظرفیت و توان تولید سالانه ۱۰۰۰ اتوبوس برقی در کشور ایجاد شده اما تولید آن نیازمند سفارش‌گذاری توسط شرکت‌های حمل‌ونقل است.

وی گفت: برخی شرکت‌های داخلی از توانمندی تولید اتوبوس برقی به صورت مونتاژی برخوردار هستند.

تکنولوژی و فناوری اصلی یعنی باتری خودروهای برقی اعم از اتوبوس و تاکسی، در ابتدا تولید از طریق واردات تامین می‌شود تا به مرور شرکت‌های دانش‌بنیان به این حوزه ورود کنند البته در حال حاضر یکی، دو شرکت داخلی شروع کرده‌اند. آقای بیان کرد: تولید اتوبوس برقی به دلیل شرایط قیمت باید براساس سفارش‌گذاری انجام شود. اگر سفارش‌گذاری صورت بگیرد وزارت صنعت، معدن و تجارت نسبت به موضوع تامین و تخصیص ارز اقدام می‌کند.

#### ■ پیش‌بینی تولید ۴۰۰ هزار موتورسیکلت برقی

این مسوول دولتی در حوزه صنعت خودرو در ادامه سخنان خود به موضوع تولید موتورسیکلت پرداخت و یادآور شد: در حال حاضر در این بخش از تولید چالشی وجود ندارد زیرا سال گذشته حدود ۶۰۰ هزار موتورسیکلت در کشور تولید شد. امسال هم برای تولید یک میلیون

تقاضا این عدد قابل افزایش است. این مسوول دولتی یادآور شد: آمارها نشان می‌دهد زمانی که کشور محدودیتی در بحث واردات خودرو نداشته بیشترین واردات مربوط به سال ۱۳۹۷ بوده که پس از برجام حدود ۱۰۵ هزار خودرو سالانه وارد کشور شده است بنابراین پیش‌بینی این است با همین عدد بازار به تعادل رسیده و عطش این بازار رفع شود. آقای به دیگر برنامه‌های این وزارتخانه پرداخت و گفت: در محصولات داخلی هم تمرکز ما بر خودروهای با قیمت مناسب‌تر برای دهک‌های پایین است. در این راستا حدود ۸۰ درصد تولیدات خودروسازان مربوط به خودروهای اقتصادی مقرون‌به‌صرفه است که عموم مردم بتوانند از این ظرفیت استفاده کنند.

#### ■ خبر خوش به جانبازان

یکی از برنامه‌های امسال وزارت صنعت، معدن و تجارت در حوزه خودروهای خارجی، واردات خودرو مخصوص جانبازان است. در این باره عنوان شده پس از انجام تست‌های فنی جهت برقراری وب سرویس فی‌مابین وزارت صنعت، معدن و تجارت و بنیاد شهید در اسرع وقت راه‌اندازی می‌شود.

هم‌اکنون وب سرویس بنیاد شهید و سامانه جامع تجارت در اختیار سازمان فناوری اطلاعات قرار گرفته است و این سازمان ضمن تایید اتصال این دو وب سرویس مقرر کرد در اسرع وقت امکان تبادل اطلاعات فراهم شود.

گفتنی است پس از تکمیل ثبت سفارش و نهایی شدن میزان ارز مورد نیاز، بخشی از





## قطعه‌سازی و استراتژی بقا

«جهان صنعت» - کارشناسان صنعت با اشاره به تهدید بقا و توسعه منابع کشور از جمله صنعت قطعه‌ها عنوان می‌کنند، چینی‌ها روی فرش قرمز پهن شده با ارز ارزان‌تر از بازاری که به دست‌شان دادند، می‌آیند تا صنعت قطعه و خودرو را قورت دهند و به گونه‌ای دانه می‌پاشند که کسی راه مقابله نداشته باشد. به گزارش «جهان صنعت»، صنایع بالادستی حکم واژه‌ها را برای نوشتن کتاب و به عبارتی تولید محصول نهایی در صنعت دارند. خودروسازی یکی از صنایع استراتژیک در جهان بوده که بخشی از تجارت جهانی را به خود اختصاص داده است. در این راستا اهمیت صنعت قطعه اگر بیشتر از خودروسازی نباشد کمتر هم نبوده به طوری که شاهد هستیم برخی کشورها پیش از آنکه خودرو ساز باشند، قطعه‌ساز بوده‌اند. صنعت قطعه ایران دارای چه وضعیتی است و آینده آن چگونه برآورد می‌شود؟ آرش محبی‌نژاد، دبیر انجمن تخصصی همگن نیرو محرکه و قطعه‌سازان خودرو کشور در این باره گفت: صنعت قطعه وابسته به مولفه‌هایی است که پیرو سیاست‌های کلی صنعت خودرو نوشته می‌شود. در حال حاضر صنعت خودرو برای خود نمی‌تواند برنامه‌ریزی کند و سیاست‌گذاری این صنعت توسط نهادهای مختلف انجام می‌شود. حداقل ۲۳ نهاد ذخیل در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر صنعت خودرو در کشور وجود دارد که با یکدیگر هم هماهنگ نیستند.

را متوقف می‌کند؛ هر چند تا آن زمان صنعت قطعه متحمل خسارت‌های سنگینی خواهد شد.

### ■ ظرفیت تولید و آینده مبهم

محبی‌نژاد با اشاره به چشم‌انداز کوتاه‌مدت این صنعت ادامه داد: با توجه به ظرفیت موجود قطعه‌سازی متأسفانه شاهد بدتر شدن شرایط تولید هستیم. به عنوان مثال در چند سال اخیر تیراژ تولید کاهش پیدا کرد زیرا تامین مالی نشد. حتی در تامین مواد اولیه داخلی هم کمبود داشتیم. این در حالی است که دولت‌ها حداقل کاری که می‌توانند برای صنایع داشته باشند تامین و تکمیل زیرساخت‌ها به ویژه در حوزه انرژی است.

وی با اشاره به قطعی برق در تابستان و گاز در زمستان ادامه داد: کمبود منابع انرژی و سوخت فسیلی چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای در کوتاه‌مدت متصور نیست اما در میان‌مدت با تغییر رویکرد سیاست‌گذاری در حوزه قطعه‌سازی و خودروسازی و شاید هم با تغییر مدیران صنعتی کشور که با تیم رییس‌جمهور جدید می‌آیند شاید یک عقلانیت و تدبیر مضاعفی به وجود آید و شکل‌های بخش خصوصی به بازی گرفته شوند.

تقریباً در ابتدای اجرای برنامه کلان توسعه صنعت خودرو حدود هشت سال پیش آغاز شد یعنی عمق ساخت داخل ۲۰ درصد هر خودرو در ابتدا ساخت و رسیدن به حداقل ۷۰ درصد پس از سه سال، پیشرفتی در این صنعت نخواهیم داشت.

وی اضافه کرد: اگر این داخلی‌سازی توسط سرمایه‌گذار داخلی و خارجی اجرا نشود و اینکه در صورت عدم تحقق، تولید خودرو موردنظر تعطیل یا تولیدکننده مشمول جریمه‌های سنگین تعرفه‌ای شود آینده صنعت قطعه روشن نخواهد بود. در حال حاضر هم با توجه به کمبود منابع شدید ارزی از یک‌سو و فضای کسب‌وکار حاکم بر تولید داخل و البته انقباضی شدن فضای کسب‌وکار و انقباضی عمل کردن نظام بانکی نه فقط در تولید بلکه در تجارت شاهد بدتر شدن شرایط فعالیت برای صنعتگران از جمله قطعه‌سازان هستیم.

دبیر انجمن تخصصی همگن نیرو محرکه و قطعه‌سازان خودرو کشور تأکید کرد: البته معتقدیم این وضعیت دوام نخواهد داشت و بالاخره یک خرد جمعی و تدبیری، دیر یا زود در بدنه دولت و مجلس این مساله

محبی‌نژاد بیان کرد: تمرکزی را در حوزه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی در این صنعت شاهد نیستیم و همانطور که بارها تکرار شده، تصدی‌گری دولتی باید جای خود را به سیاست‌گذاری بدهد که محقق نشده است بنابراین چون سند بالادستی مدونی برای صنایع کشور نداریم، با تغییر دولت‌ها و مجلسی‌ها مسیر حرکت توسعه در حوزه صنایع از جمله خودروسازی و صنعت قطعه روشن و شفاف نیست. در نتیجه بخش زیادی از برنامه‌های صنعتی متأثر از انتخابات ریاست‌جمهوری و احتمالات در تغییر کلان مدیریت صنعتی کشور است.

### ■ همکاری تجاری یا بازار فروش

این کارشناس حوزه صنعت قطعه با اشاره به همکاری اقتصادی ایران و چین ادامه داد: با توجه به قرارداد ۲۵ ساله ایران با چین و حضور پررنگ چینی‌ها در کشور چه برای فروش کالاها و چه برای تهاتر ارزهای ناشی از صادرات نفت ایران که در حال حاضر چین شریک تجاری اصلی ایران است این تهدید و خطر قابل پیش‌بینی است که اگر سیاست‌های درستی در خودروسازی اعمال نشود از جمله سیاستی که

اگر این داخلی‌سازی توسط سرمایه‌گذار داخلی و خارجی اجرا نشود و اینکه در صورت عدم تحقق، تولید خودرو موردنظر تعطیل یا تولیدکننده مشمول جریمه‌های سنگین تعرفه‌ای شود آینده صنعت قطعه روشن نخواهد بود



صاحب خودروسازی  
دولت است یا  
سهامداران؟ در  
واقع این صنعت  
شتر گاو پلنگ حیاط  
خلوت سیاست‌های  
دولتی است که به  
وقت بارکشیدن  
شتر است، به وقت  
ثمر کشیدن گاو  
شیرده می‌شود و  
به وقت سختی و  
بحران باید چون  
پلنگ مبارز باشد

به حال خودش نمی‌سوزد چگونه دلش به حال صنعت  
قطعه بسوزد؛ هر چند در شعار حامی قطعه‌سازی  
باشد. صنعت قطعه در این میان با کاسه چه کنم در  
دست که این نامعادله او را سریع‌تر از خودروساز غرق  
می‌کند زمانی که مطالباتش نزد خودروساز با گرمای  
۴۰ درصدی تورم آب می‌شود و اصلاح قیمتش با  
سیاست‌بازی و پس از یک‌سال تاخیر، سودآوری‌اش  
را پاک می‌کند.

#### همکاری شکننده چینی و تهدید بقا

این فعال صنعت با بیان اینکه تا چه زمان  
می‌توان با ساز خودروساز و در میدان او رقصید،  
گفت: دولت زیرساخت تولید را تسهیل نکرده و فقط  
با شعار به میدان آمده است. از یک‌سو به قیمت ارز  
خودرو مهار زده و از طرف دیگر به دلیل مخارج  
سنگین نقدینگی تولید کرده اما این سیاست  
نه فقط منجر به کنترل قیمت‌ها نشده بلکه رانت  
اختلاف قیمت از جیبی به جیب دیگر انتقال یافته  
است. همچنین دمپ قیمت ارز معاملات خارجی  
و واردات را جذاب‌تر کرده تا چینی‌ها را سر این  
سفره سیرتر کند و تولید داخل را حسرت به‌دل‌تر  
تا رقابت در این عرصه برایش محال شود.

کریم‌خان در ادامه گلایه‌های خود از  
سیاست‌گذاری برای صنعت خودرو گفت: چینی‌ها  
روی فرش قرمز پهن شده با ارز ارزان‌تر از بازاری  
که به دست‌شان دادند، می‌آیند تا صنعت قطعه و  
خودرو را قورت دهند و به گونه‌ای دانه می‌پاشند  
که کسی راه مقابله نداشته باشد. به این ترتیب  
تولیدکننده داخلی از کار می‌افتد تا آنها کار کنند.  
با این شرایط طبیعی است که حال صنعت قطعه  
ناخوش باشد و آینده‌اش مبهم؛ نه راه پیش دارد و  
نه می‌تواند پس بکشد و باید برای بقا بجنگد.

استفاده کنند. همانطور که این بخش توانمندی و  
حسن‌نیت خود را در دوران تحریم نشان داد و تولید  
متوقف نشد، این حماسه با تلاش مضاعف منجر به  
رقم خوردن آینده روشن خواهد شد.

#### قطعه‌سازی و استراتژی بقا

در ادامه بابک کریم‌خان، عضو انجمن قطعه‌سازی  
هم درباره وضعیت تولید قطعه گفت: افزایش تورم  
تا مرز ۴۰ درصد در هزینه‌های تولید و عدم امکان  
اعمال این افزایش در فروش قطعات تعادل دخل و  
خرج قطعه‌سازی را به هم زده و تولید در این صنعت  
را زیان‌آور کرده است. صنعتی که امکان افزایش  
قیمت تا مرز تورم را نداشته باشد روزبه‌روز ضعیف‌تر  
شده و محکوم به مرگ تدریجی است.  
وی عنوان کرد: عمده‌ترین مشتریان صنعت قطعه،  
خودروسازانی با زیان انباشته هستند. آنها مجبورند تا  
این زیان و سرمایه سوخته را با تسهیلات گران‌قیمت  
تا مرز ۳۵ درصد بهره‌های سیستم بانکی کشور نزول کنند  
تا با دست خود بانک‌ها را چاق‌تر و صنعت خودرو را  
تکیه‌تر کنند.

#### صاحب صنعت خودروسازی کیست؟

این فعال صنعت با بیان اینکه صاحب صنعت  
خودرو کیست، ادامه داد: صاحب خودروسازی دولت  
است یا سهامداران؟ در واقع این صنعت شتر گاو  
پلنگ حیاط خلوت سیاست‌های دولتی است که به  
وقت بارکشیدن شتر است، به وقت ثمر کشیدن گاو  
شیرده می‌شود و به وقت سختی و بحران باید چون  
پلنگ مبارز باشد و روی پای خود بایستد اما در واقع  
باید گفت این صنعت بی‌صاحب بوده چون صاحبی  
که سود و زیان مالش علی‌سویه باشد صاحب مال  
نیست و قاتل مال است.

وی یادآور شد: صاحب صنعت خودرو که دلش

این کارشناس حوزه صنعت با بیان اینکه  
ظرفیت قطعه‌سازی ایران بسیار بالاست و توان  
تولید سالانه ۲/۲ میلیون خودرو را در صنعت قطعه  
داریم، اظهار کرد: نوسازی تجهیزات و ماشین‌آلات  
پاشنه آشیل صنعت شده و به دلیل محدودیت‌های  
ارزی جلوی ثبت سفارش تمام ماشین‌آلات گرفته  
شده است. با این روند نخواهیم توانست حتی  
در بلندمدت و میان‌مدت خودمان را به سطح  
بین‌المللی برسانیم.

وی تصریح کرد: با قطعه‌سازی طرف هستیم که  
از نظر دانش فنی، تکنولوژی و ماشین‌آلات بسیار  
فرسوده شده و یک اختلاف معناداری با دنیا پیدا  
کرده است. البته با توجه به هوشمندی و توانمندی  
منابع انسانی که این هم در حال کاهش است و  
شاهد مهاجرت افراد متخصص هستیم و می‌توان  
این شکاف را جبران کرد به شرط اینکه اجازه داده  
شود ماشین‌آلات جدید و تکنولوژی دانش فنی  
به‌روز به کشور وارد شود.

محبی‌نژاد یادآور شد: تغییر سیاست‌ها در بخش  
قیمت‌گذاری و تولید اقتصادی می‌تواند منجر به  
رشد صنعتی و بهبود وضعیت تولید در صنایع از  
جمله قطعه‌سازی شود. اما اگر از برنامه‌های تولید  
۱/۷ خودرو عدول شود یا منابع مورد نیاز صنعت  
قطعه در اختیارش قرار نگیرد و فکری به حال  
نوسازی و بازسازی زیرساخت‌ها و ماشین‌آلات  
تولید نشود تولیدکنندگان خیلی هنر کنند وضعیت  
موجود را حفظ کنند.

دبیر انجمن تخصصی همگن نیرو محرکه و  
قطعه‌سازان خودرو کشور اظهار امیدواری کرد  
که صنعت قطعه ظرفیت بالقوه بسیاری دارد اگر  
دولتمردان از نظرات بخش خصوصی و تشکل‌ها





## قیمت گذاری دستوری، سراب سیاستگذار

اقتصاد ایران در نیم قرن اخیر همواره در گیر و دار مفهومی به نام «قیمت گذاری دستوری» بوده است. گرچه این مفهوم در دوره های مختلف و با ادبیات گوناگون از جمله قیمت های تکلیفی، قیمت های توافقی، قیمت های عادلانه بیان شده است ولی در این نیم قرن اخیر و در هر شریایی اعم از اینکه اوضاع اقتصادی در بهترین شرایط بوده یا اینکه به دلایل مختلف از جمله تحریم و جنگ، اوضاع اقتصادی نا بسامان بوده است؛ این مفهوم از صفا اقتصادی کشور بیرون نرفته است. نکته مهم اینکه این موضوع در اوایل دهه ۵۰ و در اوج درآمدهای نفتی کشور مطرح شد و پای بازار سران حرفه ای و غیر حرفه ای را برای کنترل قیمت ها به عرصه اقتصاد گشود. انگیزه ابرازی دولتمردان از ابلغ قیمت های دستوری رساندن کالاهای اساسی با قیمت مناسب به دست مردم و جلوگیری از سودجویی تولیدکنندگان و عرضه کنندگان کالا است تا بتوانند حداقل معیشت مردم را حفظ و رضایت نسبی آنان را به دست آورند. گرچه این موضوع در مقطعی به کالاهای غیر ضروری و غیر اساسی هم توسعه یافته (که سیاستی قابل تامل است) اما جای این سوال باقی است که آیا این انگیزه خیرخواهانه با هدف توسعه عدالت اجتماعی در جامعه با کار بست سیاست قیمت گذاری دستوری، منجر به اهداف خود شده است؟ دستاوردهای کار بست این سیاست در نیم قرن گذشته، برای اقتصاد کشور و معیشت خانوار چه بوده است؟ معایب این سیاق از قیمت گذاری و اثرات آن در اقتصاد کشور و تولید چیست؟ و آیا راه حل جایگزینی برای این مفهوم می توان جست؟



میر اسلام تیموری  
رئیس انجمن صنایع  
فرآورده های لبنی ایران

شده آن ناچیز باشد ولی وجود ارز ترجیحی در بخشی از زنجیره، دستاویزی برای قیمت گذاری همه کالاهای مصرفی شده است.

در مقطعی این قیمت گذاری از کالای اساسی و ضروری عبور کرده و همه کالاهای را بر می گیرد مستقل از اینکه این کار قابلیت اجرایی دارد یا خیر، ولی آنچه مهم است، قیمت گذاری کالاهایی است که مستقیم با مصرف کننده نهایی در ارتباط است و فشار حداکثری دولت نیز برای کنترل این گونه محصولات است. دولت گرچه در مقطعی ادعای آن را دارد که باید همه اقلام را قیمت گذاری کند ولی عملاً نه امکان اجرا و نه امکان کنترل آن را دارد.

۱- اولین تناقض در اعمال سیاست قیمت گذاری دستوری در همین جا بروز می کند دولت قیمت محصول نهایی را کنترل می کند بدون آنکه بتواند قیمت کالاها و خدمات متشکله آن محصول در زنجیره تولید را قیمت گذاری و کنترل کند. بدین ترتیب تولید کننده با یک نامعاده مواجه است. قیمت نهادهای تولید در حال افزایش است ولی قیمت محصول نهایی ثابت است و این به معنی کاهش حاشیه سود یا افزایش حاشیه زیان برای تولید کننده است. جواب دولتمردان در مقابل این پارادوکس به تولید کنندگان این است که مواد اولیه را

عمل مشاهده کرد در اثر این سیاست و با کاهش قدرت خرید مردم و نیز عدم تبعیت عرضه و تقاضا و بازار از سیاست های دستوری، نارضایتی عموم مردم به دلیل برآورده نشدن توقعاتشان از حاکمیت در کنترل قیمت کالاها که در تضاد با شعارها و وعده های دولتمردان بوده، در همه سال های گذشته رو به فزونی بوده است.

وجود تورم های دو رقمی در نیم قرن اخیر و رکورد شکنی آن در سال های اخیر به بالای ۴۰ درصد نشانگر عدم موفقیت دولتمردان در مسیر کنترل بازار از طریق قیمت گذاری دستوری بوده است. در این نوشتار سعی خواهد شد که اشکالات و معایب و تبعات قیمت گذاری دستوری با تاکید بر صنعت غذا و بالخصوص صنعت لبنیات ایران به عنوان یکی از مهم ترین صنایع غذایی کشور به شکلی خلاصه پرداخته شود.

اولین موضوع در قیمت گذاری دستوری، کالاهای هدف است. این اقلام عمدتاً شامل کالاهایی است که احاد جامعه به صورت مستقیم مصرف کننده آن هستند نان، لبنیات، روغن، شکر، بنزین، شیر خشک نوزاد و مانند اینها، مثال هایی از این دست کالاها هستند ضمن اینکه دولت برای کالاهایی که تولید آن از ارز ترجیحی یا یارانه دولتی بهره مند می شود قائل به قیمت گذاری دستوری است. حتی اگر نقش ارز ترجیحی یا یارانه در قیمت تمام

با نگاهی به آنچه در نیم قرن اخیر در فضای اقتصادی کشور رخ داده می توان گفت که پاسخ به این سوالات منفی بوده و قیمت گذاری دستوری نتوانسته است به اهداف خود برسد و کفه مضرات آن برای مصرف کننده، دولت و تولید کننده همواره بیش از کفه منافع آن سنگینی کرده است. با این حال اما نکته قابل توجه این است که تمام دولت ها با دیدگاه های مختلف اقتصادی با قوت و ضعف، همواره این سیاست را در دستور کار خود داشته اند و با وجود اینکه به صورت ضمنی از اشتباه بودن این رویه یاد کرده اند ولی در عمل به انجام آن مقید بوده اند.

به نظر می رسد دلیل اصلی در باره عدم تجدیدنظر دولت های مختلف در اعمال این سیاست به کسب رضایت اقدشار مختلف جامعه توسط سیاستگذاران بازمی گردد. انگیزه ای که در کنار جذابیت خود متکی به تامین منافع گروه های ذی نفع و ذی نفوذ در بدنه حاکمیت و همچنین عامه پسند بودن این سیاست از طرف همه طبقات جامعه مورد حمایت بوده است.

با این حال آنچنان که اشاره شد وجود نیت خوب دولتمردان برای بسط عدالت اجتماعی از طریق قیمت گذاری دستوری مترادف با مثبت بودن نتایج این سیاست نمی تواند باشد. آنچنان که می توان در

دولت قیمت محصول نهایی را کنترل می کند بدون آنکه بتواند قیمت کالاها و خدمات متشکله آن محصول در زنجیره تولیدش را قیمت گذاری و کنترل کند

اگر عرضه کمتر از تقاضا باشد باعث خرید این محصولات صف تشکیل شود و این آغاز چرخه رانت و فساد است. هر کسی که امکان ارتباط موثرتری با تامین‌کننده داشته باشد، می‌تواند سهم بیشتری از این محصول را به خود اختصاص دهد

تولیدکننده به همه طبقات یارانه پرداخت می‌کند و این یارانه به همه دهک‌های جامعه تعلق می‌گیرد بدون اینکه استحقاق دریافت این یارانه را داشته باشند. واضح است که هر چقدر مصرف بیشتر باشد یارانه بیشتری به مصرف‌کننده هم تعلق خواهد گرفت. طنز ماجرا این است که دولت به محصولاتی بیشتر یارانه می‌دهد که بعضاً به مصرف طبقات مرفه‌تر جامعه می‌رسد برای مثال شیر کم‌چرب در سبد مصرف طبقات مرفه برای حفظ رژیم غذایی جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع توان خرید بیشتر یک شهروند مرفه به او این امکان را می‌دهد که عملاً یارانه بیشتری را دریافت کند. در حالی که هدف دولتمردان از قیمت‌گذاری دستوری استفاده بیشتر و مصرف بیشتر طبقات کم‌درآمد بوده است.

۷- پیامد بعدی در قیمت‌گذاری دستوری حذف نوآوری تولید محصولات است دولت برای کنترل بازار و در مسیر قیمت‌گذاری دستوری، نگاهی منفی به تولید محصولات جدید دارد چرا که این محصولات را راه فراری از قیمت‌گذاری دستوری خود می‌داند. این کار نه تنها رشد تولید را متوقف می‌کند بلکه انواع نوآوری‌ها را به چالش می‌کشد. صنعت لبنیات در دنیا به منظور افزایش سرانه مصرف که توسط دولت‌ها نیز از آن حمایت می‌شود، انواع نوآوری‌ها را تغییر نوع ظرف، طعم، افزودنی‌ها، احجام و ترکیبات را در دستور کار خود دارد تا بتواند نسبت به افزایش سرانه مصرف لبنیات و حفظ سلامت آحاد جامعه اقدام کند. موضوعی که با قیمت‌گذاری دستوری به حاشیه رانده می‌شود.

۸- چنانچه قبلاً بیان شد شرکت‌های تولیدکننده دارای اندازه‌های مختلف، تولیدات متفاوت و تکنولوژی‌های متنوعی هستند که می‌توانند محصولات مختلفی را تولید و به بازار عرضه کنند. قیمت‌گذاری دستوری (وابسته به اینکه چند درصد از تولیدات یک شرکت را شامل شود) چالشی جدی برای تولیدکنندگانی ایجاد می‌کند که حجم بیشتری از کالاهای مشمول قیمت‌گذاری دستوری را تولید می‌کنند.

شرکت‌هایی که عمده محصولات آنها مشمول قیمت‌گذاری دستوری است نه تنها جوابگوی ساهمداران خود برای تامین حداقل سود نخواهند بود بلکه در عرصه رقابت هم بازی را به شرکت‌های رقیب واگذار خواهند کرد در همین ارتباط عمده‌تادولت با شرکت‌های صاحب نشان تجاری معتبر و ملی سروکار دارد چون به اشتباه تصور می‌کند با کنترل شرکت‌های بزرگ و ملی می‌تواند بازار را کنترل کند در حالی که انجام این کار خلاف رقابت آزاد است و به رشد زیرزمینی اقتصاد منجر می‌شود.

۹- پیامد بعدی در قیمت‌گذاری دستوری تفکیک محصولات تولیدی است. دولت با قیمت‌گذاری دستوری عملاً تولیدکننده را مجبور به رعایت حداقل‌های استاندارد و کیفیت در تولید می‌کند ولی آیا شرکت‌های با برند تجاری بسیار معتبر می‌توانند از این قاعده پیروی کنند؟ جواب سوال قطعاً منفی است. این بدین معنی است که شرکت‌های تولیدکننده جهت حفظ حرمت و اعتبار نشان تجاری خود هرگز از تولید با کیفیت مطلوب خود کوتاه نمی‌آیند و این به معنی غیراقتصادی‌تر شدن تولید محصول با کیفیت است.

۱۰- در قیمت‌گذاری دستوری هیچ نگرش مثبتی بر موضوع تحقیق و توسعه وجود ندارد. در این روش قیمت‌گذاری صرفاً مواد اولیه و بسته‌بندی و هزینه‌های ملموس در محاسبات لحاظ می‌شود و هیچ ردپایی از دانش و تحقیقات دیده نمی‌شود، همچنان که از سال‌ها خوشنامی و کیفیت مطلوب محصولات یک شرکت که برای آن هزینه‌های گزافی شده است و اعتماد مردم به آن جلب شده است اثری وجود ندارد.

رخ می‌دهد:

الف- اگر عرضه کمتر از تقاضا باشد باعث خواهد شد که برای خرید این محصولات صف تشکیل شود و این آغاز چرخه رانت و فساد است. هر کسی که امکان ارتباط موثرتری با تامین‌کننده را داشته باشد، می‌تواند سهم بیشتری از این محصول را به خود اختصاص دهد و چون کارگزار تامین‌کننده متوجه مابه‌التفاوت قیمت محصول عرضه شده با ارزش واقعی آن هست انتظار دارد بخشی از مابه‌التفاوت را مستقیم یا غیرمستقیم دریافت کند و این به معنی فساد است و دریافت‌کننده هم با این کار رانت را به خود اختصاص می‌دهد. ارز دولتی، لاستیک دولتی، آرد دولتی، تسهیلات ترجیحی و هر آنچه عنوان دولتی را به عنوان پسموند خود دارد مشمول همین قضیه است. رانت و فساد دو روی یک سکه هستند و ذی‌نفعان نفوذ بسیار زیادی در سیستم‌های دولتی و بخش‌های خصوصی دارند که هرگز راضی به حذف قیمت‌گذاری دستوری نیستند.

ب- اگر تقاضا کمتر از عرضه باشد، تولیدکننده محصول براساس قانون عرضه و تقاضا با قیمت دستوری هم نخواهد توانست محصول خود را بفروشد و مجبور خواهد شد با تخفیف و پروموشن و اشتباهیون مشتری‌را راضی به خرید کند. این کار عملاً سودناپذیر محصولات با قیمت‌گذاری دستوری را از بین برده و فروش آنها را با زبان مواجه خواهد کرد. در این شرایط هیچ راهکار موثری برای نحوه جبران خسارت تولیدکننده پیش‌بینی نشده است. در شرایط بند الف (عرضه کمتر از تقاضا) ده‌ها متولی و ناظر وجود دارد ولی برای بند ب دریغ از یک حامی.

۴- پیامد نادرست بعدی در ارتباط با قیمت‌گذاری دستوری، ابلاغ مبنی بر درج قیمت مصرف‌کننده روی بسته‌بندی است. با وجود اینکه بنا به تصریح قانون نظام صنفی درج قیمت از وظایف واحد صنفی در محل عرضه محصول است ولی دولت، شرکت‌های تولیدی را به درج قیمت روی بسته‌بندی موظف کرده است. این کار عملاً این احساس نادرست را به مصرف‌کننده منتقل می‌کند که کل مبلغ مندرج روی بسته‌بندی به جیب تولیدکننده می‌رود در حالی که از این مبلغ بخشی به سیستم توزیع و فروش، بخشی به واحد صنفی و ۱۰ درصد به دولت تعلق (برای محصولات با مالیات بر ارزش افزوده) دارد.

۵- نکته مهم بعدی در ارتباط با بند قبلی عدم امکان انتقال تخفیفات به مصرف‌کننده نهایی و عدم امکان رقابت مثبت بین واحدهای صنفی برای کاهش واقعی قیمت است. به طور مثال درحالی که تولیدکنندگان محصولات لبنی برای کسب سهم بیشتر فروش و بازار با هم در حال رقابت هستند و سود این رقابت می‌تواند با اجرای درست قانون درج قیمت مصرف‌کننده توسط فروشگاه‌ها به سود مصرف‌کننده تمام شود، دولت عملاً رقابت در بخش فروش را با الزام تولیدکنندگان به درج قیمت محصولات، سرکوب کرده است. این سرکوب رقابت باعث شده تا بخش فروشگاهی کشور به خصوص در خرده‌فروشی‌ها سود تضمین شده‌ای داشته باشند بدون اینکه بر سر ارائه خدمات بهتر با هم به رقابت بپردازند و حاصل این رقابت به سود مصرف‌کننده هم در کسب خدمات بهتر و هم قیمت مناسب‌تر کالا باشد. ارائه تخفیفات اغواکننده و گمراه‌کننده از طرف بعضی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای حاصل این سیاست غلط است.

۶- نکته مهم دیگر در ارتباط با قیمت‌گذاری دستوری، ناعادلانه بودن تخصیص یارانه به همه طبقات اعم از فقیر و غنی است. وقتی محصولی با قیمت سرکوب شده و غیرواقعی عرضه می‌شود عملاً دولت از جیب

گران‌نخریدولی قدر مسلم این است که گران‌نخریدن در شرایط عدم تعادل عرضه و تقاضا به معنی نخریدن است و نخریدن مواد اولیه نیز به معنی عدم تولید و تعطیلی واحد تولیدی و ورشکستگی آن خواهد بود.

برای مثال در تولید محصولات لبنی به جز شیر خام که مشمول قیمت‌گذاری دستوری است، سایر مواد و خدمات مانند محصول پتروشیمی، کارتن، مایه ماست، پودر کائوچو، شکر و همچنین قطعات بدکی مورد مصرف در صنعت، برق، گاز و نیروی انسانی متخصص مورد استفاده قرار می‌گیرد که یا تابع قیمت‌های اعلامی دولت نیستند یا اصولاً در دایره قیمت‌گذاری قرار ندارند. یعنی با وجود ادعای دولت مبنی بر کنترل و نظارت بر قیمت این دست از مواد اولیه و خدمات، عملاً قیمت‌گذاری دستوری بر آنها امکان‌پذیر نیست. تولیدکننده در حالی که محصول نهایی‌اش با قیمت دستوری کنترل می‌شود که مواد اولیه مورد استفاده در تولید کالای نهایی همواره رو به افزایش است. همان‌طور که اشاره شد دولتمردان در مواجهه با این وضعیت به تولیدکننده توصیه می‌کنند که گران‌نخرید و این توصیه در شرایط عدم تعادل عرضه و تقاضا به معنی نخریدن و در نتیجه تولید نکردن و تعطیل کردن واحد تولیدی است!

سوالاتی که باقی می‌ماند این است که آیا این قیمت‌گذاری‌های دستوری برای زنجیره‌های بعدی ارزش هم حاکم است؟ و اگر به دلایلی تولیدکننده نتواند محصول را با این قیمت بفروشد یا خریدار با این قیمت حاضر به خرید آن نباشد آیا می‌توان انتظار داشت که اراده‌ای بر اجبار مصرف‌کنندگان به خرید با این قیمت وجود داشته باشد؟ و نیز اینکه ضرر تولیدکنندگان ناشی از قیمت‌گذاری دستوری را چه نفعی جبران خواهد کرد؟ یادآوری اتفاقی که برای مرغ و تولیدکنندگان آن در سال قبل و برای تخم مرغ در سال جاری رخ داد، مثالی واقعی در موضوع فوق است.

۲- مشکل دوم زمانی برای تولید کالایی با قیمت‌گذاری دستوری رخ می‌دهد که مواد اولیه و لوازم بسته‌بندی یا خدمات مورد نیاز برای تولید آن با کالایی مشتری‌کاست که مشمول قیمت‌گذاری دستوری نیست. اگر مواد اولیه، لوازم بسته‌بندی یا خدمات مورد نیاز به اندازه کافی باشد، تعارضی در ارتباط با تولید کالایی با قیمت دستوری با تولید کالایی با قیمت غیردستوری پیش نخواهد آمد اما اگر با کمبود مواد اولیه و ملزومات بسته‌بندی یا خدمات مواجه شویم و رقابت برای خرید مواد اولیه صورت گیرد، عملاً با توجه به حاشیه سود پایین محصولات با قیمت‌گذاری دستوری در مقایسه با محصولات با قیمت‌گذاری غیردستوری، تولید محصولات گروه اول غیراقتصادی‌تر شده و اولویت تولیدکنندگان تولید محصولات غیردستوری خواهد بود و این خلاف فلسفه قیمت‌گذاری دستوری مبنی بر تامین این محصولات برای اقشار ضعیف جامعه است. به خصوص اینکه تولیدکنندگان محصولات با قیمت‌گذاری دستوری الزاماً همان تولیدکنندگان محصولات با قیمت‌گذاری غیردستوری نمی‌باشند. خطوط تولیدی شرکت‌های مختلف برای محصولات گوناگون طراحی شده است به گونه‌ای که سهم محصولات قیمت‌گذاری می‌تواند صد درصد کل محصولات تولیدی یک شرکت را در برگیرد یا اینکه حتی یک عدد از این محصولات را می‌تواند شامل نشود. در این شرایط است که شرکت‌های تولیدکننده محصولات دستوری هر روز ضعیف‌تر و ضعیف‌تر می‌شوند زیرا امکان رقابت در تامین مواد اولیه و لوازم بسته‌بندی یا خدمات را ندارند.

۳- مشکل بعدی در شیوه قیمت‌گذاری دستوری در صورت عدم تعادل عرضه و تقاضا محصولات مربوطه

۱۱- دولت برای تحقق قیمت گذاری دستوری آیین نامه‌ای را تحت عنوان قیمت گذاری کالاهای تولید داخل در سال ۱۳۸۹ توسط سازمان محترم حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان تهیه و در سال ۱۴۰۳ آن را با اصلاحاتی مجدداً منتشر کرده است. گرچه در عمل این دستورالعمل بالاخص در بخش سود مورد نظر اجرایی نشده است و همواره با چانه‌زنی‌های مختلف و دستورات ستاد تنظیم بازار و برخلاف نظرات کارشناسی، قیمت‌ها با حداقل سود، تهیه و ابلاغ شده است ولی اشکالات عدیده‌ای در تهیه و اجرای آن وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

\* در قیمت گذاری دستوری آنچه ملاک است اطلاعات پیشینی شرکت‌ها است در حالی که قیمت تمام شده یک کالا بر مبنای واقعیت‌های زمان تولید آن محاسبه می‌شود. تحولات اقتصادی و افزایش هزینه‌ها بالاخص در اقتصاد ایران در مقاطع مختلف سال رخ می‌دهد ولی قیمت محصولات یک بار در ابتدای سال و البته با تاخیر تعیین می‌شود. مواردی از جمله افزایش قیمت نهاده‌ها و هزینه‌های مختلف که طی سال دیده نشده است، آن حداقل سود را نیز می‌بلعد ولی چون قیمت تعیین شده است هیچ نهاد و سازمانی خود را مسوول و پاسخگو در مقابل زیان و عدم‌النفع تولیدکننده نمی‌بیند!

این روش هیچ مبنای واقعی ندارد و صرفاً برای راضی نگه داشتن آحاد جامعه است در حالی که تولیدکنندگان و کارکنان و کارگران شاغل هم جزئی از آحاد جامعه هستند و تجربه ثابت کرده است قیمت گذاری دستوری رضایت هیچ طبقه‌ای اعم از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان در کل زنجیره ارزش را به دنبال نداشته است (در همین ایام قیمت پودر کاکائو از حدود ۴۰۰۰ دلار در هر تن به بیش از ۸۰۰۰ دلار افزایش یافته است در حالی که هنوز تولیدکنندگان محصولات لبنی اجازه تغییر قیمت خود را نیافته‌اند). \* مهم‌ترین ایراد دستورالعمل قیمت گذاری کالا، قیمت گذاری بر مبنای عملکرد مالی شرکت‌ها است که همان روش افزون بر هزینه (COST PLUST) است.

در این روش هر مقدار که هزینه شود به اضافه درصدی به عنوان سود به عنوان قیمت فروش در نظر گرفته می‌شود. این روش عملاً نافی هر گونه بهره‌وری است تغییر ترکیبات مواد مصرفی برای رسیدن به یک محصول مشابه با دیگران با استفاده از روش‌های فناوریانه، مدیریت بهتر سازمان و هر روش کارآمد دیگری منجر به کاهش سود تولیدکننده خواهد شد. ضمن اینکه برآورد قیمت بر عملکرد سال مالی قبل استوار است و تحولات آینده قیمت مواد اولیه و بسته‌بندی و سایر هزینه‌های سربر را لحاظ نمی‌کند و برای محصولات نوپدید دستورالعملی را در نظر نمی‌گیرد.

\* نقش تکنولوژی و اتوماسیون در ساخت یک محصول می‌تواند بسیار متفاوت باشد. محصولاتی که نقش ماشین‌آلات و تکنولوژی در تولید آنها پررنگ است، جهت به روز شدن با دانش امروز، نیازمند به خرید ماشین‌آلات جدید و در پاره‌ای موارد، دانش فنی هستند که این موضوع در قیمت گذاری لحاظ نشده و به استهلاک دارایی‌ها بسنده شده است. در حالی که نرخ استهلاک دارایی‌ها در شرایط اقتصادی باثبات با تورم‌های بسیار پایین منطقی است و در شرایط اقتصادی فعلی اما امکان‌پذیر نبوده و تجمیع استهلاک نیز با توجه به افزایش روز به روز و چشمگیر تورم، جایگزینی ماشین‌آلات را غیرممکن کرده است.

\* عدم همخوانی ضرایب سود و هزینه‌های شرکت‌های بخش مغایر با واقعیت‌های عینی هزینه‌های این بخش است. اگر محصولی در محدوده گروه اول کالایی قرار گیرد ۱۰ درصد هزینه حمل خواهد داشت که اگر متوسط فروش هر کیلو این گروه کالا در صنعت لبنیات ۴۰۰ هزار تومان در نظر گرفته شود ۴۰ هزار تومان هزینه بخش سراسری به آن تعلق خواهد گرفت. این هزینه در گروه دوم و سوم کالایی با متوسط قیمت فروش هر کیلو ۵۰ هزار تومان به ۵/۵ الی ۶ هزار تومان می‌رسد.

\* ضمن اینکه قیمت فروش هر گروه محصولات از قیمت فروش هم مختلف است برای مثال در بخش لبنیات از دوغ هر کیلو حدود ۲۰ هزار تومان تا کره هر کیلو ۳۰۰ هزار تومانی وجود دارد که هزینه بخش آن را به ازای هر کیلو از ۲/۲ هزار تومان تا ۳۶ هزار تومان متغیر می‌کند. مجدداً نیاز به ذکر است که یک تولیدکننده ممکن است سبد کاملی از محصولات را عرضه نکند و فقط یک محصول از ارزان قیمت‌ترین محصول تا گران قیمت‌ترین محصول را در سبد خود عرضه کند. در این صورت هیچ شرکت پخش امکان توزیع کالای ارزان قیمت با حاشیه‌های ارائه شده را نخواهد داشت. عدم تفکیک کالاهای پخشالی، بالای صفر و زیر صفر از کالاهای غیرپخشالی مشکل بعدی در این طبقه‌بندی است. بدیهی است هزینه توزیع و بخش کالاهای پخشالی بیش از کالاهای غیرپخشالی است. به همین خاطر است که صنعت پخش با توجه به هزینه‌های نیروی انسانی و حمل و نقل هر روز در حال از دست دادن همکاران خود است و کاهش مصرف به دلیل افزایش قیمت‌ها کاهش بهره‌وری را تشدید و حاشیه سود را به حداقل ممکن رسانده است.

\* سود واحدهای تولیدی معادل ۱۷ درصد بهای تمام شده کالای ساخته شده شامل مواد، دستمزد و سربر در نظر گرفته شده است و این سود با تشخیص هیات تعیین و تثبیت تا ۴ درصد کاهش یا افزایش می‌یابد. در این مورد ضمن اینکه مبنای کاهش یا افزایش تا ۴ درصد عنوان نشده است، در طول چند دهه اخیر در مورد صنعت لبنیات هرگز این حاشیه سود از ۱۰ درصد از اوایل دهه ۸۰ تاکنون تجاوز نکرده و در یک دهه اخیر هرگز از ۵ الی ۶ درصد فراتر نرفته است. عدم تطابق سود حاصل شده با مقدار ادعایی در دستورالعمل نشانگر واقعی نبودن نحوه قیمت گذاری و عدم پیش‌بینی واقعی هزینه‌ها در دستورالعمل است.

\* در ارتباط با هزینه‌های مالی عدد قابل اعمال در قیمت محصول به هزینه‌های مواد مستقیم مصرفی، معطوف است. گرچه در همین هزینه‌هایی هم به نوع صنعت از جهت نحوه خرید مواد اولیه به صورت پیش‌پرداخت نقدی یا نسبی توجه نشده بلکه به نحوه فروش هم از جهت نقد یا نسبی، امعان نظری صورت نگرفته است.

توضیح اینکه صنایعی به دلایل مختلف می‌توانند با پیش‌پرداخت و قرار دادن مشتریان در صف انتظار محصول خود را بفروشند (فروش مواد پتروشیمی توسط بورس به صورت پیش‌پرداخت صدرصدی) و برخی دیگر مجبور هستند به دلایل دیگری محصول خود را با دریافت وجه با تاخیر چند ماهه عرضه کنند یا محصول مدت زیادی در انبار دیو شود و به فروش نرسد. مشکل اساسی دیگر در این ارتباط هزینه خرید ماشین‌آلات، فناوری و دانش فنی برای صنایع خاص است که در آن هزینه مواد اولیه ممکن است اندک باشد ولی هزینه سرمایه‌گذاری در آن بسیار زیاد است. این موضوع به نوعی دیگر برای کالاهای دستمزد محور هم مطرح است.

\* دولت با گروه‌بندی محصولات مختلف از جهت اساسی و ضروری بودن، نحوه تعیین قیمت گذاری را به عهده سازمان‌های مختلف یا خود شرکت تولیدکننده واگذار کرده است. در مواردی که دولت قیمت‌های تکلیفی را ابلاغ می‌کند بر اساس مفاد قانونی، باید مابه‌التفاوت قیمت ابلاغی با قیمت واقعی و نحوه تامین بودجه برای جبران عدم‌النفع تولیدکننده را بیان کند. موضوعی که در این چند دهه جز برای سازمان‌های دولتی که بر همین اساس محتمل ضرر و زیان شده‌اند، رعایت نشده است و فقط یک نوبت در سال ۱۳۸۶ برای دو شرکت لبنی که ضرر هنگفتی از بابت عدم اجازه افزایش قیمت محتمل شده بودند مبلغ ناچیزی پرداخت شد.

\* چنانچه قبلاً ذکر شد این دستورالعمل هیچ امعان نظری به هزینه‌های نوآوری و تحقیق و توسعه در تولید محصولات ندارد و صرفاً به هزینه مواد اولیه و بسته‌بندی اشاره می‌کند و دانش فنی، خلایق و ابتکار جایی در محاسبات قیمت تمام‌شده محصول ندارد.

\* در این دستورالعمل هزینه‌های سربر، ملاک ۷۰ درصد ظرفیت اسمی یا تولید واقعی همان سال (هر کدام که بیشتر باشد) است. در این مورد هم علاوه بر اینکه بخشی از هزینه‌های سربر ارتباطی به ظرفیت مورد استفاده ندارد، معیار ۷۰ درصد با توجه به تحولات اقتصادی و کاهش مصرف و به دنبال آن کاهش تولید خارج از اراده شرکت‌های تولیدی بوده که باعث می‌شود قیمت تمام شده محصول کمتر از مقدار واقعی آن برآورد گردد.

حاصل تجربیات ۱۰ساله را باید اینگونه خلاصه کرد که قیمت گذاری دستوری مصیبتی برای تولیدکنندگان محصولات اساسی سبد خانوار و سرایی بی‌حاصل و نقض غرض برای سیاست‌گذاری است که مدافع آن هستند و در حالی که انتظار می‌رفت با توجه به ممنوعیت قیمت گذاری دستوری در برنامه هفتم توسعه، این سیاست در نزد متولیان و سازمان‌های مرجع در حوزه قیمت‌لحاظ‌شود، حتی اصلاحات آیین‌نامه قیمت گذاری محصولات ساخت داخل نیز نتوانسته مشکلات اساسی در این حوزه را مرتفع کند.

قیمت گذاری دستوری مناسبات طبیعی بین ذی‌نفعان زنجیره ارزش را از بین برده و «قیمت گذاری کالا» به عنوان یکی از پارامترهای اصلی و اساسی در رشد و تعالی سازمان‌ها و رقابت سازنده بین تولیدکنندگان راز دست مدیران شرکت‌ها خارج و قدرت انعطاف راز آنان سلب می‌کند. قیمت گذاری ابزار رقابت تولیدکنندگان در یک بازار آزاد است در حالی که دولت با قیمت گذاری دستوری این ابزار اساسی را از دست مدیران بنگاه‌ها خارج کرده و اختیار آن را در دست خود گرفته است بدون اینکه اصولاً مسوولیتی در قبال بنگاه‌ها و سود و زیان آنها و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این بنگاه‌ها داشته باشد. موضوعی که به شکل آشکاری حتی با حاکمیت شرکتی و قوانین تجارت جاری در کشور نیز در تعارض قرار دارد.

هرچند فریاد اعتراض بخش خصوصی و تولیدکنندگان کشور از قیمت گذاری دستوری به قدمت نیم‌قرن است که راهی به گوش سیاست‌گذاران کشور نمی‌یابد و امید به شنیده شدن بخش مردمی اقتصاد در ساختار اقتصاد دولتی و ساختار بوروکراتیک آن نیست اما همچنان انتظار از دولت‌مردان و سیاست‌گذاران کشور این است که توجهی جدی به تبعات این سیاست و تاثیر منفی آن بر رشد تولید کشور و کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری و نیز افزایش نارضایتی مردم داشته باشند و در این سیاست شوم یک بار برای همیشه تجدید نظر کنند.



آنچه در چند سال آینده به عنوان هدف‌های صنعت تایلر ایران به صورت تجمیعی یا شرکتی باید دنبال شود نخست ارتقای «بهره‌وری» است. هنگامی که سرانه شاخص‌ها بررسی می‌شود شاهدیم که در مقایسه با شرکت‌های تایلر ساز دنیا، حتی با کشورهای رده دوم و سوم فاصله بسیار است



## باید های فراموش شده صنعت تایلر

آرشا کاظمی - کشور سالانه به ۴۵۰ تن تایلر در گروه‌های مختلف نیاز دارد که ۳۰۰ هزار تن در کشور تولید شده و ۱۵۰ هزار تن نیاز است تا از طریق واردات تامین شود. به عنوان مثال، در حوزه تایلرهای سواری یا همان PCR در سایزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ که بیشتر به سه گروه خودروهای پراید، پژو و سمند اختصاص دارد، بالغ بر ۹۲ درصد نیاز خودروسازان از داخل تامین می‌شود.

به گزارش «جهان صنعت»، تولید در ایران همراه با تحولات روز و دانش نبوده و بیش از علم، تجربه بر واحدهای تولیدی کشور حکمفرما است. این امر سبب شده صنعتگران بر یک رویه سنتی عادت کرده و نسبت به تغییرات مقاومت کنند.

فعالیت صنعت تایلر کشور به پیش از شش دهه قبل برمی‌گردد که نخستین کارخانه راه‌اندازی شد. امروز با گذشت این زمان طولانی سهم ایران از بازار جهانی بسیار ناچیز بوده و حتی در تامین تایلرهای سنگین بیشتر وابسته به واردات هستیم. سعید تقوایی رییس پیشین مرکز تحقیقات صنایع لاستیک ایران با مروری بر صنعت تایلر ایران و آمار تولید کشور گفت: سالانه بالغ بر ۳۰۰ هزار تن در گروه محصول‌های مختلف تایلر تولید می‌شود. به عنوان مثال، در حوزه تایلرهای سواری یا همان PCR در سایزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ که بیشتر به سه گروه خودروهای پراید، پژو و سمند اختصاص دارد، بالغ بر ۹۲ درصد نیاز خودروسازان از داخل تامین می‌شود، البته در سال‌های اخیر برخی واحدهای تولیدی بر نامه توسعه‌ای در تولید رینگ‌های ۱۶ تا ۲۰ رادر دستور کار تولید خود قرار دادند و تا حدی هم می‌توان گفت یک شیب نسبتاً قابل قبولی در تولید تایلرهای گروه ۱۶ تا ۲۰ و به نوعی برای خودروهای SUV در برنامه کاری شرکت‌ها قرار گرفت.

وی با اشاره به تولید تایلرهای خودروهای سنگین افزود: در حوزه تایلرهای باری و اتوبوسی و به اصطلاح رادپال شرکت‌های داخلی حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد نیاز کشور را پوشش می‌دهند و باقی وارد می‌شود. این کارشناس حوزه تایلر با بیان اینکه کل نیاز بازار ایران در این صنعت ۴۵۰ هزار تن است، ادامه داد: با توجه به آمار تولید ۳۵۰ هزار تنی تایلر، نیاز است ۱۵۰ هزار تن وارد شود که سیاست‌های کنترلی بازار نشان می‌دهد بعضاً این توازن به هم خورده و میزان واردات خیلی بالاتر است. به اعتقاد تقوایی ضروری است موضوع تقاضای بازار دقیق‌تر بررسی شود زیرا عواملی چون قاچاق معکوس به خارج از کشور وجود دارد که هزینه زیادی به اقتصاد کشور تحمیل می‌کند.

### ■ سهم ناچیز ایران از بازار جهانی تایلر

رییس پیشین مرکز تحقیقات صنایع لاستیک ایران در ادامه سخنان خود به آمار صادرات کشور اشاره کرد و گفت: بین ۲ تا ۵ درصد محصولات به بازارهای جهانی عرضه می‌شود که رقم قابل ملاحظه‌ای نیست و عمدتاً تایلرهای دوچرخه و موتورسیکلت است. وی اضافه کرد: عمده بار فعالیت در این بخش روی تایلرهای موتورسیکلت و موتورسیکلت‌های کار بوده که تولیدات داخل پاسخگو آن است. تحول زیادی در حوزه صنعت موتورسیکلت ایران رخ نداده، به عبارتی وسایط نقلیه موتوری در کشور در چند یک دهه اخیر تغییری دانشی زیادی نداشتند. تقوایی اضافه کرد: سهم تولید تایلرهای دوچرخه در مقایسه با موتورسیکلت کمتر است زیرا دوچرخه‌های نسل جدید به شکل CKD همراه با تایلر وارد می‌شود.

### ■ چشم‌انداز صنعت تایلر

تقوایی درباره چشم‌انداز این صنعت گفت: سیاست‌گذاری کالای در حد وزارتخانه یا به صورت منفی برای صنعت تایلر تعریف نشده و فقط در سال ۱۳۸۶ چند تن از کارشناسان این حوزه چشم‌انداز این صنعت را در افق ۱۴۰۴ تدوین کردند که هیچ‌گاه مورد توجه قرار نگرفت و پایش نشد. وی با بیان اینکه عمدتاً سیاست‌گذار و حاکمیت به سمت تنظیم بازار و نظارت بر اینکه کمبودی در بازار وجود نداشته باشد، برنامه‌ریزی کرده است، گفت: سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران بیشتر شرایط حال را مدنظر داشتند، البته هر شرکت برای خودش چشم‌اندازی تعریف کرده که در برنامه‌های مورد نیاز کلان صنعت نمی‌تواند موثر باشد.

### ■ «باید» های این صنعت چیست؟

تقوایی در ادامه سخنان خود عنوان کرد: معتقدم آنچه در چند سال آینده به عنوان هدف‌های صنعت تایلر ایران به صورت تجمیعی یا شرکتی باید دنبال شود نخست ارتقای «بهره‌وری» است. هنگامی که سرانه شاخص‌ها بررسی می‌شود شاهدیم که در مقایسه با شرکت‌های تایلر ساز دنیا، حتی با کشورهای رده دوم و سوم فاصله بسیار است. وی افزود: بحث سرانه تولید موضوع مهمی است. بهره‌وری ماشین‌آلات می‌تواند به نوعی ارزش اقتصادی سرمایه‌گذاری و تولید را در صنعت تایلر افزایش دهد. لزوم بازسازی سخت‌افزارها و نرم‌افزارها و اتوماسیون کردن تولید و در نهایت کمک از هوش مصنوعی هزینه‌سربار در بخش ضایعات را کم کرده و بهره‌وری را افزایش می‌دهد.

او گفت: تعمیرات و نگهداری را با نگاه علمی و دقیق‌تر می‌توان دنبال کرد و دیگر اینگونه نیست که از یک ماشین تولیدی آنقدر استفاده کرد تا از کار بیفتد، همچنین بسیاری از عیوب تولید با بهره‌گیری از روش‌های نوین و هوش مصنوعی به حداقل می‌رسد. رییس پیشین مرکز تحقیقات صنایع لاستیک ایران به مساله دوم اشاره کرد و گفت: «بهینه‌سازی وزن تایلرها» باید از دیگر برنامه‌ها باشد. انطباق با استانداردهای بروز شده بین‌المللی باید در دستور کار صنعت تایلر کشور قرار گیرد. البته در حال حاضر این نگاه بیشتر محصول محور بوده و در تولید محصول نهایی مدنظر است که ضرورت دارد به مواد اولیه، فرآیند تولید، خدمات پس از فروش و فرآیند بازاریافت تسری پیدا کند، یعنی باید در کل زنجیره ارزش تایلر استانداردها به‌روز شده و بین‌المللی

باشد. تقوایی یادآور شد: کمتر به این نکته توجه می‌کنیم که میزان انرژی مصرفی، آلایندگی این صنعت در فضاهای درون و بیرون سازمانی و... چقدر است و این موضوع دارای اهمیت بوده و باید در هدف‌گذاری تصمیم‌گیران دیده شود و در دستور کار تولید قرار گیرد. وی به نکته سوم برای ترسیم افق صنعت تایلر اشاره کرد و گفت: کشور ظرفیت خوبی برای صادرات تایلر دارد. بازارهای منطقه‌ای ما، بازار خاورمیانه حدود ۱۱ کشور و در حوزه کشورهای CIS حدود ۱۰ کشور وجود دارد. حدود ۳ میلیارد دلار اندازه این دو بازار بوده که کافی است ۵ درصد از این بازارها را در اختیار بگیریم.

ارز حاصل از صادرات نیازهای ما را در تهیه مواد اولیه از بازارهای بین‌المللی تامین می‌کند. رییس پیشین مرکز تحقیقات صنایع لاستیک ایران با اشاره به اهمیت شناخت بازارهای صادراتی خاطر نشان کرد: تولید رقابتی به ویژه در مقایسه با کالاهای چینی می‌تواند سهم بازار منطقه را به نفع ایران کند که فاصله جغرافیایی کمتری با این کشورها دارد. این کارشناس صنعت تایلر با بیان اینکه نلوگان حمل‌ونقل خودروها به ویژه خودروهای سواری در کشور با شیب تندی در حال تغییر است، تاکید کرد: صنعتگران باید خود را برای این تغییر در امر طراحی و تولید آماده کنند. تایلرهای خودروهایی جدید به لحاظ اندازه، رینگ، ویژگی‌های تایلرها و... متفاوت هستند. لاستیک خودروهای نسل جدید عمدتاً در طبقه‌های فرم‌ساز قرار دارند. تقوایی در پایان افزود: تامین تایلرهای خودروهای الکتریکی می‌تواند از طریق جوینت‌ونچر با شرکت‌های تولیدی کشورهای توسعه‌یافته بین‌المللی باشد یا از طریق ارتقای فناوری در داخل محقق شود.



۲۳ سال سردرگمی دولت و مجلس در مدیریت صنعت حمل و نقل

## کلنگ زنی بی هدف

مریم جلالی - سامان دادن به بخش حمل و نقل نیازمند تعریف یک چارچوب مشخص برای تحلیل، بررسی و کنار هم گذاشتن موضوعاتی چون ظرفیت‌ها و وضعیت موجود بخش‌های ریلی، جاده‌ای، هوایی و دریایی، شناسایی پتانسیل‌های کریدوری و ترانزیتی، اولویت‌بندی طرح‌های عمرانی و زیرساختی و... است تا در نهایت به یک راهبرد کلان و منسجم در این بخش برسیم. از بدیهی‌ترین تبعاتی که نبود این راهبرد به دنبال داشته، می‌توان به کلنگ‌زنی پروژه‌های بدون توجیه و غیراقتصادی اشاره کرد. امروز تعداد این پروژه‌ها به حدود ۵۰۰ مورد رسیده که با اعتبارات موجود تکمیل همه اینها بیش از یک قرن نیاز دارد. به گزارش «جهان صنعت»، صنعت حمل و نقل بر تمام سطوح اجتماعی و اقتصادی تأثیر مستقیم دارد. این صنعت از چندین بخش شامل جاده‌ای، ریلی، هوایی، دریایی و... تشکیل شده که تا همین کنده امنیت در چرخه تولید و نظم اجتماعی است. عنوان می‌شود در قرون ۱۷ و ۱۸ بود که بسیاری از روش‌های جدید حمل و نقل مانند دوچرخه، قطار، اتومبیل، هواپیما، کامیون و... اختراع شد. اهمیت حمل و نقل در ارتباط با انتقال افراد، کالاها و خدمات از یک مکان به مکان دیگر بوده و این فرآیند اساسی برای توسعه اقتصادی، تجارت بین‌المللی و ارتباطات جامعه ضروری است.

حداکثر یک پرواز دارند. همه اینها در نبود این راهبرد و فراهم شدن زمینه لای‌های سیاسی برای تحمیل پروژه‌ها بدون پشتوانه کارشناسی رخ داده است.

این کارشناس اقتصادی در ادامه سخنان خود گفت: از سوی دیگر در دهه گذشته شاهد تنش‌های شدید متاثر از سیاست‌های ناگهانی و دفعی بر صنعت حمل و نقل نیز بوده‌ایم. معضلاتی از جنس اقتصادی همچون صدور بارنامه برخط و الکترونیک، فراهم بودن لجستیک مورد نیاز در حمل کالاهای اساسی از مبدأ بنادر، زمان ارسال کالای اساسی از مبدأ تا مقصد، تحریم، میزان تخصیص یارانه بنزین، قیمت‌گذاری بر لاستیک ماشین‌های سنگین و... که رفته‌رفته بوی امنیت ملی به خود گرفته و تصمیمات اقتصادی و حداکثر اجتماعی را نیازمند تعمیق در مسائل امنیتی کرده است.

وی تصریح کرد: این تجربه تلخ در بخش حمل و نقل کشور، لزوم تدوین هرچه سریع‌تر این راهبرد یا همان سند جامع حمل و نقل را گوشزد می‌کند؛ سندی که باید با نگاه ملی،

در این بخش برسیم. وی افزود: نبود این راهبرد کلان و منسجم، بخش حمل و نقل کشور را با معضلات زیادی مواجه کرده و به دلیل جایگاه مهم این بخش در اقتصاد کشور، سایر قسمت‌های اقتصاد هم از اثرات منفی این معضلات مصون نمانده است.

### ■ کلنگ‌زنی بی هدف

این تحلیل‌گر حوزه اقتصاد با بیان اینکه از بدیهی‌ترین تبعاتی که نبود این راهبرد با برنامه کلان به دنبال داشته است می‌توان به کلنگ‌زنی پروژه‌های بدون توجیه و غیراقتصادی اشاره کرد، گفت: امروز تعداد این پروژه‌ها در کشور به حدود ۵۰۰ مورد رسیده که با اعتبارات موجود تکمیل همه اینها بیش از یک قرن زمان نیاز دارد.

رییس اندیشکده حکمرانی هوشمند اضافه کرد: تعداد پروژه‌های اجرا شده بدون توجیه هم در کشور کم نیست؛ به طوری که از ۱۵ هزار کیلومتر خط آهنی که در کشور وجود دارد نزدیک به ۵ هزار کیلومتر غیراقتصادی و بدون استفاده است. یا فرودگاه‌هایی در کشور ساخته شده که در هفته یک پرواز و حتی بعضا در ماه

سیدطه حسین مدنی رییس اندیشکده حکمرانی هوشمند درباره وضعیت صنعت حمل و نقل کشور در دهه‌های گذشته و ارزیابی قراردادها گفت: حمل و نقل یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشوری است که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر دیگر بخش‌ها اثرگذار است. در کشور ما این اثرگذاری تا ۴۰ درصد برآورد می‌شود اما عجیب آنجاست که تاکنون هیچ کدام از دولت‌ها و مجالس دوره‌های مختلف اراده‌ای جدی برای سروسامان دادن به حمل و نقل نداشته و سال‌هاست قوه مجریه و مقننه در این زمینه سردرگم بوده‌اند.

وی گفت: سامان دادن به بخش حمل و نقل نیازمند تعریف یک چارچوب مشخص برای تحلیل، بررسی و کنار هم گذاشتن موضوعاتی چون ظرفیت‌ها و وضعیت موجود بخش‌های ریلی، جاده‌ای، هوایی و دریایی، شناسایی پتانسیل‌های کریدوری و ترانزیتی، اولویت‌بندی طرح‌های عمرانی و زیرساختی، تناقضات و خلأهای قانونی، تعارضات بین‌دستگاهی و درک مسائل، مناسبات و منازعات بین‌المللی است تا در نهایت به یک راهبرد کلان و منسجم

تعداد پروژه‌های اجرا شده بدون توجیه در کشور کم نیست؛ به طوری که از ۱۵ هزار کیلومتر خط آهنی که در کشور وجود دارد نزدیک به ۵ هزار کیلومتر غیراقتصادی و بدون استفاده است. یا فرودگاه‌هایی در کشور ساخته شده که در هفته یک پرواز و حتی بعضا در ماه حداکثر یک پرواز دارند



آذربایجان با رویکردی کلان‌تر نسبت به ترکیه، به جای سند جامع به سمت قانون جامع حمل‌ونقل رفته است. رویکرد آذربایجان را از آن جهت می‌توان قانون جامع حمل‌ونقل اطلاق کرد چون این کشور علاوه بر تحلیل شبکه، حدود ۲۰ مورد دیگر را هم بررسی کرده است؛ از جمله این موارد می‌توان به ظرفیت‌های کریدوری، وضعیت چین و آمریکا و طرح‌های بلندمدت حمل‌ونقل اشاره کرد

ایمنی، محیط‌زیست، بهره‌وری و... توسط بخش خصوصی دارد.

### ■ پیشنهاد به دولت چهاردهم و راهکار برون‌رفت از وضعیت موجود

مدنی یادآور شد: با توجه به تجربه این کشورها، بهترین راهکار برای پیش بردن اقدامات مربوط به تدوین سند جامع حمل‌ونقل، آغاز کار در سطح وزارت راه و شهرسازی است. بر همین اساس به دولت چهاردهم پیشنهاد می‌شود جهت جلوگیری از ادامه دور باطل ۲۳ ساله که سند جامع حمل‌ونقل کشور گرفتار آن شده است و همچنین پیشگیری از اعمال فشارهای سیاسی و غیرکارشناسی، تدوین این سند را در سطح وزارت راه و شهرسازی آغاز و بعد مسائل و گره‌های بین‌دستگاهی که در بخش محیط‌زیست، صمت و... وجود دارد را حل و در نهایت آن را در هیأت‌وزیران به تصویب رسانده و ابلاغ کند.

وی ادامه داد: حل خلأهای دانشی و تخصصی سند جامع حمل‌ونقل، اضافه کردن بخش‌های مربوط به حکمرانی و دولت الکترونیک، آنالیز وضع موجود و طراحی وضع ایده‌آل و آینده‌پژوهی برای تدوین و تصویب قانون جامع حمل‌ونقل و موارد تخصصی دیگر هم باید از کانال کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی به منظور تدوین و تصویب قانون جامع این حوزه دنبال شود؛ البته مهم است که به لایه‌بندی کلان و ملی، منطقه‌ای، استانی و شهرستانی این سند توجه شود.

رییس اندیشکده حکمرانی هوشمند در پایان گفت: سند جامع حمل‌ونقل باید طوری طراحی شود که امکان بازنگری با توجه به تغییرات تکنولوژی، نیازها و عدم قطعیت‌ها را در خود داشته باشد و خود به‌جای گره‌گشایی از چالش‌های این حوزه بعد از مدتی به یک گره کور تبدیل نگردد.

می‌توان قانون جامع حمل‌ونقل اطلاق کرد چون این کشور علاوه بر تحلیل شبکه، حدود ۲۰ مورد دیگر را هم بررسی کرده است؛ از جمله این موارد می‌توان به ظرفیت‌های کریدوری، وضعیت چین و آمریکا و طرح‌های بلندمدت حمل‌ونقل اشاره کرد.

وی تصریح کرد: آذربایجان بر اساس همه این موارد راهبردهای کلانی را تعریف و با در نظر گرفتن پروژه‌ها و حتی معرفی اجراکننده و سررسید زمانی برای این پروژه‌ها، در راستای قانون جامع گام برداشته است.

### ■ تجربه‌های بزرگ در سیستم‌های حمل‌ونقل بزرگ

رییس اندیشکده حکمرانی هوشمند با اشاره به تجربه کشوری پهناور مانند چین در این حوزه، عنوان کرد: چین هم یکی از کشورهایی است که دارای یک شبکه پیچیده حمل‌ونقلی است.

این کشور برای نظم‌دهی به برنامه‌های حمل‌ونقل خود برنامه‌های توسعه ۵ ساله تدوین کرده و این برنامه‌ها را پله‌پله اجرا می‌کند. یکی از شاخصه‌های چین در برنامه‌های حمل‌ونقل، ارزیابی مستمر و دقیق وضعیت موجود برای تشخیص میزان انحراف از وضعیت ایده‌آل است تا در برنامه‌های بعدی سرعت نیل به اهداف را بهبود بخشیده یا انحرافات را اصلاح کند.

این تحلیلگر مسائل اقتصادی با اشاره به تجربه آمریکا، افزود: آمریکا نیز دارای یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های حمل‌ونقلی جهان است.

این کشور برای مدیریت و توسعه این شبکه حمل‌ونقل سیاست‌هایی کلی تدوین کرده که اجرای آن را شرکت‌های خصوصی بر عهده دارند در مقابل، دولت با شاخص ارزیابی عملکرد دقیقی که تعریف کرده نظارت سفت و سختی بر پیشبرد این سیاست‌ها و برنامه‌های

ترسیم وضع موجود و ایده‌آل و آینده‌پژوهی و پیش‌بینی وضعیت آتی در دستور کار قرار گیرد. همچنین مهم است که در تدوین آن از مطالعات تطبیقی و تجربه کشورهای موفق هم استفاده کرد.

### ■ تجربه‌های موفق جهانی

مدنی با بیان اینکه برای این منظور دو کشور همسایه یعنی ترکیه و آذربایجان و دو کشور پیشرو یعنی چین و آمریکا را بررسی کردیم، گفت: کشورهایی که با تمرکز بر تحلیل شبکه، تصویب قوانین حوزه حمل‌ونقل، ایجاد برنامه‌های زمان‌بندی شده و ارزیابی‌های دقیق و مستمر از وضعیت حال و آینده، پروژه‌ها و اولویت‌های حمل‌ونقلی خود را دنبال می‌کنند و در این زمینه موفق هستند.

وی با اشاره به اقدامات دولت ترکیه در این بخش، ادامه داد: ترکیه در میان این کشورها با تمرکز روی تحلیل شبکه، سند جامع حمل‌ونقل خود را تدوین کرده است. این کشور با این متد، مسیرهای دارای محدودیت را شناسایی و مشکلات آنها را رفع می‌کند. ویژگی خاص سند جامع ترکیه با تحلیل شبکه، ایجاد یک مدل و تدوین سناریو برای پاسخگویی به نیازهای باری و مسافری بر اساس جمع‌آوری و آنالیز مداوم دیتاست.

وی عنوان کرد: ترکیه در این مدل به بررسی ایمنی، بهره‌وری، محیط‌زیست و... هم پرداخته و با آینده‌پژوهی، وضعیت آینده را ترسیم کرده و در آن پروژه‌ها، هزینه‌ها و بازگشت سرمایه نیز پیش‌بینی شده است.

رییس اندیشکده حکمرانی هوشمند در بخشی دیگر از سخنان خود به تجربه کشور آذربایجان پرداخت و گفت: آذربایجان اما با رویکردی کلان‌تر نسبت به ترکیه، به جای سند جامع به سمت قانون جامع حمل‌ونقل رفته است. رویکرد آذربایجان را از آن جهت





## سقوط سرمایه گذاری صنعتی

سرمایه گذاری از مهم ترین متغیرهای کلان اقتصادی به ویژه در بخش صنعت محسوب می شود و متاثر و در ارتباط با سایر متغیرهای پولی، مالی، سیاسی و ساختاری است، با توجه به اهمیت سرمایه گذاری در مباحث اقتصاد کلان و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی کشور اقدامات متعددی با هدف تامین مالی پروژه ها، انتقال تکنولوژی و... انجام شده که از جمله آن می توان به تخصیص اعتبارات خاص، اعطای یارانه، اعطای معافیت های مالیاتی، اجرای طرح ها و پروژه های مهم سرمایه گذاری، تصویب قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی، تصویب قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ اشاره کرد.

۱۴۰۰ رسیده). در بخش واقعی اقتصاد شاخص موجودی سرمایه بخش صنعت در سه سال ۱۳۹۹، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ به طور مرتب کاهش یافته است. هزینه های مصرفی دولت که جزئی از تقاضای کل است، دچار نوسان شدید است و مقدار آن روندی ۲۱۸/۱۲۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۸ به رقم ۱۹۹/۰۸۸ میلیارد ریال کاهش داده و هنوز نتوانسته ایم به رقم سال ۱۳۹۸ برسیم. میزان سرمایه گذاری در اقتصاد به شدت کاهش یافته و اقتصاد می رود تا به شرایط ابر تورم (hyperinflation) و رشد منفی و سقوط کامل نزدیک شود.

ناگفته نماند در این میان نقش بانک ها و واسطه گران مالی از اهمیت بالایی برخوردار است. ترازنامه آنها سرشار از وام های معوق، مشکوک الوصول و سررسید گذشته است که ریسک زیادی را متوجه نظام بانکی و کل اقتصاد نموده، هر چند در نظریه اقتصاد کلان سنتی نقشی برای بانک ها و واسطه گران مالی در نظر گرفته نمی شد اما حالا در قلب نظریه اقتصاد کلان قرار گرفته اند و همه بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸ به اهمیت نقش آنها و نجات سیستم بانکی برای جلوگیری از یک بحران بزرگ دیگر تاکید دارند. نخستین شاخص قابل توجه در این حوزه

تغییری در یکی می تواند اثر سرریزی بر دیگر بخش ها داشته باشد و کل سیستم اقتصادی را متلاطم کند. اگرچه کشور ما یکپارچگی چندانی با اقتصاد جهانی ندارد اما اتفاقا می توان گفت همین جدامانگی، بخش های مالی و اقتصادی را به شدت بیشتری با یکدیگر در پیوند قرار داده و هر نوسانی در یکی، می تواند اثر مهمی بر مابقی اقتصاد و بخش ها و بازارها داشته باشد.

در حال حاضر اقتصاد ایران در وضعیت بسیار نامساعدی قرار دارد. تورم بالا و رکود اقتصادی راه را برای یک بحران جدی مالی اقتصادی گشوده و هر آن احتمال می رود این پدیده ناخوشایند رخ دهد. در این بین بخش بانکی، بخشی که به راحتی می تواند بحران مالی را به بخش واقعی اقتصاد منتقل کند در وضعیت نامساعدی قرار دارد و فشار دولت برای وام گیری از آن زیاد است. تورم تازنده اقتصاد ایران را تهدید می کند (در سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ بانک مرکزی نرخ تورم را به ترتیب ۴۷/۱ و ۴۶/۲ درصد اعلام کرده است) و حجم نقدینگی به سرعت در حال افزایش است. استقرار دولت از سیستم بانکی در سال ۱۴۰۰ افزایش شدیدی داشته است (تنها استقرار از بانک مرکزی به ۱/۷۸۶/۶۰۰، وام های جاری دولت از ۹۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۹ به ۱۲/۲۰۰ میلیارد ریال در سال

در همه این موارد انتظار می رفت بخش صنعت سهم بالاتری از سرمایه گذاری ها داشته باشد.

از سوی دیگر انتظار می رفت جذب سرمایه گذار داخلی و خارجی روند رو به رشدی به خود بگیرد اما به دلیل مسائل و چالش های متعددی همچون مقررات بازدارنده، بالا بودن رتبه ریسک کشور در فعالیت های تولیدی، حاکمیت اقتصاد دولتی، ناکافی بودن بسترها و زیرساخت های فیزیکی، بوروکراسی زائد اداری، وجود ذهنیت های منفی اوضاع اقتصادی و امنیتی کشور، نامطلوب بودن فضای کسب و کار، تحریم های اقتصادی، مسائل و مشکلات جهانی و ناکارآمدی سیستم بانکی این انتظارات محقق نشد. در این گزارش تلاش شده از دریچه بخش پولی - مالی، بخش واقعی و سرمایه گذاری مورد بررسی قرار گیرد.

آنچه در این گزارش تحلیلی از اهمیت بالایی برخوردار است توجه به این مهم است که بعد از بحران مالی بزرگ سال ۲۰۰۸ در آمریکا مشخص شد واسطه گران مالی و بانک ها نقش مهمی در اجرای سیاست پولی دارند. سیاست پولی به طور سنتی بدون در نظر گرفتن نقش این واسطه گران و بانک ها تنظیم می شد اما اکنون وضع فرق کرده است. نکته دوم این که بین کشورها، بخش ها و بازارها مرتباً یکپارچگی افزایش یافته و هر

نقش بانک ها و واسطه گران مالی از اهمیت بالایی برخوردار است. ترازنامه آنها سرشار از وام های معوق، مشکوک الوصول و سررسید گذشته است که ریسک زیادی را متوجه نظام بانکی و کل اقتصاد نموده است



افزایش بدهی‌های  
مشکوک‌الوصول  
دولت به بانکها  
در سال ۱۴۰۰  
به بالاترین میزان  
و افزایش بدهی  
جاری دولت در  
سال ۱۳۹۶ از  
۸۰۰ میلیارد ریال  
به ۱۳۲۰۰ میلیارد  
ریال در سال  
۱۴۰۰ نشان از  
چنگ انداختن دولت  
به منابع بانکی دارد

می‌دهد میزان مصرف دولتی در سال ۱۴۰۰ حتی از سال ۱۳۵۲ نیز پایین‌تر است.

دو متغیر مهم موجودی سرمایه کل کشور و موجودی سرمایه بخش صنعت. دومی در سه سال آخر کاهش داشته و اولی هم می‌رود که کاهش یابد.

در کنار موارد مذکور، دو متغیر از بخش پولی اقتصاد، حجم نقدینگی و دیگری شاخص قیمت مصرف‌کننده. هر دو با شیب بسیار تندی افزایش یافتند که حاکی از نامعلوم بودن سرنوشت درآمدهای ارزی است.

مجموع وام‌های بانکی معوق و مشکوک‌الوصول و سررسید گذشته توام با نقدینگی فزاینده تورم شدیدی به دنبال خواهد داشت مگر آنکه اقدام سریعی صورت گیرد. از نمودارها مشخص است که همه چیز بعد از سال‌های ۸۵-۱۳۸۴ رو به افول گذاشته است.

با مشاهده آمارهای فعلی از مسیر حرکت متغیرهای مهم اقتصاد کلان دریافتیم اقتصاد در وضعیت بحرانی قرار دارد و باید به سرعت اقدام کرد. حجم نقدینگی در اقتصاد به طور افسار گسیخته در حال افزایش است و استقراض دولت از بانک مرکزی نیز با نرخ رشد تندی به بالا می‌رود. اقتصاد در حال رکود تورمی شدید است. این وضعیت اثرات نامطلوب خود را بر سایر بخش‌های واقعی اقتصاد بالاخص سرمایه‌گذاری خواهد گذاشت از این‌رو ضرورت دارد سیاستگذاران راهکارهای مناسبی را بخش پولی و مالی بالاخص کنترل حجم نقدینگی اتخاذ کنند تا بستری مناسب برای رشد بخش واقعی اقتصاد و افزایش سرمایه‌گذاری صورت گیرد.

در چنین وضعیتی بخش واقعی اقتصاد شرایط وخیم‌تری را سپری می‌کند. از سال ۱۳۹۵ سرمایه‌گذاری به بعد کاهش نشان می‌دهد و تولید ناخالص داخلی در سال ۱۴۰۰ به رقم سال ۱۳۹۵ نرسید.

این شرایط وخیم قابلیت درک بیشتری دارد، اگر به آمارهای سرمایه‌گذاری کل توجه کنید که کاهش شدیدی نشان می‌دهد.

سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات بسیار بدتر شده و از سال ۱۳۹۰ به بعد به شدت کاهش یافته است.

آمارها نشان می‌دهد بخش صنعت که این همه برای رشد اقتصادی روی آن حساب می‌کنند در فشار شدید قرار دارد.

اگر این آمارها را در چشم‌انداز تاریخی ۱۴۰۰-۱۳۳۸ در نظر بگیرید. سرمایه‌گذاری چنان سقوط کرده که در سال ۱۴۰۰ حتی از رقم سال ۱۳۵۲ نیز پایین‌تر است.

وقتی اقتصادی بخواد وارد رکود شود اولین متغیری که کاهش می‌یابد سرمایه‌گذاری است یعنی یک جزء مهم تقاضای کل. دومین جزء هزینه‌های مصرفی دولتی است که وضعیت بسیار بدتری را نشان می‌دهد. این متغیر از سال ۱۳۸۵ سقوط کاملی داشته که تا سال ۱۳۹۱ ادامه دارد. یعنی در اوج درآمدهای نفتی و نفت بشکه‌ای ۱۴۰ دلار دولت دومین جزء از تقاضای کل را نیز کاهش داده که ضربه بسیار جدی‌تری به اقتصاد است. این متغیر از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ دچار نوسان است و دولت نتوانسته آن را تثبیت کند.

تصویر باز هم بدتر خواهد شد. اگر همین متغیر را در بعد تاریخی آن نگاه کنید که نشان

بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی است که در سال ۱۴۰۰ به شدت افزایش یافته، همچنین بدهی سیستم بانکی به بانک مرکزی نیز افزایش یافته است که هردوی اینها (متغیرهای مذکور) در پایه پولی وارد شده و سبب افزایش زیاد حجم نقدینگی می‌شود (بدهی شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی نیز افزایش زیادی داشته). به علاوه بدهی مشکوک‌الوصول دولت به سیستم بانکی نیز تا سال ۱۴۰۰ با روند صعودی افزایش یافت. البته بانک مرکزی مطالبات معوق سیستم بانکی از دولت را برای سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ صفر اعلام کرده یعنی دولت مطالبات معوق را تسویه کرده است.

بدهی‌های مشکوک‌الوصول و سررسید گذشته بخش دولتی به سیستم بانکی افزایش زیادی داشته که همه این موارد بانک‌ها را در معرض ریسک شدید قرار داده و در صورت شوک پولی همه آنها از پا در خواهند آمد. شواهد حاکی از آن است به طور کلی بدهی بخش غیردولتی به سیستم بانکی نیز با سرعت زیادی افزایش یافته است.

افزایش بدهی‌های مشکوک‌الوصول دولت به بانک‌ها در سال ۱۴۰۰ به بالاترین میزان و افزایش بدهی جاری دولت در سال ۱۳۹۶ از ۸۰۰ میلیارد ریال به ۱۳۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۴۰۰ نشان از چنگ انداختن دولت به منابع بانکی دارد، در این میان بانک مرکزی نرخ بهره و نرخ سود تسهیلات یک‌ساله را همچنان در سطح ۱۶ درصد نگه داشته که باز هم ریسک‌های بانکی را افزایش داده، با توجه به تورم بالا، گویا دولت می‌خواهد با ایجاد تورم ارزش این بدهی‌ها را کم کرده و سیستم بانکی را نجات دهد.





## رمز ماندگاری در بازار

مهديه پهلوانی - کیفیت، رمز ماندگاری برندها در بازار است. امروز مشتری هنگام خرید دقت می‌کند که محصول مورد نظر استاندارد ملی اجباری را دارد یا خیر. مسائل مربوط به ایمنی یک امتیاز برای خرید است. در حال حاضر گستره این استاندارد اجباری بسیار بزرگتر شده و در حوزه لوازم خانگی باید به کاهش مصرف انرژی اشاره کرد. دولت به طور مکرر تاکید بر کاهش مصرف انرژی دارد که یکی از مسائل کیفی در حوزه صنایع به این مساله مهم برمی‌گردد. هر چه کشوری در حوزه «جهان صنعت»، صنعت یکی از بخش‌های اقتصاد بوده که امروز تعیین‌کننده توسعه اقتصادی و عقب‌ماندگی کشورها محسوب می‌شود. هر چه کشوری در حوزه صنعت به فناوری جدیدتر و نوآوری بیشتری دسترسی داشته باشد در فتح بازارهای جهانی موفق‌تر عمل کرده است. امروز حداقل کشورهای جهان اول و جهان سوم پیشرفت در حوزه علوم است که به طور مستقیم در صنعت این کشورها تاثیر داشته و آنها را به کشورهای صنعتی تبدیل کرده است. صنعت لوازم خانگی یکی از پرتقاضاترین و متنوع‌ترین بازارها بوده که نیازمندی اقشار مختلف شهری و روستایی، ثروتمند و فقیر را در بر می‌گیرد. علیرضا انصاری دبیرکل پیشین انجمن لوازم خانگی ایران و عضو کمیسیون‌های صنعت و نیز کسب و کار اتاق بازرگانی، صنایع، معدن و کشاورزی درباره وضعیت تولید لوازم خانگی در ایران گفت: تولید در دو سطح کمی و کیفی قابل پیگیری است. در حوزه کمی انواع محصولات گرمایشی، سرمایشی، صوتی، تصویری، ماشین‌های شوینده، ظروف و سرویس‌های آشپزخانه را شامل می‌شود و هیچ صنعتی این تنوع محصولی را ندارد.

از وسایل نیز بسیار مهم است و امروز با حذف مرزها انتظار مشتریان افزایش یافته و با نگاه به محصولات در بازار جهانی، محصولی را درخواست و خریداری می‌کنند.

انصاری با اشاره به چالش‌های صنعت عنوان کرد: کمبود نقدینگی یکی از چالش‌های واحدهای صنعتی در چند سال اخیر است. این امر تهیه مواد اولیه را با مشکل مواجه کرده و تامین ارز مورد نیاز برای واردات پروسه طولانی دارد. زمانبر بودن تامین ارز سبب شده تا تولید آسیب ببیند از سوی دیگر تولیدکنندگان مواد اولیه داخلی فروش اعتباری ندارند و حتی باید پول را پیش پرداخت کرد و در ادامه مشخص نیست که مواد اولیه مورد نیاز چه زمانی تحویل شود.

دبیرکل پیشین انجمن لوازم خانگی ایران به مساله دیگر در این حوزه پرداخت و گفت: امروز پدیده شوم قاچاق با توجه به وضعیت بازار، پیگیری جدی‌تر را می‌طلبد. در این راستا ضرورت دارد که لوازم قاچاق معدوم شود نه اینکه در انبار نگهداری شوند. گاهی حتی شاهدیم که این لوازم با نام تجاری غیرواقعی به فروش می‌رسند، در حالی که مشمول عوارض و تعرفه گمرکی نشده‌اند و مالیاتی هم نمی‌دهند.

### انتظارات از دولت

انصاری تاکید کرد: برای کمک به تولید و حمایت از صنایع باید تعرفه واردات مواد اولیه مورد نیاز و قطعات به حداقل برسد. این امر با قیمت رقابتی زمین صادرات را به وجود می‌آورد و سهم بازار ایران را فراتر از کشورهای عراق و افغانستان می‌کند. عضو کمیسیون کسب و کار اتاق بازرگانی، صنایع، معدن و کشاورزی در پایان یادآور شد: بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، دولت موظف است از بخش خصوصی در تامین ارز، تسهیلات ارزان قیمت و... حمایت کند، همچنین پیگیری موضوع قانون بهبود مستمر کسب و کار که در سال ۱۳۹۰ تصویب شد و بسیاری از موارد آن هنوز اجرایی نشده، ضروری است.

شده تا رکود سنگینی بر بازارهای مختلف برقرار باشد، بنابراین اگر نرخ تورم کاهش پیدا کند بازار رونق نسبی می‌گیرد.

### اهمیت گستره استانداردها

انصاری با تاکید بر کیفیت و رمز ماندگاری برندها در بازار یادآور شد: مشتری هنگام خرید دقت می‌کند که محصول مورد نظر استاندارد ملی اجباری را دارد یا خیر. مسائل مربوط به ایمنی یک امتیاز برای خرید است. امروز گستره این استاندارد اجباری بسیار بزرگتر شده و در حوزه لوازم خانگی باید به کاهش مصرف انرژی اشاره کرد. دولت به طور مکرر تاکید بر کاهش مصرف انرژی دارد که یکی از مسائل کیفی در حوزه صنایع از جمله لوازم خانگی به این مساله مهم برمی‌گردد.

عضو کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی، صنایع، معدن و کشاورزی افزود: در حوزه کیفیت «موضوع خدمات پس از فروش» مساله دیگر است. امروز در جهان یکی از میدان‌های رقابت در بازار مربوط به سرویس‌دهی و خدمات‌دهی شرکت‌های تولیدکننده است، اینکه چقدر نسبت به خدمات پس از فروش پشتیبانی وجود دارد.

وی ادامه داد: در بخشی از دوره مصرف خدمات‌دهی رایگان انجام می‌شود و محصولات گارانتی دارند اما خدمات دوره‌ای هم مهم بوده که بازار رقابت را در اختیار کسی قرار می‌دهد که بهترین خدمات را در این بخش داشته باشد. امروز با کاهش تقاضا تولیدکنندگان داخلی سعی دارند بر مدار مشتری‌محوری حرکت کنند که یکی از نکات مهم در حوزه کیفیت است اما تا زمانی که با تورم مواجه هستیم حتی آگهی‌های تبلیغاتی هم پاسخگو نیستند.

### چشم‌انداز آینده

این کارشناس حوزه لوازم خانگی در ادامه سخنان خود عنوان کرد: پدیده تکامل و توسعه در ذات صنعت نهفته است؛ حتی به لحاظ زیبایی و رنگ هنگام خرید، در نظر مشتری، تاثیر بسزایی دارد. سهولت استفاده

انصاری با اشاره به ارزش‌افزودهای که صنعت متنوع لوازم خانگی برای صنایع بالادستی مانند مس، فولاد، آلومینیوم و... ایجاد می‌کند، گفت: خام‌فروشی یکی از معضلات حوزه تولید و تجارت در اقتصاد کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه است، اما فعالیت صنعتی مانند لوازم خانگی سبب ایجاد ارزش‌افزوده برای صنایع بالادستی شده و این امر کمک بسیاری به درآمدهای اقتصادی آنها و در کلان برای کشور می‌کند.

وی اظهار کرد: صنعت لوازم خانگی یکی از ۱۱ رشته شتاب‌دهنده توسعه اقتصادی کشورها در جهان به شمار می‌رود. محصولات این صنعت مورد استفاده تمام اقشار جامعه بوده و ممکن نیست خانواده‌ای پیدا شود که چند قلم از این صنعت را در خانه نداشته باشد، بنابراین کاربردی بودن اقلام این صنعت روستایی و شهری نمی‌شناسد و حتی در ادارات هم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### بی‌اثر بودن آگهی‌های تبلیغاتی در جذب مشتری

انصاری در ادامه سخنان خود به مساله بازار این محصولات متنوع خانگی اشاره کرد و گفت: تیراژ تولید در دو سال اخیر متناسب با تقاضا در بازار کاهش یافته است. بررسی وضعیت تولید هر صنعتی منوط به بررسی بازار آن بوده که عبارت است از وجود مشتری و عرضه بر اساس تقاضا. در حال حاضر عرضه محصولات صنعت لوازم خانگی به وفور انجام می‌شود اما آمار تقاضا نسبت به آن پایین است. گفتنی است در حدود دو سال اخیر تبلیغات و آگهی‌های تلویزیونی در حوزه لوازم خانگی بسیار زیاد شده و نکته مهم، فروش این محصولات با مشوق‌های بسیار است، از جمله پرداخت قسطی با زمان بازپرداخت به نسبت طولانی.

دبیرکل پیشین انجمن لوازم خانگی ایران در این باره اظهار کرد: این حجم تبلیغات به دلیل کاهش تقاضاست که علت آن هم به کاهش قدرت خرید مردم برمی‌گردد. بازار راکد است و نرخ تورم سبب

برای کمک به تولید و حمایت از صنایع باید تعرفه واردات مواد اولیه مورد نیاز و قطعات به حداقل برسد. این امر با قیمت رقابتی زمین صادرات را به وجود می‌آورد و سهم بازار ایران را فراتر از کشورهای عراق و افغانستان می‌کند